

به نامش و به یادش...

عنوان درس

آموزش و طراحی واحد یادگیری مطالعات اجتماعی

Teaching and Designing of Learning unit for Social Studies

(فایل کامل ویدیوی شماره ۱ تا ۳۵)

مدرس دوره

دکتر فهیمه یاری

رشته

آموزگار ابتدایی

تهیه و تدوین

اسرین قادری - هدی موسوی

پودمان اول مهارت آموزان قبولی آزمون سال ۱۳۹۸

(خرداد ماه ۱۳۹۹)

صحبتی دوستانه با خوانندگان عزیز و محترم: نشر این جزوه به نام خودتان یا به نام و آدرس هر کانال یا پیجی کاملاً ممنوع و غیر شرعی است. معلمانی که در تهیه و جمع‌آوری این جزوه تلاش کرده‌اند، از انتشار این جزوه به هر نحوی ناراضی هستند.

اهداف

پیامدهای یادگیری:

در پایان این واحد یادگیری، مهارت‌آموز قادر خواهد بود:

- با مطالعه پیشینه آموزش مطالعات اجتماعی، تحولات این موضوع و ارتباط آن با مباحث اساسی در حوزه آموزش مطالعات اجتماعی را تحلیل و ارتباط آن با نیاز یادگیرندگان در موقعیت اجتماعی محل خدمت خود را گزارش نماید.
- ساختار برنامه درسی مطالعات اجتماعی را تحلیل و نقش نظریه‌های یادگیری، یادگیری در انتخاب و سازماندهی اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و تأثیر آن بر روند یادگیری و انطباق‌سازی فراگیران بر محیط زندگی با کسب مهارت‌های اجتماعی را مشاهده نماید.

ویدیوی اول (معرفی درس و منطق آن)

عنوان درس: آموزش و طراحی واحد یادگیری مطالعات اجتماعی

سرفصل‌های درس از ۲ منبع اصلی گرفته شده است:

- منبع اول کتاب آموزش مطالعات اجتماعی با کد ۶۰۰۰ که دفتر تألیف کتب درسی آموزش و پرورش آن را به چاپ رسانده. لازم به یادآوری است که می‌توانید فایل پی دی اف این کتاب را به همراه فایل پی دی اف کتب درسی مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی پایه‌های سوم تا ششم و کتب راهنمای تدریس و معلم همین پایه‌ها را از سایت دفتر تألیف به آدرس chap.sch.ir دریافت و استفاده کنید.
- منبع اصلی دوم، کتاب مبانی آموزش مطالعات اجتماعی (رشته علوم تربیتی گرایش پیش دبستانی و دبستانی) تألیف دکتر حسین زارع و خانم دکتر نسیم سعید، چاپ ۱۳۹۶ انتشارات دانشگاه پیام نور.

آموزش و طراحی واحد یادگیری مطالعات اجتماعی اساساً برای ما مهارت‌آموزان معلمی چه ضرورتی دارد؟ چرا باید چنین درسی در دوره مهارت‌آموزی ما وجود داشته باشد؟

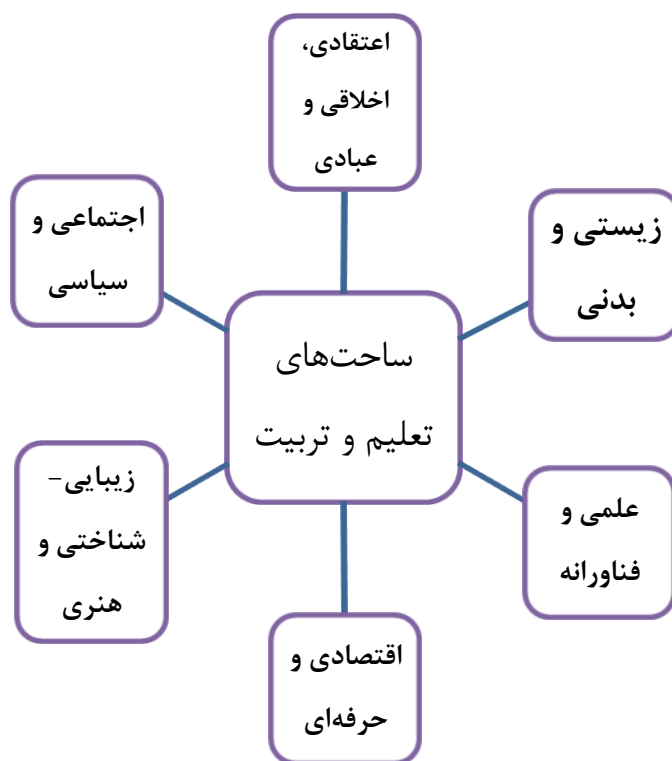
قرار است که ما در مقطع ابتدایی کار کنیم با دانش‌آموزان ابتدایی. امروز اگر ما یک سری مشکلات را در جامعه می‌بینیم؛ اگر میزان نزاع‌های خیابانی زیاد شده؛ اگر افراد سر کوچک‌ترین مسأله درگیر می‌شوند و نمی‌توانند مشکلاتشان را حل کنند، یعنی

یک مشکلی وجود دارد. اما این مشکل به کجا برمی‌گردد؟ به آموزش‌های ما، به آموزش‌های شهروندی ما، به آنچه که ما در مدرسه به دانش‌آموزانمان یاد می‌دهیم. در واقع مدرسه فرصتی است برای این‌که دانش‌آموزان برای زندگی آینده‌شان آماده شوند و خیلی از مهارت‌هایی که قرار است در آینده از آن‌ها استفاده کنند را در این‌جا یاد بگیرند. ما به عنوان معلم وظیفه داریم تا یک بستر و فرصت را برای دانش‌آموزان ایجاد کنیم تا بتوانند خیلی از تجارب را کسب کنند و خودشان را برای زندگی به غایت پیچیده‌ی بیرون آماده کنند. دانش‌آموزان ما نیاز دارند که در خلال آموزش‌های مدرسه‌ای فرصتی را داشته باشند برای به چالش کشیدن ایده‌های خودشان، ایده‌های دیگران و بدانند افراد دیگری هم وجود دارند با نظرات متفاوت و این نباید به تقابل آن‌ها بینجامد.

ما در مدرسه قرار است به دانش‌آموزان نوع دوستی، عدالت، انصاف، مدارا، مذاکره و خیلی از مهارت‌های دیگر را آموزش دهیم. اما چه زمانی می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ زمانی که خودمان بدانیم که نیازهای دانش‌آموزانمان چه چیزهایی هستند و در چه بستر و فرصتی باید این امر را محقق کنیم. در این درس قرار است ما در کنار هم مهارت طراحی یادگیری را تمرین کنیم و به یکی از صلاح‌های معلمی مجهز شویم. به نظر شما مهارت‌آموزان عزیز آیا می‌شود مسافرت رفت ولی نقشه‌ای نداشت و مقصد را ندانست؟! آیا این امکان وجود دارد که برای کاری برنامه‌ریزی کرد اما امکانات، فرصت‌ها، محدودیت‌ها و منابع را نشناخت؟! قطعاً نه.

ما انسان‌ها در طول شبانه‌روز از وقتی که از خواب بیدار می‌شویم تا زمانی که به خواب می‌رویم برای کارهای مختلفمان پیش‌نگری می‌کنیم، برایشان برنامه‌ریزی می‌کنیم، امکان‌سنجی می‌کنیم و آن‌ها را با توجه به نیازهایمان طراحی می‌کنیم. اکنون به نظر شما آیا می‌شود برای یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین کارهایی که بشر در طول عمرش با آن درگیر است (چه به عنوان یاد دهنده و چه به عنوان یاد گیرنده) برنامه‌ریزی نکرد؟! ما در طراحی، نیازهای دانش‌آموزان، امکانات و فرصت‌های محیطیمان را پیش‌نگری می‌کنیم، خواست‌های جامعه‌مان را در نظر می‌گیریم و با کمک اطلاع و آگاهی‌مان نسبت به غایت‌های آموزشی و اهداف کلان نظام سیاسی-اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم همه‌ی این موارد را تنظیم می‌کنیم و در نهایت به یک برنامه آموزشی می‌رسیم.

همان‌طور که در شکل زیر مشاهده می‌کنید ۶ ساحت تعلیم و تربیت برای شما نمایش داده شده:



تربیت اجتماعی و آماده کردن افراد برای زندگی در اجتماع به‌طوری‌که بتوانند به نحو مطلوب، مؤثر و کارآمد در جامعه ایفای نقش کنند یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها، نیازها و چالش‌های تعلیم و تربیت در سراسر دنیاست. اگر بخواهیم در بین اهداف بی‌شماری که نظام‌های تعلیم و تربیت در طول تاریخ بشر و در جوامع مختلف آن را دنبال می‌کنند بگوییم که یکی از مهم‌ترین‌ها کدام است، قطعاً تربیت اجتماعی در صدر قرار می‌گیرد. تربیت اجتماعی یعنی آماده کردن افراد برای زندگی مؤثر در اجتماع به‌طوری‌که در راستای اهداف نظام سیاسی و اجتماعی حاکم حرکت کنند.

اما تربیت اجتماعی به چه معنی؟

تربیت اجتماعی بخشی از تعلیم و تربیت است. وقتی از تعلیم و تربیت صحبت می‌کنیم در واقع درباره‌ی پنانسیل (یک ظرفیت بالقوه و یک توان بالقوه) صحبت می‌کنیم که باید به کمک دیگران به فعلیت برسد تا در سایه‌ی آن دانش‌آموز بتواند به سمت کمال مطلوب انسانی خودش حرکت کند.

وقتی در مورد تعلیم و تربیت صحبت می‌کنیم در واقع جنبه‌های مختلفی را در نظر می‌گیریم. در تعلیم و تربیت ما ۶ جنبه (ساحت) عنوان شده. این ساحت‌ها در واقع حوزه‌های تربیتی‌ای هستند که در آن‌ها نیازهای انسان‌ها به‌صورت هم‌عرض قرار گرفته‌اند. هیچ‌کدام از این نیازها بر دیگری برتری ندارد. همان‌طور که در شکل بالا ملاحظه می‌کنید ۶ ساحت عنوان شده. موضوع مورد بحث ما در بین این ساحت‌ها **تربیت اجتماعی و سیاسی** است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای هر کدام از این ساحت‌ها یک سری اهداف عنوان شده که در واقع برنامه‌های درسی به‌عنوان یکی از عناصر و اجزای آموزش و

پرورش درصدد هستند تا دانش‌آموزان را به سمت دستیابی به این اهداف از پیش تعیین شده سوق دهند. مهارت‌آموزان عزیز لطفاً به نکات زیر (که در پای تخته عنوان شده) توجه کنید:

در مبانی نظری سند تحول بنیادین برای ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی مثل سایر ساحت‌ها، اهدافی عنوان شده. اهداف این ساحت عبارت‌اند از:

- ✓ **بازشناسی، حفظ و اصلاح** آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی
- ✓ **درک مناسب** موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه‌ی خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی
- ✓ **توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران** در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران
- ✓ **برقراری رابطه سازنده و مناسب** با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی
- ✓ **آمادگی جهت تشکیل خانواده** و حفظ و تداوم آن به مثابه مهم‌ترین نهاد تحقق‌بخش جامعه‌ی صالح بر اساس ارزش‌های نظام معیار اسلامی
- ✓ **تعامل شایسته** با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه‌ی صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی
- ✓ **بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی**
- ✓ **مشارکت جمعی مؤثر** در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی

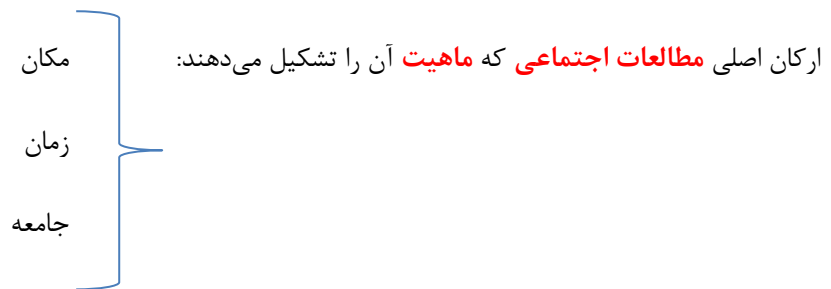
مهارت‌آموزان عزیز در این‌جا با اهداف ساحت تربیت اجتماعی، منطق درس و این‌که چرا باید در دوره‌ی مهارت‌آموزی چنین واحد درسی را بگذرانیم آشنا شدیم. در ادامه در خصوص چیهستی و چرایی مطالعات اجتماعی، ضرورت‌ها و اهداف و رویکردهای آن صحبت خواهیم کرد.

ویدیوی دوم (ماهیت برنامه درسی مطالعات اجتماعی و ویژگی‌های آن)

مطالعات اجتماعی چیست؟

ما به عنوان معلم مطالعات اجتماعی در مقطع ابتدایی باید برنامه درسی مطالعات اجتماعی را به‌صورت کامل و جامع و در تمام ابعادش بشناسیم، نسبت به اهداف و غایات نهایی این برنامه درسی اشراف داشته باشیم، ابزارها، روش‌ها و رویکردهایی را که می‌توانیم برای آموزش و ترتیب فرصت‌های یاددهی-یادگیری این برنامه درسی فراهم کنیم درست بشناسیم و با نحوه ارزشیابی و انواع تکالیفی که می‌توانیم برای دانش‌آموزان در چهارچوب این برنامه درسی طراحی کنیم آشنا شویم. اما قبل از همه‌ی این‌ها باید بدانیم که **مطالعات اجتماعی اساساً چیست؟** در پاسخ به این سؤال لازم است یادآور شویم که مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری از حوزه‌های یادگیری

است که در آن بر تعامل بین انسان‌ها با هم‌دیگر و انسان‌ها با محیط پیرامونشان در جنبه‌های مختلف تأکید می‌شود و تحولات بشر در طول روند زمانی از گذشته تا به حال و امروز مورد بررسی قرار می‌گیرد.



با این ۳ رکن مطالعات اجتماعی به صورت یک کل منسجم ارائه می‌شود.

تاریخچه مطالعات اجتماعی

مطالعات اجتماعی به‌عنوان یک رشته درسی مستقل تاریخچه بسیار طولانی ندارد و می‌توانیم بگوییم که تقریباً یک رشته درسی نوپا است. برای اولین بار توماس جسی جونز در مقاله‌ای تحت عنوان "کارگر در آمریکای جنوبی" عبارت مطالعات اجتماعی را مطرح کرد و آن را به‌عنوان یک حوزه درسی جدید به دنیا معرفی کرد. اگرچه جونز در این مقاله هدفش معرفی یک رشته دانشگاهی جدید نبود و هدفش این بود که مشکل انطباق و مشارکت سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان را در جامعه آمریکا نشان دهد، اما ماه‌عسل این مقاله منجر به شکل‌گیری رشته مطالعات اجتماعی در چهارچوب رشته‌های دانشگاهی و آکادمی شد. در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۷۵ شورای برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مطالعات اجتماعی را به‌عنوان یک حوزه درسی (که درباره انسان و تعاملش با محیط اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و تحولات زندگی بشر در گذشته، حال و آینده و جنبه‌های گوناگون آن یعنی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی بحث می‌کند) معرفی کرد.

تعاریف مطالعات اجتماعی

در تعریف مطالعات اجتماعی باید به این نکته توجه کنیم که به خاطر دیدگاه‌های مختلفی که وجود دارد و نگرش‌های متفاوتی که به این رشته درسی هست همانند سایر رشته‌های درسی تعاریف متعدد و مختلفی هم وجود دارد. باید بر این نکته تأکید کنیم که در تعریف مطالعات اجتماعی هم مثل سایر مفاهیم اجتماعی یک تعریف واحد، جامع و مانع که همه بر سر آن اتفاق نظر داشته باشند وجود ندارد. چرا؟ چون هر یک از متخصصان از منظر و از جنبه‌ای به مطالعات اجتماعی نگاه کرده‌اند و با توجه به دیدگاهی که داشته‌اند آن را تعریف کرده‌اند.

تعاریف موضوع مدار:

یک دسته از تعاریف مطالعات اجتماعی تعاریف موضوع مدار هستند. تعاریفی هستند که به موضوع برنامه درسی اشاره می‌کنند. برای مثال وقتی ما مطالعات اجتماعی را به عنوان حوزه یادگیری‌ای که دانشش را از ائتلاف ۳ رشته تاریخ، جغرافی و اجتماعی می‌گیرد در نظر می‌گیریم یک تعریف موضوع مدار ارائه کرده‌ایم.

تعاریف دانش آموز مدار:

وقتی که می‌گوییم مطالعات اجتماعی یک برنامه درسی است که دانش آموز را برای زندگی شهروندی آماده می‌کند یک تعریف دانش آموز مدار ارائه کرده‌ایم.

تعاریف جامعه مدار:

وقتی که می‌گوییم برنامه درسی مطالعات اجتماعی دانش آموز را برای مواجهه‌ی صحیح با مسائل اجتماعی آماده می‌کند و به دانش آموز مهارت تفکر و تصمیم‌گیری می‌دهد یک تعریف جامعه مدار ارائه کرده‌ایم؛ چرا که به جامعه و خواست‌ها و نیازهای او توجه کرده‌ایم.

در اینجا ما می‌توانیم با توجه به دیدگاه‌های متفاوت برنامه درسی، نیازها و علایق دانش‌آموزان، نوع محتوا، فرآیندها و مقاصد تربیتی مطالعات اجتماعی را تعریف کنیم.

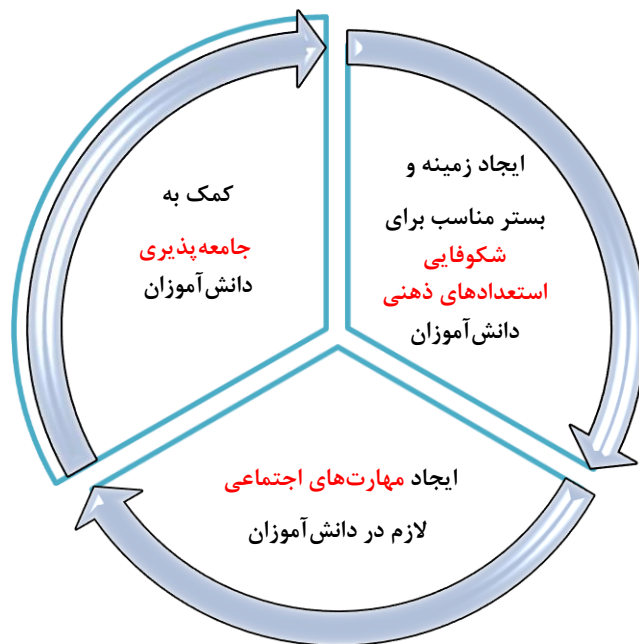
بر این اساس برنامه درسی مطالعات اجتماعی برنامه‌ای است که:

- به ایجاد **فهم وسیع** موضوعات علوم اجتماعی و **وحدت یادگیری** تأکید می‌شود.
- **محتوا و روش‌های** برگرفته از موضوعات علوم اجتماعی و انسانی **با توجه به ویژگی‌های مخاطبان** به **شکل ساده‌ای** ارائه می‌شود.
- به **نیازهای فردی و جامعه** توجه می‌شود.
- پرورش **مهارت‌های فرآیند تفکر** از اهداف اساسی آن است.
- مهارت‌های **تصمیم‌گیری** در **مواجهه با مسائل اجتماعی** آموزش داده می‌شود.
- **ارتباطات انسانی** تقویت می‌شود.
- افراد برای **برخورد مسئولانه‌ی اجتماعی** و محیطی آماده می‌شوند.

پس می‌توانیم در جمع‌بندی این تعاریف بگوییم که:

برنامه درسی مطالعات اجتماعی با **فرهنگ‌ها و مناسبات اجتماعی** در یک **دوره زمانی** و با توجه به **تعامل جوامع با محیط** سروکار دارد. همچنین **مکان، زمان و جامعه** ارکان اصلی برنامه درسی مطالعات اجتماعی هستند که **ماهیت** آن را شکل می‌دهند.

با توجه به آنچه که تا الان گفتیم به این نمودار نهایت دقت و توجه را بفرمایید:



همان‌طور که در شکل ملاحظه می‌کنید در این زمینه مدارس دارای ۳ وظیفه یا کارکرد عمده و اساسی هستند. اول اینکه مدارس باید زمینه و بستر مناسبی را برای شکوفایی استعداد‌های ذهنی دانش‌آموزان به منظور کسب معلومات و اطلاعات علمی ایجاد کنند. دوم اینکه مدارس باید شرایط لازم برای کسب ارزش‌های اجتماعی و احساس مسئولیت در برابر مسائل مختلف را در دانش‌آموزان ایجاد و به جامعه‌پذیری آن‌ها کمک کنند و در نهایت وظیفه سوم مدارس این است که مهارت‌های اجتماعی را در دانش‌آموزان ایجاد کنند، به‌طوری‌که آن‌ها بتوانند مشاهده و مقایسه کنند و در زمینه حل مسائل زندگی روزمره‌ی خود توانمند شوند.

ویدیوی سوم (ضرورت و اهمیت برنامه درسی مطالعات اجتماعی)

برنامه درسی مطالعات اجتماعی چه ضرورتی دارد؟ و چرا باید در بین برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی برنامه درسی‌ای تحت عنوان مطالعات اجتماعی وجود داشته باشد؟ برای این‌که به این سؤال پاسخ دهیم لازم است دوباره مفهوم مطالعات اجتماعی را تعریف کنیم. در تعریف برنامه درسی مطالعات اجتماعی گفتیم که برنامه درسی مطالعات اجتماعی تلاش می‌کند از طریق پرورش و انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها، دانش‌آموز را برای زندگی اجتماعی آینده‌اش آماده کند؛ به‌طوری‌که دانش‌آموز بتواند در زندگی واقعی اجتماعی‌اش نقش مؤثر و کارآمدی را ایفا کند و به عنوان یک شهروند مطلوب ظاهر شود.

ضرورت اول - شهروند مطلوب

اما وقتی می‌گوییم شهروند مطلوب منظور ما از این شهروند مطلوب کیست؟ و به چه کسی شهروند مطلوب گفته می‌شود؟ برای این‌که عبارت شهروند مطلوب را بررسی کنیم در ابتدا باید یک تعریف از شهروند و شهروندی ارائه دهیم.

شهروند کیست؟ شهروند در واقع مفهومی گسترده‌تر از شهروندی دارد و به افرادی گفته می‌شود که عضو یک واحد سیاسی مشخص هستند، از مجموعه حقوق اجتماعی- سیاسی و مدنی برخوردار هستند، در یک کشور زندگی می‌کنند و می‌توانیم آن‌ها را یک ملت خطاب کنیم. پس تنها به افرادی که شهروندی هستند شهروند گفته نمی‌شود؛ بلکه تمام افرادی را که در حوزه یک کشور اعم از روستا یا شهر با حقوق اجتماعی، مدنی و سیاسی مشخصی ساکن هستند شهروند خطاب می‌کنیم.

برمی‌گردیم به بحث ضرورت‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی:

گفتیم که مطالعات اجتماعی قصد دارد و تلاش می‌کند تا دانش‌آموز را برای ایفای نقش مؤثر و کارآمد در نظام اجتماعی آماده کند؛ به گونه‌ای که بتوانیم دانش‌آموز را در زندگی اجتماعی‌اش شهروند مطلوب خطاب کنیم. منظور ما از شهروند مطلوب این است که دانش‌آموز ما به مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که نظام اجتماعی و سیاسی حاکم از او انتظار دارد مجهز شود.

دانش: وقتی درباره دانش‌ها صحبت می‌کنیم، منظورمان در واقع اطلاعات و آگاهی‌هایی است که عموم شهروندان یک کشور باید داشته باشند.

مهارت: وقتی درباره مهارت‌ها صحبت می‌کنیم اشاره به توانمندی‌های مدنی داریم.

نگرش: وقتی درباره نگرش‌ها صحبت می‌کنیم منظورمان طرز تلقی‌ها، اعتقادات و ارزش‌هایی است که افراد به‌عنوان یک شهروند باید به آن‌ها معتقد باشند.

لطفاً به تعریف زیر توجه کنید:

با توجه به آنچه گفته شد، **شهروند مطلوب** کسی است که **دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی** را که **پای‌بندی** به آنها برای عموم شهروندان یک کشور **لازم** تشخیص داده شده باشند را **کسب** کرده باشد. البته نباید فراموش کنیم که ماهیت و ویژگی‌های یک شهروند مطلوب در چهارچوب ارزش‌ها و ویژگی‌های هر نظام اجتماعی تعریف می‌شود و مطلوبیت در جوامع مختلف تعاریف مختلفی دارد؛ اگرچه بسیاری از ویژگی‌های مطلوبیت در تمام نظام‌های اجتماعی و سیاسی دنیا یکسان است.

شهروند مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران چه کسی است؟

در کشور ما و در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران شهروندی مطلوب است که هم در باور و اعتقادات و هم در رفتار و کردار و اعمال خودش در چهارچوب موازین اسلامی حرکت کند، قوانین را بشناسد و به آنها پای‌بند باشد و در کنار کسب فضائل و اخلاق اسلامی، آگاهی‌ها و مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز برای زندگی مؤثر و مطلوب در جامعه اسلامی را به‌دست بیاورد. بنابراین تا اینجا ما یکی از ضرورت‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی را که پرورش و تربیت شهروند مطلوب است را مورد بررسی قرار دادیم.

ضرورت دوم- پرورش مهارت‌های زندگی

اما مورد بعدی که به‌عنوان ضرورت دوم برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌توانیم مطرح کنیم پرورش **مهارت‌های زندگی** است. برنامه درسی مطالعات اجتماعی با توجه به ویژگی‌ها و ماهیتش بستر بسیار مناسبی برای پرورش مهارت‌های اساسی

زندگی است و دانش‌آموز ما را به مهارت‌هایی مجهز می‌کند که از طریق این مهارت‌ها می‌تواند در زندگی اجتماعی خودش با به کار گرفتن آنها موفق و کارآمد حاضر شود. برای مثال ما در چهارچوب برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌توانیم نحوه تصمیم‌گیری درست، همدلی، مشارکت، نوع دوستی و عدالت و انصاف را به دانش‌آموزانمان یاد دهیم. درس مطالعات اجتماعی این قابلیت را دارد که در خلال آن فرصت‌هایی را طراحی کنیم تا دانش‌آموز ما زندگی در گروه و تعامل با سایر افراد را در آن فرا بگیرد و یاد بگیرد که در زندگی واقعی اجتماعی‌اش قرار است در نقش‌های متعددی حاضر شود. نقش همسر، نقش پدر، نقش مادر، نقش فرزند و همه این‌ها در مجموع مهارت‌هایی را به دانش‌آموز ما می‌دهد تا بتواند نقش کارآمد و مؤثر خودش را ایفا کند.

ضرورت سوم - هویت‌بخشی

اما ضرورت بعدی وجود برنامه درسی مطالعات اجتماعی، هویت‌بخشی است. برنامه درسی مطالعات اجتماعی دانش‌آموز را با استعدادهایی که در کشور وجود دارد از لحاظ محیطی و از لحاظ جغرافیایی آشنا می‌کند. به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد که در چهارچوب یک ملت چه تاریخی داشتند؟ چه پیشینه‌ای داشتند؟ چه بزرگانی در کشور آنها زندگی می‌کردند؟ و چه نقشی را در سرنوشت نسل حاضر ایفا کردند؟ دانش‌آموزان از طریق آشنایی با چهره‌های ارزشمند کشور خودشان احساس هویت و تعلق را در خودشان پیدا می‌کنند و نسبت به کشوری که در آن زندگی می‌کنند احساس تعلق خاطر بیشتری دارند.

ضرورت چهارم - پرورش تفکر انتقادی و توانایی نقادی اجتماعی

یکی دیگر از ضرورت‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی پرورش **تفکر انتقادی** و توانایی نقادی اجتماعی است. برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌تواند علاوه بر تربیت اجتماعی و کمک به جامعه‌پذیری دانش‌آموز، زمینه را برای پرورش تفکر انتقادی و نقادی اجتماعی در دانش‌آموز فراهم کند. دانش‌آموزان ما در بستر مطالعات اجتماعی می‌توانند یاد بگیرند که هر چیزی را بدون چون و چرا نپذیرند و تا زمانی که علت یک موضوع برای آنها مشخص نشده از اطاعت آن دست بردارند. فکر کنند و به این شکل در جامعه‌ی خود ایفای نقش کنند. به کمک پرورش تفکر انتقادی و نقادی اجتماعی، دانش‌آموزان می‌توانند از بدی‌ها دوری کنند و در مقابل خیلی از مشکلات و مسائلی که بعداً ممکن است در زندگی اجتماعی برایشان پیش بیاید واکنش‌ها شوند.

ضرورت پنجم - تقویت درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی

اما ضرورت بعدی تقویت و درونی‌سازی **ارزش‌ها** است. برنامه درسی مطالعات اجتماعی با توجه به ماهیت تربیتی و فرهنگی خود این قابلیت را دارد که به تقویت درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان کمک کند. اگر ارزش‌ها در دانش‌آموزان ما درونی نشوند و دانش‌آموزان فقط بنا به اجبار آنها را بپذیرند، قطعاً و یقیناً زمانی که نظارت، کنترل و اجبار از روی آنها برداشته شود، از تبعیت از آن ارزش‌ها سرباز می‌زنند. مطالعات اجتماعی این فرصت و این بستر را برای ما به‌عنوان معلم فراهم می‌کند تا فرصت‌های تربیتی‌ای را ایجاد کنیم که طی آن دانش‌آموزانمان بتوانند ارزش‌های اساسی اجتماعی را درونی کنند.

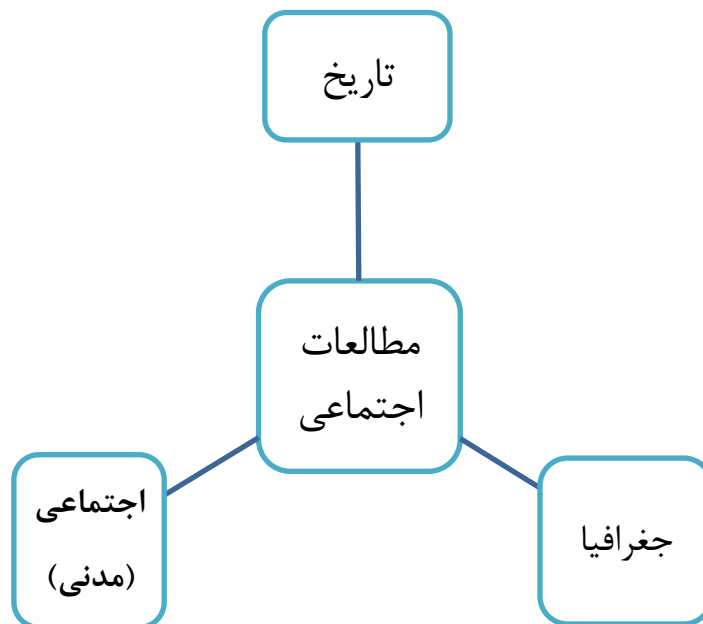
در جمع‌بندی این بخش توجه شما را (به پای تخته) جلب می‌کنم و قصد دارم که ضرورت‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی را یک بار دیگر به صورت تیتروار با هم مرور کنیم.



مهمترین ضرورت های برنامه درسی مطالعات اجتماعی در مقطع ابتدایی

ویدیوی چهارم (اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ و جغرافیا)

مطالعات اجتماعی مفاهیم اصلی خود را از ائتلاف رشته های گوناگون می گیرد. ۳ مورد از مهمترین این رشته ها عبارتند از: تاریخ، جغرافیا، اجتماعی (مدنی)



در مورد ضرورت‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی با هم صحبت کردیم. در این قسمت می‌خواهیم ببینیم ضرورت وجود هر کدام از این دانش‌ها در برنامه درسی مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی چیست؟ آموزش تاریخ چه ضرورتی دارد؟ در بین رشته‌هایی که در مورد انسان و جامعه صحبت می‌کنند بدون شک تاریخ یکی از مهمترین رشته‌ها است و در واقع حلقه ارتباطی بسیاری از دانش‌ها محسوب می‌شود. تاریخ علاوه بر این که رخدادهای مربوط به گذشته را ثبت و ضبط می‌کند، چگونگی وقوع آنها را هم به ما نشان می‌دهد. هر فرد انسانی در طول زندگی خودش تاریخ منحصر به فرد زندگی خودش را دارد، رشد می‌کند، نقش‌های متعددی را می‌پذیرد و سرگذشتی دارد. اگرچه مسیر رشد هر فرد با افراد دیگر متفاوت است اما قطعاً الگوها و مشترکات زیادی در این بین وجود دارد که می‌تواند هدایت‌کننده‌ی دانش‌آموزان ما باشد. در این قسمت ضرورت‌های آموزش تاریخ را در چهار Title (عنوان) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نقش تربیتی و هدایتی تاریخ
تکوین و تقویت هویت ملی
پیش‌بینی آینده و گسترش افق دید انسان
حفظ میراث فرهنگی

ضرورت‌های آموزش تاریخ

ضرورت اول آموزش تاریخ: نقش تربیتی و هدایتی تاریخ

در این رابطه حضرت علی (ع) خطاب به فرزند بزرگوارشان امام حسن مجتبی می‌فرمایند: «پسرم درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبار آنها اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویی یکی از آنها شده‌ام. با مطالعه تاریخ آنان گویا از اول تا پایان عمرشان با آنها بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان‌بارش شناسایی کردم؛ سپس از هر چیزی، مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم.»

آیات و روایات زیادی در دین اسلام داریم که ما را به تدبر و تأمل در زندگی پیشینیان و عبرت‌آموزی از آنها وادار می‌کند. توجه به تاریخ و آنچه که بر دیگران گذشته به ما کمک می‌کند تا از اشتباهات آنان درس بگیریم و آنها را تکرار نکنیم. راه‌های درست و راه‌های رسیدن به موفقیت‌های آنان را شناسایی کنیم و درصدد تکرار آنها بر بیاییم. بنابراین اولین ضرورت تاریخ نقش تربیتی و هدایتی تاریخ است.

ضرورت دوم آموزش تاریخ: تکوین و تقویت هویت ملی

تاریخ، موفقیت‌ها، فداکاری‌ها و پیشرفت‌های یک ملت در عرصه‌های مختلف و تلاش آنها برای رسیدن به آرمان‌ها و اهدافشان را نشان می‌دهد. تاریخ از طریق آشنا کردن دانش‌آموزانمان با مفاخر علمی و شخصیت‌هایی که در گذشته زندگی می‌کردند و آثار، زحمات و رشادت‌هایی که در راه دفاع از میهن کشیدند به دانش‌آموز ما می‌فهماند که او هم باید در مقابل این ارزش‌ها متواضع باشد و چیزی بر این ارزش‌ها اضافه کند. تاریخ از طریق شناخت این ویژگی‌ها، به دانش‌آموز ما احساس هویت می‌بخشد. به علاوه از طریق تکیه بر نقاط اشتراک یک ملت که تحت عنوان یک سرزمین و یک کشور با هم‌دیگر زندگی

می‌کنند (برخلاف تفاوت‌هایی که در اقوام مختلف وجود دارد) آنها را به عنوان یک گروه منسجم می‌کند. این موضوع برای ما که در سرزمین ایران زندگی می‌کنیم بسیار حائز اهمیت است زیرا در کشوری زندگی می‌کنیم که متشکل از اقوام و گروه‌های گوناگونی است.

ضرورت سوم آموزش تاریخ: پیش‌بینی آینده و گسترش افق دید انسان‌ها

در واقع آموزش تاریخ با نشان دادن تحولاتی که بشر در طول زندگی خودش طی کرده و اتفاقات و رخدادهایی که بر او گذشته و چگونگی آنها، نحوه‌ی این تکامل و تحول را نشان می‌دهد و این امکان را برای ما فراهم می‌کند تا بتوانیم با تکیه بر آنچه که گذشته است آینده را پیش‌بینی کنیم. در واقع بخاطر سنت‌های مشترکی که در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها هم توانستند آنها را بشناسند می‌توانیم در چهارچوب الگوهای مشخصی متوجه شویم که چه رفتارها و چه اعمالی چه پیامدهایی می‌توانند داشته باشند و از اشتباهات جلوگیری کنیم. پس در واقع تاریخ به نوعی ما را با صلاح آینده‌نگری مجهز می‌کند.

ضرورت چهارم آموزش تاریخ: حفظ میراث فرهنگی

چه زمانی دانش‌آموز ما به این پی می‌برد که از میراث فرهنگی به جا مانده در کشورش باید محافظت کند؟ زمانی که ارزش آنها را بداند و بداند که چطور آنها به جا ماندند و چه سرنوشتی را پشت سر گذاشتند. اینکه در بعضی از مواقع می‌بینیم که متأسفانه شهروندان کشورهای مختلف از جمله کشور ما به میراث فرهنگی صدمه می‌زنند و به آنها آسیب وارد می‌کنند به خاطر این است که ارزش تمدن و پاسداشت آنها را نمی‌دانند. بنابراین تاریخ به دانش‌آموزانمان کمک می‌کند تا ارزش میراث فرهنگی خود را بدانند و در راه نگهداری و حفاظت از آنها کوشا باشند و در واقع به یکی از وظایف شهروندی خودشان عمل کنند.

رشته بعدی که در مورد آن بحث خواهیم کرد و ضرورت‌های وجود آن را در برنامه درسی مطالعات اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهیم رشته آموزشی **جغرافیا** است. آموزش جغرافیا چه ضرورتی دارد؟ عمده‌ترین ضرورت‌های آموزش جغرافیا عبارت هستند از:

ضرورت آشنایی و درک ابعاد مختلف محیط زندگی و اجزای آن
لزوم محافظت و بهره‌برداری عاقلانه و مطلوب محیط
لزوم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای حل مسائل محیطی
پرورش حس مسئولیت و احترام و تفاهم
احساس تعلق و هویت
تقویت مهارت زندگی فردی و اجتماعی
روحیه‌ی قدردانی و سپاس‌گذاری از مواهب الهی

ضرورت اول آموزش جغرافیا: ضرورت آشنایی و درک ابعاد مختلف محیط زندگی و اجزای آن

برای هر فرد انسانی ضرورت دارد که محیط زندگی خودش را بشناسد و به ارتباط بین پدیده‌های آن پی ببرد. برای برقراری ارتباط مطلوب با محیط باید شناخت دقیق و درستی نسبت به آن وجود داشته باشد. یادگیری جغرافی در واقع منجر به برداشت صحیح و واقع‌بینانه از محیط می‌شود و از طریق آن دانش‌آموزان تفاوت‌ها و شباهت‌های مکان‌های مختلف را درک می‌کنند و این اولین گام در کسب سواد جغرافیایی است یعنی دانش‌آموز به ارتباط بین عناصر و پدیده‌های جغرافیایی و تنوع محیطی پی می‌برد.

ضرورت دوم آموزش جغرافیا: لزوم محافظت و بهره‌برداری عاقلانه و مطلوب محیط

آموزش جغرافیا با نشان دادن روابط انسان با محیط و تأثیرات متقابل این دو بر هم‌دیگر نوع بهره‌برداری انسان از محیط را مورد توجه قرار می‌دهد و راه‌های حفظ و نگهداری از منابع را به ما معرفی می‌کند. در سایه پیشرفت فناوری‌های امروز، انسان‌ها به راحتی می‌توانند بر محیط‌های مختلف جغرافیایی غلبه کنند و این امر اگرچه مزایایی را در پی دارد اما منجر به محدودیت‌هایی هم شده و باعث شده که در سال‌های اخیر میزان تخریب زیست‌محیطی بسیار زیاد شود.

ضرورت سوم آموزش جغرافیا: لزوم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای حل مسائل محیطی

لزوم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای حل مسائل محیطی نیز یکی از ضرورت‌های آموزش جغرافیا است؛ زیرا اغلب مسائل و مشکلاتی که امروزه وجود دارد بعد جغرافیایی دارد. مثل: بحران مهاجرت، بحران غذا، بیابان‌زایی، تغییرات آب و هوایی و مسائلی از این دست. این امر باعث می‌شود که برنامه‌ریزان به سمت این بروند که ریشه‌های جغرافیایی مسائل موجود را بشناسند و برای حل آنها از طریق تکیه بر آگاهی نسبت به مشکل اقدام کنند.

ویدیوی پنجم (اهمیت و ضرورت آموزش جغرافیا و اجتماعی و اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی)

در مورد ضرورت‌های آموزش جغرافیا در برنامه درسی مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی با هم صحبت کردیم. همان‌طور که مشاهده می‌کنید عمده‌ترین ضرورت‌های آموزش جغرافیا عبارت‌اند از:

ضرورت آشنایی و درک ابعاد مختلف محیط زندگی و اجزای آن
لزوم محافظت و بهره‌برداری عاقلانه و مطلوب محیط
لزوم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای حل مسائل محیطی
پرورش حس مسئولیت و احترام و تفاهم
احساس تعلق و هویت
تقویت مهارت زندگی فردی و اجتماعی
روحیه قدردانی و سپاس‌گذاری از مواهب الهی

ضرورت چهارم آموزش جغرافیا: پرورش حس مسئولیت و احترام و تفاهم

اما ضرورت بعدی آموزش جغرافیا در بستر مطالعات اجتماعی عبارت است از احساس مسئولیت در قبال مسائل محیطی-زیستی. ما از طریق آموزش جغرافی می‌خواهیم که دانش‌آموزان نسبت به مسائل محیط زیست خودشان بی تفاوت نباشند و بدانند آنچه که امروز به دست آنها رسیده حاصل حفاظت و پاسداری گذشتگان از منابع است و آنها هم وظیفه دارند که از این منابع محدود برای آیندگان حفاظت و نگهداری کنند. دانش‌آموزان ما از طریق آموزش جغرافی یاد می‌گیرند که چطور بتوانند از محیط زیست اطراف خود حفاظت و نگهداری کنند و در مقابل انقراض گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری تلاش و کنش فعالانه داشته باشند.

ضرورت پنجم آموزش جغرافیا: احساس تعلق و هویت

ضرورت بعدی ایجاد احساس تعلق و هویت ملی است. همان‌طور که گفتیم در چهارچوب جغرافی، دانش‌آموزان با سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند آشنا می‌شوند و نسبت به آن، منابعش، امکاناتش و محدودیت‌هایش احساس تعلق خاطر پیدا می‌کنند و متوجه می‌شوند که چطور بتوانند از کشور خود حفاظت و پاسداری کنند.

ضرورت ششم آموزش جغرافیا: روحیه قدردانی و سپاس‌گذاری از مواهب و نعمت‌های الهی

در خصوص آموزش جغرافی توجه دانش‌آموزان به این نکته جلب می‌شود که چقدر گوناگونی در دنیا و کره خاکی‌ای که در آن زندگی می‌کنند وجود دارد. با انواع گیاهان و جانوران آشنا می‌شوند. با انواع پهنه‌های خاکی و آبی آشنا می‌شوند و از این طریق به نعمت‌های خداوند پی می‌برند. نسبت به خداوند متواضع و فروتن می‌شوند و از مواهبش پاسداری و محافظت می‌کنند.

اما رشته بعدی که در بستر مطالعات اجتماعی مطرح می‌شود و نیاز داریم که نسبت به ضرورت‌های آموزش آن آشنایی داشته باشیم **اجتماعی** یا **مدنی** است. آموزش اجتماعی یا مدنی یا شهروندی چه ضرورتی دارد؟ محور اصلی آموزش اجتماعی یا مدنی تربیت شهروند مطلوب و آشنا ساختن دانش‌آموز با وظایف و حقوق خودش به عنوان یک شهروند است به گونه‌ای که بتواند نقش مؤثر و کارآمد خودش را ایفا کند.

به موارد زیر توجه کنید:

در چهارچوب برنامه درسی اجتماعی یا مدنی مهارت‌های اساسی به دانش‌آموزان منتقل می‌شود از جمله:

- آموزش نقش‌ها در زندگی خانوادگی، گروه‌های مختلف و جامعه (دانش‌آموز با نقش‌های مختلف، حقوق و تکالیف هر یک از این نقش‌ها آشنا می‌شود).
- آموزش مهارت‌های خودراهبری، آینده‌نگری و تصمیم‌گیری
- آموزش مهارت‌های ارتباطات مؤثر با دیگران و حل منازعات (توانایی تحمل نظرات متفاوت یا مخالف با خود)
- آموزش مشارکت در تعلیم و تربیت، کلاس، مدرسه و مهارت‌های یادگیری مشارکتی
- آموزش سواد سیاسی و حقوق بشر

- آموزش‌های جهانی و قوانین و مقررات در سطوح مختلف
- آموزش ساختارهای حکومت و کارکردهای آن (قوای سه گانه و کارکردهای آنان و نمادهای ملی و مذهبی و مسائلی از این دست)
- آموزش اقتصادی و تحلیل انتقادی رویدادهای جاری
- آموزش اخلاق و ارزش‌ها

هدف از برنامه درسی مطالعات اجتماعی چیست؟

برنامه درسی مطالعات اجتماعی از ائتلاف رشته‌های مختلف به وجود می‌آید و مفاهیم اصلی خودش را از دانش‌های متعدد می‌گیرد. بنابراین برای اینکه اهداف آن را مورد بررسی قرار دهیم باید اهداف رشته‌هایی که شاکله‌ی اصلی مطالعات اجتماعی هستند را مورد بررسی قرار دهیم. در ابتدای امر برای آنکه بدانیم اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی چیست این سؤال را مطرح می‌کنیم که هدف اصلی تألیف کتب درسی مطالعات اجتماعی در مقطع ابتدایی چیست؟ هدف اصلی تألیف کتب برنامه درسی مطالعات اجتماعی در مقطع ابتدایی این است که دانش‌آموز به عنوان یک عضو مؤثر و فعال بتواند در گروه‌های مختلف نقش ایفا کند، نهادها و مؤسساتی که در جامعه برای تامین نیازها به وجود آمده‌اند را بشناسد و با آنها ارتباط سازنده برقرار کند، همچنین بتواند مشارکت فعال سیاسی و اجتماعی در سرنوشت خودش و کشورش داشته باشد.

گفتیم که سه رشته برنامه درسی مطالعات اجتماعی در مقطع ابتدایی، تاریخ، جغرافیا، اجتماعی یا مدنی است. اما هدف از آموزش تاریخ چیست؟ همان‌طور که ملاحظه می‌کنید اهداف برنامه درسی تاریخ در ۳ دسته کلی قرار می‌گیرد:

پی بردن به میزان تحول و تکامل زندگی بشری در طول زمان

آشنایی با زندگی بزرگان دین اسلام، پیامبر و جانشینانشان

شناخت بیشتر حکومت‌ها و آیین‌های مربوط به کشورداری

هدف از آموزش تاریخ

چند مثال:

❖ هدف کلی درس ۱۲ مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان "چرا فرهنگ و هنر در دوره صفویه شکوفا شد؟" در چهارچوب اهدافی که در حال حاضر با هم درموردشان صحبت کردیم هدف کلی این درس شناخت حکومت صفویه و آیین کشورداری است؛ یعنی قصد داریم دانش‌آموز با نحوه کشورداری این سلسله آشنا شود و در مورد این حکومت آگاهی‌های لازم را بدست بیاورد.

❖ مثال آخر این بخش درسی است با عنوان "نخستین روستاها چگونه به وجود آمدند؟" حتما متوجه شده‌اید که هدف کلی این درس آشنایی دانش‌آموز با سیر تکامل و تحول زندگی بشر از کوچ‌نشینی به روستانشینی و یک‌جا نشینی است.

اما درس بعدی که می‌خواهیم در مورد اهداف آن با هم صحبت کنیم رشته جغرافیا است. همان‌طور که (روی تخته) ملاحظه می‌فرمایید **اهداف آموزش جغرافیا** عبارت‌اند از:

- ✓ شناخت بیشتر زمین و عوارض مربوط به آن از جمله زلزله، آتش‌فشان، سیل و ...
- ✓ آشنایی با برخی از پدیده‌های طبیعی مانند کوه، دشت، جلگه، دریا و ...
- ✓ شناخت برخی از ابزار یادگیری و کار در رشته جغرافیا مثل کره، نقشه، قطب‌نما و ...
- ✓ آشنایی با مناطق مختلف مسکونی، تجاری، زیارتی و جهان‌گردی و گردشگری ایران
- ✓ آشنایی با وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همسایگان ایران و سایر کشورها

چند مثال:

- ❖ برای مثال توجه بفرمایید به درس ۱۳ مطالعات اجتماعی پایه پنجم با عنوان "حرکت‌های زمین". در این درس هدف کلی ما این است که دانش‌آموز با نحوه پیدایش شبانه‌روز، فصل‌ها، سال آشنا شود و انواع حرکت زمین را به دور خود و به دور خورشید بشناسد.
- ❖ مثال بعدی ما درس ۱۸ کتاب پایه چهارم است. با عنوان "پوشش گیاهی و زندگی جانوری در ایران" که هدف کلی‌اش آشنایی دانش‌آموز با ویژگی‌های پوشش گیاهی و جانوری کشور ایران است.
- ❖ مثال آخر این بخش هدف کلی درس ۵ مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان "عوامل مؤثر در کشاورزی". آشنایی دانش‌آموز با عوامل طبیعی و انسانی مؤثر بر تولید محصولات کشاورزی است.

و در نهایت هدف ما از آموزش اجتماعی (مدنی) چیست؟

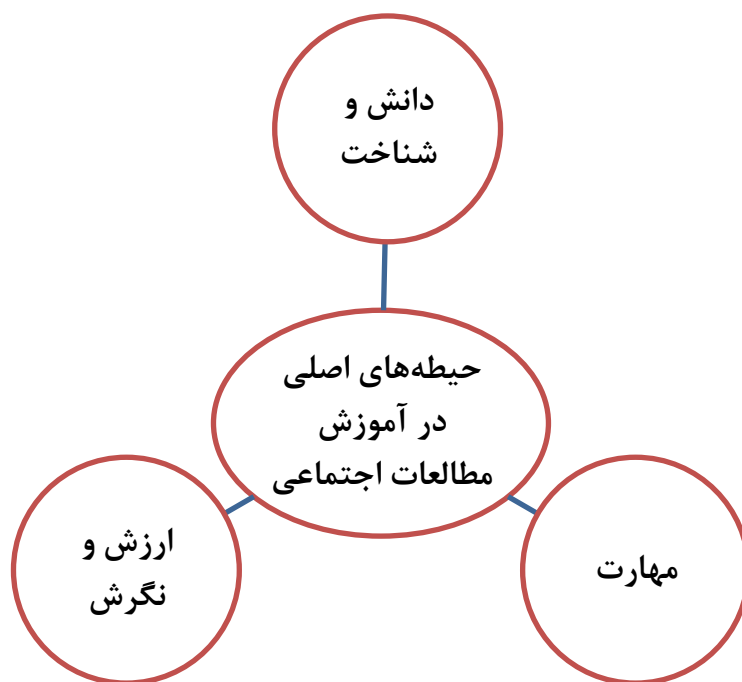
همان‌طور که (روی تخته) ملاحظه می‌کنید **اهداف آموزش اجتماعی (مدنی) در چهارچوب برنامه درسی مطالعات اجتماعی** عبارت‌اند از:

- آشنایی با زندگی گروهی انسان‌ها و گروه‌های مختلف انسانی مثل خانواده، دوستان و ... و شناخت برخی پدیده‌های اجتماعی مثل مهاجرت، بیکاری، سفر و ...
- آشنایی با تعدادی از مشاغل و روابط اجتماعی مثل رابطه والد-فرزند، دوستی و روابطی از این دست.
- آشنایی با برخی قوانین رسمی مثل قوانین راهنمایی رانندگی، عبور و مرور و ... و یادگیری بعضی از مهارت‌های زندگی مثل خرید و فروش، بهداشت عمومی، حفظ محیط زیست، صرفه‌جویی، اسراف نکردن، بی‌زاری و نفرت از دشمنان و مسائلی از این دست
- احترام به یکدیگر بر اساس محبت و صمیمیت و شناخت برخی از روابط (وظایف و نقش‌های افراد در جامعه)
- آشنایی با نظام جمهوری اسلامی و شناخت برخی ویژگی‌ها و نشانه‌های جامعه اسلامی مانند وحدت، تعاون، شورا و ...
- معرفی برخی از آثار و ویژگی‌های فرهنگی ملل و اقوام مختلف. برای مثال توجه کنید به درس ۱ مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان "دوستی". حتماً متوجه شده‌اید در چهارچوب برنامه

درسی مطالعات اجتماعی هدف از این درس آشنایی دانش‌آموز با نقش خود به عنوان دوست و حقوق و تکالیف این نقش است.

ویدیوی ششم (حیطه دانش و شناخت: تلفیق و انواع آن)

مطالعات اجتماعی یکی از حوزه‌های یادگیری است که در آن تلاش می‌شود از طریق پرورش و انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها دانش‌آموز برای زندگی مؤثر در جامعه آماده شود. بنابراین در این درس هم مثل سایر دروس با ۳ حیطه اصلی دانش و شناخت، مهارت و ارزش و نگرش سروکار داریم.



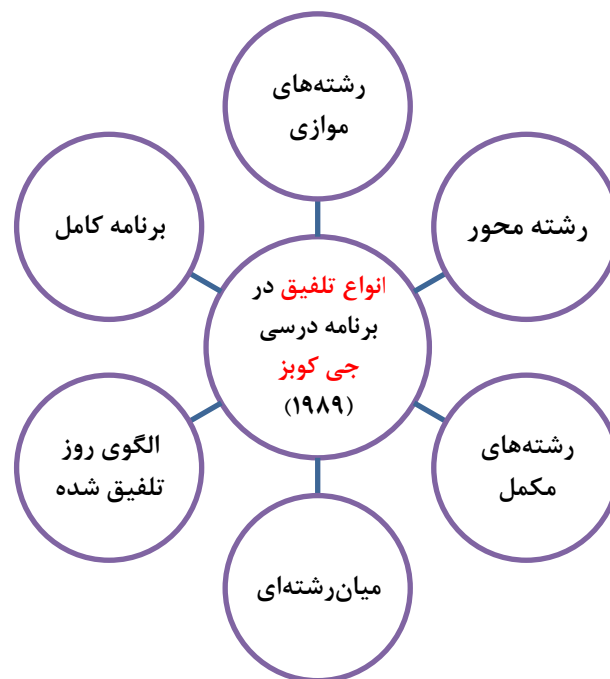
دانش و شناخت

محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی همان‌طور که پیش‌تر هم گفتیم از رشته‌های گوناگون علمی گرفته شده و برگرفته از موضوعات متعدد اجتماعی و انسانی است بنابراین در حیطه دانش و شناخت با رشته‌های متعدد، متنوع و متفاوتی سروکار دارد. درس مطالعات اجتماعی بر اصول و مبانی علمی رشته‌های مختلفی متکی است و می‌توانیم از طریق این درس بستری را برای تلفیق دانش، تجارب و موضوعات و مفاهیم مرتبط با اهداف اصلی برنامه درسیمان که همان تربیت شهروندی و تربیت اجتماعی است فراهم کنیم.

گفتیم تلفیق. اما تلفیق **موضوعات و مفاهیم** در برنامه درسی به چه معناست؟ تلفیق به معنی ادغام کردن، ترکیب کردن و در هم آمیختن است. از طریق تلفیق، دانش‌آموزان ارتباطات بین دروس به ظاهر مجزا را درک می‌کنند و با پیچیدگی‌های دنیای واقعی که در آن کار می‌کنند آشنا می‌شوند. در واقع تلفیق به معنای مرتبط ساختن مفاهیم به طور سازمانی و مفهومی به همدیگر است. تلفیق به معنای ادغام کردن حوزه‌های محتوایی یا موضوعات درسی است که در نظام‌های آموزش سنتی غالباً

به صورت جدا از هم و منفک ارائه می‌شدند. در تلفیق برنامه درسی، محتوا و فرآیندهای برنامه درسی با هدف منسجم کردن تجربیات یادگیری دانش‌آموزان با همدیگر ادغام می‌شوند. **برنامه درسی تلفیقی**، آموزشی است که سازمان‌بندی آن با استفاده از خطوط موضوعی متنوع و متفاوت صورت می‌گیرد و از طریق تلفیق موضوع‌های درسی گوناگونی روی زمینه‌های وسیع‌تر مطالعه سرمایه‌گذاری می‌کند.

با این تعریف، برنامه درسی مطالعات اجتماعی یک برنامه درسی تلفیقی است. برنامه درسی تلفیقی برنامه‌ای است که در آن یاددهی و یادگیری به صورت یک کل منسجم که منعکس‌کننده دنیای واقعی معلم و دانش‌آموز است ارائه می‌شود. برای تلفیق انواع گوناگونی ذکر شده اما در همه این انواع یک کانون و یک مرکز وجود دارد که مفاهیم و مطالب حول آن سازماندهی می‌شوند. این مرکز یا کانون می‌تواند یک مضمون یا تم، یک دیسپلین یا یک رشته درسی، یک موضوع، یک اندیشه بزرگ و یا یک رویداد جاری باشد. یکی از انواع تلفیق در برنامه درسی توسط **جی کوبز** ارائه شده. جی کوبز ۶ نوع تلفیق را بیان می‌کند و معتقد است که نظام‌های آموزشی در سراسر دنیا بنا به شرایط، ماهیت و ویژگی‌هایشان می‌توانند از یکی از این انواع تلفیق بهره ببرند. لطفاً (به تخته) توجه کنید:

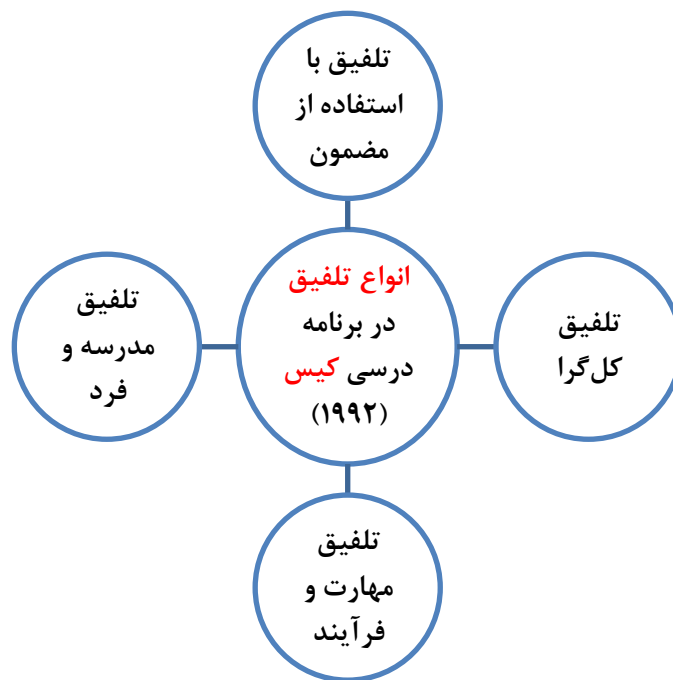


انواع تلفیق در برنامه درسی جی کوبز

- یکی از انواع تلفیق، رشته‌های موازی است که در آن معلم در تدریس محتوای مرتبط هماهنگی لازم را با سایر معلمان دروس دیگر به عمل می‌آورد.
- نوع دوم تلفیق، تلفیق دیسپلین محور یا رشته محور است. همان سازماندهی سنتی که طی آن موضوعات بصورت مجزا ارائه می‌شوند.
- نوع سوم تلفیق، همانطور که در شکل می‌بینید، تلفیق با عنوان رشته‌های مکمل است که در آن حوزه‌های محتوایی نزدیک به هم در غالب یک واحد درسی مستقل طراحی و عرضه می‌شوند.

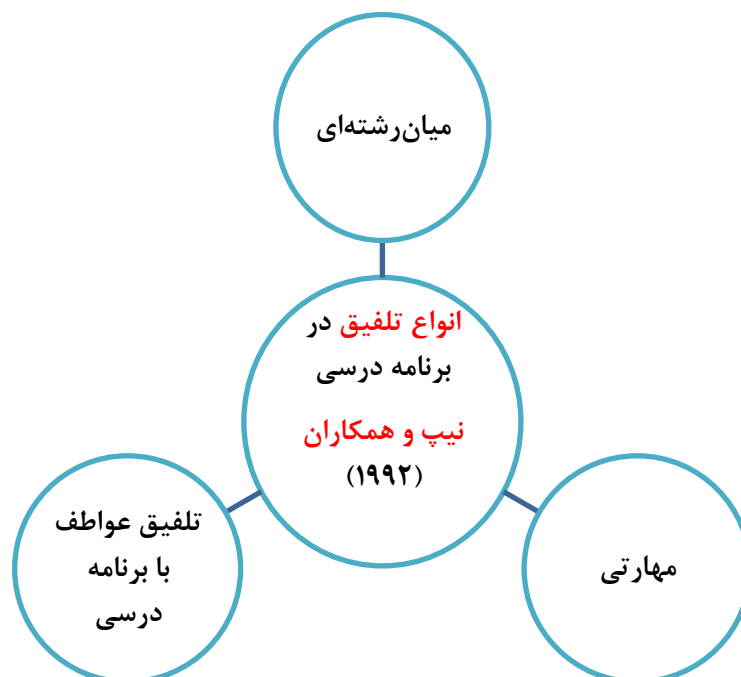
- نوع دیگر تلفیق، تلفیق میان‌رشته‌ای است که در آن بین تمام یا بخش قابل توجهی از مواد درسی برنامه‌های درسی مدارس وحدت ایجاد می‌شود. این امر با استفاده از مضمون یا موضوعاتی که قابلیت ایجاد چنین پیوندی را داشته باشند انجام می‌شود.
- نوع پنجم تلفیق الگوی روز تلفیق شده است. در این نوع تلفیق در طراحی برنامه هفتگی کلاس، یک روز از هفته تعیین نشده بلکه بر مبنای پرسش‌ها و علایق دانش‌آموزان، فعالیت‌های یادگیری طراحی می‌شوند.
- نوع آخر تلفیق در مدل جی کوبز که برنامه کامل است معرف حالت افراطی تلفیق است و هدف آن تلفیق و ایجاد تناظر تمام و کمال بین زندگی دانش‌آموز در خارج و داخل از مدرسه است و بر اساس تجارب، پیشینه، علایق و پرسش‌های دانش‌آموز شکل می‌گیرد.

اما به جز جی کوبز دیگرانی هم هستند که مدل‌هایی از تلفیق را ارائه کرده‌اند. کیس در سال ۱۹۹۲ در زمینه تلفیق برنامه درسی ۴ نوع تلفیق را عنوان می‌کند و معتقد است که نظام‌های آموزشی بر حسب نیازهایشان می‌توانند از هر یک از این انواع استفاده کنند. (به تخته) توجه بفرمایید:



انواع تلفیق در برنامه درسی کیس

- نوع اول تلفیق همان‌طور که می‌بینید تلفیق محتوای مربوط به موضوعات درسی با استفاده از یک مضمون است.
- مورد دوم تلفیق مدرسه و فرد یعنی تلفیق زندگی خارج از مدرسه و واقعی دانش‌آموز و دنیای درون مدرسه است.
- مورد بعدی تلفیق مهارت‌ها و فرآیندها است.
- مورد چهارم تلفیق کل‌گرا به معنی پیوند بین تمام اجزا و مؤلفه‌هایی است که دانش‌آموز در نظام آموزشی کسب می‌کند. مجموعه‌ی تجارب باید همخوان و مکمل همدیگر باشند. علاوه بر این موارد نیپ و همکاران در زمینه تلفیق ۳ نوع تلفیق را به ما نشان می‌دهند:



انواع تلفیق در برنامه درسی نیپ و همکاران

- مورد اول همانطور که ملاحظه می‌کنید برنامه درسی میان‌رشته‌ای است که در آن از یک ماده درسی برای کمک به فهم بهتر مواد درسی استفاده می‌شود و از مرزبندی بین موضوعات در این مدل تلفیق کاسته می‌شود.
- مورد بعدی تلفیق حول مهارت‌هاست که در آن یک مهارت مثلاً نوشتن، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی یا مانند آن عامل وحدت‌بخشی بین حوزه‌های مختلف محتوا می‌شود.
- در نهایت مورد سوم (آخر) در مدل نیپ تلفیق بین تجارب است. حیات درونی یا عواطف دانش‌آموز با برنامه درسی‌اش در مدرسه تلفیق می‌شود و دانش‌آموزان در این مدل تلفیق مجازند که از دریچه علائق، نیازها و خواست‌های خودشان به برنامه درسی نگاه کنند و به گونه‌ای کاملاً شخصی به آن شکل بدهند.

ویدیوی هفتم (حیطه دانش و شناخت: تلفیق در برنامه درسی مطالعات اجتماعی)

گفتیم که تلفیق به معنای ادغام کردن و در هم آمیختن و ترکیب کردن موضوعاتی است که به ظاهر مجزا به نظر می‌رسند، به طوریکه به صورت یک کل منسجم ارائه شود و منعکس‌کننده‌ی دنیای واقعی معلم و دانش‌آموز باشد. تلفیق مزایایی دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها عمق بخشیدن به یادگیری دانش‌آموزان است. اما تلفیق حوزه‌های موضوعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی ایران چگونه است؟ در راهنمای برنامه درسی جدید مطالعات اجتماعی، برای دوره آموزش عمومی، رویکرد تلفیقی

به‌عنوان رویکردی است که جهت‌گیری فرهنگی و تربیتی این درس را تحقق می‌بخشد و بستر مناسبی است برای پرورش مهارت‌ها و درونی کردن ارزش‌های پذیرفته شده.

به این منظور موضوعات و مفاهیم تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی در قالب تماتیک یا مضمونی با هم‌دیگر تلفیق می‌شوند. یکی از روش‌هایی که در زمینه بهره‌گیری از رشته‌های مختلف علمی در تلفیق در برخی از کشورها به کار گرفته شده انتخاب راهبردها یا حوزه‌های موضوعی و تلفیق آن‌ها با هم‌دیگر است. حوزه‌های موضوعی اما اندیشه‌های اساسی و محوری هر رشته علمی هستند که موضوعات مختلف حول محور آن‌ها سازمان‌دهی می‌شوند. برای مثال حوزه موضوعی مکان و فضا یک حوزه اساسی در رشته جغرافیا است که سایر مفاهیم حول آن سازمان‌دهی می‌شوند. حوزه‌های موضوعی بالاترین توان و پتانسیل و ظرفیت را برای تأمین و بیشترین زمینه را برای تشریح پدیده‌ها و موضوعات فراهم می‌کنند و زمینه مناسبی را برای ادغام موضوعات ایجاد می‌کنند. تلفیق در هر کشوری و با توجه به نظام آموزشی هر کشور متناسب با اهداف و محتوای برنامه درسی متفاوت است. در برنامه درسی مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی یاددهی- یادگیری حول محور ۵ موضوع اصلی تلفیق می‌شود. لطفاً (به تخته) توجه کنید:

زمان، تداوم و تغییر
مکان و فضا
فرهنگ و هویت
نظام اجتماعی
منابع و فعالیت‌های اقتصادی

همان‌طور که (در تخته) ملاحظه می‌فرمایید در برنامه درسی مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی یاددهی- یادگیری حول ۵ موضوع اصلی تداوم، زمان و تغییر، مکان و فضا، فرهنگ و هویت، نظام اجتماعی، منابع و فعالیت‌های اقتصادی سازمان‌دهی می‌شوند.

زمان، تداوم و تغییر

مورد اول زمان، تداوم و تغییر است. همراه با سیر و گذشت و سپری شدن زمان، بخشی از حال تبدیل به گذشته می‌شود و بخشی از آینده به حال تبدیل می‌شود، اما چیزی که این وسط وجود دارد تغییراتی است که اتفاق می‌افتد. درست است که این تغییرات به‌صورت مکرر و مداوم هستند اما یک موضوع اصلی هم وجود دارد و آن تداومی است که اتفاق می‌افتد. در این راهبرد همان‌طور که از عنوانش مشخص است بیشتر از حوزه تاریخ بهره گرفته می‌شود و بر استفاده از شواهد و مدارک برای فهم و درک تغییرات و تداوم پدیده‌ها در یک روند زمانی تأکید می‌شود.

مکان و فضا

مورد بعدی مکان و فضا است. این حوزه بیشتر از علوم جغرافیایی بهره می‌برد و بر درک تعامل متقابل بین انسان و محیط استوار است. فرآیندهای طبیعی در محیط‌های زیستی، الگوهای پراکندگی فضایی پدیده‌ها و اهمیت مکان‌ها و فضاها موضوعات

مورد تأکید این حوزه موضوعی هستند. اما منظورمان از مکان، بستر و جایگاه وقوع پدیده‌ها و فرآیندها است. به مجموعه‌های هماهنگ و مرتبط با هم در قالب یک مکان سیستم فضایی گفته می‌شود. هر محیط به مجموعه‌های هماهنگ و مرتبط به هم تقسیم می‌شود. در واقع هر محیط جغرافیایی خاص یک سیستم فضایی را به ما نشان می‌دهد و به نمایش می‌گذارد. شناخت ویژگی‌های محل زندگی، درک و مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌ها و تنوع محیطی و نحوه تعامل انسان و محیط در روند زمان و مسایل و مشکلات توسعه نواحی و کشورها قابلیت‌ها و امکانات محیطی و جغرافیایی کشور و بالأخره حفاظت و پاسداشت محیط زیست و مکان‌ها از مهمترین مباحث مربوط به این حوزه است.

فرهنگ و هویت

همانطور که (در تخته هم) ملاحظه می‌فرمایید فرهنگ و هویت حوزه موضوعی سوم است. این حوزه بیشتر مباحث خود را از مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ می‌گیرد. فرهنگ مفهومی عام و به معنی شیوه عمومی زندگی گروهی یا گروهی از مردم است که عناصری از قبیل عادات، باورها، سنت‌ها، ارزش‌ها و نقاط مشترک را بین آن‌ها به وجود می‌آورد. منظور از جامعه و گروه‌های اجتماعی و نظام‌های اجتماعی مجموعه‌ی افرادی است که در سرزمین مشخصی به عنوان یک کشور زندگی می‌کنند، فرهنگ مشترکی دارند و تابع اقتدار سیاسی واحدی هستند و از استقلال نسبی برخوردارند. میراث فرهنگی هم عبارت است از آن چه که نسل گذشته برای ما به ارث می‌گذارد و ما هم قرار است به نسل بعدی خودمان منتقل کنیم. هویت اما عبارت است از احساس و آگاهی و شناخت از خود که در جریان تعامل با دیگران و با محیط حاصل می‌شود و احساس تعلق احساس مثبتی است که فرد نسبت به هویت خودش کسب می‌کند و بدست می‌آورد. آشنایی با میراث فرهنگی و جلوه‌های تمدن ایرانی و اسلامی، شناسایی مفاخر علمی و فرهنگی کشور و آثار به جا مانده از آن‌ها از مباحثی است که در این حوزه‌ی موضوعی مطرح می‌شود.

نظام اجتماعی

مورد چهارم از حوزه‌های موضوعی نظام اجتماعی است. این حوزه بیشتر مباحث خودش را از علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، حقوق و علوم سیاسی می‌گیرد. نظام مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته است که یک پدیده را ایجاد می‌کنند. هر جزء با اجزای دیگر در ارتباط و در کنش متقابل است و تغییر در هر جزء می‌تواند موجب تأثیر بر سایر اجزا و تغییر آن‌ها شود. در یک نظام اجتماعی، افراد هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. شناخت حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، شناخت مؤسسات و نهادهای اجتماعی و سیاسی از جمله محورهای آموزش این حوزه است.

منابع، فعالیت‌های اقتصادی

حوزه‌ی موضوعی پنجم منابع و فعالیت‌های اقتصادی است. این حوزه بیشتر مباحث خودش را از اقتصاد، مطالعات زیست‌محیطی و جغرافیا می‌گیرد. انسان امروز برای تأمین نیازهای خودش و ادامه زندگی به کالاها و خدماتی احتیاج دارد که این کالاها و خدمات را با استفاده از منابع و امکانات محیطی به دست می‌آورد. استفاده از منابع و امکانات در راستای رفع نیازها منجر به فرآیندهای اقتصادی و چرخه‌ی تولید و توزیع مصرف می‌شود. از مباحث عمده این حوزه می‌توانیم به آشنایی با

فرآیندهای مربوط به تولید و توزیع و مصرف و استفاده بهینه از منابع و مدیریت اقتصادی در زندگی فردی و اجتماعی اشاره کنیم.

به یک مثال توجه کنید: (لطفا تخته را نگاه کنید)

برای مثال در خصوص تلفیق حوزه‌های موضوعی: مضمون خانه ما

این دو صفحه‌ای که شما (روی تخته) ملاحظه می‌کنید دروس ۹ و ۱۶ مطالعات اجتماعی پایه سوم هستند با عنوان "مقرارت خانه ما" و "خانه شما چه شکلی است؟" هر دو حول مضمون خانه ما تدوین شده‌اند. از طریق این مضمون می‌توانیم اهمیت و ارزش خانه را به‌عنوان مکانی برای زندگی خانوادگی و پاسخ‌گویی به بسیاری از نیازهای انسان آموزش دهیم. همچنین تقسیم خانه به فضاهای مختلف، نقشه خانه و متفاوت بودن اشکال و کارکرد خانه در نواحی مختلف آب و هوایی از جمله مثال‌های دیگری است که حول این مضمون می‌تواند شکل بگیرد.

ویدیوی هشتم (حیطه مهارت (بررسی و کاوش و مشارکت))

دانش و شناخت

مهارت

نگرش و ارزش

حیطه‌های اصلی در آموزش مطالعات اجتماعی

هدف اصلی برنامه درسی مطالعات اجتماعی تربیت شهروند مطلوب است. در واقع برنامه درسی مطالعات اجتماعی تلاش می‌کند تا از طریق پرورش و انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها به دانش‌آموزان، آن‌ها را برای ایفای نقش شهروندی آن هم به‌صورت مطلوب و مؤثر آماده کند. در این راستا پرورش و توسعه‌ی مهارت‌ها و توانمندی‌ها در دانش‌آموزان ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. مسلماً وقتی از پرورش و توسعه‌ی مهارت و توانمندی صحبت می‌کنیم موضوع مورد بحث ما در بین ۳ حیطه اصلی یادگیری مربوط به حیطه مهارت‌هاست. اما مهارت به چه معنی است؟ در تعریف مهارت می‌توانیم بگوییم که انتقال دانسته‌ها از حوزه نظر به حوزه عمل مهارت نام دارد. مهارت یعنی دانایی و توانایی به‌صورت توأمان و همزمان، یعنی این‌که دانش‌آموز ما بتواند آن‌چه را که به‌صورت نظری و تئوری یاد گرفته در یک موقعیت مقتضی و مناسب به کار ببندد. مثلاً وقتی که دانش‌آموز ما مفهوم همدلی را در کتاب آموزش می‌بیند بتواند در یک موقعیت مناسب با دانش‌آموز دیگری که پدرش را از دست داده رفتار همدلانه داشته باشد. با این تعریف می‌توانیم بگوییم که مهارت‌ها اکتسابی هستند؛ یعنی نوعی قابلیت هستند و ما به‌عنوان معلم می‌توانیم با تدارک فرصت‌های یاددهی - یادگیری مناسب زمینه را برای ایجاد و پرورش آن‌ها فراهم کنیم.

بنابراین مهارت یعنی توانایی انجام دادن یک کار و یک عمل مشخص. پس چه زمانی می‌توانیم بگوییم که یک فرد در انجام کاری ماهر است؟ زمانی که آن فرد بتواند کار را با کمترین خطا در کمترین زمان و بالاترین کیفیت به انجام برساند. مهارت‌ها

انواع و حوزه‌های گوناگونی دارند که شناخت آن‌ها برای هر کدام از معلمین از جمله معلم برنامه درسی مطالعات اجتماعی ضروری و واجب است. در چهارچوب کاوشگری می‌توانیم موضوعات اجتماعی و محیطی را به ۵ بخش اصلی تقسیم کنیم.

بررسی و کاوش

مشارکت

برقراری ارتباط

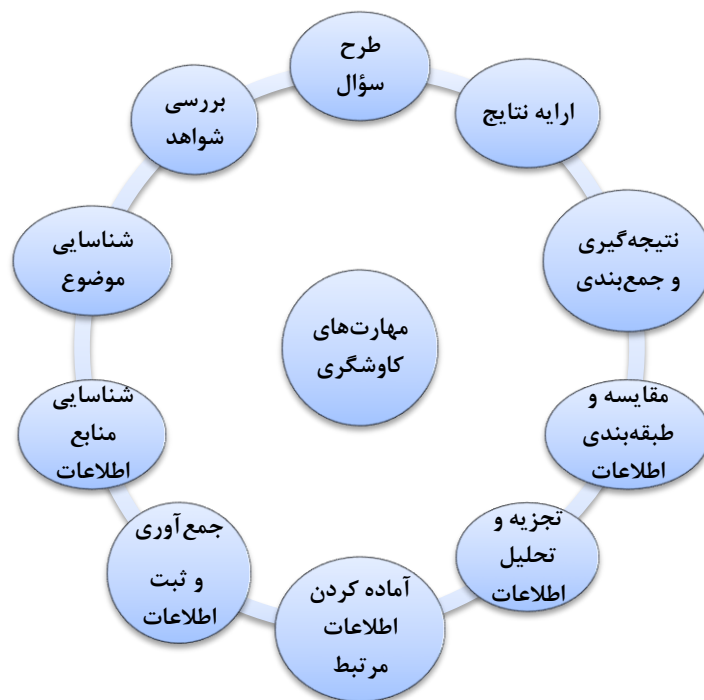
خلاقیت

واکنش شخصی و اظهار نظر

همان‌طور که (روی تخته هم) ملاحظه می‌کنید این ۵ بخش عبارت‌اند از: بررسی و کاوش - مشارکت - برقراری ارتباط - خلاقیت - واکنش شخصی و اظهار نظر. هر کدام از این مهارت‌ها جداگانه از چندین مهارت تشکیل شده‌اند که باید به عنوان یک معلم با ترتیب فرصت‌های یاددهی - یادگیری مناسب شرایط را برای پرورش آن‌ها ایجاد کنیم.

مهارت بررسی و کاوش

در بررسی مورد اول از انواع مهارت‌ها یعنی مهارت بررسی و کاوش همان‌طور که شما مهارت‌آموزان عزیز در نمودار (روی تخته) هم ملاحظه می‌فرمایید مهارت‌های فرآیند کاوشگری عبارت‌اند از:



مهارت‌های فرآیند کاوشگری

- طرح سؤال: طرح سؤالات روشن و واضح درباره موضوعات و مسائل محیطی و اجتماعی
- بررسی شواهد: بررسی شواهد و مدارک که می‌تواند شامل خواندن نمودار، عکس، نقشه، متون، اسناد و مسائلی از این دست باشد.

لازم است بدانیم که هر کدام از این مهارت‌ها نیاز به تمرین دارد و برنامه درسی مطالعات اجتماعی این فرصت را فراهم می‌کند تا به عنوان یک معلم شرایط را برای پرورش و تقویت آن‌ها فراهم کنیم. لطفاً به مثال‌هایی که از کتاب برایتان انتخاب کرده‌ام (و روی تخته می‌بینید) توجه بفرمایید:

- در کاربرگ‌های شماره ۴ مطالعات اجتماعی پایه سوم از دانش‌آموز می‌خواهیم که از طریق پرس‌وجو اسم دوستانش را بپرسد و ببیند که خانواده‌ی هر کدام از آن‌ها چند نفر هستند و در جدول آن را ثبت کند.
- مورد بعدی که در کاربرگ‌های شماره ۳ مطالعات اجتماعی پایه پنجم آمده و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که تعداد دانش‌آموزان کلاس را یادداشت کنند و نمودار مربوط به آن را رسم کنند.
- مثال بعدی که در کاربرگ‌های شماره ۴ مطالعات اجتماعی پایه ششم آمده از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که درباره‌ی موقعیت‌ها تصمیم‌گیری کنند و در موقع تصمیم‌گیری یک سری سؤالات اصلی را از خودشان بپرسند و به آن‌ها پاسخ دهند.
- سایر مثال‌هایی که می‌توانیم برای این بخش عنوان کنیم این است که از دانش‌آموزان بخواهیم که شماره تلفن‌های ضروری را پیدا کنند و بررسی کنند که هر کدام از این شماره‌ها تلفن‌ها مربوط به کدام مؤسسات است؟ این مؤسسات چه خدماتی ارائه می‌کنند؟ و دانش‌آموزان در چه مواقعی می‌توانند با این مؤسسات تماس بگیرند؟ یا اینکه از آن‌ها بخواهیم که وضعیت هوای شهر خود را برای یک دوره زمانی مشخص

بررسی کنند، آن‌ها را ثبت کنند و تغییرات آن را گزارش کنند. یا این‌که از آن‌ها بخواهیم در خصوص قوانین و مقررات مربوط به مدرسه با یکی از مسئولین مدرسه مصاحبه‌ای داشته باشند و نتیجه مصاحبه خود را در کلاس درس گزارش کنند. یا این‌که از آن‌ها بخواهیم در خصوص یک مفهوم، یک واژه یا یک اصطلاح مثل دشت، دریا، کوه، جلگه، عدالت، آزادی، دموکراسی یا جمهوری به لغت‌نامه، دایره‌المعارف یا فرهنگ‌نامه‌های موضوعی مراجعه کنند و نتیجه‌ی بررسی‌هایشان را در کلاس ارائه دهند.

مهارت مشارکت

حوزه مهارتی بعدی مشارکت است. انسان‌ها ذاتاً موجوداتی اجتماعی هستند. در گروه زندگی می‌کنند و به‌صورت گروهی زندگی می‌کنند. در واقع هر انسانی عضو گروه‌های متعددی است و در گروه‌های متعددی ایفای نقش می‌کند. دانش‌آموزان دوست دارند که عضو گروه باشند و بتوانند نقش مؤثر خود را در گروه ایفا کنند. از جمله مهارت‌هایی که در این فرآیند نیاز به پرورش آن‌ها وجود دارد، همکاری، کار گروهی و مهارت مشارکت و تصمیم‌گیری جمعی در حل مسایل مختلف است. صبوری، بردباری، سعه صدر، احساس تعلق به گروه و هدایت و مدیریت خود در گروه و البته رهبری گروه از جمله مهارت‌هایی است که در این حوزه مهارتی به دانش‌آموزان آموزش می‌دهیم و قصد داریم که این مهارت‌ها را در آن‌ها ایجاد و تقویت کنیم. به مثال‌هایی که از کتاب درسی برایتان انتخاب کرده‌ام توجه بفرمایید:

❖ در کار برگه‌ی شماره ۱ مطالعات اجتماعی پایه ششم از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا از طریق

بحث گروهی بعد از مطالعه چند موقعیت به سؤالات پاسخ دهند.

❖ نمونه بعدی کار برگه‌ی شماره ۸ مطالعات اجتماعی پایه ششم است که از دانش‌آموزان خواسته

می‌شود تا از طریق همفکری گروهی و جمعی، چند مورد از قوانین و مقرراتی را که در مکان‌های مختلف آن‌ها را به کار می‌بندند مشخص کنند.

❖ این مثال مربوط به کار برگه‌ی شماره ۱۰ مطالعات اجتماعی پایه پنجم است. از دانش‌آموزان

خواسته می‌شود تا متنی را مطالعه کنند و بعد به صورت گروهی به پرسش‌هایی که مطرح شده پاسخ دهند.

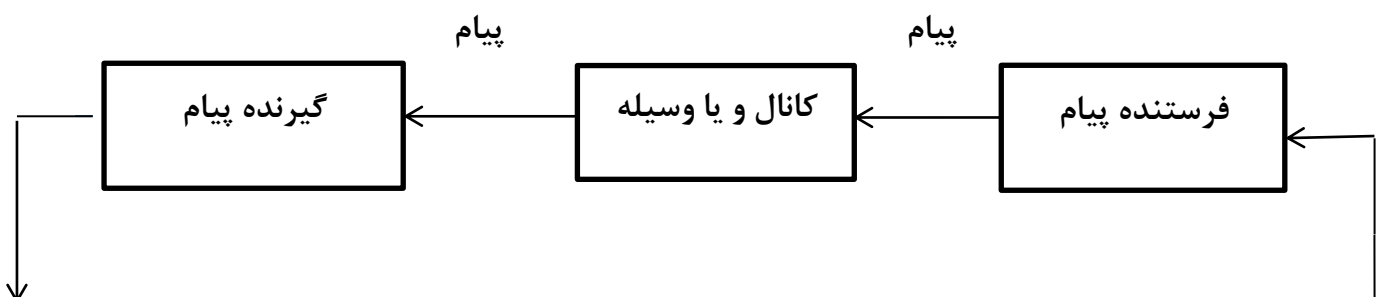
همان‌طور که ملاحظه کردید در همه‌ی این تمرین‌ها ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم تا در گروه و با گروه کار و همفکری کنند و بازخوردی هم که در واقع به آن‌ها می‌دهیم به صورت گروهی خواهد بود یعنی اگر دانش‌آموزان موفقیتی کسب می‌کنند این موفقیت حاصل تلاش‌های گروه است و همچنین اگر شکستی هم حاصل می‌شود نتیجه تمام فعالیت‌هایی است که در گروه اتفاق می‌افتد.

مثال‌های دیگری که در این خصوص می‌توانیم بزنیم این است که از دانش‌آموزان بخواهیم بصورت گروهی در مورد اقدامات مؤثر یک دوره تاریخی ایران ایفای نقش داشته باشند و در کلاس نمایش گروهی بازی کنند یا اینکه به صورت بازی گروهی قوانین و مقررات عبور و مرور و راهنمایی و رانندگی را به ما نشان دهند یا اینکه برای مردم یکی از استان‌های زلزله‌زده نامه بنویسند و از نامه‌ها و دل‌نوشته‌هایی که دارند یک نمایشگاهی را بصورت گروهی برپا کنند. از آن‌ها بخواهیم در مورد یکی از مفاهیم مطرح شده در کتاب روزنامه‌دیواری درست کنند. درباره یک موضوع یا مسئله که در مدرسه‌شان اتفاق می‌افتد با همدیگر بحث کنند و نتیجه‌ی بحثشان را در کلاس به معلم ارائه دهند یا این‌که برای کلاس خودشان به صورت گروهی قوانین

و مقرراتی را وضع کنند و آن قوانین و مقررات را ضمن ارائه به معلم در کلاس به اجرا بگذارند. همان طور که ملاحظه کردید این ۲ حوزه‌ی مهارتی دو حوزه مهم بودند. در ادامه به حوزه بعدی مهارت‌ها یعنی برقراری ارتباط خواهیم پرداخت.

ویدیوی نهم (حیطه مهارت (برقراری ارتباط))

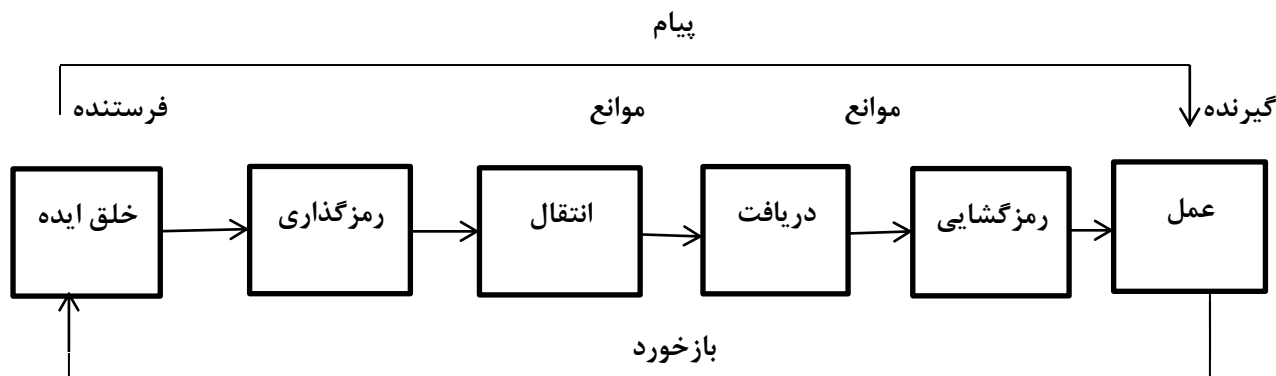
همان طور که پیش تر گفته شد در چهارچوب کاوشگری می‌توانیم مهارت‌های اجتماعی و محیطی را به ۵ بخش اصلی شامل بررسی و کاوش، مشارکت، برقراری ارتباط، خلاقیت و واکنش شخصی و اظهار نظر تقسیم‌بندی کنیم. در این قسمت می‌خواهیم در مورد یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای هر فرد انسانی یعنی برقراری ارتباط صحبت کنیم. اما ارتباط چیست؟ ارتباط بدون شک یکی از نیازهای اساسی و عمده بشر است. در واقع انسان‌ها از لحظه‌ای که به دنیا می‌آیند تا لحظه‌ای که می‌میرند برای رفع نیازهای مختلفشان در حال مرابطه و برقراری ارتباط با دنیای پیرامون خود هستند. این نیازها از پیش پا افتاده‌ترین شکلشان مثل نیاز به غذا و پوشاک و امنیت گرفته تا عالی‌ترین نیازهای انسانی مثل احترام و خودشکوفایی در بستر ارتباط انسان با دیگران و با محیط اطراف رفع و ارضا می‌شود. اگر انسان‌ها یاد نگیرند که به طور صحیح با دنیای پیرامون خودشان رابطه داشته باشند در رفع نیازهایشان عاجز می‌مانند و ادامه حیات برای آن‌ها غیر ممکن خواهد شد. با این تعریف یکی از اساسی‌ترین مهارت‌هایی که باید در کودکان پرورش داده شود مهارت برقراری ارتباط مؤثر است. ارتباط به معنای فرآیند انتقال معنا و مفهوم است و یکی از مهمترین ویژگی‌های آن همه‌گیری است؛ یعنی همه‌ی ما در همه جا و همه وقت در حال برقراری ارتباط هستیم. لطفاً (به تخته) توجه کنید:



باز خورد

در فرآیند ارتباط پیام از شخص آغازگر ارتباط که فرستنده پیام است از طریق یک رسانه به گیرنده پیام یا مخاطب منتقل می‌شود. البته برقراری ارتباط به این سادگی هم که در نمودار نشان داده شده نیست و عناصر ارتباطی در یک تعامل پیچیده‌تر از این نمودار با هم قرار دارند.

لطفاً به این نمودار توجه بفرمایید:



همان‌طور که ملاحظه می‌کنید معنا و مفهوم مورد نظر فرستنده در ابتدا رمزگذاری یا کدگذاری می‌شود یعنی بصورت نمادهای قابل درک و فهم درمی‌آید. بعد از آن از طریق یک رسانه به گیرنده منتقل می‌شود. فرد دریافت‌کننده پیام هم آن‌ها را کدبرداری یا رمزگشایی می‌کند و سپس به فرستنده پیام یا آغازگر ارتباط بازخورد می‌دهد. این چرخه می‌تواند بارها و بارها ادامه پیدا کند اما یادمان باشد که ارتباط به همین سادگی‌ها هم نیست و همیشه بی‌دردسر اتفاق نمی‌افتد. خیلی وقت‌ها با خطاها و مشکلاتی همراه است و عوامل اختلال‌گری هم هستند که روند ارتباط را کند می‌کنند یا مسیر آن را منحرف می‌کنند و حتی بعضی وقت‌ها آن را غیرممکن می‌کنند. این عوامل می‌توانند در هر مرحله از ارتباط رخ بدهند. مثلاً اگر ما فرآیند تدریس را به عنوان ارتباط متقابل و دو سویه بین معلم و شاگرد در نظر بگیریم هر لحظه عوامل مزاحمی می‌توانند وارد این فرآیند شوند و ارتباط ما را با دانش‌آموزانمان مختل کنند.

جند مثال:

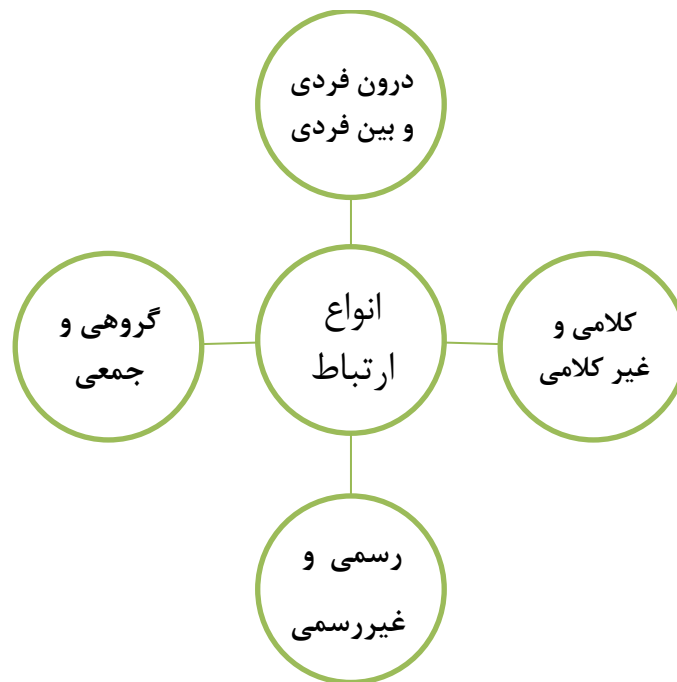
- سر و صدایی که در سالن مدرسه و بیرون از کلاس است.
- عدم آمادگی جسمی یا عدم آمادگی ذهنی و روانی دانش‌آموزان
- دانش‌آموزی که شب گذشته شاهد نزاع پدر و مادرش بوده یا بدون اینکه صبحانه بخورد و گرسنه سر کلاس حاضر شده.

همه‌ی این‌ها می‌توانند عواملی باشند که در ارتباط مؤثر ما با دانش‌آموزان خلل وارد کند. همچنین حرکات نامناسب بدن و چهره‌ی ما به عنوان یک معلم، حرکات اضافی دست ما، صدای بسیار بلند یا آهسته‌ی ما هم می‌تواند به عنوان عوامل مزاحم در این فرآیند انتقال معنا به حساب بیاید. بنابراین تأکید می‌کنم که به عنوان یک معلم باید تمام این عوامل را بشناسیم و سعی کنیم آن‌ها را به حداقل ممکن برسانیم تا تدریس ما حداکثر اثربخشی لازم را برای دانش‌آموزانمان داشته باشد. با توجه به تعاریفی که از ارتباط ارائه دادیم می‌توانیم بگوییم که ارتباط در دو زمینه اتفاق می‌افتد. یکی برقراری ارتباط با سایر انسان‌ها و دیگران و دیگری برقراری ارتباط با منابع اطلاعاتی و پدیده‌ها.

لطفاً (به تخته) توجه بفرمایید:

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در کاربرگ‌ی شماره ۱ پایه سوم از دانش‌آموزانمان می‌خواهیم که خط زمان فعالیت‌هایشان را نشان بدهند. در واقع در این کاربرگ مهارت برقراری ارتباط دانش‌آموز با منابع اطلاعاتی و پدیده‌ها را

تقویت می‌کنیم. مورد بعدی در کاربرگی شماره ۴ پایه پنجم از دانش‌آموزانمان می‌خواهیم که جای هر یک از موارد خواسته شده را روی تصویر با شماره مشخص کنند. در واقع با این فعالیت هم می‌خواهیم مهارت برقراری ارتباط دانش‌آموز با منابع اطلاعاتی و پدیده‌ها را تقویت کنیم. مثال بعدی کاربرگی شماره ۱۲ پایه سوم است که در آن از دانش‌آموز خواسته می‌شود که با همفکری دیگران اسم ۵ چیز را که در خانه یا مدرسه از آن استفاده می‌کنند را بنویسند و کاربردها را نشان دهند. در کاربرگی شماره ۳ پایه پنجم از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که پرس‌وجو کنند و جمعیت کلاس و مدرسه‌یشان را مشخص کنند و نمودار آن را ترسیم کنند. در این دو کاربرگی آخر می‌خواهیم که مهارت برقراری ارتباط با دیگران را در دانش‌آموزانمان تقویت کنیم. مثال‌های دیگری که در این حوزه وجود دارد مثل این است که از دانش‌آموزان بخواهیم تصاویر خانه‌ها یا پوشش‌های گیاهی مختلف را که در سمت راست صفحه‌یشان می‌بینند به مکان‌های مناسب مربوط به آن در سمت چپ صفحه مرتبط کنند یا اینکه خودشان را با نقاط ضعف و قوتی که دارند در جمع و در کلاس و در حضور سایر دانش‌آموزان معرفی کنند. از آن‌ها بخواهیم اجزا و عناصر یک پدیده مثلاً چرخه‌ی آب را روی یک مدل نشان بدهند. فرآیند تولید و توزیع و مصرف کالا را شماره‌گذاری کنند و به نحو مطلوب نمایش دهند یا اینکه از آن‌ها بخواهیم برای دریافت یک خدمت مشخص به یکی از مؤسسات اجتماعی مثلاً آتش‌نشانی، پلیس یا کتابخانه مراجعه کنند یا تلفن بزنند و از آن خدمت بگیرند. در خصوص ارتباط می‌توانیم تقسیم‌بندی‌های متعددی داشته باشیم و ارتباط را به انواعی تقسیم کنیم. مثلاً در یک تقسیم می‌توانیم انواع ارتباط را به این صورت نشان دهیم:



ارتباط درون فردی و بین فردی

ارتباط بین فردی در واقع ارتباط انسان با دیگر انسان‌هاست با هدف انتقال معنا. ارتباط درون فردی به گفت‌وگوهای ما با خودمان و مراجعه ما به درون خودمان اشاره می‌کند. همه‌ی ما تجربه‌ها و گفت‌وگوهای درونی با خودمان را داشته‌ایم.

ارتباط گروهی و جمعی

ارتباط گروهی ارتباط یک فرد یا گروهی از افراد با گروه دیگر است. یکی از مؤثرترین مثال‌هایی که در این زمینه می‌توانم بزنم تدریس در کلاس درس است.

و اما ارتباط جمعی: ارتباط یک فرد یا یک گروه از طریق رسانه‌ی جمعی با جمعی از افراد. تفاوت ارتباط جمعی با ارتباط گروهی این است که در ارتباط جمعی مخاطبین معمولاً پراکنده هستند و ناشناس و ارتباط از طریق یک رسانه‌ی جمعی مثل روزنامه، مجله، تلویزیون، رادیو و نظایر آن اتفاق می‌افتد.

ارتباط کلامی و غیر کلامی

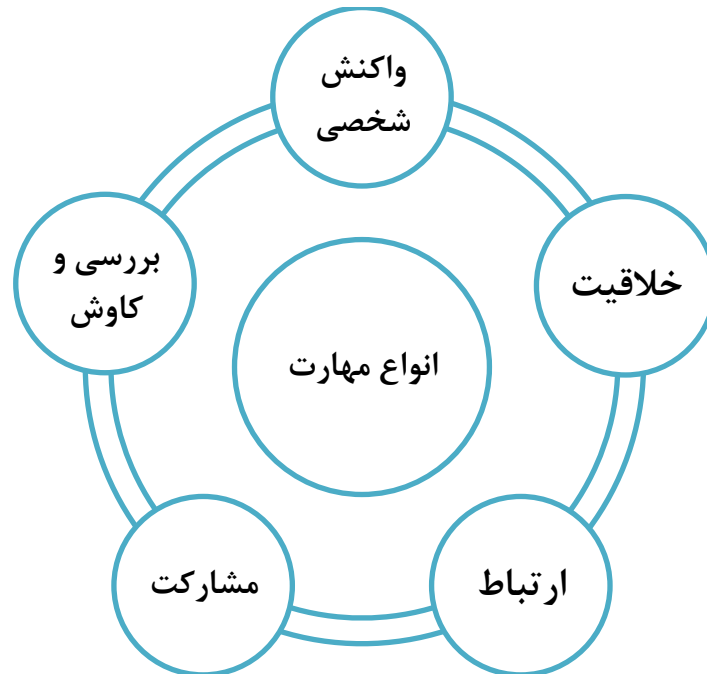
از اسمش مشخص است. ارتباط غیر کلامی معمولاً با حرکات بدن و چهره‌ی ما است. ارتباطات روی هم در ساختار سازمانی و از طریق قوانین و مقررات اتفاق می‌افتد. همان‌طور که (روی تخته هم) ملاحظه می‌فرمایید در نظر داشته باشیم که در بسیاری از فصول و بخش‌هایی که کتاب مطالعات اجتماعی در پایه‌های مختلف به مفهوم ارتباط در قالب ارتباط انسان‌ها با همدیگر، با محیط یا پدیده‌ها اشاره شده، اما در صریح‌ترین شکل، اول در پایه‌ی پنجم فصل اول به این مهارت تحت عنوان "زندگی با دیگران" پرداخته شده. در پایان این قسمت با توجه به اهمیتی که برقراری ارتباط مؤثر می‌تواند در حفظ بهداشت روانی فرد و جامعه ایفا کند شما مهارت‌آموزان عزیز معلمی را مؤکداً دعوت می‌کنم به اینکه در خصوص طراحی فرصت‌های یاددهی-یادگیری مناسب که می‌تواند منجر به تقویت و پرورش مهارت‌های ارتباطی در دانش‌آموزان شود دقت نظر بیشتری داشته باشید و برای آن‌ها فکر کنید و برنامه‌ریزی داشته باشید.

ارتباط رسمی و غیر رسمی

(در مورد این نوع ارتباط مدرس دوره توضیحی ارائه نداده است.)

ویدیوی دهم (حیطه مهارت (خلاقیت، واکنش شخصی و کاوشگری))

گفتیم که در چهارچوب کاوشگری، مهارت‌های اجتماعی به ۵ حوزه اصلی تقسیم می‌شوند.



بررسی و کاوش، مشارکت و برقراری ارتباط را مورد بررسی قرار دادیم. اما خلاقیت و اظهار نظر شخصی:

خلاقیت

خلاقیت یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان امروز است. در این حوزه، مهارت‌های کاربرد دانش و اطلاعات و مهارت‌ها در موقعیت‌ها و به شکل‌های جدید، توسعه و بسط آموخته‌ها و پاسخ‌گویی به مسایل و موقعیت‌های غیرمنتظره، طراحی و تولید محصولات یا راهبردهای جدید و ابداع روش‌های جدید و پیشنهاد دادن و تجسم کردن و پیش‌بینی کردن تقویت می‌شود. برای نمونه لطفاً (به تخته) توجه فرمایید:

در کاربرگه‌ی شماره ۳ کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم از دانش‌آموز خواسته می‌شود آینده خودش را نقاشی کند یا آن را در چند جمله توصیف کند. با این فعالیت در واقع ما تجسم و پیش‌بینی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنیم و به نوعی آن‌ها را به سمت آینده‌نگری سوق می‌دهیم. مثال‌های دیگری هم برای این حوزه مهارتی وجود دارد. مثلاً اینکه از دانش‌آموزان بخواهیم پوستر یا پیام تبلیغاتی‌ای را برای یک موضوع اجتماعی یا محیطی مثل اسراف، مصرف بی‌رویه آب، صلح، دوستی یا تعاون طراحی کنند و در کلاس یا مدرسه آن را نصب کنند یا اینکه از آن‌ها بخواهیم خانه یا مدرسه و کلاس درس یا معلم ایده‌آل خودشان را تجسم کنند و خصوصیات او را بیان کنند یا در مورد او متنی بنویسند یا آن را نقاشی کنند. آینده‌ای از

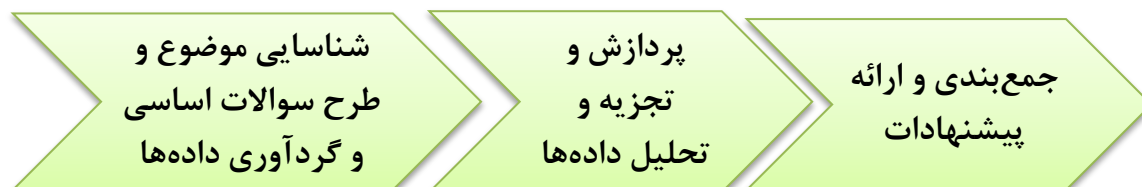
تغییرات یک پدیده مثلاً ارتباطات در قرن بعدی را مجسم کنند یا حدس بزنند و به کلاس ارائه کنند یا پیشنهاداتی در مورد حل یک موضوع محیطی یا اجتماعی ارائه کنند.

واکنش شخصی و اظهار نظر

اما مهارت بعدی یا آخر در بین این ۵ حوزه مهارتی واکنش شخصی و اظهار نظر است. در این حوزه از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا نسبت به مسایل پیرامون خودشان به صورت فعالانه واکنش نشان دهند. دانش‌آموزان در این حالت از خودشان ارائه‌ای دارند. برای بازشناسی و بررسی موضوعات بر مبنای استنباط شخصیشان مهارت‌های نگریستن، بازشناسی و نقد موضوعات بر مبنای تلقی خودشان یا در واقع بیان استنباطها و استدلال‌های خودشان، آینده‌نگری و پیش‌بینی آینده‌ی ترجیحی و احتمالی‌شان در این حوزه قرار دارد. لطفاً (به تخته) توجه فرمایید:

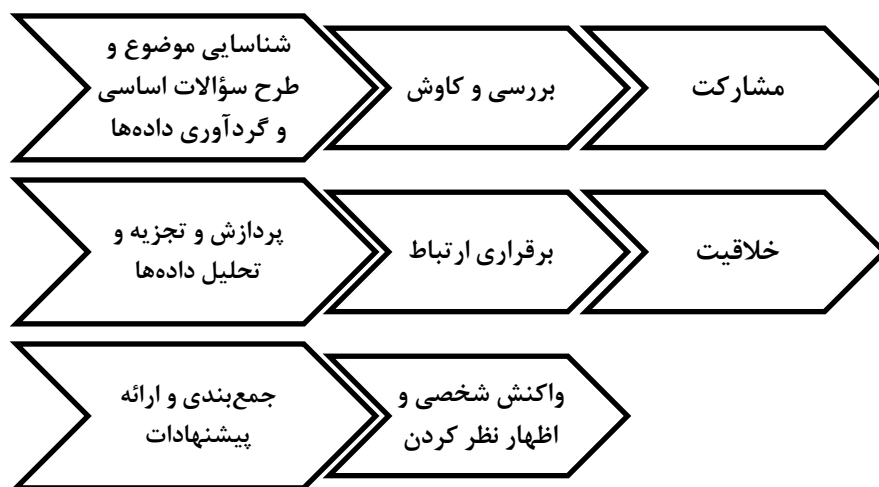
کاربرگه‌ی شماره ۱۷ کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم. در این کاربرگه از دانش‌آموز خواسته می‌شود تا در مورد وزرای کردانی مثل خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیرالدین طوسی متنی را بنویسد. نمونه‌های دیگری که در این حوزه می‌توانیم مثال بزنیم این است که مثلاً دانش‌آموزان در مورد یک موضوع محیطی یا اجتماعی مثل آلوده کردن محیط زیست، کودکان گرسنه یا آواره شدن در کشورهای جنگ‌زده، رویدادهای تاریخی مثل استعمار و دخالت بیگانگان در کشور اظهار نظر کنند و احساس و نگرش خودشان را نسبت به این مسایل بیان کنند و به بحث بگذارند. البته باید توجه داشته باشیم که هر کدام از این کاربرگه‌ها که تا اینجا برایتان مثال زدم بصورت همزمان به پرورش و تقویت چندین مهارت در دانش‌آموز می‌پردازد. خیلی وقت‌ها مهارت‌ها با همدیگر پوشانی دارند و مرز مشخص و تفکیکی برایشان به آن حالتی که ما در گفتار بیان می‌کنیم وجود ندارد.

خب همان‌طور که گفته شد در چهارچوب کاوشگری، مهارت‌ها به ۵ موضوع اصلی بررسی و کاوش، مشارکت، ارتباط، خلاقیت و واکنش شخصی و اظهار نظر تقسیم می‌شود. اما منظور ما از اینکه می‌گوییم در چهارچوب کاوشگری چیست؟ و اصلاً کاوشگری چه ارتباطی می‌تواند با این مهارت‌های پنج‌گانه داشته باشد؟ با توجه به حجم انبوه اطلاعاتی که در جهان امروز وجود دارد و به خاطر سرعت بالای تغییرات و کهنه شدن اطلاعات قبلی و جایگزینی آن‌ها با اطلاعات جدید، وظایف مدارس و وظایف معلمین هم تغییر کرده. در واقع امروزه نقش معلم از انتقال‌دهنده‌ی صرف دانش‌ها و مهارت‌ها به عنوان تسهیل‌گر یادگیری تغییر پیدا کرده. یکی از وظایف اصلی مدارس در این راستا این است که نحوه صحیح یاد گرفتن و چگونه یاد گرفتن را به دانش‌آموزان بیاموزند تا در چهارچوب این مهارت، دانش‌آموزان ما بتوانند در هر لحظه و هر جا یاد بگیرند و بتوانند خودشان را با این تغییرات سریع محیطی همسو کنند. لطفاً (به تخته) توجه کنید:



مراحل کاوشگری

همان‌طور که (روی تخته) ملاحظه می‌کنید کاوشگری شامل ۳ مرحله است. مرحله اول شناسایی موضوع و طراحی سؤالات اساسی است. مرحله دوم پردازش داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها است و مرحله سوم جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد است. هر کدام از این مراحل با حوزه‌ای از مهارت‌ها در ارتباطند. در ارتباط بین حوزه‌ی مهارت‌های پنج‌گانه با مراحل پژوهشگری، می‌توانیم بگوییم که حوزه بررسی و کاوش با مرحله اول پژوهشگری یعنی شناسایی موضوع و طرح سؤالات اساسی در ارتباط است. امروزه مشارکت یک ارزش کلیدی است و توجه به آن ضروری و البته اجتناب‌ناپذیر است. در واقع مشارکت در فرآیند پژوهشگری نقش به‌سزایی دارد و بسیاری از پژوهش‌ها بصورت تیمی و گروهی انجام می‌شود. بنابراین ضرورت دارد دانش‌آموزان ما کار کردن در گروه و با گروه را یاد بگیرند. لطفاً به نموداری که (روی تخته) ترسیم شده توجه کنید:



ارتباط مراحل کاوشگری با حوزه‌های مهارتی

حوزه برقراری ارتباط با مرحله دوم کاوشگری یعنی پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها سروکار دارد. در این مرحله دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه با انواع منابع اطلاعاتی ارتباط برقرار کنند و به کشف انواع روابط بین عناصر و پدیده‌ها و تجزیه و تحلیل مسایل نائل شوند. وجود حوزه خلاقیت در این قسمت از آن جهت ضروری است که معمولاً در هر پژوهش مؤثر و راهگشایی بر مبنای خلاقیت‌ها، الهامات یا استنباطات پژوهشگر، نوآوری‌هایی در روش‌ها یا نگرش‌ها یا کاربرد ترکیب جدیدی از داده‌ها در موقعیت‌های تازه و نظایر آن ایجاد می‌شود. در واقع از طریق خلاقیت در پژوهش است که دانش بسط و توسعه پیدا می‌کند، راه‌های نوینی ایجاد می‌شود و حلقه‌های جدیدی به حلقه‌های قدیمی علم و دانش اضافه می‌شود و بالاخره حوزه واکنش شخصی و اظهار نظر با مرحله سوم پژوهش یعنی جمع‌بندی و ارائه‌ی پیشنهاد در ارتباط است. در این مرحله محقق به قضاوت و ارزیابی می‌نشیند و جمع‌بندی و اظهار نظر می‌کند. لذا پرورش مهارت اظهار نظر کردن درباره موضوعات از منظر نگرش و استنباط فرد نسبت به موضوع در دانش‌آموز به عنوان یکی از مراحل کاوشگری ضرورت پیدا می‌کند. آنچه که بدیهی و مسلم است این است که ما نمی‌توانیم از دانش‌آموزان به‌ویژه در مقطع ابتدایی انتظار داشته باشیم که یک پژوهش را با تمام مراحلش بصورت تمام و کمال و بی نقص به ما ارائه کنند. بنابراین با تقسیم‌بندی مهارت‌های کاوشگری به ۵ حوزه

تلاش می‌شود تا در هر پایه مهارت‌ها در ۵ حوزه تقویت شوند و در هر کدام از حوزه‌ها فرد به تدریج به سطوح بالاتر آن مهارت دست پیدا کند. برای تحکیم این مبحث در ادامه مثال‌هایی از کتاب درسی به شما مهارت‌آموزان عزیز ارائه خواهد شد.

ویدیوی یازدهم (حیطه مهارت (کاوشگری))

همان‌طور که خدمت شما مهارت‌آموزان عزیز عرض کردم، با تقسیم‌بندی مهارت‌های حوزه کاوشگری به ۵ بخش، تلاش می‌کنیم تا در هر پایه مهارت‌های مربوطه را در هر کدام از این بخش‌ها در دانش‌آموزانمان به نحوی تقویت کنیم تا در پایه‌های بالاتر بتوانند به سطوح بالاتری دست پیدا کنند. برای مثال در زمینه تقویت و جمع‌آوری داده‌ها در ابتدا دانش‌آموزان داده‌های خودشان را از طرق پرس‌وجو و سؤال و جواب با بزرگترها که می‌توانند شامل والدین و یا معلم باشد، جمع‌آوری می‌کنند و ارائه می‌دهند و در سال‌های بعد می‌توانند برای جمع‌آوری داده‌ها به پایگاه‌های اینترنتی یا دایرةالمعارف‌ها و کتابخانه‌ها مراجعه کنند. در زمینه ارائه داده‌ها در سال‌های اولیه ابتدا نمودارهای ستونی ساده را به دانش‌آموزانمان آموزش می‌دهیم اما در دوره‌های بعد هر چه که دانش‌آموز به سطح بالاتری از مهارت می‌رسد با نمودارهای پیچیده‌تری کار خواهد کرد.

همچنین در زمینه واکنش شخصی و اظهار نظر، در ابتدا دانش‌آموز ما در زمینه مسائل عینی و ملموسی مثل مدرسه، قوانین و مقررات آن یا مسائلی که در خانه با آن دست به‌گریبان هست یا در محله با آن سروکار دارد، اظهار نظر می‌کند و آن‌ها را به نقد می‌کشد، اما در سال‌های بعدی انتظار می‌رود که دانش‌آموز بتواند در به‌چالش کشیدن و بیان ایده‌ها در خصوص مسائل مهم و مطرح منطقه‌ای و جهانی ایفای نقش کند.

مثال‌هایی دیگر در این زمینه وجود دارد که از کتاب درسی برای شما انتخاب شده:

لطفاً (به تخته) توجه کنید:

- کاربرگه شماره ۱۰ پایه سوم: از دانش‌آموز خواسته می‌شود تا با یک نفر از افراد فامیل خود درباره شغلش مصاحبه کند و نتیجه‌ی مصاحبه را در کلاس ارائه دهد. این یک نمونه از جمع‌آوری داده‌ها است.
- کاربرگه شماره ۱۱ پایه چهارم: در جدولی از دانش‌آموز خواسته شده تا میزان متوسط دما در شهر اصفهان را در دوره‌های مختلف بنویسد و نمودار را کامل کند.
- کاربرگه شماره ۵ پایه چهارم: از دانش‌آموز خواسته می‌شود تا آنچه که از عکس می‌فهمد را بیان کند و برای ما بنویسد. به عنوان یک معلم ضرورت دارد که در زمینه رویکرد کاوشگری نکاتی را همیشه در نظر داشته باشیم. باید یادمان باشد که استفاده از فنون و روش‌های مختلف کاوشگری، رویکردی یادگیرنده محور است. در این رویکرد دانش‌آموزان هستند که محور اصلی‌اند.
- کاربرگه شماره ۵ پایه چهارم: از دانش‌آموزان می‌خواهد تا آنچه را که از عکس می‌فهمند و دریافت می‌کنند بنویسند و به کلاس ارائه دهند.

به عنوان یک معلم ضرورت دارد که در زمینه رویکرد کاوشگری به چند نکته اساسی توجه کنیم و آن‌ها را مد نظر داشته باشیم:

۱) استفاده از فنون و تکنیک‌ها و روش‌های مختلف کاوشگری در واقع رویکرد یادگیرنده‌محور را تحقق می‌بخشد. در این رویکرد این دانش‌آموزان هستند که محور و کانون اساسی یادگیری هستند و در واقع معلم تسهیل‌گر است و نقش راهنما را دارد. البته اگرچه نقش حمایتی معلم در دوره ابتدایی بالاخص سال‌های اولیه آن پررنگ‌تر از دوره‌های دیگر است، اما این نقش نباید به انتقال یک‌سویه اطلاعات از سمت معلم به دانش‌آموز محدود شود و باید به دانش‌آموزان برای فکر کردن، جست‌وجو کردن، بررسی کردن، تحقیق کردن و مراجعه کردن به منابع و درگیر شدن با آن‌ها فرصت داده شود. باید به دانش‌آموزان فرصت دهیم تا ایده‌ها و نظرات مختلف را به چالش بکشند و آن‌ها را به‌صورت آزادانه و به دور از دغدغه در کلاس و در حضور یک جمع ارائه کنند. یاددهی و یادگیری در چهارچوب فرآیند کاوشگری به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با موضوعات به خوبی درگیر شوند و نسبت به مسائل محیط پیرامون زندگیشان هرچه بیشتر عمیق شوند و فعالانه واکنش نشان دهند. در نهایت منجر می‌شود تا دانش‌آموزان نسبت به رویدادها و پدیده‌هایی که در اطرافشان اتفاق می‌افتد درک و فهم عمیق‌تری پیدا کنند و این موضوع منجر به یادگیری پایدار در دانش‌آموزان ما خواهد شد.

در مقطع ابتدایی انجام تحقیقات به طور تمام و کمال و اصولاً تحقیق کردن به خودی خود برای ما یک هدف نیست، بلکه هدف ما پرورش مهارت‌های کاوشگری در ۵ حوزه‌ای است که قبل‌تر آن‌ها را گفتیم. بنابراین معلم باید به روش‌های مختلف مهارت‌های مربوط به کاوشگری اعم از بررسی، خلاقیت، مشارکت، کار گروهی و مهارت‌هایی از این دست را تقویت کند. اما متأسفانه آنچه که در سال‌های اخیر در مدارس شاهدش هستیم چیز دیگری است. متأسفانه در سال‌های اخیر دیدیم که برخی از معلمان در مقطع ابتدایی دانش‌آموزان را به انجام تحقیق پیرامون موضوعات مختلف ملزم و مجبور می‌کنند و این امر در بعضی از مدارس ما متأسفانه متداول شده. این نوع تحقیق‌ها اغلب همراه با راهنمایی کافی نیست و بدون در اختیار گذاشتن مهارت‌ها و منابع لازم در دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد و باعث می‌شود بیشتر از آنکه دانش‌آموز ما درگیر ارائه این تکلیف شود، والدین و اطرافیانش درگیر ارائه این تکلیف به معلم شوند و در واقع آن‌ها هستند که این تکالیف را انجام می‌دهند. بنابراین باید در نظر داشته باشیم و باز هم تأکید می‌کنم که آنچه که ما قرار است مهارتش را در دانش‌آموزمان پرورش و توسعه دهیم، مهارت‌های اولیه در حوزه کاوشگری است و نه تحقیق کردن و انجام پژوهش آکادمیک و دانشگاهی.

در پایان این مبحث لازم است مجدداً اهمیت کاوشگری و تربیت افراد کاوشگر را یادآور شوم. گفتیم که رسالت اصلی برنامه درسی مطالعات اجتماعی تربیت شهروندان مطلوب است. شهروندان مطلوب، شهروندانی هستند که در مواجهه با مسائل، خودشان را نمی‌بازند و واکنش صحیح و فعالانه نسبت به آن‌ها ارائه می‌دهند. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم سرشار از چالش‌ها و پیچیدگی‌هایی است که هر روز و هر روز ما را مورد حمله قرار می‌دهند. چطور می‌توانیم واکنش صحیحی در مقابل آن‌ها داشته باشیم؟ مسلماً کاوشگری به عنوان یک مهارت به ما کمک می‌کند تا مسائلی را که با آن‌ها درگیر هستیم بشناسیم، راه‌حل‌هایش را جست‌جو کنیم، داده‌های مورد نظرمان را از منابع مختلف پیرامونیمان جمع کنیم و بعد به ما یاد می‌دهد که با توجه به محدودیت منابع، بین راه‌هایی که وجود دارد برای حل مسائل مختلف بهترین راه را انتخاب کنیم و بتوانیم در مواجهه با مسئله به صورت فعال واکنش نشان بدهیم و منفعل نباشیم. در واقع یکی از نیازهای اساسی جامعه امروز ما، وجود شهروندانی است که تفکر خلاق، واگرا و مسئله‌محور داشته باشند و بتوانند بر مسائل محیطی پیرامون خودشان غلبه کنند.

ویدیوی دوازدهم (حیطه مهارت (سواد خواندن، مهارت‌های حسابی و عددی و IT و ICT))

علاوه بر موضوع‌های مهارتی پنج‌گانه‌ای که قبل‌تر در موردش با همدیگر صحبت کردیم، مهارت‌های دیگری هم وجود دارند که اولویت مشترک سایر حوزه‌های یادگیری هستند و سایر حوزه‌های یادگیری هم به آن‌ها می‌پردازند. همان‌طور که (روی تخته هم) ملاحظه می‌فرمایید سواد خواندن، مهارت‌های حسابی و عددی، مهارت‌های مربوط به IT و ICT و مهارت‌های زندگی در زمره‌ی این مهارت‌ها هستند.

سواد خواندن
مهارت‌های حسابی و عددی
مهارت‌های IT و ICT
مهارت‌های زندگی

سواد خواندن: سواد خواندن به چه معناست؟ سواد خواندن به معنی توانایی درک و فهم و کاربرد شکل نوشتاری زبان است؛ به گونه‌ای که توسط جامعه کاربرد درستی داشته باشد. برنامه درسی مطالعات اجتماعی در کنار سایر دروس، تقویت و پرورش مهارت‌های مربوط به خواندن، نوشتن و صحبت کردن را از طریق طراحی فعالیت‌ها و فرصت‌های یاددهی- یادگیری مناسب برای دانش‌آموزان دنبال می‌کند به طوری که دانش‌آموزان ما ترغیب شوند تا منظور نویسنده و مؤلف را به درستی درک کنند و به آن واکنش صحیح نشان دهند. سواد خواندن یکی از مهمترین مهارت‌هایی است که در مدرسه پرورش داده می‌شود و تقویت می‌شود و در واقع این مهارت پایه و اساس موفقیت‌های بعدی دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف تحصیلی و شغلی خواهد بود. بنابراین باید از هر فرصتی برای تقویت سواد خواندن در دانش‌آموزان به عنوان معلم بهره بگیریم. لازم است که توجه کنیم سواد خواندن صرفاً به معنی توانایی روخوانی منابع مکتوب نیست و فرآیندی پیچیده‌تر و سطح بالاتر از این توانمندی است. سواد خواندن دربرگیرنده مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانمندی‌های ذهنی است. در این سواد بر توانایی دانش‌آموز در درک و فهم و استفاده از متون نوشتاری در زندگی واقعی تأکید می‌شود. در واقع می‌توانیم بگوییم که سواد خواندن یک فرآیند تعاملی بین فرد و متن نوشتاری است. اگر بخواهیم سواد خواندن را به طور خلاصه تعریف کنیم می‌توانیم بگوییم که "سواد خواندن به معنای خواندن برای انجام دادن است." در بستر این مهارت، فرد می‌تواند توانایی تدبیر، تعمق و بازتاب بر متنی که می‌خواند را پیدا کند و اطلاعاتی را که در نتیجه‌ی خواندن یک متن نوشتاری پیدا می‌کند در زندگی واقعی‌اش و در جهت رفع نیازها به کار ببندد. لطفاً (به تخته) توجه کنید:

سواد خواندن در قالب ۴ فرآیند متبلور می‌شود:

تمرکز و بازیابی اطلاعات صریح
دریافت استنباط‌های صحیح یعنی عبور از معانی سطحی و ظاهری
تلفیق و تفسیر اطلاعات و اندیشه
بررسی و ارزیابی ویژگی‌های متن

در برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌توانیم فعالیت‌ها را به گونه‌ای طراحی کنیم که موجب پرورش مهارت‌های زبانی، سواد خواندن و نوشتن در دانش‌آموزان شود. در این راستا توسعه خزانه لغات، یادداشت برداری، نوشتن بندهای توضیحی و تفسیری، خلاصه‌نویسی، داستان‌گویی، گزارش‌نویسی، نوشتن متن و نمایشنامه‌نویسی، گفت‌وگو و بحث گروهی می‌تواند موجب تقویت این دسته از مهارت‌ها شود و اگر ما این مهارت‌ها را در دانش‌آموز تقویت کنیم دانش‌آموز می‌تواند از هر کدام از این‌ها در راستای زندگی واقعی‌اش استفاده کند و آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار ببندد.

در خلال متون درس کتاب مطالعات اجتماعی از دانش‌آموزان سؤالاتی پرسیده می‌شود. قسمت‌هایی تحت عنوان "جست‌وجو کنید، بررسی کنید و فعالیت" وجود دارد و همچنین در پایان هر کتاب کاربرگه‌هایی برای فعالیت‌ها طراحی شده که همگی به تقویت و پرورش این مهارت در دانش‌آموز کمک می‌کنند. البته باید یادمان باشد که متن کتاب‌های مطالعات درسی مثل تمام کتب درسی موجود در مقطع ابتدایی در راستای تقویت و پرورش مهارت سواد خواندن در دانش‌آموزان است.

(به تخته) توجه بفرمایید:



➤ در درس ۲ کتاب پایه سوم با عنوان "من بزرگتر شده‌ام" پرسش‌هایی مطرح شده. البته در تمام دروس کتب مختلف مطالعات اجتماعی از این دست پرسش‌ها وجود دارد که هدف این نوع پرسش‌ها آن است که دانش‌آموز را با متن کتاب درگیر کنند و او را به تعمق و تدبر وادار کنند.

مهارت‌های حسابی و عددی

همان‌طور که گفته شد، یکی دیگر از مهارت‌های مشترک بین دروس مختلف، مهارت‌های حسابی و عددی هستند. توانایی شمارش، اندازه‌گیری کردن، استخراج و محاسبه داده‌های مختلف، خواندن و ترسیم نمودارها مسائلی هستند که در زمره این مهارت قرار می‌گیرند.

دانش آموز هنگام انجام بعضی از فعالیت‌ها بر اساس فرآیند کاوشگری و تحقیق و با به‌کارگیری مهارت‌های حسابی و عددی می‌تواند مسائل و موضوعات محیطی، اجتماعی و تاریخی را به صورت کمی و دقیق تجزیه و تحلیل کند. مثلاً وقتی که از دانش آموز می‌خواهیم خط زمان را بررسی کند و بگوید که کدام یک از سلسله‌های تاریخی تداوم بیشتری داشتند یا وقتی که از آن‌ها می‌خواهیم میزان بارش را در روزهای مختلف، در مکان‌های مختلف روی نمودار نشان دهند و با هم مقایسه کنند.

به مثال‌هایی که از کتاب برایتان انتخاب کردم (و روی تخته ملاحظه می‌کنید) توجه بفرمایید:

➤ در کاربرگ شماره ۷ پایه پنجم از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که از کارکنان مدرسه و سایر دانش‌آموزان سؤالاتی بپرسند و پاسخ آن‌ها را که به صورت کمی است در این کاربرگ ارائه دهند.



➤ کاربرگه شماره ۲۸ مطالعات پایه ششم: با عنوان "دفاع مقدس" که از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که خط زمان را بخوانند.

همه‌ی این فعالیت‌ها و سایر فعالیت‌ها که از این دست به کرات در کتاب‌های مختلف مطالعات اجتماعی قابل مشاهده است به تقویت مهارت‌های حسابی و عددی در دانش‌آموزان می‌پردازند.

مهارت IT و ICT

یکی از ویژگی‌های مهم زندگی در دوره‌ی حاضر، حضور تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی در تمام شئون زندگی انسان‌هاست؛ از این جاست که موضوع مهارت بعدی که آن را با هم بررسی خواهیم کرد مهارت‌های مربوط به IT و ICT می‌باشد. بسیاری از نیازهای زندگی مردم امروز در جوامع و در بستر کاربرد این‌گونه فناوری‌ها رفع می‌شود. قطعاً همه ما واژه‌های شهروند الکترونیک و دولت الکترونیک را بارها و بارها شنیده‌ایم و یا آن‌ها را به کار برده‌ایم. با توجه به این که اصلی‌ترین هدف برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی تربیت شهروند مطلوب است، نمی‌توانیم از این امر غافل شویم که این شهروند باید مجهز به مهارت‌هایی باشد که در خلال آن بتواند در عصر IT و ICT به راحتی زندگی کند و نیازهای خودش را به دست بیاورد.

به مثال‌هایی در این زمینه توجه کنید:

➤ درس ۱۳ پایه ششم با عنوان "برنامه روزانه متعادل" از دانش‌آموزان می‌خواهد که با برنامه‌ریزی، ساعت حضورشان

را در فضاهای مجازی یا بازی‌های کامپیوتری مشخص کنند و بتوانند آن را کنترل کنند.

درس ۷

برنامه‌ی روزانه‌ی متعادل

نمودار زندگی روزانه

شاید تا به حال این ضرب‌المثل را شنیده باشید که وقت طلاست. منظور از این عبارت چیست؟ زندگی انسان، مدت زمانی است که در اختیار دارد. این زمان به تابه‌ها و روزها و هفته‌ها و سال‌ها تقسیم شده است که در اصطلاح به آن «وقت» یا «عزت» می‌گویند.

ممکن است شما تا به حال وقت نگذرد، پاشید که در یک شبانه‌روز چند ساعت را به چه کاری اختصاص می‌دهید. اگر درباری فعالیت‌های یک روز خودمان به وقت فکر کنیم، ممکن است به این نتیجه برسیم که کارهایی را بیش از حد یا کمتر از حد لازم انجام می‌دهیم. یک راه مناسب برای فهم بهتر این موضوع این است که نمودار زندگی روزانه‌ی خودمان را ترسیم کنیم.

به نمودار پایین توجه کنید. این نمودار، فعالیت‌های یک شبانه‌روز امیر را نشان می‌دهد. هر یک از فعالیت‌ها چه مدتی را به خود اختصاص داده است؟ امیر برای چه فعالیت‌هایی زمان بیشتر و برای کدام فعالیت‌ها زمان بسیار کمی صرف می‌کند؟

نظر شما درباری برنامه‌ی زندگی روزانه‌ی امیر چیست؟

راهنما

یا در مثال دیگر:

➤ درس ۷ مطالعات پایه چهارم با عنوان "جغرافی دانان چگونه محیط‌های زندگی را مطالعه می‌کنند؟" به رایانه و اینترنت به عنوان یک ابزار و بستر مطالعاتی اشاره شده و در فعالیت همین درس از دانش آموز خواسته شده که لوح فشرده حاوی اطلاعات جغرافیایی را به کلاس بیاورد و کاربرد آن را در کلاس با معلم تمرین کند.

در درس‌های گذشته می‌دید که از عکس می‌توانیم اطلاعاتی درباری یک مکان به دست بیاوریم. شاید تاکنون فیلم‌هایی از زندگی مردم در سرزمین‌ها و کشورهای دیگر دیده باشید. فیلم نیز وسیله‌ی خوبی برای آشنایی با محیط‌های مختلف است.

در جغرافیا، نقشه مهم‌ترین وسیله‌ی مطالعه است.

فعالیت

۱- به تصویر وسایلی جغرافی‌دانان در صحنه‌ی فیلم نگاه کنید و نام هر وسیله‌ی را که شناسایی شده است، بنویسید.

۲- آیا روی دیوار کلاس شما نقشه‌ای نصب شده است؟ به کمک معلم، نقشه‌ی ایران را به دیوار کلاس نصب کنید.

۳- یک کاری جغرافیایی را به کلاس بیاورید. کشور ایران و همسایگانش را روی آن جدا کنید و به کمکشان نشان دهید.

۴- معلم فیلمی درباره‌ی زندگی مردم در یک مکان تهیه می‌کند و به شما نشان می‌دهد. پس از پایان فیلم، به پرسش‌های معلم خود پاسخ دهید.

۵- به کمک معلم، یک لوح فشرده‌ی جغرافیایی به کلاس بیاورید و روشی استفاده از آن را با رایانه تمرین کنید.

علاوه بر این‌ها می‌توانیم در خلال فعالیت‌های "جست‌وجو کنید" و "بررسی کنید" ضمن آموزش مهارت‌های جست‌وجو در صفحات وب و پایگاه‌های اینترنتی بالاخص برای دانش‌آموزان پایه ششم مهارت کاربرد IT و ICT را در آن‌ها پرورش دهیم.

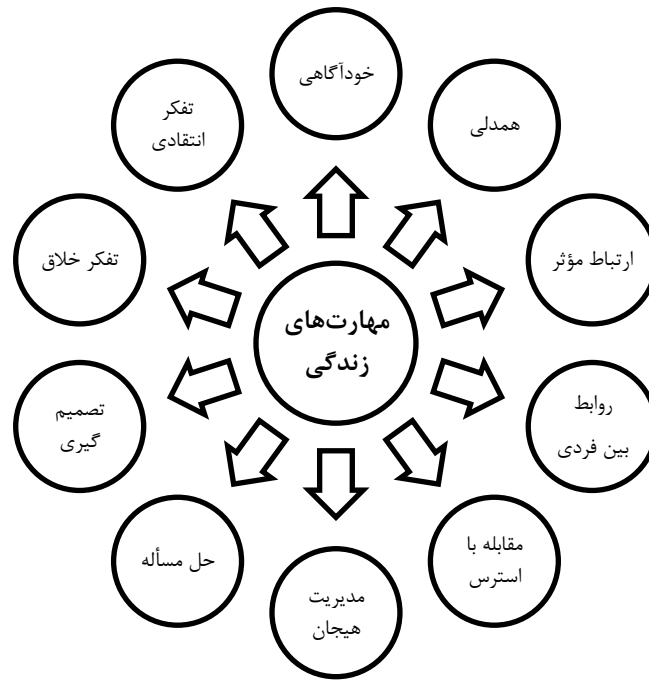
ویدیوی سیزدهم (حیطه مهارت (مهارت‌های زندگی))

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم علاوه بر موضوعات مهارتی پنج‌گانه از طریق برنامه درسی مطالعات اجتماعی می‌توانیم به پرورش و تقویت مهارت‌هایی که اولویت مشترک سایر حوزه‌های یادگیری محسوب می‌شوند نیز توجه کنیم. همان‌طور که (روی تخته هم) ملاحظه می‌فرمایید سواد خواندن، مهارت‌های حسابی و عددی، مهارت‌های مربوط به IT و ICT و مهارت‌های زندگی در زمره این مهارت‌ها هستند. قبلاً ۳ دسته مهارت سواد خواندن، حسابی و عددی و مهارت‌های مربوط به IT و ICT را مورد بحث قرار دادیم. اکنون مهارت‌های زندگی موضوع مورد بحث ماست.

سواد خواندن
مهارت‌های حسابی و عددی
مهارت‌های IT و ICT
مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی

اما مهارت‌های زندگی چیست؟ مهارت‌های زندگی اصطلاح پر کاربردی است. همه‌ی ما این اصطلاح را بارها و بارها شنیده‌ایم و آن را به کار برده‌ایم. در واقع تعریف این اصطلاح هم کار چندان سختی نیست. مهارت‌های زندگی یعنی مهارت‌هایی که به ما کمک می‌کند تا زندگی بهتر، راحت‌تر و سالم‌تر و درست‌تری داشته باشیم. سازمان بهداشت جهانی مهارت‌های زندگی را مجموعه مهارت‌های روانی و اجتماعی‌ای می‌داند که به فرد کمک می‌کند تا از طریق آن‌ها با چالش‌های زندگی مواجه شود. بر اساس همین تعریف سازمان بهداشت جهانی، ۱۰ زیرعنوان مهارت برای مهارت‌های زندگی ارائه شده است. لطفاً (به تخته) توجه کنید.



بر اساس تقسیم‌بندی سازمان بهداشت جهانی، مهارت‌های خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، روابط بین فردی، مقابله با استرس، مهارت مدیریت بر هیجان‌ها، حل مسأله، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق و بالآخره تفکر نقاد ده عنوان مهارتی هستند که در حوزه مهارت‌های زندگی قلمداد می‌شوند.

۱- **مهارت خودآگاهی:** مهارت خودآگاهی به معنی توانایی شناخت نقاط قوت و ضعف خودمان، خواسته‌ها و نیازهایمان، رغبت‌هایمان است. به‌طوری‌که بتوانیم یک تصویر واقع‌بینانه از خودمان، تمایلاتمان، نیازهایمان و نقاط مثبت و ضعفمان داشته باشیم و موجب شود که به کمک این مهارت بتوانیم حقوق فردی و اجتماعی خودمان و دیگران را بشناسیم و مسئولیت‌های خودمان را در جامعه ایفا کنیم. در واقع با شناخت مهارت خودآگاهی، ما به یک سؤال اساسی که در زندگی همه ما وجود دارد پاسخ می‌دهیم یعنی سؤال "من چه کسی هستم؟"

همان‌طور که (روی تخته هم) ملاحظه می‌فرمایید فصل اول کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم با عنوان "من بزرگتر می‌شوم" درصدد است تا مهارت خودآگاهی را در دانش‌آموزان از طریق شناخت دانش‌آموز با نیازها، علایق، احتیاج‌ها و مسئولیت‌هایش ایجاد و تقویت کند.

فهرست	
	<p>فصل اول: من بزرگ‌تر می‌شوم</p> <p>درس ۱: من به دنیا آمدم. ۲</p> <p>درس ۲: من بزرگ‌تر شدم. ۴</p> <p>درس ۳: آیا ما مثل هم هستیم؟ ۷</p>
	<p>فصل دوم: خانواده</p> <p>درس ۴: اعضای خانواده. ۱۲</p> <p>درس ۵: خانواده‌ام را دوست دارم. ۱۴</p> <p>درس ۶: تغییر در خانواده. ۱۶</p> <p>درس ۷: از بزرگ‌ترها قدردانی کنیم. ۱۸</p>
	<p>فصل سوم: همکاری در خانواده</p> <p>درس ۸: چرا با هم همکاری می‌کنیم؟ ۲۴</p> <p>درس ۹: مفزات خالی ما. ۲۷</p>

۲- **مهارت همدلی:** مهارت دوم در دسته‌ی مهارت‌های زندگی مهارت همدلی است. مهارت همدلی یعنی اینکه یک فرد بتواند مسائل دیگران را حتی در زمانی که در شرایط آن‌ها قرار ندارد درک کند و به آن‌ها احترام بگذارد. این مهارت باعث می‌شود که ما دیگران را دوست داشته باشیم و به آن‌ها توجه کنیم و خودمان هم مورد توجه و دوست داشته شدن از طرف دیگران قرار بگیریم. لطفاً به مثالی که از کتاب برایتان انتخاب کرده‌ام و (روی تخته) ملاحظه می‌فرمایید توجه کنید:

درس ۳

همدلی با دیگران

در درس گذشته با احساس شادی، غم و ترس آشنا شدید. همان‌طور که در سال سوم خواندید، همه‌ی ما انسان‌ها آفریده‌ی خداوندیم و خدا در وجود همه‌ی ما شباهت‌هایی قرار داده است. پس همان‌طور که من از بعضی چیزها شاد و از بعضی چیزها شگین می‌شوم، دیگران نیز در مواقع گوناگون دچار احساسات مختلفی می‌شوند. بهرحال، وقتی کسی شگین یا ناامید است، ما می‌توانیم کاری کنیم که او احساس بهتری پیدا کند.

نشاط

۱- موقعیت‌های زیر را بخوانید و بگویید در هر موقعیت چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم تا دیگری احساس بهتری پیدا کند.



الف - زنگ طلسم است و دوست شما بستنی مادرانگی بسیار باارزشی را که دیشب خریدم گم کرده است.



ب - برادر کوچک شما از تاریکی می‌ترسد و گریه می‌کند.

درس ۳ مطالعات اجتماعی پایه پنجم با عنوان "همدلی با دیگران" در این درس ضمن آموزش مفاهیم مرتبط با همدلی، دانش‌آموزان ما یاد می‌گیرند که چطور در موقعیت‌های مقتضی و مناسب با دیگران رفتار همدلانه داشته باشند و به این صورت مهارت همدلی کردن با دیگران را یاد می‌گیرند و این مهارت در آن‌ها پرورش داده می‌شود.

۳- **مهارت ارتباط مؤثر:** مهارت ارتباط مؤثر به دانش‌آموزان ما یاد می‌دهد که برای درک خواسته‌های دیگران و درک موقعیت‌های آن‌ها چطور فعالانه به صحبت‌هایشان گوش کنند و برای ارضای نیازهای خودشان و بیان خواسته‌هایشان چطور به طور مؤثر با دیگران گفت‌وگو کنند. برای مثال (به تخته) توجه بفرمایید:



درس اول پایه پنجم با عنوان "من با دیگران ارتباط برقرار می‌کنم" به دانش‌آموزان ما اصول گفت‌وگوشنود مؤثر و احترام‌آمیز را آموزش می‌دهد.

۴- **مهارت روابط بین فردی:** مهارت روابط بین فردی مهارتی است که موجب تقویت روحیه مشارکت، اعتماد و همکاری با دیگران می‌شود و به دانش‌آموز ما کمک می‌کند در جهت ایجاد روابط دوستانه، صمیمانه و سالم گام بردارد. مثالی که از این قسمت برایتان انتخاب کرده‌ام را (روی تخته) مشاهده می‌کنید:



فصل ۱ کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان "دوستان ما" به دانش‌آموز در این درس انواع روابط دوستانه، وظایف و حقوق مربوط به نقش دوستی آموزش داده می‌شود و دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چطور روابط بین فردی خود را با گروه همسال به عنوان دوست توسعه دهند و تقویت کنند.

۵- **مهارت مقابله با استرس:** مهارت مقابله با استرس به دانش‌آموز ما کمک می‌کند که ریشه و علت‌های استرس را در خود بشناسد و آگاهانه آن‌ها را مدیریت کند. این مهارت در دنیای امروز به خاطر وجود فشارهای روحی و روانی بسیار زیادی که وجود دارد نقش مهمی را ایفا می‌کند و موجب تأمین بهداشت روان در فرد و جامعه می‌شود؛ چراکه اگر انسان‌ها بیش از حد

در معرض فشارهای ناشی از استرس قرار داشته باشند، عملکرد روزانه‌شان مختل می‌شود و نمی‌توانند کارکرد مؤثری داشته باشند و در نتیجه زندگی شاد و سالمی را تجربه نخواهند کرد.

۶- **مهارت مدیریت بر هیجان‌ها:** این مهارت به دانش‌آموز ما کمک می‌کند در مقابل هیجانات چه ساده و چه پیچیده که هر روز با آن‌ها دست به گریبان است فعالانه عکس‌العمل نشان دهد. به مثالی که برایتان در زمینه این دو مهارت انتخاب کردم (و روی تخته ملاحظه می‌کنید) توجه بفرمایید:

درس ۲

احساسات ما

هنگامی که در طول روز در موقعیت‌های مختلف، احساسات گوناگونی داریم.

فعالیت

۱- هر یک از موقعیت‌های زیر چه احساسی را در شما به وجود می‌آورد؟

الف - دوست صمیمی‌تان می‌خواهد از محله‌ی شما برود و در جای دیگری زندگی کند. ()

ب - در حال تماشای فیلم مورد علاقه‌تان هستید که برادران نیکه را عوض می‌کند. ()

پ - در حال رفتن به خانه هستید. در یک کوچه‌ی خلوت ناگهان صدای انفجار ترافه به گوشان می‌خورد. ()

ت - معلم به خاطر تلاش‌هایتان به شما جایزه‌ی خوبی داده است. ()

الف ب پ ت

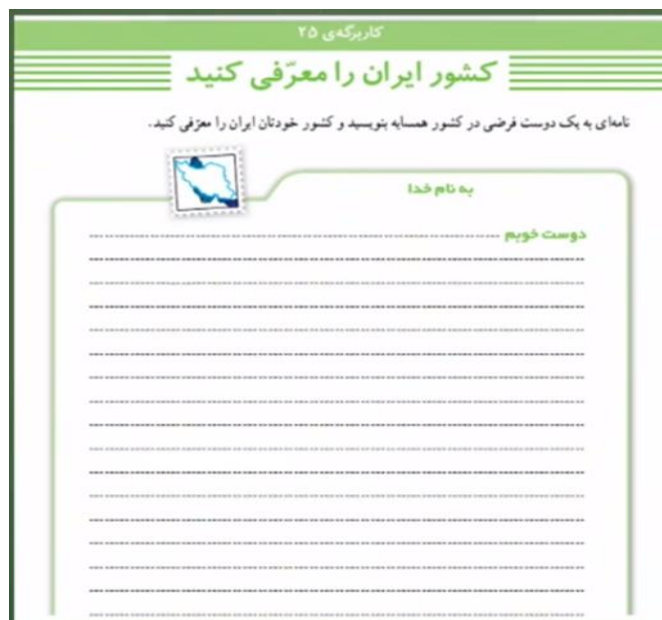
در بستر طراحی فرصت‌های یاددهی- یادگیری درس ۲ مطالعات اجتماعی پایه پنجم با عنوان "احساسات ما" دانش‌آموز می‌تواند مهارت مقابله با استرس و مدیریت هیجانات را تمرین کند.

۷- **مهارت تصمیم‌گیری:** مهارت تصمیم‌گیری به دانش‌آموز ما کمک می‌کند تا با اطلاعات و آگاهی کافی با توجه به اهدافی که آن‌ها را واقع‌بینانه و آگاهانه انتخاب کرده از بین راه‌های مختلفی که وجود دارد بهترین راه را انتخاب کند و مسئولیت انتخابش را بپذیرد. (به تخته) توجه کنید:



فصل ۲ مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان "تصمیم گیری" به چستی و چگونگی تصمیم‌گیری می‌پردازد و مهارت تصمیم‌گیری را در دانش‌آموز تقویت می‌کند.

۸- **مهارت تفکر خلاق:** مهارت تفکر خلاق به دانش‌آموزان ما این توانمندی را می‌دهد که متفاوت فکر کنند و توانایی تولید اندیشه‌های جدید داشته باشند. فعالیت‌ها و تمرین‌های مطالعات اجتماعی طوری طراحی شده‌اند که امکان تفکر خلاق را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند. همان‌طور که (روی تخته هم) دیده می‌شود کاربرد ۲۵ پایه ششم یک نمونه از این فعالیت‌ها است. در این فعالیت از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که نامه‌ای را به یک دوست فرضی در یکی از کشورهای همسایه بنویسند.



۹- **تفکر انتقادی و تفکر نقادانه:** تفکر انتقادی به دانش‌آموزان ما کمک می‌کند که چیزی را بدون استدلال قبول نکنند. این مهارت دانش‌آموزان ما را در مقابل فریب خوردن و مورد سوء استفاده قرار گرفتن مصون می‌کند. به مثالی که برای این فعالیت در نظر گرفته شده توجه فرمایید:

کاربرگی ۱۳

علت و معلول

علت یعنی چرا یک چیز اتفاق می افتد؟
معلول یعنی نتیجه ای که در اثر آن علت ها به وجود آمده است.

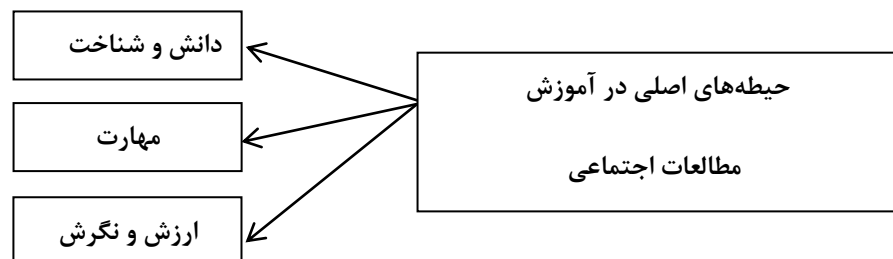
درس را بخوانید و علت های پیشرفت های مسلمانان را به طور خلاصه بنویسید.

معلول (نتیجه)	علت
پیشرفت های علمی مسلمانان و شکرهایی علوم و فنون در دوره ای اسلامی
	تجارت و

در کاربرگه ۱۳ پایه ششم از دانش آموزان خواسته شده تا علت پیشرفت های مسلمانان را شناسایی کنند و آن ها را بنویسند. یادمان باشد که در پایان این بحث باید خدمتتان تأکید کنم که تقویت و پرورش مهارت های زندگی در دانش آموزان کمک می کند که ما در آینده جامعه ای سالم و با نشاط را داشته باشیم.

ویدیوی چهاردهم (حیطه ارزش (مفهوم ارزش و نظام های ارزشی))

همان طور که پیش تر اشاره شد برنامه درسی مطالعات اجتماعی مثل سایر دروس با سه حیطه اصلی دانش و شناخت، مهارت و ارزش و نگرش سروکار دارد. در واقع برنامه درسی مطالعات اجتماعی تلاش می کند تا از طریق ایجاد و انتقال مجموعه ای از دانش ها، مهارت ها و نگرش ها، دانش آموز ما را به عنوان یک شهروند مطلوب برای زندگی مؤثر و کارآمد در آینده آماده کند.



ارزش

دو حیطه دانش و شناخت و مهارت را به تفصیل مورد بررسی قرار دادیم. اکنون به بررسی حیطه ارزش می پردازیم. اما ارزش چیست؟ در تعریف ارزش می توانیم بگوییم که ارزش از مصدر فارسی (ارزیدن) گرفته شده است. ارزش دارای معانی اصطلاحی

عمیق و پیچیده‌ای است و به راحتی نمی‌توانیم یک تعریف که مورد توافق همه باشد را از آن ارائه دهیم و در واقع هر یک از محققین علوم اجتماعی از منظری ارزش را تعریف کرده‌اند. اما به طور کلی در تعریف ارزش می‌توانیم بگوییم که: هر چیزی که برای فرد یا مجموعه‌ای از افراد خواستنی، قابل تحسین و مطلوب باشد ارزش نام می‌گیرد. در این تعریف ارزش به نوعی طبقه‌بندی و درجه‌بندی اشاره می‌کند. در همین راستا **گیروشه** در تعریف ارزش، ارزش را شیوه‌ای از بودن یا عملی که یک شخص یا یک جمع به عنوان آرمان می‌شناسند، تعریف می‌کند. **آلن بیرو** ارزش را میزان توانایی یک شیء، یک اندیشه یا یک شخص در ارضای یک میل، یک نیاز یا یک تمنای انسانی می‌داند. **اولسون** ارزش‌ها را مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی به آنچه که پسندیده است می‌داند که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک انسان‌ها نسبت به جهان پیرامونی است. **برگرن** ارزش‌ها را عقایدی در مورد اینکه موضوع‌ها یا رفتارها خوب یا بد، مطلوب یا نامطلوب یا نظایر این‌ها هستند یا نیستند مطرح می‌کند.

ارزش‌های اجتماعی انگیزه‌ی گرایش‌های اجتماعی هستند و گرایش‌های اجتماعی در واقع تمایلاتی هستند که در افراد به وجود می‌آیند و عواطف و افعال آن‌ها را در جهت‌های معینی به کار می‌اندازند. گرایشی که همراه با عواطف بسیار شدید باشد کمپلکس یا عقده است و گرایشی را که جنبه ادراکی آن ضعیف باشد ولی سخت ریشه‌دار شده باشد تعصب یا پیش‌داوری می‌نامیم.

کارکردهای ارزش‌ها:

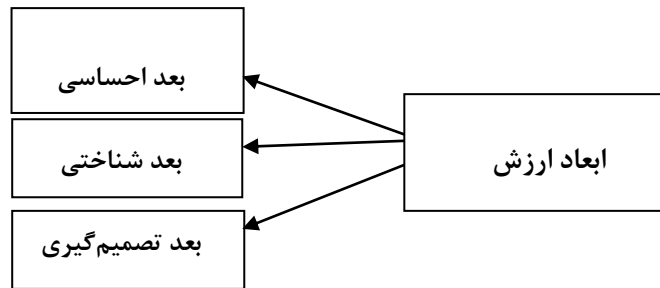
ارزش‌ها کارکردهایی هم دارند. اولین کارکرد ارزش‌ها این است که ارزش‌ها در جهت میل به همبستگی عمل می‌کنند و وحدت و یگانگی را در جامعه به وجود می‌آورند. ارزش‌ها در هر جامعه شیوه‌های مطلوب تفکر و رفتار را مشخص می‌کنند. همچنین ارزش‌ها باعث ایجاد نظم و هماهنگی در تعاملات اجتماعی بین افراد و جامعه می‌شوند. ارزش‌ها باعث راهنمایی مردم در انتخاب و تحقق نقش‌های اجتماعی‌شان می‌شوند و به عنوان وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی و فشار اجتماعی عمل می‌کنند. لطفاً (به تخته) توجه کنید: همان‌طور که مشاهده می‌کنید با توجه به آنچه که گفته شد در جمع‌بندی این قسمت می‌توانیم بگوییم:

در هر جامعه‌ای **مجموعه‌ای از اهداف، نگرش‌ها، عقاید و اموری** هستند که نسبت به سایر امور مهم‌ترند و برای اکثریت جامعه **مطلوب** قلمداد می‌شوند.

این‌ها همان ارزش‌ها هستند. پس در واقع ارزش‌ها، مجموعه‌ی مطلوب‌ها و خواستنی‌های یک جامعه هستند.

لطفاً (به تخته) توجه کنید:

هر ارزش دارای سه بعد مختلف است:



- بعد احساسی یا مطلوبیت
- بعد شناختی یا درک
- بعد تصمیم‌گیری و اجرای خواسته یا انتخاب

عنصر اصلی تعریف ارزش، مطلوبیت است. انسان‌ها چیزهایی را ارزش می‌دانند که نسبت به آن‌ها شناختی هر چند اندک و اجمالی داشته باشند. این امر مربوط به بعد شناختی و درک می‌شود. بعد از این مرحله آن را مطلوب قلمداد می‌کنند و قابل تحسین می‌دانند، این همان بعد احساسی ارزش است و در مرحله بعد از طریق تصمیم‌گیری آن را به سایر پدیده‌ها برتری می‌دهند، این امر به بعد انتخاب اشاره می‌کند. برای این که دقیق‌تر به موضوع ارزش‌ها بپردازیم لازم است که چند اصطلاح را مورد بررسی قرار دهیم:

- نظام ارزش‌ها
- جهت‌گیری ارزشی
- نگرش‌ها

➤ نظام ارزش‌ها

همه‌ی ما دارای یک نظام ارزشی هستیم. منظور از نظام ارزش‌ها، مجموعه‌ای از ارزش‌های مرتبط به هم است که به رفتار و اعمال ما به عنوان افراد انسانی جهت می‌دهند. در این نظام ارزشی، هر ارزش به عنوان یک عنصر در کنار سایر عناصر قرار دارد و با سایر ارزش‌ها در کنش و واکنش متقابل است. این عناصر در این کنش و واکنش متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌گیرند و در نهایت منجر به یک کارکرد شخصی در افراد می‌شوند. ارزش‌ها و نگرش‌هایی که ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم بر تمام فعالیت‌ها و روابطمان با دیگران و با محیط پیرامونمان و دیدگاه ما نسبت به چگونگی دستیابی به اهداف و آینده‌مان تأثیرگذار هستند و در واقع به نوعی به ما جهت می‌دهند.

➤ نگرش‌ها

منظور از نگرش، تمایل یا احساس افراد در مورد یک موقعیت، یک عمل، یک اندیشه یا یک پدیده است. نگرش‌ها به اندازه ارزش‌ها عمیق نیستند و امکان تغییر آن‌ها در طول زمان و بر اثر تجربه بیشتر از ارزش‌ها است.

➤ جهت‌گیری ارزش‌ها

ارزش‌ها عموماً اصول و معیارهای کلی و نسبتاً پایدار و دائمی‌ای هستند که در طول زمان باقی می‌مانند. اهمیت ارزش‌ها در این موضوع نهفته است که مبنای ارزیابی ما از دنیای اطرافمان، از خودمان، از دیگران و جامعه را فراهم می‌کنند و رفتار ما را نسبت به آن‌ها تنظیم می‌کنند و در واقع در ما یک جهت‌گیری ارزشی ایجاد می‌کنند.

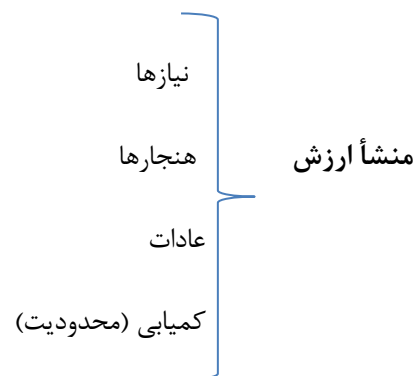
- ✓ رشد ارزش‌ها از کودکی تا پایان عمر صورت می‌گیرد و منحصر به دوره خاصی از زندگی افراد نیست.
- ✓ برای فراگیر شدن ارزش، سطوح مختلفی وجود دارد که شامل: پذیرش آغازین، رجحان بخشیدن، آگاهی و پایبندی به آن‌ها است.
- ✓ با رشد فرد تعداد ارزش‌هایی که در نظام ارزشی او وجود دارد افزایش پیدا می‌کند و نوعی نظم‌دهی و اولویت‌بندی جدید رخ می‌دهد.
- ✓ نظام ارزش‌های فرد در طی دوران رشد از عینی به ذهنی، از سادگی به ترکیب، از خصوصی بودن به عمومی بودن و از ابزاری بودن به سمت غایی بودن تکامل پیدا می‌کند.
- ✓ رشد نظام ارزشی هر فرد در بستر تأثیرات متقابل فرد با نظام فرهنگی که در چهارچوب آن زندگی می‌کند و فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط زندگی او شکل می‌گیرد.
- با توجه به این‌که مفهوم ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط به آن اهمیت زیادی دارد، در ادامه به منشأ پیدایش ارزش‌ها و نحوه‌ی آموزش آن خواهیم پرداخت.

ویدیوی پانزدهم (حیطه ارزش (نیازها، عادات و کمیابی))

در مورد ارزش‌ها با هم صحبت کردیم. گفتیم که ارزش‌ها، مطلوب‌ها و خواستنی‌های یک فرد یا گروهی از افراد جامعه هستند. در واقع ارزش‌ها امور یا پدیده‌هایی هستند که افراد یا گروه‌هایی از افراد آن‌ها را نسبت به سایر امور و پدیده‌ها برتری می‌دهند. در واقع ارزش‌ها اصول نسبتاً پایداری هستند که افراد به آن‌ها پایبندند و سعی می‌کنند که از آن‌ها تخطی نکنند.

اما به واقع منشأ پیدایش این ارزش‌ها چیست؟ و این ارزش‌ها از کجا نشأت می‌گیرد؟

لطفاً (به تخته) توجه کنید:



در پاسخ به این سؤال که منشأ ارزش‌ها کدامند همان‌طور که ملاحظه می‌کنید ارزش‌ها از ۴ گروه عمده‌ی نیازها، هنجارها یا نرم‌ها، عادات و محدودیت‌ها یا کمیابی نشأت می‌گیرد. هر کدام از این منشأها در جای خود مهم و قابل بحث و بررسی است.

❖ نیازها

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی و انسانی، بسیاری از ارزش‌ها از نیازهای انسان‌ها سرچشمه می‌گیرند. در واقع انسان‌ها برای امور و پدیده‌هایی ارزش قائلند که بیشترین حد از نیازهای آن‌ها را ارضا و برآورده می‌کنند. در برخی از دیدگاه‌ها تأکید شده که در این زمینه نیازهای بیولوژیکی و فیزیولوژیکی نقش اساسی دارند و بسیار مهم هستند و حتی اگر مهمترین نیازهای فرهنگی جامعه را در نظر بگیریم و آن نیازها با این نیازهای بیولوژیکی یا فیزیولوژیکی انسان‌ها در تضاد و تناقض باشد، ارزش خودشان را از دست خواهند داد. در همین زمینه شریف معتقد است که نیازهای بیولوژیکی در سنین پایین و اوایل کودکی نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند و هر چه که کودک بزرگتر می‌شود و مراحل رشد را سپری می‌کند نقش این نیازهای اولیه در انگیزش و پیدایش ارزش‌ها تأثیر کمتری پیدا می‌کند و عوامل دیگری جایگزین آن‌ها می‌شود.

مازلو نیازها را در ۵ دسته و به صورت سلسله مراتبی معرفی می‌کند. در این نظریه نیازهای انسان در ۵ طبقه اصلی قرار داده شده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از نیازهای زیستی، نیازهای ایمنی، نیازهای اجتماعی، احترام و خودشکوفایی و خود انگیزشی.



۱- **نیازهای زیستی:** به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران این نیازها قوی‌ترین منشأ پیدایش ارزش‌ها هستند. نیازهای زیستی تا زمانی که قدری ارضا نشوند، بیشترین تأثیر را بر رفتار افراد خواهند گذاشت. نیازهای زیستی، نیازهای انسان برای ادامه حیات است. مهمترین این نیازها عبارت‌اند از: خوراک، پوشاک، مسکن و مسائلی از این دست. تا زمانی که این نیازهای اساسی و بیولوژیکی افراد به حد کافی ارضا نشده باشد، عمده فعالیت‌های شخص احتمالاً برای رفع این نیازها خواهد بود و بقیه موارد انگیزه‌ای در فرد ایجاد نخواهد کرد یا میزان ایجاد انگیزش آن‌ها بسیار پایین است.

۲- **نیازهای ایمنی (امنیتی):** نیاز به رهایی از ترس و وحشت، تأمین جانی و عدم محرومیت در زمره این دسته قرار می‌گیرند. به عبارتی دیگر انسان‌ها نیاز دارند که از خودشان در حال و آینده حفاظت کنند.

۳- **نیازهای اجتماعی:** احساس تعلق و محبت، نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن در این گروه قرار می‌گیرند. انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند، بنابراین برای برقراری روابط اجتماعی به شدت تلاش می‌کنند. انسان‌ها تلاش می‌کنند تا با دیگران روابط معنادار برقرار کنند و بنابراین نیازهای اجتماعی منشأ قدرتمندی برای پیدایش ارزش‌ها محسوب می‌شوند. این سه دسته نیاز که در مورد آن‌ها صحبت کردیم (یعنی نیازهای زیستی، ایمنی و اجتماعی) را نیازهای سطح پایین می‌دانند.

۴- **نیاز به احترام:** منظور از احترام، منزلت قائل شدن و قدر قائل شدن برای خودمان و برای دیگران است. انسان‌ها بسیار علاقه‌مند هستند که دیگران قدر آن‌ها را بدانند و برای آن‌ها ارزش و احترام قائل باشند. به علاوه خودشان هم سعی می‌کنند که به دیگران احترام بگذارند. اگر انسان‌ها نتوانند این نیاز را به صورت معقول، منطقی و صحیح رفع کنند احتمالاً برای جلب توجه و رفع این نیاز به سمت راه‌های غیرمعارف و نامعقول می‌روند. نمونه این مورد را می‌توانیم در کلاس‌های درسمان مشاهده کنیم. اگر دانش‌آموز نتواند توجه معلم یا گروه‌های همسال را با نکات مثبت جلب کند قطعاً به سراغ اذیت و آزار دوستانش، ایجاد سروصدا در کلاس درس و یا رفتارهای نامعقولی می‌رود که بالأخره با انجام دادن آن‌ها معلم به او توجه کند و دوستانش او را ببینند.

۵- **نیاز به خودشکوفایی و خودانگیزی:** این نیاز عالی‌ترین نیاز انسانی است. در واقع این نیاز اشاره می‌کند به این‌که ما چیزی می‌شویم که از ابتدا باید باشیم. انسان‌ها میل رسیدن به کمال را دارند و می‌خواهند بهترین چیزی شوند که باید باشند. در واقع در بستر این نیاز، استعدادهای انسانی در بهترین شکلش شکوفا می‌شود. اگرچه ما زود این نیازها را به صورت سلسله مراتبی و هرمی ارائه کرده است، اما واقعیت این است که (خودش هم به آن اشاره کرده است) استثنائاتی وجود دارد، یعنی افرادی هستند که اگرچه سطوح پایین نیازهای آن‌ها ارضا نشده اما به سمت سطوح عالی حرکت کردند و این نیازهای سطح بالا برایشان منبعی انگیزی بوده که به کار و فعالیت بپردازند.

❖ عادات

دسته بعدی که به عنوان منشأ پیدایش ارزش‌ها از آن‌ها یاد می‌کنیم، عادات هستند. عادت‌ها نیز می‌توانند موجب پیدایش ارزش‌ها در جوامع شوند، مثل غذا خوردن با قاشق و چنگال به جای غذا خوردن با دست. اگرچه غذا خوردن با قاشق و چنگال یک ارزش محسوب می‌شود اما ریشه‌ی قوی ندارد. در واقع می‌توانیم بگوییم ارزش‌هایی که منشأ پیدایش آن‌ها عادت‌ها هستند، می‌توانند در طول زمان و به تدریج تغییر کنند.

❖ کمیابی (محدودیت‌ها)

منشأ بعدی پیدایش ارزش‌ها که به آن می‌پردازیم کمیابی یا محدودیت‌ها هستند. در واقع کم بودن یا نایاب بودن یک چیز در جامعه می‌تواند آن را ارزشمند کند. برای مثال کم بودن فلز طلا نسبت به سایر فلزات باعث شد که این فلز ارزشمند تلقی شود یا مثلاً بعضی از ویژگی‌های ظاهری که در جوامع کمیاب هستند مثل موی بلوند یا چشم رنگی در ایران می‌تواند ارزش تلقی شود (ارزش ظاهری). این منشأ پیدایش ارزش‌ها نیز به اندازه نیازها بعضاً نمی‌تواند قوی و قدرتمند باشد.

در ادامه‌ی این بحث به منشأ آخر پیدایش ارزش‌ها یعنی هنجارها خواهیم پرداخت و آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ویدیوی شانزدهم (منشأ پیدایش ارزش (هنجار) و عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظام ارزشی، (تعالیم دینی، خانواده، مدرسه))

در مورد منشأ پیدایش ارزش‌ها با هم صحبت کردیم. گفتیم که نیازها، عادات، کمیابی و هنجارها منشأ پیدایش و شکل‌گیری ارزش‌ها هستند.

هنجارها

در مورد هنجار باید در ابتدا آن را تعریف کنیم. هنجارها معیارها و قاعده و اصول رفتارهای فردی و گروهی هستند. در واقع هنجارها بایدها و نبایدهایی هستند که به رفتار افراد و گروه‌ها جهت می‌دهند. هنجارها دارای ۳ ویژگی یا ۳ مشخصه عمده هستند. همان‌طور که (روی تخته هم) ملاحظه می‌فرمایید:



- هنجارها دستورالعمل‌های مشترک هستند.
- اکثریت یا گروهی از افراد از آن‌ها تبعیت می‌کنند.
- عدم رعایت آن‌ها موجب مجازات می‌شود.

هنجارها بر مبنای میزان اهمیت و ارزش پایبندی به آن‌ها نیز دسته‌بندی می‌شوند. با این تقسیم‌بندی ما ۳ دسته از این هنجارها را داریم: هنجارهای دینی، هنجارهای رسمی و هنجارهای سنتی

➤ هنجارهای دینی

هنجارهای دینی هنجارهایی هستند که از تعلیمات دینی سرچشمه می‌گیرند. در واقع هنجارهای اخلاقی هم در این دسته قرار می‌گیرند.

➤ هنجارهای رسمی یا قانونی

قوانین و مقررات هستند. قوانین حقوقی، جزایی و مدنی در این دسته قرار می‌گیرند.

➤ هنجارهای سنتی

هنجارهای سنتی به صورت تدریجی و در اثر زندگی گروهی از مردم به وجود می‌آیند. آداب و رسوم و سنت‌ها یا عرف می‌توانند در این دسته قرار بگیرند.

در نگاه دیگر ما می‌توانیم هنجارها را بر اساس نوع مجازاتی که دارند تقسیم بندی کنیم:

انواع هنجارها بر اساس نوع مجازات:



- هنجارهای حکومتی:

هنجارهای حکومتی، هنجارهایی هستند که حاکمیت انجام گرفتن و رعایت آن‌ها را تضمین می‌کند.

- هنجارهای اجتماعی:

هنجارهایی هستند که درست است مجازات بیرونی ندارند ولی افراد به خاطر ترس از سرزنش شدن، مورد شماتت قرار گرفتن یا تمسخر دیگران آنها را رعایت می‌کنند.

- هنجارهای اخلاقی:

ضمانت اجرایی هنجارهای اخلاقی وجدان اخلاقی افراد جامعه است.

در ادامه ما درخصوص ارزش‌ها بیشتر صحبت می‌کنیم و عوامل شکل‌گیری نظام‌های ارزشی را مورد بحث قرار می‌دهیم. همانطور که قبلاً هم گفته شد، افراد در طی سپری کردن دوران عمر خود، از کودکی به بزرگسالی به تدریج نظام ارزشی خود را می‌سازند و در واقع آن را سازماندهی می‌کنند. در نظام ارزشی افراد، مجموعه ارزش‌ها با همدیگر در تعامل هستند، برهم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌گیرند. برای ما به عنوان معلم خیلی ضروری است که عواملی را که در شکل‌گیری نظام ارزشی دانش‌آموزانمان نقش دارد را بشناسیم تا بتوانیم بر پایه این شناخت برنامه‌ریزی آموزشی درستی داشته باشیم.

همان‌طور که در نمودار (روی تخته) ملاحظه می‌فرمایید مجموعه عواملی هستند که در شکل‌گیری نظام آموزشی مؤثرند:



✓ تعالیم دینی

تعالیم دینی یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری نظام ارزشی افراد در جامعه هستند. این موضوع در جوامعی که اساس و پایه‌ی آن‌ها آموزه‌های دینی است (مثل کشور ما) اهمیتی صدچندان دارند و باید به آن‌ها توجه اساسی شود. تعالیم دینی تعالیمی هستند که در مورد منشأ انسان و سرنوشت آن بحث می‌کنند. بر اساس تعالیم دینی ما، انسان دارای دو بعد است. بعد جسمانی و بعد روحانی. از آنجایی که بعد روحانی انسان‌ها از ذات اقدس الهی سر منشأ گرفته، پس انسان موجودی است شایسته‌ی تکریم و واجب‌التکریم و هر انسانی مؤظف است در عین این‌که کرامت خودش را حفظ کند از کرامت دیگران نیز پاسداری کند. در طول دوران رشد بچه‌ها اگر که به آن‌ها احترام گذاشته شود و با احترام و تکریم با آن‌ها برخورد شود آن‌ها یاد می‌گیرند که در بزرگسالی به دیگران احترام بگذارند. در خصوص تعالیم دینی نکته دیگری وجود دارد (که باید به آن در همین جا تأکید کنم) و آن این است که باید آموزش‌های مدرسه، رسانه‌ها و خانواده در راستای تعالیم دینی باشد، چون اگر در غیر این صورت اتفاق بیفتد دانش‌آموزان ما دچار تعارض و دوگانگی شخصیت می‌شوند و این امر می‌تواند به آن‌ها آسیب‌های جدی وارد کند و در عین حال یادگیری را نیز مخدوش کند.

✓ خانواده

عامل بعدی که در شکل‌گیری ارزش‌ها و نظام ارزشی دانش‌آموزان ما اهمیت دارد خانواده است. نهاد خانواده اولین نهادی است که دانش‌آموز ما با آن در ارتباط است. در واقع می‌توانیم بگوییم که والدین قوی‌ترین و پایدارترین منبع انتقال‌دهنده ارزش‌ها به ویژه ارزش‌های اخلاقی به دانش‌آموزان ما هستند. در خانواده، کودکان در معرض نخستین آموزش ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، فردی، گروهی و اجتماعی و غیره قرار می‌گیرند. در این زمینه الگوسازی نقش خانواده‌ها اهمیت بسیاری دارد

و باید به آن تأکید کنیم. موفقیت خانواده‌ها در درونی کردن ارزش‌های دینی و اخلاقی تا حد زیادی بستگی به الگوهایی دارد که به کودکانشان معرفی می‌کنند. بنابراین باید خانواده‌ها را نسبت به انتخاب الگوها و معرفی آن‌ها به کودکانشان حساس کنیم.

باید یادمان باشد که اگر والدین تنها به صورت گفتاری و شفاهی به ارزش‌ها تأکید کنند، فایده چندانی نخواهد داشت. در واقع بچه‌ها آن‌طور خواهند شد که والدین در رفتار خودشان نشان می‌دهند. به عنوان مثال پدر و مادری را در نظر بگیرید که مدام به بچه‌ی خود تأکید می‌کنند که نباید دروغ بگوید ولی وقتی تماس تلفنی برقرار می‌شود و فرد پشت تلفن می‌خواهد که با آن‌ها مکالمه کند از کودکانشان می‌خواهند که به فرد پشت تلفن بگویند که پدر یا مادر در منزل نیستند. در نتیجه دانش آموز ما اگرچه پدر و مادر به او تأکید کردند که دروغ نگوید، قطعاً فرد دروغگویی خواهد بود و دروغ نگفتن را به عنوان یک ارزش قلمداد نخواهد کرد.

مورد دیگری که در این زمینه باز باید مورد تأکید قرار بگیرد این است که آموزش‌های ارزشی در خانواده باید هم‌راستا و هم‌سو با آموزش‌های مدرسه باشد وگرنه می‌تواند آموزش‌های مدرسه را مخدوش کند و در واقع بسیاری از آن آموزش‌ها را بی اثر کند.

✓ مدرسه

مدرسه اولین محیط اجتماعی رسمی است که دانش‌آموزان ما در آن قدم می‌گذارند. در مدرسه بچه‌ها فرصت پیدا می‌کنند که ارزش‌های فردی را در عمل به کار ببندند و بروز دهند. مدرسه در شکل‌گیری ارزش‌های دانش‌آموزان ما و در شکل‌گیری نظام ارزشی آن‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند. در واقع می‌توانیم بگوییم یکی از کارکردهای مدرسه در تمام جوامع دنیا شکل‌گیری ارزش‌ها، انتقال ارزش‌ها به نسل آینده و در واقع نوعی اصلاح و تربیت نسل آینده است. مدرسه کارکرد عمده خویش را زمانی می‌تواند به درستی انجام دهد که خانواده‌ها با آن هم‌سو باشند و ارزش‌هایی که در مدرسه ترویج می‌شود و قصد انتقال آن‌ها را داریم در راستای ارزش‌هایی باشد که خانواده‌ها بر آنها تأکید می‌کنند وگرنه دانش‌آموزان ما در این مسیر آسیب‌های جدی شخصیتی خواهند دید.

در مورد مدرسه لازم است یادآوری کنیم که نقش الگویی معلم خیلی مؤثر است. در مقطع ابتدایی به‌ویژه این نکته نیاز به تأکید دارد که دانش‌آموزان ما رفتار معلم‌هایشان را تقلید می‌کنند و از آن‌ها الگو می‌گیرند.

علاوه بر این در مدرسه برنامه‌های درسی در انتقال ارزش‌ها بسیار مؤثر هستند. وقتی در خصوص برنامه‌های درسی صحبت می‌کنیم باید به خاطر داشته باشیم که برنامه‌های درسی هم شامل برنامه‌های درسی صریح و آشکار و هم شامل برنامه‌های درسی پنهان و ضمنی می‌شوند.

برنامه درسی رسمی و آشکار

در خصوص برنامه‌های درسی رسمی و آشکار باید خدمتتان عرض کنیم که این برنامه‌های درسی برنامه‌های درسی‌ای هستند که نظام تعلیم و تربیت به دقت برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کند و در قالب بسته‌های آموزشی و محتوای آموزشی و کتب درسی آن‌ها را ارائه می‌دهد.

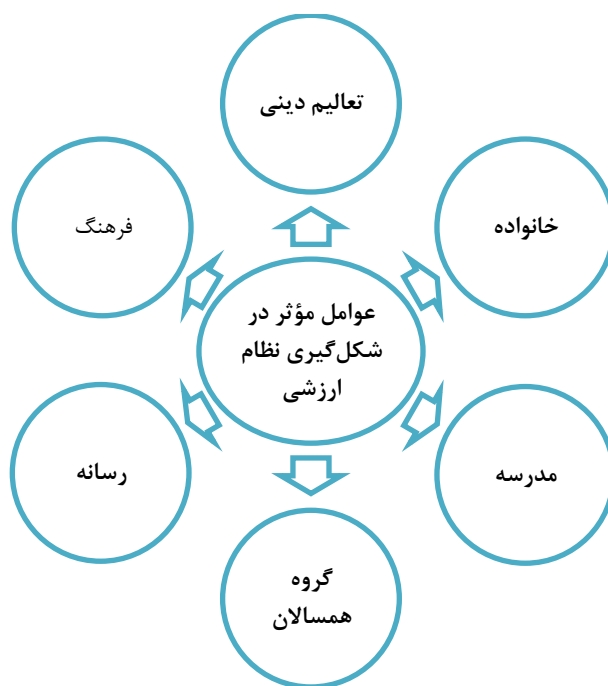
برنامه درسی پنهان یا ضمنی

برنامه‌های درسی پنهان یا برنامه‌های درسی ضمنی برنامه‌های درسی‌ای هستند که تشخیص آن‌ها در مدرسه مشکل است. فضای کالبدی، فضای فیزیکی، نوع ارتباطاتی که در مدرسه وجود دارد، نوع رفتار معلم و پرسنل مدرسه جزو برنامه‌های درسی پنهان هستند که باید بسیار به آن‌ها توجه کنیم. بسیاری از دانشمندان حوزه علوم تربیتی عقیده دارند انتقال ارزش‌ها از برنامه درسی پنهان در بعضی از موارد نسبت به برنامه درسی آشکار بیشتر صورت می‌گیرد.

در ادامه در خصوص سایر عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظام ارزشی با هم صحبت خواهیم کرد.

ویدیوی هفدهم (عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظام ارزشی (همسالان)، رسانه، فرهنگ))

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در شکل‌گیری نظام ارزشی عوامل گوناگونی تأثیر دارند. تعالیم دینی، خانواده، مدرسه، گروه همسالان، فرهنگ و رسانه عوامل دخیل در شکل‌گیری نظام ارزشی هستند.



گروه همسالان

گروه همسالان که در این قسمت آن را مورد بحث قرار می‌دهیم یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری نظام ارزشی دانش‌آموزان است. گروه همسالان در آموزش ارزش‌ها به‌ویژه در مقطع ابتدایی تأثیر مهمی دارد. در این دوره دانش‌آموزان (به‌ویژه در پایه‌های بالاتر یعنی پایه‌های پنجم و ششم) گرایش بسیار شدیدی دارند تا شیبه دوستان و همسالانشان باشند، دانش‌آموزان ما در انتخاب دوستشان این مورد را متجلی می‌کنند. اهمیت گروه همسالان تا آنجایی مورد تأکید و اهمیت قرار دارد که می‌تواند بسیاری از آموزش‌های خانواده و مدرسه را خنثی کند. حتی بچه‌هایی که اعتماد به نفس بالایی دارند در مقابل فشارهای گروه همسالان بعضاً ممکن است تسلیم شوند و با آن‌ها همسان‌سازی کنند و تسلیم ارزش‌های

آن‌ها شوند. در این مسیر خیلی اهمیت دارد که در بستر برنامه‌های درسی به‌ویژه درسی مثل مطالعات اجتماعی سعی کنیم تا فضایی را فراهم کنیم که دانش‌آموزانمان به راحتی و به دور از واژه‌ها بتوانند نظام ارزشی و ارزش‌های گروه‌های همسالان‌شان را مورد نقد و بررسی قرار دهند. آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت نه گفتن و تفکر استدلالی در این مسیر می‌تواند به دانش‌آموزان ما کمک کند تا در برابر فشار گروه همسالان مقاومت کنند.

رسانه

عامل بعدی که در شکل‌گیری نظام ارزشی دانش‌آموزان ما اهمیت دارد رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها محمل و بستری هستند که پیام و معنا را منتقل می‌کنند. با گسترش شهرها، توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت، اهمیت رسانه‌ها بیش از پیش برای ما مشخص شده. در طول روز بچه‌های ما مورد حمله تبلیغات رسانه‌ای قرار می‌گیرند. این رسانه‌ها شامل تابلوهای اعلانات، بیلبوردهای تبلیغاتی، صفحات پر مخاطب وب، روزنامه‌ها، جراید کثیرالانتشار و تبلیغات تلویزیونی هستند. این رسانه‌ها بدون این‌که فرصت کوچکترین تأمل، تدبر و تعقل را به دانش‌آموزان ما بدهند در واقع در حال ذائقه‌سازی برای آن‌ها هستند و به افکار آن‌ها شکل می‌دهند و سلیقه‌ی آن‌ها را می‌سازند. علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی که در نقاط مختلف دنیا وجود دارد هم‌اکنون دانش‌آموزان ما تحت تأثیر مدها و نرم‌هایی هستند که در کشورهای دیگر و حتی در قاره‌های دیگر تبلیغ می‌شود و از طریق رسانه‌های خارجی به آن‌ها منتقل می‌شود.

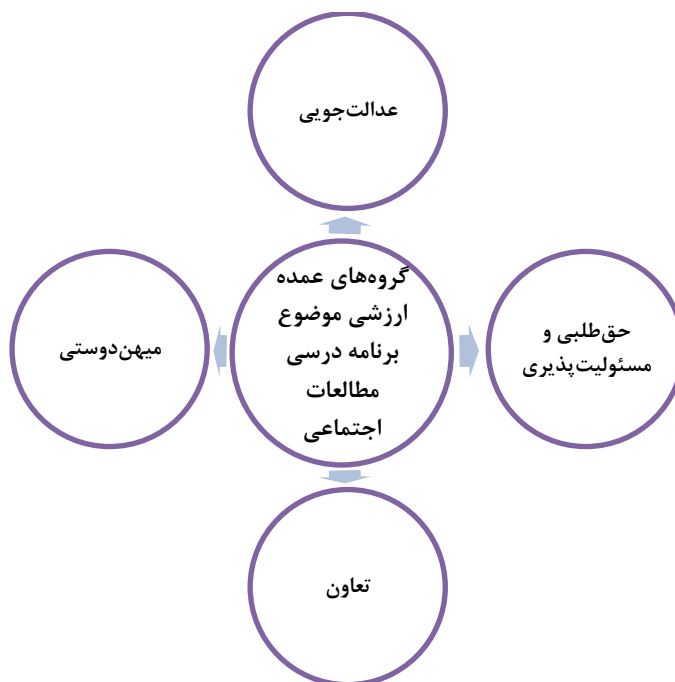
در بستر برنامه‌های درسی مثل درس مطالعات اجتماعی می‌توانیم فضایی ایجاد کنیم که دانش‌آموزان ما در مقابل تبلیغات سوء رسانه‌ها و ضد ارزش‌هایی که به آن‌ها تحمیل می‌شود مصون شوند. آموزش مهارت‌های زندگی، تفکر نقاد و تفکر استدلالی در این مسیر می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد.

فرهنگ

مورد بعدی که در شکل‌گیری نظام ارزشی دانش‌آموزان ما تأثیر دارد فرهنگ است. فرهنگ مجموعه اعتقادات، نهادها، علوم و فنون، آداب و رسوم و نحوه زندگی کردن، سخن گفتن و حتی فکر کردن گروهی از افراد جامعه است. فرهنگ مجموعه‌ی پیچیده‌ای است که دربرگیرنده‌ی دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به‌وسیله‌ی انسان‌ها در طول زمان بوجود آمده. در واقع فرهنگ یک مفهوم عام است و علی‌رغم پیچیدگی‌هایی که در حوزه فرهنگی وجود دارد و علی‌رغم دشواری مفاهیم اجتماعی در تعریف، اما متخصصین علوم اجتماعی معمولاً در ارائه‌ی تعریف فرهنگ با همدیگر یک‌زبان و یک‌دل هستند. بنابراین می‌توانیم فرهنگ را به منزله‌ی شکل زندگی افراد یک جامعه یا گروهی از آن افراد قلمداد کنیم. برای بررسی نظام‌های ارزشی در فرهنگ‌های مختلف نیاز به ملاک و معیار داریم.

مشخصاً یکی از بهترین ملاک‌ها و معیارها به‌ویژه برای ما که در یک جامعه‌ی دینی و اسلامی زندگی می‌کنیم ارزش‌های دینی و اعتقادی مبتنی بر نظام اسلامی، سیره نبوی و زندگی اعمه معصومین است. همه‌ی برنامه‌های درسی، گزینشی از فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی را در خودشان دارند. برنامه درسی مطالعات اجتماعی به دلیل ویژگی‌ها و ماهیتش در انتقال و آموزش ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی نقش اساسی دارد. برنامه درسی مطالعات اجتماعی ۴ گروه عمده از ارزش‌ها را با توجه به ماهیت موضوع درسی‌اش مد نظر قرار داده است. همانطور که (روی تخته) ملاحظه می‌فرمایید عدالت‌جویی به معنی تمایل به برقراری عدالت اجتماعی، اقتصادی و ظلم‌ستیزی در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی یکی از این ارزش‌هاست. گروه بعدی حق‌طلبی و مسئولیت‌پذیری است به معنی شناختن حقوق و تکالیف فردی، اجتماعی و شهروندی. دسته سوم تعاون به معنای

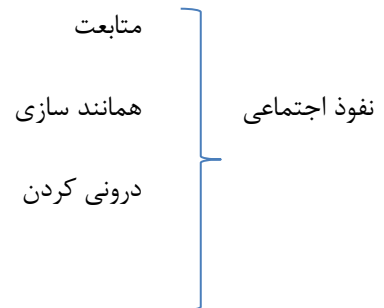
تمایل به همکاری، مشارکت و همیاری در سطوح مختلف و بالأخره میهن‌دوستی به معنی علاقه‌مندی به کشور ایران و پیشرفت و آبادانی و احساس افتخار نسبت به زندگی در ایران است.



به نمونه‌هایی که برایتان در خصوص این ارزش‌ها انتخاب کرده‌ام توجه بفرمایید. همان‌طور که (روی تخته) ملاحظه می‌کنید درس ۲۲ مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان "مبارزه مردم ایران با استعمار" به موضوع عدالت‌جویی اشاره می‌کند. همچنین در مثال بعدی که مربوط می‌شود به فصل ۱۲ مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان "آزادی خرمشهر" همان‌طور که ملاحظه می‌کنید این درس به موضوع حق‌طلبی می‌پردازد و اما مثال بعدی مربوط می‌شود به فصل ۳ مطالعات اجتماعی پایه سوم با عنوان "همکاری در خانواده" که به موضوع تعاون اشاره دارد. مورد بعدی مربوط می‌شود به فصل ۶ مطالعات اجتماعی پایه چهارم با عنوان "ما ایرانی هستیم" این درس به موضوع میهن‌دوستی اشاره می‌کند. همان‌طور که ملاحظه کردید و ملاحظه خواهید کرد در دروس مختلف مطالعات اجتماعی در پایه‌های سوم تا ششم به نوعی این ۴ گروه ارزش‌ها متجلی شدند و نیاز دارد که از طریق روش‌های مختلف و فرصت‌هایی که برای بچه‌ها تدارک می‌بینیم آن‌ها را به بچه‌ها منتقل کنیم و به نوعی در بچه‌هایمان نهادینه کنیم و تثبیتشان کنیم.

ویدیوی هجدهم (درونی کردن و شیوه آموزش ارزش‌ها)

همان‌طور که گفته شد ارزش‌ها، اصول نسبتاً پایداری هستند که افراد به آن‌ها پایبندند. همان‌طور که گفتیم ارزش‌ها مطلوب‌های افراد هستند و هر فرد دارای یک نظام ارزشی است که شکل‌گیری آن به تدریج و تحت تأثیر عوامل مختلفی اتفاق می‌افتد. در همین راستا بیان کردیم که یکی از وظایف مهم و کارکردهای اساسی نظام تعلیم و تربیت و مدرسه درونی کردن ارزش‌هاست. اما درونی کردن ارزش‌ها به چه معناست؟ قبل از اینکه به این سؤال پاسخ دهیم باید این توضیح را بدهیم که واکنش و پاسخ افراد در قبال نفوذ اجتماعی با همدیگر متفاوت است. اگر بخواهیم این پاسخ‌ها را دسته‌بندی کنیم به اعتقاد روان‌شناسان اجتماعی می‌توانیم آن‌ها را در ۳ دسته (همان‌طور که روی تخته می‌بینید) تقسیم‌بندی کنیم:



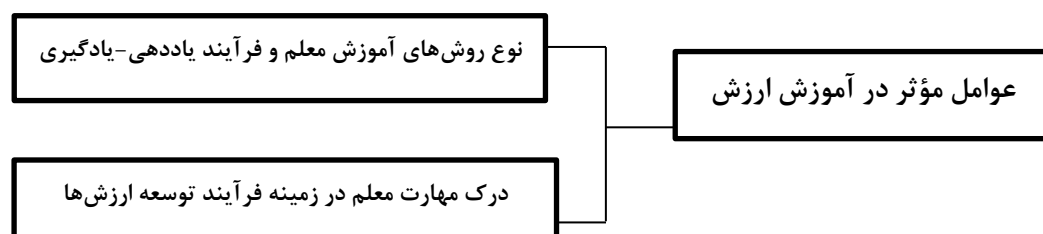
متابعت در واقع به رفتار فردی اشاره می‌کند که به خاطر کسب پاداش و جایزه و دوری از تنبیه یا محرومیت برانگیخته شده باشد. نمونه آن دانش‌آموزی است که به خاطر دریافت جایزه معلمش در نظافت کلاس مشارکت می‌کند.

همانند سازی به فرآیندی گفته می‌شود که طی آن فرد ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد دیگری را تقلید می‌کند و در واقع از فرد دیگری الگو می‌گیرد. این موضوع در نظام تعلیم و تربیت اسلامی تحت عنوان «اسوه سازی» مورد تأکید قرار گرفته‌است. زمانی که دانش‌آموزان ما تکیه کلام‌های ما را تکرار می‌کنند یا سعی می‌کنند که مثل ما لباس بپوشند یا راه بروند، در واقع در حال همانند سازی هستند.

درونی کردن اشاره به این موضوع دارد که امری به عنوان جزئی از وجدان فرد در بیاید به نوعی که نقض آن ارزش موجب شود که فرد احساس خجالت، گناه یا شرمندگی داشته باشد. در واقع می‌توانیم بگوییم که **درونی کردن عمیق‌ترین و پایدارترین نوع پاسخ به نفوذ اجتماعی است**. البته باید این را هم تأکید کنم که متابعت و همانندسازی می‌تواند در اثر گذشت زمان به درونی کردن منجر شود.

آموزش ارزش‌ها:

همان‌طور که قبلاً هم گفتیم یکی از کارکردهای نظام تعلیم و تربیت و مدرسه در همه‌ی جوامع دنیا انتقال آموزش ارزش‌هاست و مدرسه درصدد است که از طریق کاربرد عناصر مختلف به این مهم دست پیدا کند. در زمینه آموزش ارزش‌ها، ۲ عامل نقش مهم و اساسی دارند:



در فرآیند آموزش معلم باید آگاهی دانش‌آموزش را درباره ارزش‌ها و انتخاب و باور او بالا ببرد. وقتی معلم خودش درک صحیح و مهارت لازم را در زمینه توسعه ارزش‌ها داشته باشد در هر فعالیت یادگیری علاوه بر آموزش و توسعه‌ی دانش‌ها و مهارت‌ها کمک می‌کند که دانش‌آموزان ارزش‌ها را هم دریافت کنند و آن‌ها را درونی کنند.

به مثال‌هایی که از کتاب درسی برایتان انتخاب کرده‌ام لطفاً توجه بفرمایید:

➤ درس ۳ کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم با عنوان "خرید و فروش در محله" است. در این درس هدف کلی این است که دانش‌آموز با مفاهیم مرتبط با رفع نیازهای اقتصادی از طریق خرید و فروش و مهارت خرید کردن و فروختن آشنا شود. معلم می‌تواند در خلال این درس ارزش صداقت و درستکاری و ضد ارزش کم‌فروشی را هم مطرح کند و مد نظر قرار دهد. (لطفاً به تصویر کاربرگه نگاه کنید. درس ۳ درست است نه درس ۸. استاد می‌گوید درس ۸)

➤ درس ۱۰ مطالعات پایه چهارم با عنوان "مورخان چگونه گذشته را مطالعه می‌کنند؟" معلم ضمن آموزش این درس به دانش‌آموزان در خصوص لزوم بررسی شواهد و آثار و مدارک به جا مانده از گذشته می‌تواند ارزش مربوط به حفظ و نگهداری از میراث‌های فرهنگی را به دانش‌آموزانش منتقل کند و در آن‌ها نهادینه‌سازی کند.

باید تأکید کنم که فرآیند ارزش‌گذاری و دریافت ارزش‌ها مستلزم یادگیری تجربی است. در یادگیری تجربی معلم باید فضا و فرصت‌هایی را به وجود بیاورد که طی آن‌ها دانش‌آموزانش به صورت آزادانه به مکاشفه و انجام تجربه بپردازند و اظهار نظر کنند. این نوع یادگیری صرفاً حاصل تجربه معلم به تنهایی نیست و باید دانش‌آموزان هم در این مسیر به کسب تجربه بپردازند. در زمینه آموزش ارزش‌ها به روش تجربی ۴ مرحله وجود دارد:

مرحله فردی یا گروهی درون‌نگر

مرحله پردازش یا تحلیل ارزش‌ها

مرحله هدایت ارزش‌ها

مرحله کاربرد عملی

مراحل آموزش ارزش‌ها به روش تجربی

مرحله فردی یا گروهی درون‌نگر

تصور کنید که معلم قصد دارد درس ۱ مطالعات پایه ششم با عنوان "دوستی" را همراه با آموزش مفاهیم و دانش‌های مرتبط با دوستی، نقش دوستی و مهارت دوست‌یابی به دانش‌آموزانش آموزش دهد. برای این منظور می‌تواند حدیثی را از حضرت علی (ع) با این مضمون بیان کند که آن حضرت فرموده‌اند: «کسی را برای دوستی انتخاب کن که تو را از بدی‌ها باز می‌دارد.» در این حالت معلم از دانش‌آموزانش می‌خواهد که به صورت فردی یا گروهی در مورد مضمون این حدیث صحبت با همدیگر کنند و در نهایت برداشت خودشان یا تجربه‌ای را که در زمینه این حدیث دارند بیان کنند. این مرحله مربوط به مرحله اول است یعنی مرحله فردی یا گروهی درون‌نگر.

مرحله پردازش یا تحلیل ارزش‌ها

در همین رابطه معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که هر گروه نظرش را در مورد آن چیزی که گروه‌های دیگر بیان کرده‌اند مطرح کند، در این مرحله معلم نقش تسهیل‌گری و راهنما دارد. این مرحله به پردازش و تحلیل ارزش‌ها اشاره می‌کند.

مرحله هدایت ارزش‌ها

در ادامه، معلم نظرات دانش‌آموزان را جمع‌بندی می‌کند و هم‌نشینی با افراد خوب و دوری از افراد بد را به عنوان یک ارزش به دانش‌آموزانش معرفی می‌کند. برای این‌که دانش‌آموزان ما درک عمیق‌تری نسبت به این موضوع داشته باشند، معلم می‌تواند مثال‌هایی هم بزند. این مرحله مربوط به هدایت ارزش‌ها است.

مرحله کاربرد عملی

و بالأخره در مرحله چهارم دانش‌آموز باید ارزش را در زندگی واقعی نشان دهد. در این مرحله ممکن است که معلم نتواند در فضای کلاس فرصتی را تدارک ببیند که دانش‌آموز در عمل این مسئله را نشان دهد. اما این به منزله این نیست که دانش‌آموز ما یاد نگرفته است. می‌توان فرصت‌هایی خارج از مدرسه برای این موضوع تدارک دید.

در یک طبقه‌بندی از شیوه‌ی آموزش ارزش‌ها می‌توانیم آن‌ها را به ۳ دسته تقسیم کنیم:

۱. شیوه مستقیم ۲. شیوه نیمه مستقیم ۳. شیوه غیر مستقیم

شیوه مستقیم: در شیوه مستقیم معلم به صراحت از طریق گفتار و محتوای آموزشی به یک ارزش اشاره می‌کند و آن را توضیح و تبیین می‌کند. برای مثال در درس ۳ مطالعات اجتماعی پایه پنجم با عنوان "همدلی با دیگران"، ارزش همدلی کردن با دیگران به صورت صریح به دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

شیوه نیمه مستقیم: در شیوه نیمه مستقیم معلم در بیان و تأکید ارزش صراحت کمتری دارد و در خلال بحث‌ها و گفت‌وگوها به ارزش اشاره می‌کند. برای مثال در درس ۴ مطالعات اجتماعی پایه پنجم با عنوان "من عضو گروه هستم" را ملاحظه کنید. در این درس دانش‌آموز در جریان بحث در مورد حقوق و تکالیف و نقش خود در گروه به ارزش همکاری پی می‌برد.

شیوه غیر مستقیم: در شیوه غیرمستقیم معلم به صورت عملی و بدون اشاره مستقیم به یک ارزش آن را مطرح می‌کند و سعی می‌کند آن را به دانش‌آموزان خود منتقل کند. برای مثال در درس ۱۷ مطالعات اجتماعی پنجم با عنوان "سفر به کربلا" را در نظر بگیرید. معلم در جریان این درس به ارزش ایستادگی در برابر ظلم، از خود گذشتگی و ایثار و شهادت به صورت غیرمستقیم اشاره می‌کند.

ویدیوی نوزدهم (کاربرد نظریه‌های یادگیری در آموزش مطالعات اجتماعی: تعاریف و کلیات)

مطالعات اجتماعی یکی از حوزه‌های یادگیری اصلی و کلیدی است که تقریباً در تمام جوامع دنیا و نظام‌های تعلیم و تربیت گوناگون آموزش داده می‌شود. از آنجایی که آموزش کاری است کاملاً تخصصی و حرفه‌ای لازم است که در آن به مبانی علمی

و نظریه‌ها توجه کنیم. قبل از آنکه نظریه‌های یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش مطالعات اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار دهیم لازم است در خصوص چند مفهوم با همدیگر صحبت کنیم:

یادگیری: مفهوم اولی و مورد بحث ما یادگیری است. یادگیری یکی از واژه‌های پرکاربرد در زندگی همه ماست. همه ما چه به عنوان یک فرد عادی چه به عنوان یک معلم حرفه‌ای واژه یادگیری را بارها و بارها مورد استفاده قرار داده‌ایم. در واقع از ابتدای تولد هر فرد، افراد با واژه یادگیری به نوعی درگیر هستند. در خصوص یادگیری تعاریف مختلفی ارائه شده و هر کسی از منظری به یادگیری پرداخته. این نگاه‌های متفاوت به مسئله یادگیری، برمی‌گردد به نظریه‌ها و فلسفه‌های فکری افرادی که یادگیری را تعریف کرده‌اند. در یکی از پذیرفته‌شده‌ترین تعاریفها از یادگیری: « یادگیری ایجاد فرآیند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه‌ی افراد یا توان رفتاری است که در اثر تجربه به وجود آمده.» در این تعریف چند کلمه وجود دارد که باید آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم:

فرآیند: گفتیم که یادگیری یک فرآیند است. وقتی در مورد فرآیندها صحبت می‌کنیم از مجموعه عواملی صحبت می‌کنیم که با همدیگر در تأثیر و تأثر متقابل هستند. در فرآیندها ما نقطه‌ی آغاز و پایان مشخصی نداریم. در واقع فرآیندها پویا و در حرکت هستند.

تغییر: واژه‌ی بعدی تغییر است. اما چه نوع تغییری؟ تغییراتی که بر اثر تجربه به وجود آمده‌اند نه بر اثر تغییرات مثلاً فیزیولوژیکی. تغییراتی که نسبتاً دائمی و ماندگارند و در طول عمر افراد باقی می‌مانند، اما این تغییرات در رفتار بالقوه افراد یا توان رفتاری آن‌ها هستند. همان‌طور که قبلاً در مثال‌ها اشاره کردیم ممکن است فرصتی برای نشان دادن یادگیری‌ها فراهم نشود اما دانش‌آموزان ما چیزی را یاد گرفته باشند. بنابراین یادگیری باید در ساختار ذهنی افراد اتفاق افتاده باشد و در رفتار بالقوه‌ی آن‌ها و ممکن است لزوماً بالفعل نشود.

و اما آموزش

هر موقع که در مورد یادگیری صحبت می‌کنیم یکی از نخستین واژه‌هایی که به ذهن ما می‌رسد واژه‌ی آموزش است. آموزش هم مثل یادگیری یکی از واژه‌های پرکاربرد است که همه‌ی افراد (چه آنهایی که در نظام آموزش و پرورش به‌صورت حرفه‌ای کار می‌کنند و چه دیگران) فکر می‌کنند که معنای آن را می‌دانند و از آن به کرات استفاده می‌کنند. در یکی از تعاریف پذیرفته شده از آموزش همان‌طور که (روی تخته هم) ملاحظه می‌کنید آموزش مجموعه‌ی **فعالیت‌ها و تدابیر** هدفمند و از پیش طراحی شده‌ای است که **توسط یاددهنده** به منظور **تسهیل یادگیری در یادگیرندگان** انجام می‌گیرد.

تدریس: واژه‌ی بعدی که با آموزش بسیار نزدیک است واژه‌ی تدریس است. خیلی از وقت‌ها واژه تدریس و واژه آموزش به جای هم به کار برده می‌شوند، در صورتی که این واژگان با همدیگر تفاوت دارند و ما به عنوان معلم باید این تفاوت‌ها را بشناسیم و نسبت به آن آگاه باشیم. در تعریف تدریس می‌توانیم بگوییم تدریس «مجموعه **فعالیت‌های** هدفمند و از پیش تعیین شده‌ای است که به منظور **تسهیل یادگیری** از سوی **یاددهنده** از **پیش طراحی** می‌شود و در جریان تعامل **متقابل** بین **یاددهنده و یادگیرنده** ارائه می‌شوند.» با توجه به تعاریفی که ارائه شد همان‌طور که ملاحظه کردید تفاوت‌های بین این واژه‌ها وجود دارد. در خصوص تفاوت بین واژگان آموزش و تدریس می‌توانیم بگوییم که آموزش به نوعی اعم تدریس است و هم جنبه‌های رسمی را دربرمی‌گیرد و هم جنبه‌های غیر رسمی. یعنی آموزش می‌تواند به غیر از تدریس هم اتفاق بیفتد و

لزوماً از طریق تدریس آموزش اتفاق نمی‌افتد. به علاوه این‌که آموزش و تدریس هر دو معطوف به یاددهندگان هستند، در صورتی‌که یادگیری معطوف به یادگیرنده و فراگیر است. در یک نگاه دیگری می‌توانیم بگوییم که یادگیری به نوعی نتیجه و محصول آموزش و تدریس است، اما همین نکته را باید همین‌جا تأکید کنیم که همه‌ی یادگیری‌های ما لزوماً نتیجه آموزش و تدریس نیستند، یعنی می‌تواند یادگیری اتفاق بیفتد بدون آن‌که آموزشی تدارک دیده شده باشد و یا تدریسی انجام شده باشد. در این بخش قرار است که نظریه‌های یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش مطالعات اجتماعی را مورد بحث قرار بدهیم. اما لازم است ابتدا نظریات یادگیری را تعریف کنیم. (همان‌طور که روی تخته هم ملاحظه می‌کنید) در تعریف نظریه‌های یادگیری می‌توانیم بگوییم:

مجموعه‌ای از اصول و قوانین در زمینه‌ی
فرآیند یادگیری

نظریه‌های یادگیری مجموعه‌ای از اصول و قوانین در مورد فرآیند یادگیری هستند و سعی می‌کنند تا چگونگی یادگیری و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار دهند. هر کدام از نظریات یادگیری از منظری و از رویکردی به یادگیری پرداخته‌اند. در واقع فلسفه‌ی فکری نظریه‌پردازان مختلف باعث شده که نگاه‌های متفاوتی به یادگیری وجود داشته باشد و به طبع آن نظریات یادگیری با همدیگر متفاوت باشند. ما می‌خواهیم کاربرد نظریات یادگیری در آموزش مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی مورد بررسی قرار بدهیم اما لازم است اول بدانیم که مقطع ابتدایی چه مقطعی است؟ مقطع ابتدایی اولین دوره تحصیل رسمی دانش‌آموزان ماست که از پایان شش سالگی شروع می‌شود. دارای دو دوره‌ی سه ساله است. دوره‌ی اول ابتدایی که شامل پایه‌های اول تا سوم می‌شود و دوره دوم ابتدایی که پایه‌های چهارم تا ششم را دربرمی‌گیرد. مقطع ابتدایی مهمترین دوران تحصیل دانش‌آموزان ما محسوب می‌شود و در تمام جوامع دنیا برنامه‌ریزی‌های زیادی برای این مقطع صورت می‌گیرد. در واقع شاهره توسعه‌ی کشورها آموزش‌هایی است که در مقطع ابتدایی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

مورد بعدی که می‌خواهیم در موردش با همدیگر صحبت کنیم ویژگی‌های دانش‌آموزانمان در دوره ابتدایی است. مسلماً در هر دوره‌ای بچه‌ها متفاوت از دوره قبل هستند و توانمندی‌ها و نیازهایشان با دوره‌های قبل فرق می‌کند. برای ما به عنوان معلم بسیار ضروری و واجب است که ویژگی‌های دانش‌آموزانمان را در این مقطع بشناسیم و بر پایه نیازها و ویژگی‌هایی که دارند (در حوزه‌های مختلف شناختی، عاطفی و حرکتی) برایشان برنامه‌ریزی آموزشی انجام دهیم و آموزش‌ها را طراحی کنیم.

مهمترین ویژگی‌هایی که برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی می‌توانیم نام ببریم عبارت‌اند از:

۱. **افزایش هماهنگی حسی و حرکتی:** در این دوره هماهنگی حسی و حرکتی دانش‌آموزانمان بیشتر می‌شود و در نتیجه‌ی تکامل اعصاب، دانش‌آموزان می‌توانند به پیام‌هایی که از طریق حواسشان دریافت می‌کنند پاسخ‌های منطقی‌تری بدهند.

۲. **کاهش خودمداری:** در این دوره، دانش‌آموزانمان متوجه می‌شوند که دیگرانی هم هستند به جز آن‌ها و آن دیگران نیز حقوقی دارند و آن حقوق باید رعایت شود. در این دوره بچه‌ها از خودگذشتگی کردن را هم یاد می‌گیرند.
۳. **معقول‌تر شدن پیوندهای عاطفی:** در این دوره‌ی سنی، دانش‌آموزان در عین ارتباط عمیق و شدید عاطفی‌ای که با خانواده‌هایشان دارند ساعت‌هایی را در مدرسه و به دور از آن‌ها می‌گذرانند و حس استقلال را تجربه می‌کنند. این حس در زندگی آینده‌ی دانش‌آموزان ما نقش به‌سزایی دارد.
۴. **تغییر شکل کنجکاوی:** در این دوره کنجکاوی دانش‌آموزان ما هدفمند می‌شود.
۵. **تغییر شکل مشاهدات:** دانش‌آموزان ما در عین مشاهده کردن به چرایی و علت پدیده‌ها می‌پردازند.
۶. **حرکت از تخیل به سمت واقعیت:** در این دوره تفکرات مبتنی بر تخیل به سمت واقعیت و تفکرات واقعی سوق پیدا می‌کند.
۷. **ظهور استعدادها:** استعدادهای مختلف دانش‌آموز در این دوره بروز و ظهور پیدا می‌کند و یکی از وظایف اصلی ما به عنوان معلم این است که زمینه را برای بروز و ظهور استعدادهای مختلف دانش‌آموزان مهیا بکنیم و استعدادهای آن‌ها را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل کنیم.
۸. **الگوپذیری:** همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم دانش‌آموزان در این دوره‌ی سنی به شدت تحت تأثیر الگوها و اسوه‌ها قرار می‌گیرند. معلم یکی از مهمترین این الگوهاست. بنابراین در پایان این بخش لازم است مجدد تأکید بکنم که به عنوان معلم باید به تک تک گفتارها و رفتارهایمان در کلاس درس و محیط مدرسه توجه کنیم تا بتوانیم الگوهای مؤثری را به دانش‌آموزان خودمان ارائه دهیم.

ویدیوی بیستم (نظریه یادگیری ژان پیاژه)

در بررسی نظریات یادگیری نظریه یادگیری پیاژه را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. پیاژه ارائه‌دهنده یکی از پرکاربردترین و مشهورترین نظریات رشد شناختی است. به اعتقاد پیاژه، کودکان نسخه کوچک شده‌ی بزرگسالان نیستند و متفاوت از آن‌ها فکر و عمل می‌کنند. در واقع کودکان پردازشگرانی کاوشگر، فعال و کنجکاو هستند. برای درک بهتر نظریه پیاژه لازم است مفاهیمی که در نظریه پیاژه بسیار کاربرد دارند را مورد بررسی قرار دهیم:

- ❖ **طرحواره:** منظور از طرحواره الگوی رفتاری دارای نظم و هماهنگی است. در نظریه‌ی پیاژه، طرحواره‌ها، شیوه‌ی سازمان‌یافته‌ی معنا دادن به تجربیات هستند که با افزایش سن کودکان تغییر پیدا می‌کنند. کودک در ابتدای تولد یک سری بازتاب‌های کاملاً ساده و سازمان‌یافته مثل مکیدن، چنگ زدن، دست دراز کردن و نگاه کردن را نشان می‌دهد و به تدریج طرحواره‌های خودش را می‌سازد. از اجتماع طرحواره‌ها ساخت‌های شناختی به وجود می‌آید.
- ❖ **ساخت:** ساخت عبارت است از ساختمان ذهن یا اندیشه‌ی کودکان. واکنش‌های ارثی بچه‌ها کم‌کم از طریق تجارب تغییر می‌کنند و به مکانیسم‌های تازه‌ای تبدیل می‌شوند که به آن‌ها ساخت شناختی گفته می‌شود.
- ❖ **انطباق فرآیندی** است که طرحواره‌ها را در پاسخ به محیط به‌وسیله‌ی درونی‌سازی تنظیم می‌کند.
- ❖ **درونی سازی:** فرآیند آگاه شدن از شی یا رویدادی تازه طبق طرحواره‌های موجود و قبلی است.
- ❖ **برون سازی:** فرآیند تغییر طرحواره‌های قبلی با توجه به اطلاعات تازه و جدید برون سازی است.

❖ **عدم تعادل:** در نظریه‌ی پیاژه، به حالتی که در آن توازن بین آنچه که درک شده و آنچه که فرد با آن مواجهه می‌شود به هم می‌خورد را عدم تعادل می‌گویند.

❖ **تعادل جویی:** وقتی افراد دچار عدم تعادل می‌شوند به طور طبیعی سعی می‌کنند تا با تمرکز بر محرک‌هایی که موجب عدم تعادل در آن‌ها شده و تشکیل مجدد طرحواره‌های جدید و تنظیم کردن طرحواره‌های قدیمی این عدم توازن و عدم تعادل را کاهش دهند و دوباره به تعادل برسند این فرآیند تعادل‌جویی نام دارد. به اعتقاد پیاژه تعادل‌جویی در یادگیری بسیار اهمیت دارد. در واقع یادگیری‌های کودکان به این فرآیند تعادل‌جویی بستگی دارد و نیاز است که به آن توجه شود.

پیاژه مراحل رشد شناختی را به ۴ مرحله تقسیم می‌کند و باور دارد که کودکان با سرعت‌های متفاوتی این مراحل را طی می‌کنند. اما این مراحل در یک تسلسل ثابت و غیر قابل تغییرند.

مراحل:

۱. حسی - حرکتی
۲. پیش‌عملیاتی
۳. عملیات عینی
۴. عملیات صوری

پیاژه معتقد بود که کودکان این مراحل را خودشان می‌سازند، بنابراین برای ساختن این مراحل لازم است که حتماً با محیط تعادل داشته باشند. هر کدام از این مراحل دارای ویژگی‌هایی هستند:

۱. **حسی - حرکتی:** دوره اول دوره حسی - حرکتی است که از تولد تا دو سالگی طول می‌کشد. نوزادان در این دوره طرحواره‌های اعمال جسمانی خود مثل مکیدن، چنگ زدن و ضربه زدن را برای برخورد با دنیای نزدیک در خویش سازمان می‌دهند.
۲. **دوره پیش‌عملیاتی:** دوره دوم دوره پیش‌عملیاتی است که از ۲ تا ۷ سالگی طول می‌کشد. در این مرحله کودکان اندیشیدن یعنی استفاده از نمادها و تصورات درونی را یاد می‌گیرند ولی تفکر آن‌ها هنوز غیر منظم و غیر منطقی است. تفکر کودکان در این دوره با تفکر بزرگسالان تفاوت‌های زیادی دارد.
۳. **دوره عملیات عینی:** دوره سوم دوره عملیات عینی است که از ۷ تا ۱۱ سالگی طول می‌کشد. در این دوره کودکان قابلیت تفکر منظم و نظام‌دار را در خود گسترش می‌دهند اما این توانایی فقط هنگام مواجهه و تعامل با اشیا و فعالیت‌های ملموس و عینی و امکان‌پذیر است.
۴. **دوره عملیات صوری:** دوره چهارم دوره عملیات صوری است که از ۱۱ سالگی تا بزرگسالی طول می‌کشد. در این دوره کودک از نظر شناختی وارد دوره بزرگسالی می‌شود و همانند بزرگسالان توانایی تفکر مجرد و انتزاعی را پیدا می‌کند.

➤ **ویژگی‌های دوره حسی - حرکتی:** در رابطه با ویژگی‌های این دوره استاد توضیحی ارائه نداده است.

➤ **ویژگی‌های دوره تفکر پیش‌عملیاتی:** ویژگی‌های تفکر پیش‌عملیاتی که از ۲ تا ۷ سالگی طول می‌کشد عبارت‌اند از: ۱- تمرکز ۲- برگشت‌ناپذیری ۳- تمرکز بر حالت‌ها ۴- خودمحوری

۱. **تمرکز:** تمرکز یعنی این که کودک فقط به یک جنبه از موقعیت توجه می‌کند و می‌تواند روی آن تمرکز داشته باشد.

۲. **برگشت‌پذیری:** عبارت است از توانایی تغییر دادن جهت تفکر طوری که فرد بتواند مجدد به نقطه آغاز برگردد، اما در این دوره سنی یعنی در دوره تفکر پیش‌عملیاتی، تفکر کودکان برگشت‌ناپذیر است یعنی نمی‌توانند به نقطه آغاز برگردند.

۳. **تمرکز بر حالت‌ها:** یعنی کودک فقط به حالت اول و آخر یک موقعیت و یک فرآیند تمرکز می‌کند.

۴. **خودمحوری:** یعنی این که کودکان خودمحورند و فکر می‌کنند که همه باید دنیا را دقیقاً همان‌طور که آن‌ها می‌بینند نگاه کنند.

➤ **ویژگی‌های دوره عملیات عینی:**

در این دوره دانش‌آموزان ما وارد مقطع ابتدایی می‌شوند. مهمترین ویژگی‌های این دوره عبارت‌اند از:

۱. توانایی درک مفهوم بقا، ثبات و نگهداری ۲. توانایی طبقه‌بندی کردن و ردیف کردن ۳. توانایی درک مفهوم عدد و کار کردن با اعداد ۴. توانایی استدلال منطقی بر حسب اشیاء، امور محسوس و عینی ۵. توانایی استدلال فضایی

گفتیم که دانش‌آموزان در این مرحله از دوران رشد شناختیشان مهارت ردیف کردن یا چیدن چیزها را با یک توالی منطقی یاد می‌گیرند. وقتی کودکان این توانایی را یاد گرفتند می‌توانند بر مهارت‌های مربوط به انتقال‌پذیری تسلط پیدا کنند، یعنی می‌توانند بر اساس آگاهی از روابط نسبی بین دو شیء با پدیده یا شیء سوم به رابطه بین دو شیء پی ببرند. کودکان همچنین می‌توانند مفهوم زمان و مکان را به قدر کافی درک کنند. می‌توانند نقشه‌ی منزل تا مدرسه خود را بکشند. می‌توانند رویدادهای گذشته را بفهمند و درک کنند. در مرحله عملیات عینی، تفکر دانش‌آموزان تمرکز زدایی شده و کودک می‌تواند همزمان به روی بیشتر از یک طبقه، دو یا بیشتر تمرکز داشته باشد.

➤ **ویژگی‌های دوره عملیات صوری:** در رابطه با ویژگی‌های این دوره استاد توضیحی ارائه نداده است.

یکی از اصول مهم نظریه پیاژه که باید حتماً آن را مد نظر قرار دهیم این است که «رشد بر یادگیری مقدم است.» پیاژه معتقد بود که مراحل رشد عمدتاً ثابتند و مفاهیمی مثل نگهداری ذهنی را نمی‌توانیم به دانش‌آموزانمان آموزش دهیم. بنابراین دانش‌آموزان ما باید مراحل رشد را سپری کنند، اگرچه سرعت سپری کردن این مراحل در دانش‌آموزان با همدیگر فرق می‌کند. در ادامه به کاربرد نظریه پیاژه در آموزش برنامه درسی مطالعات اجتماعی خواهیم پرداخت.

ویدیوی بیست و یکم (کاربرد نظریه رشد شناختی پیاژه در آموزش مطالعات اجتماعی)

در نظریه رشد شناختی پیاژه مراحل رشد به چهار دسته و چهار مرحله تقسیم بندی می‌شوند. پیاژه باور داشت که کودکان این مراحل را با سرعت‌های متفاوتی طی می‌کنند، اما در یک تسلسل ثابت. در واقع پیاژه اعتقاد داشت که بچه‌ها این مراحل رشد را خودشان می‌سازند و برای اینکه این مراحل ساخته شود کودکان ما نیاز دارند که با محیط در تعامل سازنده باشند. برای ما به عنوان معلم واجب است که فرصت‌هایی را برای ایجاد این تعامل سازنده دانش‌آموزانمان با محیط فراهم کنیم.

ویژگی‌های نظریه پیاژه

نظریه پیاژه ویژگی‌هایی دارد. در این نظریه تمرکز بر فرآیند تفکر دانش‌آموزان است و نه فقط بر نتایج تمرکز. در واقع در کلاس‌های درس به‌ویژه کلاس درس مطالعات اجتماعی بیش از آنکه بر نتایج تفکر متمرکز باشیم و به دنبال این باشیم که آیا پاسخ‌هایی که دانش‌آموزانمان به ما ارائه می‌کنند درست هست یا غلط، باید به نحوه تفکر و فرآیند تفکر که از طریق آن دانش‌آموزانمان به پاسخ پرسش‌ها رسیده‌اند متمرکز باشیم و به آن‌ها توجه کنیم. در واقع نحوه‌ای که دانش‌آموزان ما مسائل را حل می‌کنند و با مسائل مختلف و چالش‌های گوناگون مواجه می‌شوند اهمیت بیشتری از نتایج این مواجهه دارد. بنابراین وظیفه‌ی یک معلم این است که علاوه بر این که صحت و درستی پاسخ‌های سؤالات را بررسی کند نسبت به فرآیندهایی که دانش‌آموزان را به این پاسخ‌ها رسانده آگاه باشد و در واقع برای آن‌ها برنامه‌ریزی داشته باشد. باید بر اساس توانایی‌های ذهنی و شناختی دانش‌آموزان تجربیات یادگیری مناسبی را فراهم کنیم. در واقع باید فرصت‌های مناسبی را برای تجربه کردن دانش‌آموز طراحی و تدارک ببینیم تا دانش‌آموزان بتوانند طی آن از طریق استدلال و ارزیابی‌های خودشان به پاسخ برسند.

مورد بعدی که در نظریه پیاژه نیاز است به آن توجه کنیم این است که خیلی مهم است که **درگیری فعال و خودانگیخته کودکان را در فعالیت‌ها و فرآیندهای یادگیری تشخیص دهیم؛ یعنی باید تأکید ما بر درگیری فعال و خودانگیخته‌ی دانش‌آموزان باشد.** در کلاس‌های درسی که بر مبنای نظریه شناختی پیاژه طراحی می‌شوند کودکان ترغیب و تشویق می‌شوند که از طریق تعامل سازنده با محیط دست به اکتشاف بزنند و یاد بگیرند. در واقع در یک چنین کلاس‌هایی دانش‌آموزان به صورت خودانگیخته و بر مبنای انگیزش درونی‌شان به یادگیری می‌پردازند و کسی آن‌ها را برای یاد گرفتن مجبور نمی‌کند. بر اساس این مورد لازم است یادمان باشد که فرصت‌های یادگیری باید بر مبنای نیازهای دانش‌آموزانمان طراحی شود، چون که نیازها منبع مهمی در ایجاد انگیزه برای یادگیری هستند.

مورد بعد که در نظریه پیاژه وجود دارد **تأکید به تفاوت نوع تفکر دانش‌آموز به عنوان کودک با بزرگسال است.** در واقع همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم در نظریه پیاژه، کودکان به عنوان نسخه‌ی کوچک شده‌ی بزرگسالان دیده نمی‌شوند. در واقع کودکان موجودات بی‌نظیری هستند که متفاوت از بزرگسالان فکر می‌کنند، می‌اندیشند، رفتار می‌کنند و دست به شناخت می‌زنند. به اعتقاد پیاژه آموزش‌هایی که قبل از موقع مناسب صورت می‌گیرد بسیار بدتر از آن است که به دانش‌آموزان آموزش ندهیم. در واقع این نوع آموزش‌ها باعث می‌شوند که دانش‌آموزان ما به جای آنکه درگیر یادگیری واقعی شوند به صورت سطحی بعضی از موضوعات را بپذیرند، موضوعاتی که ممکن است هیچ وقت در زندگی واقعی به آن‌ها کمک نکنند و با اهداف واقعی یادگیری متناقض و در تضاد باشند.

ویژگی بعدی که در نظریه پیازه وجود دارد **تأکید بر تفاوت‌های فردی دانش آموزان** است. بر اساس نظریه پیازه دانش‌آموزان با همدیگر فرق می‌کنند. هیچ دانش‌آموزی شبیه دانش‌آموز دیگر نیست، بنابراین باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان احترام گذاشت و با توجه به ویژگی‌های هر کدام از آن‌ها طراحی آموزشی را برای آن‌ها تدارک دید.

ویژگی دیگر **تأکید بر نقش معلم به عنوان سازنده محیط آموزشی** است. بر اساس نظریه پیازه معلم محور و کانون یادگیری نیست، بلکه نقش معلم راهنمایی و تسهیل‌گری است. معلم تسهیل‌گر یادگیری است، یعنی کمک می‌کند تا یادگیری برای دانش‌آموزان ما ساده و آسان شود. بنابراین در این نقش، معلم باید محیط آموزشی را طوری سازماندهی و طراحی کند که در آن دانش‌آموزان بتوانند به راحتی و بدون دغدغه یاد بگیرند. برای یادگیری، باید دانش‌آموز ما انگیزه درونی داشته باشد، بنابراین باید محیط کلاس جذاب باشد. برای جذاب کردن محیط آموزشی کلاس می‌توانیم از تصاویر، فیلم‌ها، بازی‌ها و عکس‌ها و نمودارها استفاده کنیم. آموزش‌هایمان را حتی در بعضی موارد می‌توانیم خارج از محیط معمول کلاس ارائه دهیم و در واقع کلاس درس‌مان را در جای دیگری برگزار کنیم. این موضوع در برنامه درسی مطالعات اجتماعی به راحتی امکان‌پذیر است و نه تنها به ما کمک می‌کند، بلکه در بعضی مواقع ضرورت هم هست. برای آموزش جغرافیا ما باید بچه‌ها را بیرون از چهارچوب کلاس ببریم و در محیط طبیعی به آن‌ها آموزش دهیم.

ویژگی بعدی که در نظریه پیازه وجود دارد **تأکید بر نقش معلم به عنوان ارزیابی‌کننده تفکر دانش آموز** است. بر اساس نظریه پیازه همان‌طور که گفتیم معلمان، تسهیل‌گران و راهنمایان یادگیری هستند. یکی از کارهایی که معلم در نقش تسهیل‌گری و راهنمایی باید انجام دهد این است که پیشرفت دانش‌آموز و میزان آن را تعیین کند و در واقع به دانش‌آموز کمک کند تا میزان پیشرفت خود را درک کند. معلمین باید سؤالات دانش‌آموزان را راهنمایی و تعدیل کنند. در واقع وقتی که ما می‌گوییم دانش‌آموزان خودشان به یادگیری می‌پردازند به این معنی نیست که دانش‌آموز در محیط یادگیری به حال خودش رها می‌شود و معلم فقط او را نظاره می‌کند. در نقش ارزیابی، معلم باید فرصت‌ها را جوری تعبیه کند که دانش‌آموز در مسیر حرکت خود به یادگیری برسد و در طی این مسیر معلم همواره در نقش راهنما ظاهر می‌شود و سؤالات و پرسش‌هایی که در ذهن کودکان وجود دارد را تعدیل و تصحیح می‌کند.

برای مثال وقتی که دانش‌آموزمان را به بازدید یک مکان تاریخی می‌بریم ممکن است دانش‌آموزان ما با توجه به سؤالاتی که برایشان پیش می‌آید به سمت اهداف یادگیری هدایت نشوند و درک درستی نسبت به اهداف آموزشی‌ای که مد نظر ما و نظام تعلیم و تربیت است نداشته باشند؛ بر ما واجب است که در نقش راهنما و تسهیل‌گر به آنها کمک کنیم که با پی بردن به ماهیت بازدید و هدف آن به اهداف آموزشی دست پیدا کنند.

و اما مورد بعدی که در نظریه‌ی یادگیری پیازه وجود دارد **تأکید بر نقش دانش آموز به عنوان آغازگر تجربیات یادگیری** است. کلاس درس برای دانش‌آموز یک محیط اجتماعی بسیار مهم تلقی می‌شود. به اعتقاد پیازه دانش‌آموزان ما تنها زمانی رشد می‌کنند که خودشان آغازگر تجارب یادگیریشان باشند. بنابراین یادگیری باید مبتنی بر یک انگیزه درونی باشد، یادگیری باید خود جوش باشد. یادگیری باید از طریق تجربه‌های عینی و مستقیم و بدون واسطه اتفاق بیفتد. یادگیرنده که دانش‌آموز ماست در جریان یادگیری باید فعال باشد و از طریق کندوکاو به کشف حقایق دست پیدا کند. در این زمینه بازی کردن بسیار مفید است. بازی فرصت‌هایی را برای دانش‌آموز ما فراهم می‌کند که بسیاری از مفاهیم و مهارت‌ها را در خلال آن پیدا کند، بدون اینکه خسته شود یا انگیزه‌اش کاهش پیدا کند و یا احساس کند مطلبی دارد به او تحمیل می‌شود. خیلی مهم است که در برنامه درسی مطالعات اجتماعی به فکر طراحی فرصت‌هایی از طریق بازی برای انتقال مفاهیم و ارزش‌ها به دانش‌آموز

باشیم. بازی‌های گروهی و ایفای نقش‌ها نمونه‌هایی هستند که باعث می‌شوند انگیزه دانش‌آموز ما در یادگیری خودجوش و خودانگیخته بیشتر شود.

باید یادمان باشد که نظریه پیازه توانست یک انقلاب بزرگ در جریان یاددهی- یادگیری در تمام دنیا فراهم کند. خیلی خوب است که با استفاده از این نظریه‌ی رشد شناختی بتوانیم در برنامه‌های درسی مختلف دانش‌آموزانمان را کمک کنیم تا به اهداف آموزشی دست پیدا کنند.

ویدیوی بیست و دوم (نظریه یادگیری جروم برونر)

آشنایی ما به عنوان معلم با نظریه‌های یادگیری موجب گسترش افق دیدمان می‌شود و به ما کمک می‌کند تا راهبردهای اصولی‌تر و منطقی‌تری را با تکیه بر شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تری که نسبت به نحوه‌ی یادگیری و تفکر دانش‌آموزانمان بدست می‌آوریم تنظیم و طراحی کنیم. در این قسمت قصد داریم با نظریه یادگیری اکتشافی برونر آشنا شویم.

برونر روانشناس تربیتی‌ای است که او را به عنوان یک روانشناس سازنده‌گرا می‌شناسیم. برونر به شدت به مباحثی مثل رمزگردانی، دستکاری و ذخیره‌سازی اطلاعات توسط کودکان علاقه‌مند بود و در مورد نحوه‌ی این اعمال مطالعات زیادی را انجام می‌داد.

بر اساس مطالعه‌ای که برونر بر روی ذهن کودکان داشت ۳ مرحله از رشد را مطرح کرد:

۱. حرکتی (شناخت عملی)
۲. تصویر سازی حسی (شناخت حسی)
۳. نمادین (شناخت نمادین)

هر کدام از این مراحل ویژگی‌هایی دارد. برای بررسی ویژگی‌های آن توجه شما را به مراحل رشد کودکان جلب می‌کنم:

مرحله اول: شناخت حرکتی (شناخت عملی)

مرحله اول شناخت حرکتی یا شناخت عملی است. در این مرحله کودک توانایی تصور و تفکر ندارد و صرفاً عمل می‌کند. هوش کودک هوش عملی است و یادگیری‌اش به صورت غیر کلامی است. این مرحله معادل مرحله ی حسی- حرکتی در نظریه پیازه است.

مرحله دوم: تصویرسازی حسی (شناخت حسی)

مرحله دوم که تقریباً از پایان ۳ سالگی شروع می‌شود مرحله‌ی تصویر سازی حسی یا شناخت حسی در کودکان است و معادل مرحله عملیات عینی در کودکان محسوب می‌شود. در این مرحله یادگیری زبان و اعمال ذهنی انجام می‌شود.

مرحله سوم: نمادین (شناخت نمادین)

مرحله سوم مرحله‌ی نمادین یا شناخت نمادین نام دارد. تصورات ذهنی و فرضیه‌سازی ذهنی در این مرحله شکل می‌گیرد. این مرحله با مرحله‌ی عملیات صوری در نظریه پیاژه برابری می‌کند.

توضیحات بیشتر در رابطه با مراحل رشد برونر:

در **مرحله حرکتی (مرحله اول)** همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد کودک تنها از طریق انجام اعمال فیزیکی یاد می‌گیرد. در واقع در این مرحله کودکان از طریق کلام چیزی را یاد نمی‌گیرند، بلکه از طریق عمل کردن و حرکت کردن یاد می‌گیرند. برای مثال فرض کنید قرار است که دوچرخه سواری را به کودک آموزش دهیم. در این مرحله گفتن هیچ کلامی به کودک ما باعث نمی‌شود که او دوچرخه سواری یاد بگیرد، بلکه کودک باید به صورت عملیاتی افعال مربوط به دوچرخه سواری را انجام دهد تا بتوانیم ادعا کنیم که کودکمان دوچرخه سواری را یاد گرفته است.

مرحله دوم مرحله‌ی **تصویرسازی حسی** است. در مرحله تصویرسازی حسی از طریق تصویرسازی ذهنی، کودکان یاد می‌گیرند و معانی به آن‌ها منتقل می‌شود. در این مرحله پیشرفت بزرگی در رشد شناختی کودک اتفاق می‌افتد. حافظه دیداری کودکان در این برهه رشد پیدا می‌کند، اما باید یادمان باشد که در این مرحله هنوز هم کودک بر اساس برداشت‌های حسی‌اش تفکر می‌کند و البته تصمیم می‌گیرد.

مرحله سوم مرحله‌ی **نمادین** است. در این مرحله کودک وارد دنیای بزرگسالی می‌شود و دنیا را از طریق نظام‌های نمادین می‌شناسد. ورود به این مرحله به کودک اجازه می‌دهد تا بتواند تجربیات خود را از طریق نمادها، زبان و کلام به تصویر بکشد و به دیگران منتقل کند. زبان منطق و ریاضیات در این دوره توسط کودکان به کار گرفته می‌شود.

در نظریه یادگیری اکتشافی برونر نکاتی وجود دارد:

- به اعتقاد برونر رشد مرحله‌ای و ناپیوسته است.
- به اعتقاد برونر مراحل رشد با سن رابطه‌ای ندارد.
- مراحل رشد به ترتیب طی می‌شود.
- با بالا رفتن سن و تجربه استفاده از نظام نمادین بیشتر می‌شود.
- امکان سرعت بخشیدن به مراحل رشد وجود دارد.
- کودکان در یادگیری فعال هستند.

در واقع در این نظریه کودکان نظاره‌گر یادگیری نیستند و یادگیری از طریق دیگران به آن‌ها منتقل نمی‌شود، بلکه به صورت فعالانه در یادگیری فعالیت و مشارکت می‌کنند و آن‌ها هستند که یاد خواهند گرفت.

برونر بر اساس مراحل ذکر شده، ۴ مفهوم کلیدی را در نظریه خود ارائه می‌کند و به آن‌ها تکیه می‌کند:

ساختار

آمادگی

شهود

انگیزش

ساختار: برونر حقایق، روش‌ها و مفاهیم کلیدی و اصلی یک رشته‌ی علمی را به عنوان ساختار آن رشته علمی معرفی می‌کند و معتقد است که آموزش ساختار رشته علمی به دانش‌آموزان ما کمک می‌کند تا در جریان مطالعه به صورت فعال به کشف اصول، مفاهیم و حقایق بپردازند و از این طریق می‌توانند به یادگیری عمیق دست پیدا کنند. بنابراین نباید تصور کنیم که یادگیری فعال به معنی فراموش کردن ساختار رشته‌های علمی و عدم ارائه‌ی آن‌ها به دانش‌آموزان است.

آمادگی: در خصوص مفهوم آمادگی برونر با این ایده که کودکان در هر سنی تنها قادر به یادگیری پاره‌ای از موضوعات و مسائل هستند و در واقع آموزش موضوعات مختلف باید متناسب با سن کودکان باشد مخالف است. او معتقد است که آموزش موضوعات مختلف بیشتر از آن‌که به سن دانش‌آموزان ما مرتبط باشد، باید متناسب با موقعیت‌ها، راهبردها، شرایط و امکاناتی که برای آموزش و یادگیری کودکان فراهم می‌کنیم باشد.

شهود: در خصوص مفهوم شهود برونر معتقد است که شهود به آگاهی عمیق و ژرف از موضوع بستگی دارد. در واقع حدسیات، حواس پنج‌گانه، حرکات‌های ماهرانه و ناخودآگاه عوامل تفکر شهودی هستند. معلمی که به دانش‌آموزانش فرصت حدس زدن می‌دهد، فرصت کاوش کردن و فرصت ریسک کردن می‌دهد در واقع دارد نوعی مدل‌سازی شهودی را انجام می‌دهد. معلم باید در کلاس درس خود فضایی را ایجاد کند که دانش‌آموزان بدون ترس از ارائه پاسخ‌های غلط به تجربیات یادگیری گوناگون دست بزنند و به تفکر شهودی برسند.

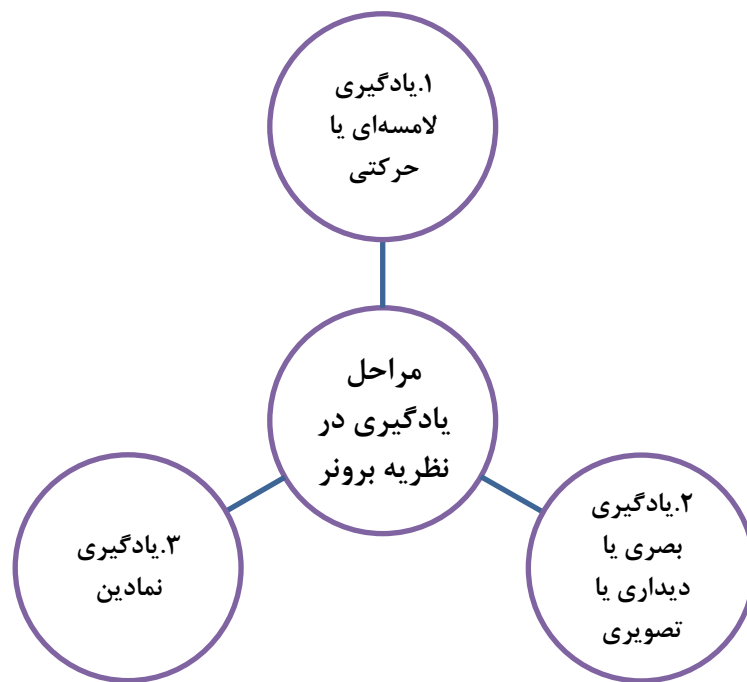
انگیزش: انگیزش باعث می‌شود که توجه دانش‌آموز ما نسبت به یک موضوع حفظ شود و دانش‌آموز ما برای یادگیری آن موضوع به تلاش خود ادامه دهد. انگیزش موجب ایجاد انرژی و جهت دادن به فعالیت‌های دانش‌آموز ما در کلاس درس می‌شود. به اعتقاد برونر انگیزه کلید یادگیری کارآمد دانش‌آموزان ما است.

در ادامه‌ی این مبحث کاربرد نظریه یادگیری اکتشافی برونر در برنامه درسی مطالعات اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

ویدیوی بیست و سوم (کاربرد نظریه یادگیری برونر در آموزش مطالعات اجتماعی)

برونر برای برقراری ارتباط یادگیرندگان با محیط پیرامون و کسب اطلاعات، ۳ مرحله را در نظر می‌گیرد. این سه مرحله به اعتقاد برونر منجر به یادگیری می‌شوند و از تجربه‌ی مستقیم، ملموس و عینی شروع می‌شوند و تا تفکر انتزاعی ادامه پیدا می‌کنند و به تفکر انتزاعی ختم می‌شوند.

همان‌طور که (روی تخته) می‌بینید مراحل یادگیری در نظریه برونر عبارت‌اند از:



بین این ۳ شکل یادگیری ارتباط تعاملی وجود دارد که البته این ارتباط لزوماً به شکل خطی و ایستا نیست. بازنمایی تصویری به دانش‌آموزان ما کمک می‌کند تا در سطحی بالاتر از یادگیری حرکتی و دیداری بتوانند بصورت انتزاعی و غیرملموس فکر کنند و با کمک فرآیندهای شناختی و تفکر به مفهوم‌سازی دست بزنند.

یادگیری لامسه‌ای

در مورد یادگیری لامسه‌ای یا حرکتی لازم است بگوییم که یادگیری از طریق تجربه‌های مستقیم و حسی است که با فعالیت بدنی همراه می‌شود. البته باید بدانیم که یادگیری لامسه‌ای چیزی بیشتر از فعالیت بدنی صرف است. در واقع تجربه‌های عملی دانش‌آموز ما باید منجر به درک یک مفهوم شود تا بتوانیم بگوییم که یادگیری لامسه‌ای یا حرکتی صورت گرفته. مثلاً وقتی در آموزش جغرافی قصد داریم تا مفهوم دلتا و نحوه‌ی تشکیل آن را به دانش‌آموزانمان آموزش دهیم: برای این کار می‌توانیم از طریق مدل یا ماکت، نحوه‌ی تشکیل دلتا را از زمانی که رود از سرچشمه کوه حرکت می‌کند و خاک‌های آبرفتی را حمل می‌کند تا زمانی که به دریا می‌رسد و سرزمین مثلثی شکل دلتا را تشکیل می‌دهد آموزش دهیم. در حین مدل‌سازی، دانش‌آموزان ما با این مفهوم آشنا می‌شوند و تجربه‌ای به دست می‌آورند که منجر به یادگیری آن‌ها می‌شود.

یادگیری بصری

یادگیری بعدی یادگیری بصری (دیداری یا تصویری) است. یادگیری بصری در واقع ابزار نمایاندن واقعیت‌ها از طریق تصویرسازی ذهنی است. این مرحله از یادگیری نسبت به مرحله‌ی قبلی یعنی یادگیری لامسه‌ای پیشرفته‌تر است اما همچنان در این مرحله بازنمایی‌ها عینی و ملموس هستند. بازنمایی‌ها در این مرحله غیر انتزاعی و مبتنی بر عینیات هستند. مثلاً وقتی که برای آموزش مبحث جمعیت در جغرافی یا حکومت در تاریخ فیلمی را برای دانش‌آموزانمان پخش می‌کنیم یا برای آموزش درس همسایگان ایران و آداب و رسوم آن‌ها فیلمی را در خصوص نحوه‌ی زندگی کردن مردم در کشورهای همسایه مثل ترکیه یا افغانستان برای دانش‌آموزانمان نمایش می‌دهیم، در این صورت ما از این نوع یادگیری استفاده می‌کنیم. این مدل از یادگیری فرصت‌های بسیار مناسبی را برای ما معلمین فراهم می‌کند تا بسیاری از مفاهیم و مباحث درسی را به

دانش‌آموزانمان آموزش دهیم. اسفاده از این روش مخصوصاً در آموزش تاریخ و آموزش اجتماعی بسیار کمک‌کننده است. یادگیری دیداری، تصویری و بصری در ایجاد بازنمایی تصویری خیلی مفید است. برای همین باید یادمان باشد که می‌توانیم در کلاس درس خود یا در فضای مدرسه از انواع نمایشگاه‌های مصور، عکس‌ها، پوسترها و مدل‌ها در آموزش مطالعات اجتماعی استفاده کنیم و بهره ببریم.

یادگیری نمادین

یادگیری نمادین پیشرفته‌ترین نوع یادگیری می‌باشد. این یادگیری نوعی یادگیری است که دانش‌آموزان با گذر از مراحل یادگیری لامسه‌ای و یادگیری تصویری به آن می‌رسند. در واقع در این یادگیری، یادگیری با استفاده از نمادها، اعداد، ارقام، واژگان و مفاهیم اتفاق می‌افتد. برای مثال فرض کنید ما در آموزش جغرافیا واژه‌ی منظومه‌ی شمسی را بر روی تخته سیاه برای دانش‌آموزانمان می‌نویسیم. درست است که به ظاهر واژه‌ی منظومه‌ی شمسی چیزی بیشتر از چند نماد یا حروف الفبا نیست، اما وقتی که آن را برای دانش‌آموزانمان روی تخته می‌نویسیم تفکر آن‌ها به سمت خورشید، سیارات، زمین و منظومه شمسی می‌رود؛ یعنی چیزهایی که شاید آن‌ها تا به حال ندیده باشند و تنها از طریق فیلم‌ها، تصاویر، کتاب‌ها یا نوشته‌ها نسبت به آن آگاهی دارند. این مرحله‌ی عالی از یادگیری کمک می‌کند تا دانش‌آموزان ما بسیاری از مفاهیم سطوح عالی را یاد بگیرند. اما باید به خاطر داشته باشیم چون مخاطب ما دانش‌آموز مقطع ابتدایی است، اگر تنها از این نوع یادگیری در مقطع ابتدایی استفاده کنیم شاید نتوانیم برداشت درستی نسبت به میزان یادگیری واقعی دانش‌آموزانمان داشته باشیم چرا که دانش‌آموزان ما مثل طوطی‌های بسیار هنرمندی هستند که می‌توانند خیلی از چیزها را تکرار کنند بدون این‌که آن‌ها را واقعاً یاد گرفته باشند. بنابراین در کنار یادگیری نمادین باید حتماً یادگیری لامسه‌ای (که به نوعی دست‌ورزی است) و یادگیری تصویری هم به کار گرفته شود.

برای مثال در خصوص یادگیری‌ها توجه شما را به درس ۱۵ مطالعات اجتماعی پایه سوم جلب می‌کنم با عنوان "خانه‌ی ما" فرض کنید که قرار است مفهوم خانه‌ی ما را به دانش‌آموزانمان آموزش دهیم. در این مفهوم به انواع خانه‌ها اشاره شده است. در کنار انواع خانه‌ها به زندگی عشایری هم اشاره شده. برای آموزش زندگی عشایری به دانش‌آموزانمان می‌توانیم از آن‌ها بخواهیم که با یکدیگر یک چادر عشایری را برپا کنند و در آن حضور پیدا کنند و از طریق دیدن فیلم در خصوص زندگی عشایر، نحوه تأمین مایحتاجشان، نحوه دامداری و کشاورزی کردن، نحوه تولید خوراک و پوشاکشان نسبت به زندگی عشایری آشنایی پیدا کنند. در واقع دانش‌آموزان ما در این نوع آموزش با ابعادی از زندگی عشایر آشنا می‌شوند که با یادگیری نمادین به تنهایی نمی‌توانستند نسبت به آن‌ها اشراف پیدا کنند و به درک درستی از آن‌ها برسند. در واقع دانش‌آموزان ما برای این‌که تجارب یادگیری خودشان را سازمان‌دهی بکنند نیاز دارند تا فرصت‌هایی را از طریق یادگیری لامسه‌ای و تصویری برای آن‌ها ایجاد بکنیم.

گفتیم که دانش‌آموزان ما از طریق به‌کارگیری حواس پنج‌گانه در مواجهه با دانش و محیط اطرافشان به اکتشاف دست می‌زنند و در واقع کاوش می‌کنند و به یادگیری می‌رسند. وقتی دانش‌آموز ما به عنوان یک کاوشگر موفقیت را تجربه می‌کند به احساس کارآمدی می‌رسد و این احساس کارآمدی منجر به رضایت می‌شود؛ برونر این احساس را قابلیت ذهنی می‌داند. در این مسیر دانش‌آموزان ما برای این‌که بتوانند فرآیندهای ذهنیشان را به نحو مؤثری سازمان‌دهی کنند نیاز به حمایت‌های ما به عنوان معلم دارند.

و اما قابلیت ذهنی

قابلیت ذهنی: در نظریه برونر مفهومی به نام قابلیت ذهنی مطرح شده. برای توضیح این مفهوم باید خدمتتان عرض کنم که وقتی دانش‌آموزان ما در مواجهه و تعامل با محیط با استفاده از حواس پنج‌گانه‌یشان دست به اکتشاف و کاوش می‌زنند، به موفقیت‌هایی می‌رسند. در صورت بروز این موفقیت‌ها دانش‌آموزان ما احساس کارآمدی را تجربه می‌کنند. این احساس کارآمدی به اعتقاد برونر منجر به قابلیت‌های ذهنی می‌شود. برای مثال توجه شما را جلب می‌کنم به درس ۴ مطالعات اجتماعی پایه چهارم با عنوان "نقشه‌ی محله ما" در این درس از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا نقشه کشیدن را از محیط‌های ملموس مثل کلاس درس یا اتاق خودشان تمرین کنند. وقتی دانش‌آموز ما در اثر تمرین یاد می‌گیرد که نقشه‌ی اتاق خود، کلاس درس یا خانه‌یشان را بکشد احساس رضایتمندی می‌کند. در نتیجه دانش‌آموز ما می‌تواند از این مهارت و قابلیتش در سایر محیط‌ها بهره‌بردار. در ادامه، نظریه برونر را در آموزش مطالعات اجتماعی با تفسیر بیشتری مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ویدیوی بیست و چهارم (انواع مدل‌های آموزشی در نظریه یادگیری برونر)

به اعتقاد برونر کشف یک مفهوم یا پدیده منجر به احساس رضایت و کارآمدی در دانش‌آموزان می‌شود. همه‌ی ما معلمین در طول زندگی حرفه‌ای خودمان شاهد لحظاتی بوده‌ایم که دانش‌آموزانمان چقدر تلاششان را بخاطر موفقیت‌هایی که به دست آورده‌اند و یادگیری‌هایی که در آن موفق بوده‌اند بیشتر کرده‌اند. بر اساس نظریه یادگیری برونر، موفقیت در انجام تکلیف موجب احساس رضایت و کارآمدی در دانش‌آموز می‌شود و این احساس منجر می‌شود که دانش‌آموز تلاش بیشتری انجام دهد و در نتیجه‌ی تلاش بیشتر، یادگیری خودش را توسعه دهد. در نتیجه‌ی توسعه‌ی یادگیری، دانش‌آموز ما می‌تواند یادگیری‌ها را در موقعیت‌های جدید به کار ببندد و به‌غیر از مدرسه از آن یادگیری‌ها در زندگی واقعی و روزمره‌اش استفاده کند و در نتیجه به استقلال در یادگیری دست پیدا کند.

آمیختن بازنمایی حرکتی و بازنمایی تصویری و نمادین با همدیگر در جریان یادگیری اکتشافی، دانش‌آموز ما را قادر و توانمند می‌کند تا آن‌چه که یاد گرفته مفهوم‌سازی کند. تحقیقات نشان می‌دهند که یادگیری مفهومی در مقایسه با سایر اشکال یادگیری، امکان به یاد آوردن امکان به یاد آوردن اطلاعات را در دانش‌آموزانمان بیشتر می‌کند. در واقع می‌توانیم بگوییم که این نوع یادگیری نسبت به سایر یادگیری‌ها پایدارتر و عمیق‌تر است و ماندگاری بیشتری در ذهن دانش‌آموز دارد و در عین حال دانش‌آموز می‌تواند در موقعیت‌های مقتضی بر حسب نیاز آن‌ها را به کار ببندد.

برونر ۳ مدل آموزشی را معرفی می‌کند. برای ما به عنوان معلم بسیار اهمیت دارد که این مدل‌ها را به درستی بشناسیم و در موقعیت مناسب از آن‌ها استفاده کنیم:

۱. یادگیری از طریق تقلید
۲. یادگیری از طریق عرضه مطالب
۳. یادگیری از طریق تفکر

هر کدام از این مدل‌ها در جایگاه خودشان ارزشمندند و هر کدامشان فرصت‌هایی را برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. برای ما به عنوان معلم بسیار مهم است که بدانیم از هر کدام از این مدل‌ها در چه جایگاهی می‌توانیم استفاده کنیم و

هر کدام از این مدل‌های آموزشی برای عرضه‌ی چه مطالبی مناسبند و نیاز به چه ملزوماتی برای ما به عنوان معلم و برای دانش‌آموزانمان به عنوان یادگیرنده دارد. هر کدام از این مدل‌ها در جای مناسب خودشان اگر به کار گرفته شوند می‌توانند موفقیت ما و دانش‌آموزانمان را در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده تضمین کنند و ما را به اهداف یادگیری‌هایمان برسانند.

۱- **یادگیری از راه تقلید:** در این مدل، دانش‌آموزان ما به مثابه‌ی یادگیرندگان تقلیدگر در نظر گرفته می‌شوند. این مدل آموزشی اساس یادگیری از راه کارآموزی است. برای آموزش مهارت‌های مختلف می‌توانیم از این مدل آموزشی استفاده کنیم. برای نمونه وقتی که می‌خواهیم رفتارهای اجتماعی خاصی را به دانش‌آموزانمان آموزش دهیم این مدل کاربرد دارد. نحوه سلام و احوال‌پرسی کردن، نحوه احترام گذاشتن، صبر و بردباری مطالبی است که از طریق این مدل آموزشی می‌توانیم به دانش‌آموزانمان منتقل کنیم. همچنین در آموزش جغرافیا، مهارتی مثل مهارت نقشه‌خوانی را می‌توان از طریق این مدل به دانش‌آموزان آموزش دهیم.

۲- **یادگیری از راه عرضه مطالب:** این مدل بر این پیش‌فرض استوار است که دانش‌آموزان باید اطلاعات، حقایق، دانش‌ها، ایده‌ها و قواعد رفتاری را از طریق دانش‌سازمان‌یافته دریافت کنند. این رویکرد به خاطر ویژگی‌ها و سادگی‌ای که دارد بیشتر از جانب معلمان مورد بهره‌برداری و استفاده قرار می‌گیرد. به اعتقاد برونر این رویکرد یادگیری یک رویکرد یک طرفه است و در کنار مزیت سادگی و سهولت استفاده‌اش برای معلمین معایبی هم دارد. دانش‌آموزان بسیاری از مطالبی که از این راه به آن‌ها منتقل می‌شود را خیلی زود فراموش می‌کنند و در واقع به یادگیری در مفهوم واقعی خودش که ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در ساختار ذهنیشان است نمی‌رسند. البته باید یادمان باشد که این رویکرد در آموزش حقایق نه تنها کاربرد دارد بلکه ضروری هم هست و در آموزش حقایق و مفاهیم اصلی باید حتماً از آن بهره‌برداری کنیم.

۳- **یادگیری از راه تفکر:** در مدل یادگیری از راه تفکر به کودکان به عنوان متفکران نگاه می‌کنیم. متفکرانی که دانش و یادگیری را از طریق تعامل سازنده با محیط پیرامونشان به دست می‌آورند. در این مدل به یادگیرنده فرصت داده می‌شود تا ایده‌ها و باورهایش را از طریق مقایسه‌ی آن‌ها با معیارهای علمی و جهان پیرامون و محیط اطرافش آزمایش کند. مثلاً وقتی که کودک در نتیجه‌ی مشاهدات و تفکرات خودش، تغییرات فصول و علت‌های آن‌ها را درک می‌کند: مسلماً بر اساس این مدل آن چیز که دانش‌آموز دریافت و درک می‌کند شبیه یک جغرافیدان نخواهد بود و آن‌چه که به ما انتقال می‌دهد مطالب علمی کاملی نیست، اما مسلماً آن چیزی که درک کرده می‌تواند در زندگی واقعی از آن بهره‌برداری کند و به واسطه‌ی امکانات و فرصت‌هایی که ما به عنوان معلم برای او فراهم کردیم می‌تواند درک درستی نسبت به موضوع به دست بیاورد و آن را به موقعیت‌های بعدی تسری دهد.

نظریه یادگیری اکتشافی برونر با تأکیدی که بر کاوشگری و فعال بودن دانش‌آموز در جریان یادگیری دارد، دریچه‌های جدیدی را به روی ما معلمین و پیش روی نظام تعلیم و تربیت باز می‌کند. در واقع این نظریه، نقش ما معلمین را به عنوان راهنمایان و تسهیل‌گرایان یادگیری تثبیت می‌کند. در این مدل یادگیری و بر اساس این نظریه‌ی یادگیری ما انتقال‌دهنده‌های دانش نخواهیم بود، بلکه کسانی هستیم که می‌توانیم محیط مناسبی را برای دانش‌آموزانمان طراحی کنیم تا آن‌ها از طریق کاوش‌های فردی به کشف حقایق نائل شوند و از طریق کشف حقایق و میزان رضایتی که از این اکتشاف به دست می‌آورند به

استقلال در یادگیری برسند و در بزرگسالی بتوانند به عنوان افرادی که مسائل را به راحتی حل می‌کنند و در مواجهه با موقعیت‌های جدید دچار ترس و ابهام نمی‌شوند رفتار کنند.

ویدیوی بیست و پنجم (نظریه یادگیری هوارد گاردنر)

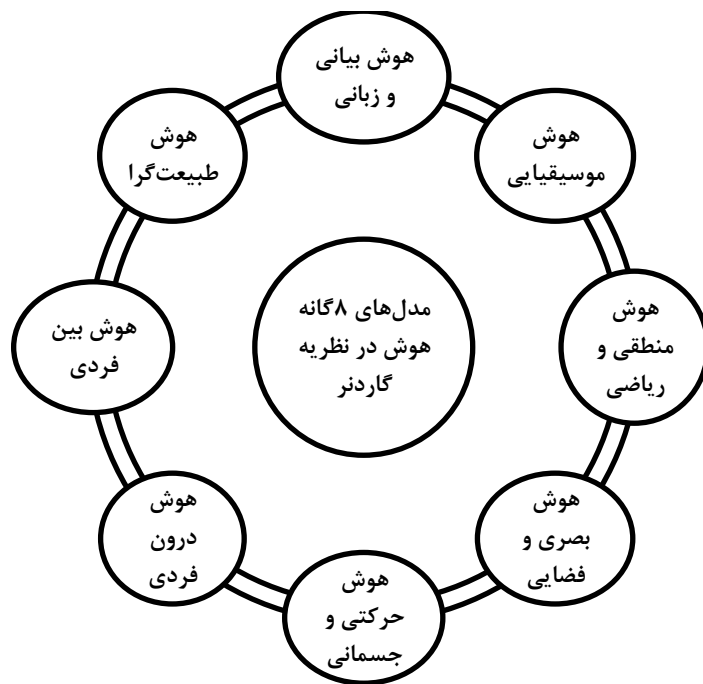
ما معلمین می‌توانیم از طریق آشنایی با نظریه‌های یادگیری و رویکردهای منبعث از آن‌ها، درک هرچه بیشتر و بهتری نسبت به سبک‌های یادگیری، رفتارهای یادگیرندگان و نحوه‌ی یادگیری دانش‌آموزانمان داشته باشیم و بر پایه‌ی این شناخت و درک عمیق می‌توانیم فرصت‌های بسیار مناسبی را برای یادگیری دانش‌آموزانمان فراهم کنیم. در این بخش قصد داریم تا «نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر» را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. گاردنر، روان‌شناس دانشگاه هاروارد بود و به شدت با نگاه سنتی و حاکم بر هوش که هوش را در استدلال و هوش کلامی و ریاضی خلاصه می‌کرد مخالف بود. گاردنر تلاش کرد تا با ارائه‌ی نظریه‌ی هوش‌های چندگانه دامن‌های استعدادها و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های انسانی را تا بالاترین حد ممکن گسترش دهد و آن‌ها را به دیگران بشناساند. شناخت نظریه‌ی هوش‌های چندگانه برای ما معلمین به عنوان دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت اهمیت به‌سزایی دارد.

به اعتقاد گاردنر، آزمون‌هایی که مبتنی بر اندازه‌گیری بهره‌ی هوشی هستند تنها مجموعه‌ای از هوش یا توانمندی انسان‌ها را می‌سنجند. اکثر آزمون‌های هوش و سنجش‌های هوش مبتنی بر توانایی‌های کلامی و مسئله‌گشایی هستند و سایر توانمندی‌های بچه‌ها را اندازه‌گیری نمی‌کنند. درست است که هوش منطقی و کلامی برای بسیاری از کارها و امور زندگی روزانه اهمیت دارد اما تعریف هوش بسیار وسیع‌تر از این توانمندی است. هر کدام از اشکال هوش الگوی عصبی منحصر به فردی دارند که مربوط به خودشان است و از طریق‌ی که مربوط به خودشان است توسعه پیدا می‌کنند و این یک نکته‌ی ضروری برای همه‌ی ما معلم‌هاست که به ما نشان می‌دهد باید فرصت‌های متنوعی را برای یادگیری تدارک ببینیم و تنها از یک رویکرد و از یک فرصت در یادگیری‌ها استفاده نکنیم چون در این صورت امکان است ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزانمان را سرکوب کنیم و این امر مغایر با اهدافی است که آموزش و پرورش در تمام دنیا آن را دنبال می‌کند.

گاردنر در خاطرات خودش ماجرای پسری به نام «داند» را بیان می‌کند. داند، اگرچه به خاطر ضعفی که در خواندن و نوشتن داشت هیچ‌وقت در مدرسه و در زندگی به عنوان یک فرد باهوش تلقی نمی‌شد، اما او واقعاً باهوش بود چراکه او می‌توانست با یک بار نگاه کردن به طرز کار یک وسیله یا دستگاه به تنهایی به طرز ماهرانه‌ی آن راه‌اندازی کند و به کار بندازد. درست است که خواندن و نوشتن مسایل مهمی هستند و در واقع خیلی از افراد کارکرد مدرسه را در سطح آموزش خواندن و نوشتن تنزل می‌دهند اما در واقع نظام مدرسه در حال حاضر به دنبال این است که فراتر از این عمل کند و استعدادهای دانش‌آموزان را در جنبه‌های مختلفی گسترش دهد. با این وجود بعضی از مدارس با تکیه کردن بر نمره‌های مبتنی بر استعدادهای کلامی و ریاضی، ظرفیت‌های دانش‌آموزان را از بین می‌برند.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید ۸ مدل هوش در نظریه گاردنر بیان شده:

۱. هوش بیانی و زبانی
۲. هوش موسیقایی
۳. هوش منطقی و ریاضی
۴. هوش بصری و فضایی
۵. هوش حرکتی و جسمانی
۶. هوش درون‌فردی
۷. هوش بین‌فردی (میان‌فردی)
۸. هوش طبیعت‌گرا



۱. **هوش بیانی (زبانی):** از اسمش همان‌طور که پیداست این مقوله هوش به توانمندی‌های زبانی و کلامی ما برمی‌گردد. توانایی به کار گرفتن واژگان، لغات، اصطلاحات، خواندن و نوشتن به صورت کتبی و شفاهی، آواشناسی، معناشناسی، توانایی درک مفاهیم واژه‌ها و اصطلاحات، توضیح دادن، توانایی به یاد آوردن اطلاعات و ارائه‌ی آن‌ها به صورت کلامی و بیان استنباط اجزا و عناصر در مقوله‌ی این هوش قرار می‌گیرند.

۲. **هوش موسیقایی:** شناسایی ریتم، حساسیت به وزن و ریتم، تشخیص زیر و بم و طنین صداها، درک و تشخیص موسیقی و تولید و اجرای اشکال گوناگون موسیقی و استفاده از سازها در دسته‌ی هوش موسیقایی قرار می‌گیرد.

۳. **هوش منطقی (ریاضی):** توانایی بیان استدلال‌های منطقی، شناسایی الگوها و روابط منطقی، گزاره‌ها و قضایا، طبقه‌بندی کردن، دسته‌بندی کردن، توانایی استفاده از ارقام، اعداد، نمودارها، رده‌بندی کردن، توانایی محاسبه، فرضیه‌سازی و آزمون‌سازی در زمره‌ی هوش منطقی و ریاضی قرار می‌گیرد.

۴. **هوش بصری (فضایی):** در واقع به عنوان توانایی درک درست جهان محسوس به صورت بصری و مکانی، شناسایی رنگ‌ها، شناسایی خطوط و اشکال و فرم و فضا و رابطه‌ی بین آن‌ها و توانایی تجسم و بازنمایی گرافیکی اشکال و افکار و مکان‌ها تعریف می‌شود.

۵. **هوش حرکتی (جسمانی):** مهارت به کار گرفتن اعضای بدن برای بیان افکار و احساسات، سهولت به‌کارگیری دست‌ها برای تولید یا تغییر دادن اشیاء، مهارت‌های فیزیکی و حرکتی مانند حفظ تعادل، چالاکی و چابکی، قدرت، سرعت و لامسه و مسایلی از این دست را می‌توانیم در زمره‌ی هوش حرکتی و جسمانی در نظر بگیریم.

۶. **هوش درون فردی:** توانایی درک درست شناخت خود و ارتباط با خودمان، درک نقاط قوت و نقاط ضعفمان به عنوان یک انسان و عملکرد بر مبنای این شناخت در مقوله‌ی هوش درون فردی قرار می‌گیرد.

۷. **هوش بین فردی:** هوش بین فردی یا میان فردی مربوط می‌شود به ارتباط سازنده‌ای که ما به عنوان یک فرد با دیگران برقرار می‌کنیم. در واقع توانایی درک و تمایز حالات روحی دیگران، اهداف و مقاصد و انگیزه‌هایی که دیگران دارند و تشخیص انواع متفاوت نشانه‌های بین فردی و پاسخ‌گویی صحیح به آن‌ها در مقوله‌ی این هوش قرار می‌گیرد. این هوش در زندگی روزمره‌ی ما اهمیت بسیار زیادی دارد و در واقع در حوزه‌ی تأمین بسیاری از نیازهای ما به عنوان انسان است. اگر ما نتوانیم ارتباط سازنده‌ای با دیگران برقرار کنیم مسلماً در تأمین نیازهایمان عاجز خواهیم بود و با مشکل مواجه می‌شویم؛ بنابراین شناخت این توانمندی و پرورش و تقویت آن به‌ویژه برای ما معلمان درس مطالعات اجتماعی ضروری است.

۸. **هوش طبیعت‌گرا:** توانایی شناخت محیط و انواع پدیده‌های محیطی، جغرافیایی، انواع گونه‌های جانوری و گیاهی و نحوه‌ی ارتباط برقرار کردن با آن‌ها در مقوله‌ی هوش طبیعت‌گرا قرار می‌گیرد. در بستر برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی، جغرافیا فرصت بسیار مناسبی را برای ما فراهم می‌کند تا این هوش و استعداد را در دانش‌آموزانمان تقویت کنیم. هوش طبیعت‌گرا یکی از نیازهای انسان امروز است، چون امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که شاهد انواع مخاطرات زیست محیطی هستیم. بنابراین لازم است که در این درس به پرورش و تقویت این هوش در چهارچوب انواع هوش توجه کافی داشته باشیم. در ادامه، کاربرد نظریه‌ی هوش‌های چندگانه گاردنر در آموزش مطالعات اجتماعی را به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ویدیوی بیست و ششم (کاربرد نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر در آموزش مطالعات اجتماعی (بخش اول))

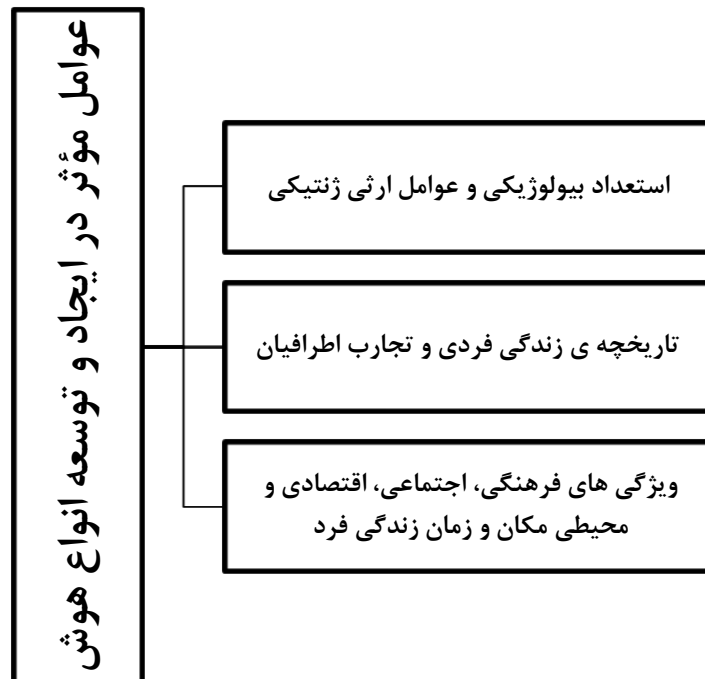
همانطور که گفتیم، گاردنر با نگاه سنتی و حاکم بر نظریه‌های هوش که هوش را به هوش استدلالی و کلامی تقسیم می‌کرد؛ مخالف بود و در مخالفت با این نگاه، نظریه‌های هوش چندگانه را مطرح کرد و انواع هوش را در ۸ مقوله معرفی و دسته‌بندی کرد. در خصوص نظریه‌ی گاردنر نکاتی وجود دارد که باید مدنظر قرار بگیرند. همانطور که در تخته می‌بینید این نکات عبارتند از:

- ۱) همه‌ی افراد انسانی به‌طور نرمال دارای قابلیت‌هایی در هر یک از مقولات ۸ گانه‌ی هوشی هستند، به‌طوری‌که در برخی کاملاً رشد یافته، در برخی اندکی رشد یافته و در مابقی رشد نایافته‌اند.
- ۲) افراد می‌توانند در صورت وجود آموزش صحیح بستر مناسب هر کدام از انواع هوش را تا سطح مطلوب توسعه دهند.
- ۳) مقوله‌های هوشی باهم در تعاملند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند.
- ۴) برای هوشمندی در هر یک از مقوله‌های هوشی چندین راه وجود دارد. برای مثال فرض کنید فردی در زمینه‌ی هوش جسمانی چندان پیشرفت نداشته باشد اما همین فرد بتواند به خوبی قالی ببافد علی‌رغم اینکه نمی‌تواند ورزشکار خوبی باشد یا مثلاً فردی در زمینه‌ی هوش بیانی و کلامی نتواند به خوبی بخواند اما بتواند شعر بگوید و بتواند دکلمه را به زیبایی اجرا کند.

همان‌طور که در این نکات گفته شد، یکی از مسائل مهم در تئوری هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر که برای ما معلمان دستاوردهای مهمی را به‌دنبال دارد، این است که همه‌ی افراد جامعه که در سطح نرمال قرار دارند می‌توانند انواع هوش را تا سطح معین و مطلوبی در خود توسعه دهند. در توضیح این مطلب می‌توانم بگویم دانش‌آموزی نمی‌تواند در کلاس‌مان باشد که

در تمام این مقوله‌های هوشی در سطح عالی باشد و یا دانش‌آموزی باشد که در هیچ‌یک از این مقولات هوشی امکان رشد و توسعه نداشته باشد. ایجاد و توسعه‌ی این هوش‌ها به سه عامل بستگی دارد.

این سه عامل عبارتند از:



بر این اساس اگر چه ممکن است دانش‌آموزان در زمینه‌ای استعداد ذاتی داشته باشند اما تحت تأثیر عملکرد منفی محیط ممکن است این استعدادها در آن‌ها هیچوقت نیت ظهور و بروز پیدا نکنند، بنابراین برای ما به‌عنوان معلم بسیار مهم است که به این موضوع تأکید کنیم و سعی کنیم محیط مناسبی را برای بروز و ظهور این استعدادها فراهم کنیم. در بستر برنامه‌های درسی مختلف این امکان برای معلم فراهم است که فرصت‌هایی را تدارک ببیند که در آن زمینه‌ی ظهور و بروز انواع گوناگون هوش‌ها فراهم شود. در بستر برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی به خاطر ماهیت و ویژگی‌های بسیار عالی که دارد، امکان بروز و ظهور هوش‌های چندگانه وجود دارد و می‌توانیم از این طریق طیف‌های گسترده‌ای از انواع هوش و استعداد را در دانش-آموزانمان پرورش دهیم. برای نمونه هوش طبیعت‌گرا و هوش فضایی با درس جغرافیا پیوند بسیار عمیقی دارند و هوش بین-فردی با آموزش‌های مبتنی در درس اجتماعی و شهروندی رابطه‌ی بسیار عمیق و بالایی دارد.

در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی که مبتنی بر رویکرد کاوشگری است، معلم با در نظر گرفتن انواع هوش چندگانه و تفاوت-های فردی دانش‌آموزان و درک آن‌ها و با توجه به اینکه این تفاوت‌ها در افراد مختلف وجود دارند، فرصت‌های آموزشی را به نحو مطلوب طراحی می‌کند و فرصت‌هایی را برای دانش‌آموز تدارک می‌بیند که طی آن دانش‌آموز، امکان یادگیری چندگانه در بستر انواع هوش را پیدا می‌کند. همچنین معلم می‌تواند از بستر هر کدام از این مقولات هوشی، برای پیش‌برد اهداف آموزشی به نحو مطلوب بهره‌برداری کند و برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی به خاطر تنوع مطالب و موضوعاتی که در بر می‌گیرد، قابلیت

بسیار بالایی را برای توسعه‌ی انواع هوش در دانش‌آموزان دارد. همان‌طور که مثال‌هایی را بعد از این خدمتتان عرض می‌کنم، در این موضوع خواهید دید.

" لطفا به تخته توجه کنید "



کاربرگی شماره ۲۵ مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان " کشور ایران را معرفی کنید. " در این کاربرگ از دانش‌آموزان خواسته شده تا نامه‌ای را به دوست فرضی‌شان در کشور همسایه بنویسند و ایران را به او معرفی کنند. در این کاربرگ در واقع هوش کلامی، بیانی و زبانی دانش‌آموزان توسعه پیدا می‌کند و تقویت می‌شود، یا در کاربرگی شماره ۱۷ مطالعات اجتماعی پایه پنجم از دانش‌آموز خواسته می‌شود با استفاده از واژگان داده شده در مورد شخصیت‌های خواسته شده متن کوتاهی بنویسد. این کاربرگ در درس مطالعات اجتماعی مطرح شده، اما همینکه ملاحظه می‌کنید به خوبی به مقوله‌ی هوش بیانی و هوش زبانی دانش‌آموزان می‌پردازد و در خلال آموزش مفاهیم مرتبط با مطالعات اجتماعی، هوش کلامی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. همچنین مثال دیگری خدمتتان به نمایش گذاشته می‌شود.



در این فعالیت از دانش‌آموزان خواسته شده با کمک بزرگترها سرودهای انقلابی را یاد گرفته، تمرین کنند و به صورت گروهی اجرا کنند یا در فعالیت‌های درس ۲۰ کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم با عنوان (ما ایرانی هستیم) از دانش‌آموزان خواسته می‌شود سرود جمهوری اسلامی را در کلاس اجرا کنند.

هر دوی این فعالیت‌ها در زمینه‌ی توسعه‌ی هوش موسیقیایی دانش‌آموزان ما کاربرد دارد، همانطور که ملاحظه کردید اگر چه این فعالیت‌ها و تمرین‌ها در بستر برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی مطرح شده، اما در توسعه و تقویت هوش موسیقیایی دانش‌آموزان به خوبی نقش ایفا می‌کند و به‌علاوه می‌تواند در دانش‌آموزان ما ایجاد انگیزه کند و فضای کلاس را در تمرینات درس مطالعات اجتماعی جذاب کند. در ادامه سایر مقولات هوشی و مثال‌های آن در درس مطالعات اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

ویدیوی بیست و هفتم (کاربرد نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر در آموزش مطالعات اجتماعی (بخش دوم))

همانطور که گفته شد برنامه درسی مطالعات اجتماعی ظرفیت بسیار بالایی را برای توسعه‌ی انواع هوش در دانش‌آموزان دارد. بر اساس ماهیت و ویژگی‌های منحصر به فردی که این برنامه‌درسی دارد، می‌تواند زمینه را برای بروز و ظهور استعدادها در چارچوب نظریه‌ی هوش چندگانه‌ی گاردنر فراهم کند. برای نمونه به مثالی که در تخته نمایش داده می‌شود توجه فرمایید:

Irancell LTE VPN 8:15 PM 53%

هوش منطقی - ریاضی

کاربرگهی ۲۸

دفاع مقدس

تمرین خواندن خط زمان

- ۱- حملهی نظامی رژیم پهلوی برای ایران در چه سالی صورت گرفت؟
- ۲- آزادسازی خرمشهر (اصفهان بیناالقدس) در چه سالی صورت گرفت؟
- ۳- عملیات والفجر ۳ در چه سالی اتفاق افتاد؟ در این عملیات کدام آزاد شد؟
- ۴- دفاع مقدس چندسال طول کشید؟ روی خط زمان بنویسید.

کاربرگهی شماره‌ی ۴

از ده نفر از بچه‌های مدرسه بپرسید اسم شما چیست و خانواده‌ی شما چند نفره است. در ستون مناسب علامت + بزنید.

نام و نام خانوادگی	تعداد اعضای خانواده									
	۱ نفره	۲ نفره	۳ نفره	۴ نفره	۵ نفره	۶ نفره	۷ نفره	۸ نفره	۹ نفره	۱۰ نفره
۱-										
۲-										
۳-										
۴-										
۵-										
۶-										
۷-										
۸-										
۹-										
۱۰-										
جمع										

حالا علامت‌های هر ستون را بشمارید و حاصل جمع تعداد آن‌ها را بنویسید. در جدول شما بیشتر خانواده‌ها چند نفره هستند؟

در کاربرگهی شماره‌ی ۴ مطالعات اجتماعی پایه‌ی سوم از دانش‌آموز خواسته شده که اسم ۱۰ نفر از بچه‌های مدرسه را در جدول داده شده بنویسد و در ستون مربوطه آمار مربوط به خانواده‌ی آن دانش‌آموز را علامت بزند. تعداد علامت‌های مربوط به هر ستون را جمع بزند و بنویسد که بر اساس جدول، بیشتر خانواده‌ها چند نفره هستند یا همچنین در کاربرگهی شماره ۲۸ پایه‌ی ششم از دانش‌آموز خواسته می‌شود با توجه به خط زمان ترسیم شده به سؤالات پاسخ دهد و مشخص کند که هر کدام از رخدادهای مدنظر در چه سالی به وقوع پیوستند و دفاع مقدس چند سال به طول انجامیده است. همانطور که ملاحظه کردید این کاربرگ‌ها و تمرین‌ها در تقویت هوش ریاضی و استدلالی دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌کنند. از این دسته سؤالات در درس مطالعات اجتماعی به کرات مشاهده می‌شود.

مثال: در مثال بعدی، در به کار بندیم پایان فصل ۳، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود یک ساعت آفتابی بسازند و با استفاده از آن به سؤالات پاسخ دهند یا خواسته می‌شود همراه معلم از یک تأسیسات بازدید کنند و گزارش بازدید خود را بنویسند. در مورد هشدارهای مصرف آب پوستر تهیه کنند و در محل آب‌خوری نصب کنند و یا چرخه‌ی آب را با نمایش توضیح دهند. این نوع تمرینات باعث تقویت هوش جسمانی و حرکتی می‌شود. به جز فعالیت‌ها و کاربرگ‌ها بسیاری از دروس مطالعات را می‌توانیم با این روش‌ها آموزش دهیم و در واقع در مرحله‌ی ارائه‌ی درس و تدریس از آن روش‌ها استفاده کنیم و به این وسیله در کنار توسعه‌ی هوش جسمانی، مهارت‌های دیگر مانند افزایش خودباوری، اعتماد به نفس را در آن‌ها تقویت کنیم. در خصوص مقوله‌ی بعدی هوش در کاربرگهی ۲۷ درس مطالعات از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که روی نقشه جهت‌های اصلی و فرعی را مشخص کنند و همینطور مشخص کنند در شمال شرق و غرب ایران کدام سرزمین‌ها قبلاً متعلق به ایران بوده و الان جدا شده است؟

همچنین در کاربرگهی اجتماعی کلاس پنجم، خواسته شده است موقعیت پدیده‌ها را روی تصویر مشخص کنند. این نوع تمرین‌ها در زمینه‌ی تقویت هوش بصری و فضایی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. در خصوص مقوله‌ی بعدی در کاربرگهی مطالعات کلاس ششم خواسته می‌شود در موقعیت‌هایی به صورت گروهی همفکری کنند و به سؤالات پاسخ دهند. همچنین در کاربرگه-

ی ۱۳ مطالعات پنجم خواسته شده به طور گروهی، متن مربوط به عراق را مطالعه و به سؤالات مربوطه پاسخ دهند. همانطور که ملاحظه می‌کنید این تمرین‌ها در تقویت هوش بین‌فردی تأثیر دارد. هر کاری که دانش‌آموزان به صورت گروهی انجام می‌دهند، در تقویت هوش بین‌فردی مؤثر خواهد بود و به علاوه برای توسعه‌ی سایر مهارت‌ها بستری فراهم می‌کند؛ از جمله: مهارت ارتباط مؤثر.

مقوله‌ی بعدی هوش، هوش درون‌فردی است. همانطور که ملاحظه می‌کنید در کاربرگ‌ی شماره ۳ و ۴ مطالعات پایه‌ی ششم از دانش‌آموزان خواسته می‌شود در موقعیت‌هایی تصمیم‌گیری کنند و در حین تصمیم‌گیری سؤالات مهمی را از خودشان بپرسند. هوش درون‌فردی به شناخت ما از خودمان و گفتگوهای درونی خودمان اشاره دارد.

کاربرگ‌ی شماره ۵ مطالعات چهارم پدیده‌های طبیعی در تصویر را مشخص می‌کند. همچنین در فعالیت درس ۱۹ پایه‌ی چهارم برای جانوران گوشت‌خوار و گیاه‌خوار با توجه به تصویر مثال بزنید. این نوع تمرین‌ها که در درس اجتماعی و جغرافیا هم کم نیستند، باعث تقویت و توسعه‌ی هوش طبیعت‌گرا می‌شوند. به طور کلی درس جغرافیا قابلیت بسیار بالایی برای پرورش و توسعه‌ی هوش طبیعت‌گرا و هوش محیطی دارد. همانطور که گفته شد به طور کلی:

هوش چندگانه با تأکید بر انواع استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های متعدد انسان، ما معلمین را متوجه این موضوع می‌کنند که ما باید به تک تک استعدادها و توانمندی‌ها توجه کنیم و در عین حال متوجه تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان باشیم. نباید انتظار داشته باشیم که در یک کلاس همه‌ی دانش‌آموزان مثل هم یاد بگیرند، تکالیف را انجام دهند و مثل هم عرضه کنند. باید تفاوت‌های فردی را به رسمیت بشناسیم و بر پایه‌ی این تفاوت‌های فردی دست به طراحی‌های مؤثر آموزشی بزنیم. باید یاد بگیریم که وظیفه داریم با توجه به ظرفیت‌های مختلف دانش‌آموزان آن‌ها را ارزیابی کنیم، برای آن‌ها آموزش تدارک ببینیم و همچنین تکلیف ارائه دهیم.

ویدیوی بیست و هشتم (رویکردها و روش‌های آموزش مطالعات اجتماعی)

رویکردهای آموزشی همواره یکی از عوامل مهم ارتقای کیفیت در نظام‌های آموزشی است. از آن‌جا که رویکردهای آموزشی متأثر از عوامل گوناگونی هستند، شناسایی این عوامل و تأثیرات آن‌ها در انتخاب و به‌کارگیری رویکردهای آموزشی نقش مهمی را در کیفیت آموزش ایفا می‌کند. بر ما به‌عنوان معلم واجب است که تک تک این ویژگی‌ها را بشناسیم و بر پایه‌ی آن‌ها روش‌های یاددهی و یادگیری را تنظیم کنیم.

همانطور که ملاحظه می‌کنید، عواملی مثل ویژگی‌های فراگیر، مقطع تحصیلی، محتوا و امکانات در تعیین رویکردها و روش‌های آموزشی معلمین نقش دارد. رویکردهای آموزشی در مقطع ابتدایی را می‌توانیم به ۴ دسته‌ی عمده تقسیم‌بندی کنیم:

انواع رویکردها: اکتشافی، انتقالی، تعاملی، فرآیندی

۱. **رویکرد اکتشافی:** مانند سایر رویکردهای آموزشی دارای مزایا و محدودیت‌هایی است. یکی از مزایای آن، این است که معلمان در به‌کارگیری آن احساس راحتی می‌کنند؛ چرا که دانش‌آموزان با انگیزه‌ی بیشتری به یادگیری می‌پردازند. همچنین این رویکرد، یادگیری دانش‌آموزان را پایدارتر و عمیق‌تر می‌کند و نقش آن‌ها را از شنونده‌ی صرف بودن و دریافت‌کننده‌ی اطلاعات به کاوشگر فعال که خود دست به اکتشاف می‌زند، تبدیل می‌کند. این رویکرد جزء

رویکردهای فعال است و می‌تواند محیط کلاس و مدرسه را به محیط جذابی تبدیل کند که دانش‌آموزان انگیزه‌ی بیشتری برای یادگیری داشته باشند. در این رویکرد دانش‌آموزان به‌طور فعال با محتوا و ابزار درگیر می‌شوند و این امر موجب توسعه‌ی یادگیری عمیق در آن‌ها می‌شود. البته این نوع رویکرد محدودیت‌هایی هم دارد. از جمله این محدودیت‌ها این است که: معلم نمی‌تواند توقع داشته باشد که تمام مباحث علمی زمان خودش را از نو کشف کند. در واقع زمان به ما این اجازه را نمی‌دهد که دانش‌آموز همه چیز را خود کشف کند و البته این امر مسلماً لزومی هم ندارد؛ بنابراین معلم از قبل باید اهداف را لیست کند و تجربیات و دانسته‌های قبلی آن‌ها را در نظر بگیرد و بر پایه‌ی آن فرصت‌های یادگیری را طراحی کند تا در دستیابی به اهداف آموزشی دچار مشکل نشود.

۲. رویکرد انتقالی: رویکردی است که در آن یادگیرنده فعال نیست. این رویکرد، در واقع به آموزش نگاه سنتی دارد و معلم محور یادگیری تلقی می‌شود. این معلم است که به مثابه‌ی منبع دانش در نظر گرفته می‌شود و باید دانش و اطلاعات را به دانش‌آموزان منتقل کند. در این رویکرد به دانش‌آموزان فرصت اندیشه و تفکر داده نمی‌شود، با مسائل درگیر نمی‌شود و در نتیجه ممکن است آنچه را که به او منتقل می‌شود به‌صورت عمیق و پایدار یاد نگیرد و خیلی زود مطالب را فراموش کند. البته این رویکرد مزایایی نیز دارد. از جمله این مزایا، این است که:

- برای انتقال دانسته‌ها و دانش‌های ضروری، این نوع رویکرد کاربرد دارد.
- در کلاس‌های پرجمعیت کاربرد دارد.

به‌طور کلی ما رویکرد مطلقاً خوب یا مطلقاً بد نداریم و با توجه به شرایطی که کلاس درس دارد و امکانات و اهدافی که از قبل در نظر گرفتیم، در خصوص استفاده از رویکردهای آموزشی تصمیم‌گیری می‌کنیم.

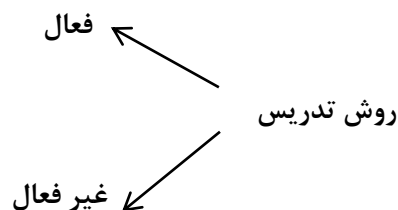
۳. رویکرد تعاملی: معلم فعالانه تلاش می‌کند تا نسبت به دانسته‌ها و آنچه که دانش‌آموزان از قبل می‌دانند و فهمیدند، آگاهی پیدا کند. همچنین تلاش می‌کند تا آن‌ها را تشویق و ترغیب کند تا سؤال بپرسند و از طریق پرسش سؤالات مؤثر، به اهداف آموزشی دست پیدا کنند. در جریان تعاملات بین دانش‌آموزان با هم و با معلم، اهداف آموزشی محقق می‌شود. این رویکرد، یک رویکرد فعال است اما محدودیت‌هایی نیز دارد. یکی از مهمترین مزیت‌ها ایجاد انگیزه برای دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان به‌راحتی اظهارنظر می‌کنند و نظرات را بدون ترس و واژه و مورد تمسخر و تنبیه قرار گرفتن مطرح می‌کنند که موجب می‌شود تا انگیزه‌ی آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌ها بیشتر شود. همچنین، با ایجاد یادگیری عمیق و وسیع؛ یادگیری را در آن‌ها توسعه می‌دهد و البته مسئولیت یادگیری را در آن‌ها ایجاد می‌کند. در واقع معلم تنها مسئول یادگیری نیست و خود دانش‌آموزان نیز مسئول هستند و باید در قبال یادگرفته‌هایشان پاسخگو باشند.

عیب بزرگ این رویکرد، این است که برای ترویج آن در مدارس با مشکل و مقاومت مواجهیم. در واقع در این رویکرد، فرض می‌شود که همه‌ی جواب‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد و به تمام پاسخ‌ها توجه شود که با شرایط حاکم بر مدارس منافات دارد، چون در نگاه سنتی در مدارس فقط یک جواب درست و یک منبع یادگیری وجود داشت و جواب درست نزد معلم و در کتاب آموزشی بود و دانش‌آموزانی که عیناً آنچه به آن‌ها ارائه شده بود مطرح می‌کردند، دانش‌آموزان موفق بودند. اما در رویکرد تعاملی این نگاه کنار گذاشته می‌شود و تمام اظهارنظرها مورد توجه قرار می‌گیرد.

ویدیوی بیست و نهم

۴- **رویکرد فرآیندی:** به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های فکری و شناختی خودشان را بسط دهند. مهارت‌های فرآیندی ناظر بر مهارت‌های تفکر و اندیشه‌ورزی هستند. مهارت‌هایی چون استنباط کردن، مقایسه، رده‌بندی، طبقه‌بندی، پیش‌بینی کردن و حدس زدن در زمره‌ی این مهارت‌ها قرار می‌گیرند. مثل سایر رویکردها، این رویکرد هم دارای مزایا و معایبی است.

مهمترین مزیت آن: این است که دانش‌آموز را در جریان یادگیری فعالانه مشارکت می‌دهد، همچنین از آنجا که بسیاری از محتواهای آموزشی و منابع به‌صورت فرآیندی سازماندهی می‌شوند، معلمان در کاربرد این رویکرد احساس راحتی می‌کنند. این رویکرد، به‌دلیل درگیر کردن و ایجاد انگیزه و گسترش مهارت‌ها باعث افزایش انگیزه برای یادگیری می‌شود، اما در خصوص محدودیت‌ها باید گفت: در جایی که محتوای رشته‌ی علمی بسیار اهمیت دارد، این رویکرد نمی‌تواند نقش خوبی ایفا کند. اگر بتوانیم بین دانسته‌های علمی و مهارت‌ها توازن ایجاد کنیم می‌توانیم به این محدودیت فائق شویم.



روش تدریس فعال: روش‌هایی هستند که دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری به‌صورت فعالانه مشارکت می‌دهند. در واقع دانش‌آموز محور یادگیری است نه معلم. به همین دلیل به این روش، دانش‌آموز محور هم می‌گویند.

روش تدریس غیرفعال: معلم محور آموزش و یادگیری محسوب می‌شود و در واقع معلم نقش انتقال‌دهنده‌ی صرف را پیدا می‌کند. در این روش تدریس، دانش‌آموز منفعل است و در فعالیت‌های یادگیری تأثیر چندانی ندارد. این نوع روش‌های تدریس نقش کمی در ایجاد انگیزه‌ی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. به این روش‌ها، روش‌های تدریس معلم محور یا سنتی هم می‌گویند.

قابل ذکر است که روش‌های تدریس مطلقاً خوب یا مطلقاً بد نداریم و با توجه به اهداف آموزشی، امکانات، فرصت‌ها، تعداد دانش‌آموز و شرایط مخاطبین، در خصوص انتخاب روش‌ها تصمیم‌گیری می‌کنیم.

مؤثرترین روش‌های تدریس برای درس مطالعات:

❖ **پروژه:** اعتراض جان دیویی در قرن ۲۰ به برنامه‌های درسی موضوع‌محور منجر به طراحی برنامه آموزشی شد که در آن بین نظام آموزشی مدرسه و علایق و تجارب و احساسات دانش‌آموزان به نحو مطلوب ارتباط برقرار می‌شد. بر این اساس، مهیار (اسم شخص) پیشنهاد کرد که برنامه‌درسی با موضوعات مجزا در مقاطع ابتدایی باید به‌طور کلی کنار گذاشته شود و به جای آن تجربیات دانش‌آموزان در چهار زمینه‌ی **مشاهده، بازی، داستان و دست‌ورزی** سازماندهی شود. به نظر او این شکل از برنامه‌درسی برای رشد کودک مناسب‌تر است و کیفیت مطلوب و هدفمند و

تمرکز بر فعالیت‌های زندگی واقعی را دنبال می‌کند. به‌طور کلی، به اعتقاد او این روش، روش مؤثر برای آموزش در مقطع ابتدایی است.

❖ **پروژه‌ی دانش‌آموزی:** به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که بر اساس آن، اهداف برنامه درسی طراحی می‌شود و تا حدودی پیچیده‌تر از تکالیف معمولی است و دانش‌آموزان به‌طور انفرادی یا گروهی آن را انجام می‌دهند. عنوان فعالیت‌ها می‌تواند توسط معلم یا دانش‌آموز یا با هم‌فکری هم انتخاب شود. محل انجام فعالیت ممکن است داخل کلاس یا خارج از آن یا ترکیبی از هر دو باشد؛ فعالیت‌های پروژه‌ای برای دانش‌آموزان فرصتی فراهم می‌آورد تا مهارت‌های بهتر زندگی کردن و توانایی برخورد با مسائل زندگی را کسب کنند.

از نظر جان دیویی، مواد درسی به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شود:

(تجربه‌ی مستقیم ← مستقیماً قابلیت به تجربه درآمدن دارند).

(تجربه‌ی غیرمستقیم ← موادی که به‌طور غیرمستقیم به واسطه‌ی نمادها، علائم و زبان قابل تجربه هستند).

اگر به عنوان معلم باور داشته باشیم که خواندن و نوشتن مهم‌ترین طریقه‌ی یادگیری در دوره‌ی ابتدایی است، دچار اشتباه فاحشی شده‌ایم و در واقع مسیر را به‌کلی اشتباه رفتیم. در مقطع ابتدایی فعالیت مستقیم و تجربه‌ی مستقیم باید مقدم بر تجربیات غیرمستقیم باشد و در واقع یادگیری عینی باید مقدم بر یادگیری انتزاعی در نظر گرفته شود.

استفاده از علائم، نماد و زبان به عنوان ابزاری برای یادگیری اگر چه در این مقطع کاربرد زیادی دارد، اما نباید در اولویت باشد؛ بنابراین کاربرد روش پروژه در این مقطع می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا یادگیری واقعی داشته باشند. یادگیری که بتواند راهگشای آن‌ها در زندگی آینده باشد.

ویدیوی سی‌ام

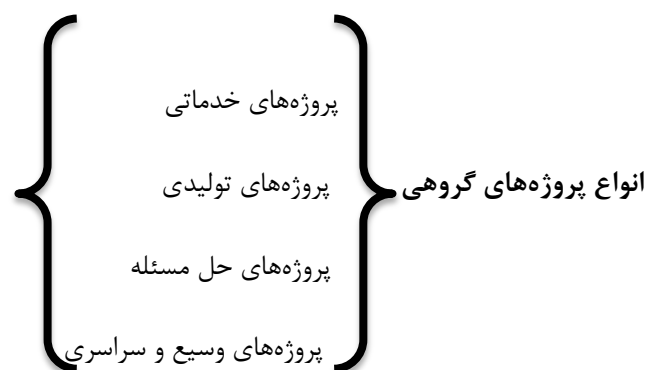
دلایل استفاده از روش پروژه:

- ۱) پرورش مهارت حل مسئله
- ۲) پرورش مهارت کار گروهی
- ۳) پرورش تفکر منطقی
- ۴) پرورش مهارت خودتنظیمی و احساس مسئولیت
- ۵) پرورش خلاقیت
- ۶) پرورش توانایی تجسم، پیش‌بینی و حدس و گمان

همچنین می‌توان گفت فعالیت‌های پروژه‌ای یکی از مهمترین روش‌ها در فهمیدن دانش‌آموزان در فرآیند آموزش و پایدار کردن آموخته‌ها در حیطه‌های مختلف دانش، مهارت و نگرش می‌باشند. به علاوه؛ می‌توانند انگیزه‌ی دانش‌آموزان را در یادگیری ارتقا دهند.

انواع پروژه: فردی، گروهی

مزیت پروژه‌های گروهی بر فردی این است که دانش‌آموزان در خلال رسیدن و دستیابی به اهداف آموزشی، مهارت‌های دیگری هم یاد می‌گیرند. مهارت به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، نظرات، تحمل عقاید دیگران، مهارت نقد کردن و به چالش کشیدن ایده‌های خود و دیگران. در واقع آن‌ها با کار گروهی، تقسیم کار را یاد می‌گیرند و می‌آموزند که در گروه نقش مؤثری را ایفا کنند، که این یکی از مهم‌ترین اهداف درس مطالعات اجتماعی است.



هدف پروژه‌های خدماتی:

ارائه‌ی خدمات به افراد یا گروه‌های نیازمندی است که به کمک احتیاج دارند.

دانش‌آموزان خدماتی را با هدف مشخص ارائه می‌دهند. برای نمونه از دانش‌آموزان می‌خواهیم محله‌ی خود را آذین‌بندی کنند و یا در نماز جماعت از نمازگزاران پذیرایی کنند.

هدف پروژه‌های تولیدی:

در پروژه‌های تولیدی از دانش‌آموزان خواسته می‌شود به صورت گروهی چیزی را بسازند و تولید کنند. به عنوان نمونه خواسته می‌شود ماکت محله‌ای که مدرسه در آن قرار گرفته، با کمک معلم بسازند.

هدف پروژه‌های حل مسئله:

در پروژه‌های حل مسئله، حل مسائل واقعی مدرسه و محله و زندگی دانش‌آموزان مدنظر قرار می‌گیرد. حتی می‌توانیم پروژه‌ها را گسترش دهیم و حل مسائل را در سطح منطقه و کلی هم پیش ببریم. دانش‌آموزان از طریق این پروژه‌ها به کاوشگری و حل مسائل واقعی که در دنیای پیرامون آن‌ها قرار گرفته، می‌پردازند. مثلاً پروژه‌هایی که مربوط به حل

مسئله‌ی بحران آب است که توسط آن می‌توانیم کودکان را ترغیب کنیم تا در مورد مسائل مصرف صحیح آب کاوش کنند.

هدف پروژه‌های وسیع و سراسری:

تمام دانش‌آموزان یک کلاس یا مدرسه مشارکت دارند. قابلیت زیادی در ایجاد همبستگی و همدلی بین اولیای دانش‌آموزان و عوامل مدرسه و خانه ایفا می‌کنند. برای این نمونه پروژه‌ها، مثلاً در خلال درس می‌توانیم دانش‌آموزان را ترغیب کنیم تا در خصوص لباس محلی اقوام مختلف تحقیق و بررسی کنند و آن‌ها را در قالب یک جشنواره به سایر دوستان یا مردم معرفی کنند. برگزاری این جشنواره‌ها و این نوع پروژه‌ها علاوه بر اینکه ما را به اهداف از پیش تعیین شده می‌رساند، قابلیت زیادی نیز برای ایجاد انگیزه و متنوع کردن فرصت‌های یادگیری دارد و نه تنها یک هدف آموزشی بلکه اهداف متنوع مربوط به درس و نظام آموزشی محقق می‌شود.

انجام پروژه‌های دانش‌آموزی نیاز به صرف زمان زیادی دارد. بعضی از آن‌ها ممکن است یک هفته یا یک سال طول بکشد اما صرف این زمان نباید ما را وادار کند که این پروژه‌ها را از برنامه‌ی آموزشی حذف کنیم بلکه باید با برنامه‌ریزی و تعلیم دقیق اهداف آموزشی از آن‌ها به‌عنوان فرصتی برای یادگیری عمیق و فعال استفاده کنیم.

ویدیوی سی‌وی‌کم

مراحل اجرایی روش پروژه:

به فعالیت‌هایی که بر اساس اهداف برنامه‌درسی طراحی می‌شوند و تا حدودی دشوارتر و پیچیده‌تر از تکالیف معمولی هستند و می‌توانند به‌صورت فردی و گروهی آن را انجام دهند، پروژه گفته می‌شود که به دانش‌آموزان کمک می‌کند مهارت‌های بهتر زندگی کردن، برخورد و مواجه شدن صحیح با مسائل و مشکلات زندگی را کسب کنند.



مهم ترین مرحله و دشوار ترین بخش:

انتخاب موضوع

باید به عنوان معلم به نیازهای دانش آموزان و علایق آنها توجه کرد. پروژه از جمله مواردی است که به دانش آموزان ما حق انتخاب می دهد. ما باید به عنوان معلم، دانش آموز را تشویق کنیم که از این حق انتخاب به خوبی استفاده کند؛ چرا که بر اساس این انتخاب، مهارت تصمیم گیری در دانش آموزان پرورش پیدا می کند. همانطور که گفته شد برنامه درسی مطالعات بر پایه ی چند تم بنا شده که اندیشه های بنیادین موجود در رشته های درسی است. در خصوص موضوعات باید به این تم ها توجه شود. در این بین نقش معلم نباید تم ها و مضمون ها را خود برای دانش آموزان انتخاب کند بلکه آنها را باید سوق دهد که بر اساس نیازها و توانمندی ها و علاقه مندی هایشان، تم ها و مضامین را انتخاب کنند.

معلم باید در انتخاب عنوان، حجم، زمان و امکانات موجود در انجام پروژه توجه کند و به علاوه باید در زمینه ارزشیابی پروژه و در تمام مراحل کار دانش آموزان خود را سهیم کند. سهیم کردن دانش آموزان در قسمت های مختلف پروژه باعث می شود مسئولیت پذیری داشته باشند. در کل در هر چیزی که مشارکت داشته باشیم بیشتر احساس مسئولیت می کنیم و این کار باعث افزایش اعتماد به نفس و افزایش توان قضاوت و ارزشیابی می شود. باید از اهداف پروژه به خوبی آگاه باشند و معلم باید در ابتدای کار آگاهی های لازم را به آنها ارائه دهد. در صورتی که پروژه گروهی باشد باید گروه ها به صورت داوطلبانه تشکیل شوند و هر یک از گروه ها باید مسئولیت خاصی را به عهده بگیرد. از طریق انجام این نوع پروژه ها، دانش آموزان مهارت های تقسیم کار و مشارکت در گروه را یاد می گیرند و آن را در خود تقویت می کنند. همانطور که گفته شد، مشارکت گروهی یکی از اهداف درس مطالعات اجتماعی است. در قالب فعالیت های گروهی، نقاط قوت و ضعف دانش آموزان در مواجهه باهم تقویت می شود. یعنی دانش آموز با توانمندی خاصی می تواند نقطه ضعف دانش آموز دیگر را پوشش دهد و دانش آموزان در نقش مکمل

هم در گروه ظاهر می‌شوند. باید حتماً به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان احترام بگذاریم و در معرفی پروژه‌های مختلف به نیازمندی‌ها و توانمندی‌های مختلف آن‌ها توجه کنیم.

معلم در تصمیم‌گیری و واگذاری اجرای پروژه‌های انفرادی یا گروهی باید به یکسری از سؤالات پاسخ دهد که این سؤالات عبارتند از:

- ✓ این پروژه تا چه حد با اهداف درسی، محتوا و راهبردهای آموزشی ارتباط دارد؟
- ✓ آیا دانش‌آموزان در زمینه‌ی موضوع پروژه، از قبل اطلاعات یا تجربه‌ای دارند؟
- ✓ آیا موضوع پروژه فرصت‌هایی را برای کار خلاق و به‌کارگیری مهارت‌های موردنظر معلم ایجاد می‌کند؟
- ✓ این پروژه تا چه حد شناخت‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها را در دانش‌آموز ایجاد و تقویت می‌کند؟
- ✓ آیا منابع موجود جهت انجام پروژه مناسبند و می‌توانند در دسترس دانش‌آموزان قرار گیرند؟
- ✓ آیا موضوع پروژه به اندازه‌ی کافی ارزشمند است که برای آن وقت صرف شود؟
- ✓ آیا امکان مشارکت والدین در اجرای پروژه میسر است؟

چنانچه معلم از قبل در خصوص این سؤالات فکر نکند ممکن است پروژه‌هایی که طرح می‌کند، در راستای اهداف آموزشی نباشد و یا اینکه به اندازه‌ی کافی در این مسیر موفق عمل نکند.

برای مثال درس مطالعات پایه‌ی ششم: در این تمرین دانش‌آموزان با طیف وسیعی از موضوعات برای گذراندن اوقات فراغت مانند: اخلاق و معنویت، شرکت در کلاس‌های قرآن، مشارکت اجتماعی از طریق شرکت در کلاس‌های هلال احمر، هنر و سرگرمی از طریق طراحی و نقاشی، سیر و سفر، مطالعه و مهارت‌آموزی از طریق معرفی کتاب و مجلات و بازی‌های فکری آشنا می‌شوند.

مرحله‌ی گسترش پروژه

باید تأکید کنیم که هم معلم و هم دانش‌آموز نسبت به اهداف پروژه باید آگاهی کافی داشته باشند. همچنین معلم باید منابع لازم را به دانش‌آموزان معرفی کند و یا حتی منابع را برای دانش‌آموزان تهیه کند. علاوه بر منابع؛ مدل‌ها و اشیاء می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند. یکی از منابع خوب برای آن‌ها والدین هستند اما در انجام پروژه‌های دانش‌آموزی باید دقت کنیم و زمانی والدین مشارکت می‌کنند که نسبت به اهداف و ضرورت اجرایی پروژه‌ها آگاهی لازم را داشته باشند. به همین دلیل لازم است قبل از اجرای پروژه به صورت کتبی یا شفاهی، اولیا را توجیه کنیم. برگزاری جلسه یا نوشتن نامه برای اولیا می‌تواند مفید باشد. اگر اولیا اطمینان حاصل کنند که این پروژه‌ها می‌توانند به کودکان در رسیدن به اهداف آموزشی کمک کنند، نه تنها به صورت معنوی بلکه حتی به صورت مادی هم شرکت می‌کنند.

ویدیوی سی‌ودوم

روش آموزش پروژه در زمره‌ی روش‌های فعال قرار می‌گیرد که طی آن دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروهی، زیر نظر معلم تلاش می‌کنند تا پاسخ سؤالات را پیدا کنند. لازم است که معلم تمهیدات لازم را قبل از شروع پروژه فراهم کند و دانش‌آموزان

هم آگاهی کافی از اهداف داشته باشند. معلم باید به دانش‌آموزان کمک کند تا عناوین مناسبی برای پروژه‌های خود انتخاب کنند اما این راهنمایی به این معنی نیست که عناوین را تحمیل کنیم، بلکه باید شرایطی را مهیا کنیم تا خودشان انتخاب کنند و مسئولیت‌پذیر باشند و انگیزه‌ی بیشتری داشته باشند.

یکی از منابع مهم، مشارکت والدین است. حضور آن‌ها در دوره‌ی ابتدایی نه تنها لازم بلکه بسیار ضروری است؛ یعنی گاهی ممکن است عدم مشارکت والدین باعث شود امکان اجرای پروژه اصلا وجود نداشته باشد. مثلا:

دانش‌آموزان باید برای یک پروژه، آماری را از محله جمع‌آوری کنند. به این منظور با توجه به اینکه این کار خارج از ساعت کاری اداری است، قطعاً همراهی والدین ضروری است یا هنگامی که دانش‌آموزان مجبورند به نهادهایی مراجعه کنند، ما باید حدود مشارکت والدین را مشخص کنیم و اینجاست که ما به‌عنوان معلم، نقش راضی بودن و تسهیل‌گر بودنمان را باید امضا کنیم. چون در بعضی از مواقع؛ والدین مشارکت را با دخالت یا اجرای صرف تکالیف دانش‌آموزان اشتباه می‌گیرند که این موضوع نه تنها باعث می‌شود به اهداف نرسیم بلکه لطمه‌های زیادی به آموزش وارد می‌کند. یکی از اهداف مهم ما در نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌ی مطالعه‌ی اجتماعی، پرورش حس مسئولیت‌پذیری است. باید به والدین گوشزد کنیم که ما به اندازه‌ی توانایی دانش‌آموزان تکالیف را طراحی کردیم و در سطح دانش‌آموز انتظار انجام پروژه را داریم نه بالاتر.

مثال از درس علوم اجتماعی: ما می‌توانیم در تکمیل پروژه‌های دانش‌آموزی بعد از اینکه آن‌ها عنوان پروژه را انتخاب کردند و گروه تشکیل دادند، از آن‌ها بخواهیم که در قسمت‌هایی برای تکمیل پروژه به افراد بزرگسال و دیگران مراجعه کنند و در خصوص بازی‌های قدیمی مثل چوگان، هفت‌سنگ و تحقیق کنند یا اینکه با مراجعه به مؤسسات مربوط به اوقات فراغت اطلاعاتی را جمع‌آوری کنند. (در رابطه با مساجد، فرهنگ‌سراها، کانون‌های تربیتی و در خصوص قوانینی که در این مؤسسات است؛ گزارش تهیه کنند).

مرحله‌ی پایانی پروژه

معلم فضایی فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان بتوانند نتایج کارشان را در کلاس ارائه دهند و در ضمن ارائه سایر دانش‌آموزان می‌توانند سؤال بپرسند و کسانی که مطلب ارائه می‌دهند باید به سؤالات پاسخ دهند. در چنین فضایی دانش‌آموزان توانایی انتقادپذیری را در خود تقویت می‌کنند و همچنین اعتماد به نفس آن‌ها بالا می‌رود. یکی از کارهایی که در مرحله‌ی پایانی می‌شود انجام داد، این است که در ارزشیابی پروژه؛ سایر دانش‌آموزان را دخیل کنیم. هر موردی که ما انتظار داریم دانش‌آموزان انجام دهند باید ابتدا به آن‌ها گفته باشیم. برای این کار می‌توانیم یک چک‌لیست یا سیاهه تهیه کنیم که می‌تواند با همکاری دانش‌آموزان باشد. مثلا می‌توانیم به آن‌ها بگوییم انتظار داریم منابع معتبر علمی را در حین اجرای پروژه معرفی کنند یا کار پروژه را تمیز و مجلد به ما تحویل دهند یا اجرای آن‌ها میدانی باشد و پرسشنامه‌ها را در کلاس ارائه کنند. همه‌ی این موارد در ابتدای کار باید با توافق دانش‌آموزان به رسمیت شناخته شود و در مرحله‌ی پایانی ارزشیابی بر اساس آن‌ها صورت گیرد. اگر همه‌ی بچه‌ها را در امر ارزشیابی مشارکت دهیم، باعث می‌شویم قدرت قضاوت تقویت شود و در واقع آن‌ها به مهارت دیگری هم در حین پروژه مسلط شوند.

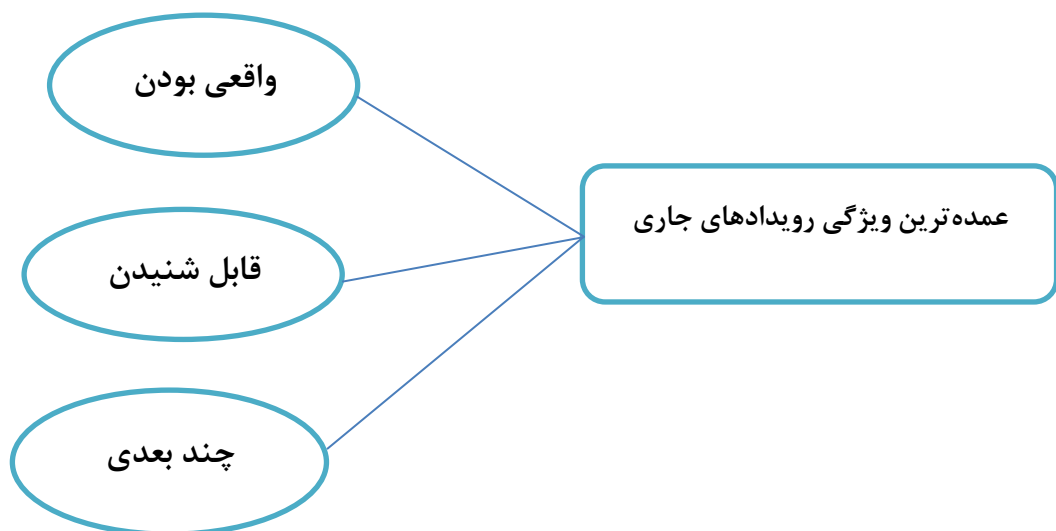
در پایان درس ۱۴ مطالعات پایه‌ی ششم، دانش‌آموزان علاوه بر اینکه با نحوه‌ی مؤثر گذراندن اوقات فراغتشان آشنا می‌شوند، با اماکنی مانند سینما، فرهنگ‌سرا و مسجد نیز آشنا می‌شوند و از آنجا که این اماکن محیط‌های سالمی برای گذران اوقات فراغت هستند، از آن‌ها استفاده می‌کنند.

سختی‌ها و دشواری‌هایی که روش پروژه دارد، نباید سبب شود که از آن در درس مطالعات استفاده نکنیم و آن را مورد غفلت قرار دهیم. شما می‌توانید با استفاده از این مطالب طرح درس بنویسید.

ویدیوی سی‌وسوم

رویکرد مبتنی بر رویدادهای جاری:

یکی از روش‌های بسیار مهم و مفید و مؤثر در آموزش مطالعات این رویکرد است. هر روز که می‌گذرد ما به‌عنوان معلم، بیشتر به اهمیت اخبار و وقایع پیرامون پی می‌بریم و متوجه می‌شویم چقدر می‌توانیم از این رویدادهای جاری برای آموزش استفاده کنیم و این به خاطر ویژگی‌هایی است که این رویدادها دارند.



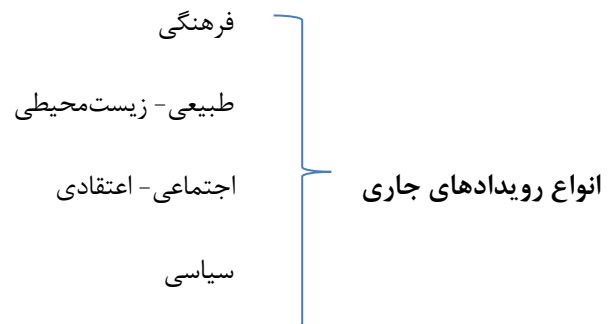
رویدادها خارج از ذهن ما و در دنیای واقعی اتفاق می‌افتند، پس واقعی هستند و به همین خاطر قابل شناخت می‌باشند. رویدادهای جاری به‌خاطر واقعی بودن، عینی هستند و مشکلات و مسائل انتزاعی در آموزش ندارند. همچنین این رویدادها، چند بعدی هستند و این به ماهیت آن‌ها بر می‌گردد. به همین خاطر؛ این قابلیت را دارند که ما بتوانیم چندین موضوع آموزشی را از طریق تلفیق و با کمک رویدادهای جاری به دانش‌آموزان، آموزش دهیم. در واقع رویدادهای جاری می‌توانند به-عنوان کانون یا هسته‌ی تلفیق عمل کنند.

مزایای کاربرد رویکرد مبتنی بر رویدادهای جاری برای دانش‌آموزان:

- ❖ ارتقای مهارت‌های خواندن، افزایش دایره‌ی لغات و درک مطلب
- ❖ آگاه شدن از مسائل و اخبار جاری و حساس شدن نسبت به آگاهی از اخبار مفید محیط اطراف و توجه به موضوعات خارج از مدرسه.

- ❖ علاقه‌مندی به مطالعه و خواندن روزنامه و مجلات
- ❖ مهارت در شناخت سبک‌های مختلف اطلاع‌رسانی و روش‌های رسانه‌ای
- ❖ ایجاد فرصت برای بحث گروهی و مبادله‌ی افکار و دیدگاه‌ها
- ❖ پرورش مهارت‌هایی چون تفکر انتقادی، گوش‌دادن، حل مسئله و ...

رویدادهای جاری را می‌توان بر مبنای ملاک‌های مختلف تقسیم و طبقه‌بندی کنیم:



اخبار مربوط به رویدادهای طبیعی نظیر تغییرات آب و هوایی و مخاطرات زیست‌محیطی مثل وقوع سیل، زلزله، خشکسالی، طوفان و آلودگی هوا، خاک و آب و پیامدهای ناشی از آن که به‌خاطر فعالیت‌های انسانی یا محیطی هر روزه اتفاق می‌افتد، قابلیت بسیار خوبی برای طراحی درس مطالعات اجتماعی دارند به ویژه در رشته‌ی جغرافیا.

مثلاً: ماهیان خاویار در حال انقراضند، زلزله‌ی شدید در ۵ استان یا تعطیلی مدارس به دلیل آلودگی هوا.

در زمینه‌ی هر کدام از این اخبار می‌توانیم سؤالاتی را مطرح کنیم که دانش‌آموزان را به سمتی ببریم که طرح مسئله کنند. به عنوان مثال:

- علت انقراض گونه‌های جانوری چیست؟
- اهمیت پی‌گیری انقراض ماهیان چیست؟
- مقیاس اندازه‌گیری زلزله چیست؟
- نواحی زلزله‌خیز کجاست؟
- با چه کارهایی می‌توانیم خسارات زلزله را کاهش دهیم؟
- علت آلودگی هوا چیست؟
- چرا آلودگی بیشتر در شهرهای کلان است؟

➤ تعطیلی مدارس چه تأثیری در آلودگی دارد؟

در خصوص رویدادهای اجتماعی و اقتصادی:

هر روزه مواردی از این رویدادها، در زندگی پیرامون ما اتفاق می‌افتد. به‌طور مثال:

- خبر مربوط به خودکفایی برنج
- نواحی کشت برنج کجاست؟
- واردات و صادرات برنج چیست؟

در خصوص رویدادهای سیاسی:

رویدادهای سیاسی بستر مناسبی برای آموزش‌های شهروندی و مدنی هستند. در درس مطالعات اجتماعی نیز می‌توانیم استفاده‌ی زیادی از این رویدادها داشته باشیم. به‌ویژه در بخش روابط مردم با حکومت و میزان مشارکت سیاسی مردم و آگاهی آن‌ها نسبت به مشارکت و لزوم مشارکتشان. برای مثال فرض کنید در زمان انتخابات، خبر حضور مردم از رسانه‌ها منتشر شود.

- مشارکت سیاسی مردم چه نقشی در توسعه‌ی سیاسی کشور دارد؟
- مشارکت سیاسی مردم چه اهمیتی دارد؟
- ارکان حکومت ایران چه هستند و چه وظایفی دارند؟

ویدیوی سی‌وچهارم (رویکرد مبتنی بر رویدادهای جاری در آموزش مطالعات اجتماعی)

به دلیل گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، امروزه دانش‌آموزان در معرض اخبار و رخدادهایی هستند که آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند. اگر چه ممکن است این موضوع پیامدهای منفی به‌دنبال داشته باشد اما یک فرصت محسوب می‌شود. ما باید تهدید را به فرصت تبدیل کنیم و از این فضا برای آموزش مطالعات اجتماعی استفاده کنیم. این کار باعث می‌شود پیوندی بین زندگی واقعی دانش‌آموز و آنچه در مدرسه آموزش داده می‌شود، ایجاد شود. در واقع می‌توانیم بیشتر از گذشته، بین مدرسه و محیط زندگی واقعی دانش‌آموز ارتباط نزدیک ایجاد کنیم. از رویدادهای جاری می‌توانیم به اشکال مختلف در آموزش بهره ببریم. مثلاً از آن‌ها در ایجاد انگیزه در ابتدای درس یا با عنوان پروژه‌ی فعالیتی مکمل و یا در ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان استفاده کنیم یا می‌توانیم درس را در بستر رویدادهای جاری ارائه دهیم.

اما در تمام این کاربردها هدف آموزشی نباید از هدف ما دور باشد و تمام فعالیت‌های ما باید در راستای اهداف آموزشی باشد. برای مثال در درس همدلی اجتماعی در حین اینکه کودکان به مضامین همدلی و مصادیق آن می‌پردازند، دو سازمان انتقال-خون و هلال‌احمر که به مردم خدمت‌رسانی می‌کنند، معرفی می‌شوند. برای شروع هر درس می‌توانیم مواردی از رویدادهای روز مربوطه را به دانش‌آموزان ارائه دهیم و سؤال کنیم. دانش‌آموزان باید مشارکت داشته باشند مثلاً اخبار را تهیه کنند، پاسخ

دانش‌آموزان را جهت درس سوق داده و آن‌ها را اصلاح می‌کنیم، می‌توانیم کلیدواژه‌های مهم را روی تخته یادداشت کنیم، به آن‌ها می‌گوییم زیر لغاتی که معنی آن‌ها را نمی‌دانند؛ خط بکشند تا برایشان توضیح دهیم یا در صورت دسترسی به اینترنت معنی لغات مربوطه را سرچ کنند، در فرآیند آموزش آن‌ها را مشارکت می‌دهیم (این نکته بسیار ضروری است).

اگر قصد داشته باشیم درس ۱۹ مطالعات پایه‌ی چهارم با عنوان "از محیط‌زیست مراقبت کنیم" را تدریس کنیم، از دانش‌آموزان می‌خواهیم با مفاهیم مرتبط با محیط‌زیست مانند: زیست‌گاه، چرخه‌ی حیات، وابسته‌های گونه‌های جانوری و اهمیت آن‌ها آشنا شوند.

در این صورت می‌خواهیم اخبار مربوط به محیط‌زیست ایران را انتخاب کنیم، آن‌ها را در اختیار دانش‌آموزان بگذاریم و از آن‌ها بخواهیم پس از بررسی سؤالاتی که به ذهنشان می‌رسد؛ آن‌ها را به صورت فردی یا گروهی مطرح کنند و پاسخ مناسب را ارائه دهند. پاسخ‌گویی باید از طریق کاوشگری دانش‌آموز صورت گیرد به این معنی که خودشان اخبار را جستجو کنند و در مورد ابعاد مختلف آن از حیث اقتصادی، اجتماعی و محیطی بحث و گفتگو کنند.

در نهایت می‌توان گفت رویکرد مبتنی بر رویدادهای جاری می‌تواند دانش‌آموزان را در عکس‌العمل به وقایع اطرافشان حساس کند و همین‌طور مهارت تحلیل‌گری و تفکر نقادانه‌شان را تقویت نماید.

ویدیوی سی و پنجم (رویکرد حل مسئله و کاوشگری)

این رویکرد ریشه در نظریات پیازه، ویگوتسکی، دیویی و فریره دارد که آن را به عنوان روش‌های پژوهشگری، اکتشافی یا کاوشگری هم می‌شناسیم. در این رویکرد معلم به دانش‌آموزان پاسخ صریح نمی‌دهد؛ در واقع این روش، یک روش دانش‌آموز محور و در زمره‌ی روش‌های فعال یاددهی-یادگیری تلقی می‌شود که در طی آن دانش‌آموز بعد از مواجه شدن با یک مسئله یا مشکل، خودش دست به جستجو و تفحص می‌زند.

لازمه‌ی اجرای موفقیت‌آمیز این روش؛ این است که معلم مهارت‌هایی را در دانش‌آموزان تقویت کند و برای همه‌ی این کارها طراحی و برنامه‌ریزی کند. اگر موقعیت مسئله به خوبی طراحی و ساختار بندی شود، دانش‌آموزان می‌توانند با موفقیت آن‌ها را حل کنند. استفاده و بهره‌گیری از این روش آموزشی در برنامه‌های درسی مختلف از جمله اجتماعی اهمیت زیادی دارد؛ چرا که ما در دنیایی پیچیده زندگی می‌کنیم. دنیایی که هر روز ما را با مسائل مختلف مواجه می‌کند و اگر مهارت حل مسئله نداشته باشیم نمی‌توانیم نیازهای روزمره‌مان را تأمین کنیم و زندگیمان کیفیت مطلوبی نخواهد داشت.

محدودیت‌های حل مسئله:

- ✓ اجرای الگوی حل مسئله بسیار مشکل است و احتیاج به معلمان قوی و با تجربه و پژوهشگر دارد.
- ✓ در الگوی حل مسئله فعالیت‌های آموزشی به فضا و امکانات و تجهیزات فراوان نیاز دارد.
- ✓ در الگوی حل مسئله فعالیت‌های آموزشی به زمان بیشتری نیاز دارد.
- ✓ هنگام اجرای الگوی حل مسئله تعداد دانش‌آموزان نباید از ۲۰ نفر تجاوز کند، بنابراین این الگو برای کلاس‌های پرجمعیت کاربرد ندارد.

این محدودیت‌ها، نباید باعث شود از این روش مؤثر غافل شویم و باید سعی کنیم بر این محدودیت‌ها فائق آییم. برای اجرای صحیح این روش باید نکاتی را مدنظر قرار دهیم.

- ❖ موضوعاتی که تدریس می‌شود؛ باید با شرایط و خصوصیات مراحل الگو متناسب باشد.
- ❖ در هر یک از مراحل، باید گروه‌هایی تشکیل شود و بحث و گفتگو سازمان‌دهی شود.
- ❖ اطلاعات مقدماتی برای بعضی از موضوعات به ویژه روش‌های تحقیق و آزمایش و ساخت فرضیه، باید به نحو مطلوب ارائه شود.
- ❖ دانش‌آموزان باید برای اجرای صحیح مراحل به‌طور مناسب و غیر مستقیم هدایت شوند.
- ❖ باید به روش‌های جمع‌آوری اطلاعات دانش‌آموزان توجه شود؛ زیرا ممکن است برخی از این روش‌ها خلاقانه باشند.
- ❖ دانش‌آموزان باید ترغیب شوند تا از روش‌های گوناگون برای حل مسائل استفاده کنند و از اجرای یک روش یکنواخت و معمولی بپرهیزند.

انواع روش‌های حل مسئله:

- ✓ حل مسئله از طریق آزمایش و خطا
- ✓ حل مسئله از طریق بینش و شناخت
- ✓ حل مسئله به روش دیویی

آزمایش و خطا:

به‌طور مثال وقتی تک‌تک کلیدها را برای باز کردن قفل امتحان می‌کنیم؛ یعنی زمانی که اصول از پیش تعیین شده، قاعده و معیار مشخصی برای حل مسائل نداریم از این روش استفاده می‌کنیم؛ اما این روش موجب اتلاف وقت می‌شود و روش هزینه‌بری است و در خصوص سایر مسائل کاربردی ندارد و همچنین نمی‌توانیم نتیجه‌ی آن را به سایر موارد تعمیم دهیم. با این روش تنها می‌شود یک مسئله را حل کرد و روش بسیار مطلوبی نمی‌باشد.

حل مسئله از طریق بینش و شناخت:

هنگامی که عناصر و روابط مرتبط با یک مسئله شناخته شده باشد، می‌توانیم آن را به وسیله‌ی بینش و شناخت حل کنیم. حل مسئله از طریق بینش و شناخت به کشف قواعد و الگوی روابط عناصر درون یک مسئله می‌انجامد؛ یعنی در واقع به محض شناخته شدن عوامل مسئول و روابطشان، به حل مسئله نائل می‌شویم. این نوع حل مسئله قابلیت تعمیم دارد و می‌توانیم در سایر موقعیت‌ها نیز از آن استفاده کنیم.

حل مسئله به روش جان دیویی:

در این روش از طریق پرداختن به عواملی که موجب پیدایش مسئله شده، به سمت حل مسئله می‌رویم.

مراحل الگوی حل مسئله:

- ۱) طرح مسئله و بازنمایی مشکل
- ۲) جمع‌آوری اطلاعات
- ۳) فرضیه‌سازی
- ۴) آزمایش فرضیه
- ۵) نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد

در روش دیویی، مراحل مشابه و یکسانی وجود دارد که در همه‌ی موارد باید طی شوند اما سرعت پرداختن به این مراحل در همه‌ی مسائل یکسان نخواهد بود.

"تشکر ویژه از همکاران دلسوز و پر تلاش ندا موسوی، مصطفی محمودی، زهرا تقی‌زاده، مینو نوروزی، سیما عبداللهیان، سودا آزادی، سعیده کاظمی، زهرا پور شفیع و محبوبه تنها که در جمع‌آوری مطالب این فایل همراهان بودند."

کاربرد اصول حل مسئله در مطالعات اجتماعی:

همانطور که قبلاً اشاره شد، این الگو یک الگوی یادگیرنده محور است که در آن دانش آموزان به صورت فردی یا گروهی با هدایت معلم فعالانه تلاش می کنند تا پاسخ مسئله را به دست آورند. در واقع در این الگو معلم از ارائه پاسخ مستقیم به دانش آموزان خودداری می کند و آنها را راهنمایی می کند تا از طریق مهارت های کاوشگری که قبلاً به آنها آموزش داده شده است پاسخ مسائل را پیدا کنند.

در این الگو دانش آموزان بر اساس تجارب و دانسته های پیشین خود در مورد رویدادها فکر می کنند و تلاش می کنند مسائل را بر اساس اطلاعاتی که گردآوری می نمایند حل کنند.

طرح مسئله و بازنمایی مشکل

مراحل الگوی حل مسئله جمع آوری اطلاعات

فرضیه سازی

آزمایش فرضیه

نتیجه گیری، تعمیم و کاربرد

1 - طرح مسئله: دانش آموز با یک مسئله یا چالش جدید مواجه می شود. ما از داده های گوناگون می توانیم دانش آموزان را در معرض مشکل قرار دهیم. اما قبل از آن باید یک سری ویژگی ها را در نظر بگیریم مثل، (سن، جنس، پایه تحصیلی و ...) که باید در طرح مسئله از طرف معلم قطعاً به آنها توجه شود. در این مرحله یک سری سوال در ذهن دانش آموز ایجاد می شود که تلاش می کند به آنها پاسخ دهد. مثلاً (چرا باید درباره این موضوع جستجو کنم و ...). مثال، درس 13 پایه پنجم: در این درس دانش آموزان متوجه می شوند در حالیکه اکنون در کشور ما فصل بهار است در کشور استرالیا فصل زمستان است. در اینجا این مسئله برای دانش آموز ایجاد می شود که چرا این اتفاق افتاده است؟ چرا در کشورهای مختلف فصول فرق می کند؟ ما به عنوان معلم وظیفه داریم که به تفکر دانش آموز جهت دهیم و او را به سمت شناسایی مسئله سوق دهیم.

2 - جمع آوری اطلاعات: هدف از این مرحله این است که اطلاعات برای فرضیه سازی جمع آوری شوند. در این مرحله دانش آموز زیر نظر معلم به سراغ منابعی می رود (کتاب درسی، فیلم، انیمیشن و ...) تا اطلاعات لازم را به دست آورد. مسئله مهم این است که دانش آموز باید این اطلاعات را ساختار بندی کند تا به نکات مهم آنها پی ببرد و بتواند با این نکات فرضیه ها را بسازد. مثال، در درس 13 پایه پنجم (همان مثال قبلی): بعد از اینکه دانش آموزان با آن مسئله روبرو شدند، در واقع وارد فاز جمع آوری اطلاعات می شوند که در این مرحله می توانند کتاب درسی یا غیر درسی بخوانند، از بزرگترها سوال کنند، یا به سایت یا کتابخانه مراجعه کنند و از اطلاعات آنها استفاده نمایند.

3 - فرضیه سازی: منظور از فرضیه سازی پیش بینی پاسخ احتمالی و پاسخ حدسی برای حل مسئله است. دانش آموز باید

بداند همه پاسخ هایی که داده شده پاسخی احتمالی هستند که می توانند تایید یا رد شوند و تا زمانی که دانش آموز شواهد لازم را جمع آوری نکرده نمی تواند در مورد تایید یا رد آنها قضاوت کند. در مثال قبلی ممکن است دانش آموزان فرضیه هایی را ارائه دهند مثل، محل قرار گرفتن کشورها، چرخش زمین، دوری نیمکره جنوبی از خورشید. آنچه که برای ما به عنوان معلم مهم است این است که در این مرحله نمی توانیم برچسب رد یا تایید به فرضیه دانش آموز بزنیم و باید در نظر داشته باشیم که تمام فرضیه های ارائه شده قابل توجه و فکر کردن هستند، البته به شرطی که بر مبنای گردآوری اطلاعات باشند.

4- آزمایش فرضیه: اساس الگوی حل مسئله این است که دانش آموز باید مسئله ای که با آن مواجه شده را به نحو قابل قبولی حل کند. بنابراین اگر فرضیه را آزمایش نکند اساساً مسئله حل نشده است، بنابراین فرضیه باید آزمایش بشود تا رد یا تایید شود. در این مرحله معلم باید به هدایت دانش آموزان بپردازد تا روش های درست و منطقی را برای آزمایش استفاده کند. مثال قبلی: دانش آموزان برای آزمایش می توانند از روش های متفاوتی استفاده کنند مثلاً، (افلاک نما، نقشه، کره جغرافیایی و...). بعد از آزمایش می توانند بگویند کدام فرضیه رد و کدام تایید شده است. مسئله مهم برای معلم این است که چه فرضیه ارائه شده تایید شود و چه رد شود، دانش آموزان ما به یادگیری عمیق و پایداری رسیده اند و خیلی از مفاهیم را برای خودشان ساخته اند.

5- نتیجه گیری، تعمیم: تا زمانی که به نتیجه گیری نرسیم مسئله کامل حل نشده است. چیزی که مهم است دانش آموزان بدانند، این است که هر نتیجه ای به دست آورند قطعی نیست و تا زمانی معتبر است که شواهد جدیدی دال بر رد آنها بدست نیامده باشد. همچنین باید بدانند این مسئله در تمام علوم تجربی و حتی انسانی مصداق دارد. بعلاوه اینکه در این مرحله دانش آموزان باید پیگیری کنند که نتایج به دست آمده تا چه حد قابلیت تعمیم دارد. با توجه به هدف مطالعات اجتماعی که تربیت شهروند مطلوب است باید دانش آموزان بتوانند از الگوی حل مسئله در زندگی استفاده کنند و مسائل خود را با آن حل نمایند.

محیطهای واقعی یکی از بهترین مکانها و موقعیتهای برای آموزش مطالعات اجتماعی است. بازدید علمی و مطالعه میدانی یکی از موثرترین و بارزترین روشهای مطالعات هست که باعث میشود آموزش عینی و ملموس باشد برای دانش آموز که این موضوع دارای اهمیت فوق العاده در دوره ابتدایی است.

مطالعات شامل: تاریخ، جغرافیا و اجتماعی است. از روش بازدید علمی و مطالعه میدانی در جغرافیا طبیعت و محیط بهترین شرایط برای یادگیری است. در مورد تاریخ هم بازدید از مکانهای تاریخی، موزه ها و آثار به جا مانده. در مورد اجتماعی بازدید از موسسات اجتماعی و پدیده های اجتماعی.

تعریف بازدید علمی:

مقدمه ای برای مطالعات میدانی و نوعی از آموزش در محیط خارج از کلاس است که طی آن دانش آموزان با راهنمایی معلم برای نیل به اهداف برنامه درسی فعالیتهایی را انجام میدهند.

مهمترین مزایای روش علمی و میدانی: مشاهده و امکان رویارویی مستقیم با پدیده ها که منجر به ملموس شدن موضوعات درسی میشود. - پیوند بین موضوعات درسی با محیط زندگی واقعی- گردآوری اطلاعات دست اول- کاربرد مهارتهای مختلف چون: اندازه گیری، نقشه خوانی، مصاحبه، یادداشت برداری، پاسخگویی به کنجکاوی- لذت بخش کردن فضای آموزشی- نوشتن گزارش- پرسش و پاسخ- ارتباط موثر و مشارکت گروهی را تقویت میکند. یادگیری را پایدار و عمیق میکند.

مراحل اجرای بازدید میدانی:

بازدید علمی مقدمه ای است برای مطالعه میدانی و الگویی است آموزشی که در آن دانش آموزان با راهنمایی و هدایت معلم تلاش می کنند تا از طریق انجام دادن یکسری از فعالیت های خارج از کلاس و محیط مدرسه به اهداف آموزشی دست پیدا کنند. بازدیدهای علمی می تواند قسمتی از کار پروژه یا مرحله ای از ارائه تدریس یا به منظور انجام تکالیف و فعالیت ها باشد اما در هر صورت دارای مراحل است:

- ۱) طراحی
- ۲) توجیه والدین و مسئولین
- ۳) هماهنگی با مسئولین
- ۴) توجیه دانش آموزان
- ۵) تهیه نقشه و بروشور
- ۶) پیش بینی حوادث
- ۷) گزارش نویسی
- ۸) ارزیابی

۱) در طراحی بازدید علمی معلم باید پیش نگرى داشته باشد و فهرستی از آنچه که بایستی انجام شود و امکانات مورد نیاز را تهیه کند و باید اهداف آموزشی را مشخص کند و مشخص کند چه میزان از این اهداف با بازدید علمی محقق می شود. در خصوص زبان، مکان و هزینه ها هم باید برنامه ریزی کند. این مرحله مهم اگر به درستی انجام نشود، دیگر مراحل هم تحت الشعاع قرار می گیرد و ممکن است اهداف آموزشی محقق نشود.

۲) توجیه والدین و مسئولین مدرسه: با توجه به مقررات آموزش و پرورش و مخاطرات برنامه های اردویی، باید رضایت نامه والدین حتما بگیریم. والدین درباره اهداف این بازدید توجیه باشند و از قوانینی که فرزندانشان باید رعایت کنند، هم آگاهی داشته باشند. توجیه مسئولین مدرسه در خصوص ضرورت بازدید، درباره وسایل ایاب و ذهاب و مکان و زمان بازدید اطلاعات کامل به اولیای دانش آموزان داده شود.

۳) هماهنگی با مسئولان مدرسه و مکان بازدید: مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح اخذ شود. این کار توسط مدیریت مدرسه صورت می‌گیرد و ما باید مدیر مدرسه را قبلاً درباره ضرورت بازدید توجیه کرده باشیم. این هماهنگی‌ها معمولاً زمان‌بر است، حتی گاهی چند ماه.

۴) توجیه دانش‌آموزان: اگر توجیه نباشند، ما به اهداف آموزشی نمی‌رسیم. باید بدانند در طی این برنامه مفرح باید یکسری مفاهیم و مطالب را یاد بگیرند و با ناگه علمی به بازدید نگاه کنند. اطلاعاتی درباره انتظارات خود در این بازدید به آن‌ها داده شود و بگوییم که چطور گزارش‌های خود را تهیه کنند، چه موقع گزارش‌ها را تحویل دهند، چطور اطلاعات را دسته‌بندی کنند، چه چیزهایی را یادداشت کنند، چه وسایلی با خود داشته باشند، چه انتظاراتی در خصوص رفتارهای آنان در بازدید داریم و بگوییم که در پایان بازدید آن‌ها را چگونه ارزیابی خواهیم کرد. در صورتی که این اطلاعات به خوبی در اختیار دانش‌آموزان قرار نگیرد، ما ارزشیابی درستی از آن‌ها نخواهیم داشت.

۵) تهیه نقشه و بروشور: لازم است معلم به ویژه در مطالعات جغرافیایی، نقشه و یا کروکی محل بازدید را تهیه کند. می‌توانیم نقشه‌ها را به تعداد دانش‌آموزان تکثیر کنیم تا موقع بازدید از آن‌ها بخواهیم هر یک عملیاتی را روی نقشه انجام دهند. می‌توانیم از قبل بروشورهای مکان‌ها را تهیه و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم.

۶) پیش‌بینی حوادث غیرمترقبه: در مورد مکان، مسیر و شرایطی که وجود دارد باید از قبل فکر کنیم و مخاطرات احتمالی را در نظر بگیریم و آن‌ها را به صفر برسانیم. حتماً به عنوان سرپرست اردو جعبه کمک‌های اولیه را داشته باشیم. گم شدن دانش‌آموزان، سقوط آن‌ها از بلندی، سقوط مصالح ساختمانی، خطرات دستگاه‌های داخل کارخانه و ... چیزهایی هستند که از قبل باید به افراد آموزش داده شود و آن‌ها را آگاه کرده و بگوییم که چگونه رفتار کنند که خطری نباشد.

۷) مرحله گزارش‌نویسی: هم معلم و هم دانش‌آموزان می‌توانند گزارش تهیه کنند. معلم می‌تواند این گزارش را در اختیار مسئولین مدرسه و منطقه قرار دهد و یا در آرشيو معلمی برای فعالیتهای بعدی نگه دارد. اما دانش‌آموزان باید مطابق طرح از پیش تعیین شده که معلم در اختیار آن‌ها گذاشته، گزارش‌ها را تهیه کنند. لازمه است که معلم از قبل، اصول و مهارت‌های گزارش‌نویسی را به دانش‌آموزان یاد دهد. گزارش‌ها باید شامل اطلاعات کلیدی به شکل زیر باشند:

نام و نام خانوادگی نویسنده گزارش

نام مدرسه و پایه تحصیلی

عنوان درس

مکان یا منطقه مورد بازدید

تاریخ بازدید

هدف یا موضوع اصلی بازدید

مطالب مورد بازدید: متن اصلی گزارش شامل داده‌ها، اطلاعات و مشاهداتی است که یادداشت‌برداری شده است.

نتایج: خلاصه نتایج یا یافته‌های بازدید

پیوست‌ها: چنانچه در حین بازدید بروشورها، نقشه‌ها، عکس‌ها یا نمونه‌هایی تهیه و جمع‌آوری یا از آن‌ها استفاده شده است، به گزارش اضافه می‌شود.

۸) ارزیابی بازدید علمی: می‌تواند هم در جریان بازدید به صورت فرآیندی و هم پس از آن موقع تحویل گزارش‌ها انجام شود. چیزی که مهم است ارزیابی باید براساس چک‌لیستی باشد از انتظارات ما که از قبل آن را با دانش-آموزان در میان گذاشته‌ایم. مواردی مثل نظم و انضباط، کار گروهی، تهیه عکس و گزارش. باید بازخوردهای لازم را به دانش‌آموزان ارائه دهیم. با توجه به ماهیت مطالعات اجتماعی، روش‌های بازدید علمی و مطالعات میدانی می‌تواند منجر به یادگیری پایدار و عمیق شود.

آموزش مطالعات اجتماعی با توجه به رویکرد نهفته آن که تربیت اجتماعی و شهروندی است و بازندگی روزمره و نیازهای دانش آموزان سروکار دارد اگر با روش‌های جذاب و مؤثر ارائه شود به درس یادگیری دانش آموزان تبدیل می‌شود.

آموزش و یادگیری مطالعات اجتماعی زمانی مؤثر است که معنادار باشد.

آموزش و یادگیری مطالعات اجتماعی زمانی مؤثر است که تلفیقی باشد.

آموزش و یادگیری مطالعات اجتماعی زمانی مؤثر است که ارزش محور باشد.

آموزش و یادگیری مطالعات اجتماعی زمانی مؤثر است که چالش‌برانگیز باشد.

آموزش و یادگیری مطالعات اجتماعی زمانی مؤثر است که هم معلم و هم فراگیر هر دو فعال باشند.

آموزش معنادار باشد یعنی باید بازندگی روزمره دانش آموزان پیوند داشته باشد. برای اینکه آموزش معنادار باشد باید بر آموزش تاریخ و جغرافیا و فرهنگ محلی دانش آموزان تکیه شود. در آموزش معنادار بجای اینکه دانش آموزان را مجبور کنیم که اصطلاحات و معانی را حفظ کنند خودش درگیر در جریان یادگیری باشد مثلاً خودش جهت قبله را پیدا کند. یا بجای اینکه قوانین و مقررات را حفظ کند خودش قوانین کلاس را تعیین و بر حسن اجرای آن نظارت داشته باشند.

آموزش تلفیقی

آموزش‌های ما زمانی موفق هستند که تلفیقی ارائه شوند. درس مطالعات اجتماعی یک برنامه درسی است با ماهیت تلفیقی که طیف عظیمی از یادگیری پیوند دارد.

در زندگی روزمره واقعی دانش آموزان همین‌طور است و مرز مشخصی بین رخدادها و رویدادها وجود ندارد و برای آن باید از آموزش تلفیقی استفاده کرد.

آموزش مطالعات اجتماعی باید با حوزه‌ها ارتباط داشته باشد و همچنین بین حوزه دانش و نگرش و مهارت باید ارتباط منطقی برقرار شود و این حوزه‌ها با همدیگر تلفیق شوند.

به تناسب موضوعاتی که با یکدیگر تلفیق می‌شوند باید روش‌های مختلف طرح‌ریزی و اجرا شوند.

منظور از روش تلفیقی: استفاده همزمان از دو یا سه روش تدریس در ارائه درس به تناسب امکانات و شرایط است که کمک می‌کند که هرچه بهتر به اهداف آموزشی مان برسیم.

تلفیق می‌تواند ارائه یک درس با کمک چند روش مستقیم و غیرمستقیم باشد.

آموزش ارزش محور

انتخاب محتوا و روش‌های آموزشی باید به نحوی باشد که ارزش‌های اخلاقی اجتماعی را در دانش آموزان نهادینه سازد این ارزش‌ها می‌تواند مثل ارزش‌های مسئولیت پذیری، اخلاق‌مداری، رعایت انصاف و عدالت و نوع دوستی باشد.

فعالیت‌های یاددهی یادگیری، پرسش‌ها و تکالیفی که طراحی می‌شوند و روش‌های ارزشیابی همه و همه باید در مسیر ارزش محوری باشند و ارزش‌ها را در دانش آموزان درونی و نهادینه سازند.

در این درس دانش آموزان ما باید یاد بگیرند از طریق بحث و گفت‌وگو، استدلال، تفکر مسائل فردی و اجتماعی محیطی خودشان را حل کنند و با آنها به صورت منطقی و درست مواجه شوند و زمانی که تضاد و مشکلی بین زندگی فرد به وجود آمد بتوانند به صورت منطقی آن را حل و فصل نمایند.

دانش آموزان باید نسبت به پدیدگیها آگاه باشند و به آنها یاد دهیم که چطور نقد کنند و چگونه می‌توانند تفکر استدلالی داشته باشند. چطور می‌توانند به دیدگاه‌های مختلف بپردازند بدون اینکه دچار چالش و ابهام شوند. پس یکی از راه‌های مؤثر به نمایش گذاشتن ارزش‌ها در قالب رفتار عملی منظم است.

مطالعات اجتماعی ب عنوان یکی از حوزه های اصلی یادگیری این ظرفیت را دارد که اگر با شیوه های موثر به دانش آموزان ارائه شود بسیاری از مهارت های اساسی که برای زندگی موفق و کارآمد آنها در امروز و آینده احتیاج هست را منتقل کند . زمانی که این آموزش بصورت معنادار، تلفیقی، ارزش محور، چالش برانگیز، و فعال باشد موثر است . منظور از موقعیت ها و آموزش چالش برانگیز چیست؟ یعنی اینکه ما موقعیتی را فراهم کنیم که دانش آموزان با چالش یا مساله یی مواجه شود . چالش یا مساله یی که با موقعیت های عادی زندگی او متفاوت است . در این صورت است که دانش آموز ما یاد میگیرد که باید به صورت منطقی در خصوص موارد فکر کند جستجو کند و برای مساله راه حل پیدا کند، به شواهد و مدارکی اطرافش هست دقت کند و همه ی ان موارد را به هم مرتبط کند، بعلاوه در موقعیت های چالش برانگیز دانش آموز ما یاد میگیرد که بدون بحث کردن و بدون پرخاشگری و توهین، نظرات متفاوت سایرین را گوش کند و بصورت منطقی ب آنها پاسخ دهد . در چنین موقعیت هایی هست که دانش آموزان مهارت های ارتباطی خودش را تقویت میکنند همچنین بصورت استدلالی و منطقی فکر میکنند . گفتیم که آموزش و یادگیری مطالعات اجتماعی باید فعال باشد . در آموزش مطالعات اجتماعی هم معلم و هم دانش آموز بصورت فعالانه باهم مشارکت میکنند . آموزش و یادگیری مطالعات اجتماعی نیازمند بکارگیری روش های فعال در انتخاب محتوا، طراحی و اجرای تجارب یادگیری دانش آموزان است . در آموزش فعال معلم مواد آموزشی متعدد و متنوعی را برحسب امکانات و موقعیت دانش آموزان انتخاب میکند، تجارب یادگیری دانش آموزان را با زندگی واقعی آنها مرتبط میکند و آموزش معنادار را برای آنها میسازد . در این شرایط است که معلم ب هدایت دانش آموزان و راهنمایی آنها میپردازد . در رویکردهای جدید ب آموزش از انتقال دهنده صرف دانش به تسهیل گری و راهنمایی تغییر پیدا میکند . در این صورت دانش آموزان منفعل نیستند بلکه فعال هستند و مفاهیم ذهنیشان را خودشان میسازند . در آموزش فعال معلم و دانش آموز با همکاری هم مدل های آموزشی و منابع را انتخاب میکنند . حتی تکالیف را با همکاری هم تنظیم میکنند و به آنها پاسخ میدهند .

کاربرد فعالیت هایی نظیر مصاحبه، جمع اوری داده ها از منابع مختلف، ایفای نقش، بازدید میدانی، مراجعه به نهادهای محلی، گفت و گو با اعضای خانواده، خواندن روزنامه ها و مجلات موجب میشود تا دانش آموزان فعالانه در امر یادگیری مشارکت کنند و مهارت های اجتماعی خودشان را توسعه دهند .

روش های فعال باعث میشوند : 1 _ قدرت بیان و استدلال دانش آموزان رشد پیدا میکند 2 _ آموزش برای دانش آموزان لذت بخش میشود 3 _ توانایی حل مساله در دانش آموز ایجاد میشود 4 _ خلاقیت دانش آموزان پرورش می یابد 5 _ دانش آموزان مسولیت پذیر میشوند 6 _ مهارت کارگروهی و مشارکت در دانش آموزان تقویت میشود .

در آموزش مطالعات اجتماعی پیش فرض هایی وجود دارد که باید به آنها توجه کرد . این پیش فرضها : 1 _ تجارب و دانش پیشین دانش آموزان بر یادگیری جدید اثر میگذارد 2 _ یادگیری در متن و فضای فرهنگی - اجتماعی ب وقوع میبندد 3 _ یادگیری یک فرایند مادام العمر است و در طول حیات فرد ادامه دارد 4 _ یادگیرندگان به روش های مختلف یاد میگیرند 5 _ یادگیرندگان به روش های متفاوت مهارت های تفکر و عمل را بروز میدهند 6 _ یادگیری میتواند از طیف گسترده ای از روشها و فناوری بهره گیرد 7 _ یادگیری و آموزش تلاش جمعی است و عوامل گوناگون در ان دخیلند .

با در نظر گرفتن این پیش فرض ها و اصولی که مطرح شد ما میتوانیم فرصت های یاددهی یادگیری مناسب را برای دانش آموزان فراهم کنیم و از طریق آموزش موثر بستر مناسبی برای پرورش و تقویت مهارت های مورد نیاز دانش آموزان ایجاد کنیم .

رویکردهای جدید در آموزش تاریخ

در آموزش سنتی بصورت توصیفی به تاریخ نگاه می شد و اطلاعات تاریخی به حافظه ی دانش آموزان سپرده شده و از طریق ارزشیابی ها اطلاعات از حافظه دانش آموزان باز پس گرفته می شد.

اما در رویکردهای جدید معلم در نقش تسهیل گر قرار میگیرد و تلاش می کند در دانش آموزان فهم و ادراک تاریخی ایجاد کند. دانش آموزان در رویکرد جدید محور یادگیری هستند و تلاش می کنند تا بصورت فعالانه به فهم و درک تاریخی برسند و از تاریخ در زندگی روزمره شان استفاده کنند.

رویکرد های نوین آموزش تاریخ چه ویژگی هایی دارند؟

1. دانش آموزان به استفاده و واریسی منابع اولیه و ثانویه و تفسیر و تحلیل شواهد و مدارک مربوط به گذشته ترغیب میشوند و مهارتهای مذکور پرورش داده می شوند.

2. دانش آموزان به اظهار نظر، قضاوت نقد رویداد ها و موضوعات واکنش شخصی نسبت به موضوعات گذشته دست می زنند.

3. دانش آموزان به فهم زندگی اجتماعی و تحولات آن و نه صرفا موضوعات سیاسی - از طریق بررسی و درک چگونگی زندگی مردم در زمان های مختلف معیشت و داد و ستد زبان هنر و دین قانون معماری و سایر عناصر فرهنگی ترغیب میشوند

4. دانش آموزان به بررسی پدیده ها و تغییرات و تداوم مقیاس زندگی فردی خانوادگی و فامیلی مدرسه و اجتماع محلی می پردازند.

5. مطالعه ی اندیشه ها و عقاید، نظامها، ابزارها و وسایل محیط زندگی دانش آموزان و فرایند تحول و تکامل آن و همچنین مطالعه ی تاریخ محلی بسیار مد نظر قرار می گیرد و دانش آموزان به تجسم آینده و پیش بینی براساس روند ها ترغیب می شوند.

6. از رسانه های متنوعی مانند فیلم ها، کتاب های مرجع، اسلاید ها و فناوری های جدید به حدکافی استفاده میشود.

با توجه به درس 12 پایه ی چهارم با عنوان " سفری به تخت جمشید" دانش آموزان در این درس از طریق مشاهده شواهد و مدارک، تصاویر و عکس ها باید به این پرسش پاسخ بدهند که " نحوه ی پوشش و معماری دوران هخامنشی چگونه است؟ " و با بررسی تصاویر مربوط به آن دوران ، تصاویر و فیلم های مربوط به تخت جمشید و سکه های به جا مانده در موزه ها یا تصاویر آنها درباره ی معماری ساختمانها و نحوه ی لباس پوشیدن مردم آن دوره نظر می دهند.

در رویکرد جدید ما به دنبال کسب سواد تاریخی هستیم اما سواد تاریخی چیست؟

ما به جای اینکه از دانش آموزان انتظار داشته باشیم یک سری اطلاعات تاریخی به حافظه ایشان بسپارند و در ارزشیابی ها آنها را باز پس بدهند، انتظار داریم به یک درک و فهم عمیق تاریخی برسند، در اینصورت است که

دانش آموزان بین گذشته و امروز ارتباط برقرار می کنند و این برقراری ارتباط از طریق ادراک عمیقی است که نسبت به

وقایع و رویدادهای گذشته بدست آورند.

در سواد تاریخی دانش آموزان در خصوص ابعاد مختلف یک رویداد تاریخی تامل و تدبر می کنند و از جنبه های مختلف به آن نگاه میکنند و در مورد علل مختلف وقوع پدیده های تاریخی فکر میکنند. بر اساس این دیدگاه تاریخ فقط یک رشته آموزشی نیست که دانش آموزان در طول دوران تحصیل با آن درگیر باشند و پس از اتمام تحصیلات آن را به کنار بگذارند بلکه فهم گذشته و رویدادهای آن یک نیاز اساسی برای هر شهروند آگاه و مسئول به منظور زندگی موثر در جامعه محسوب می شود.

ارکان سواد تاریخی:

* دانستن آنچه در گذشته رخ داده است

* توانایی فراهم آوردن اطلاعات درباره ی گذشته

* توانایی تجزیه و تحلیل اسناد و شواهد

* فهم زبان تاریخ و مفاهیم تاریخی

* توانایی برقراری ارتباط بین گذشته و زمان حال

یکی از منابع اصلی آموزش تاریخ که باید توجه شود موزه ها هستند ، موزه ها میتوانند به عنوان یک مکان آموزشی برای آموزش تاریخ مد نظر قرار گیرد. موزه ها یکی از مکانهایی هستند که برای آموزش با الگوی بازدید علمی باید در دستور کار قرار بگیرد . در ایران مهمترین موزه آثار تاریخی " گنجینه ملی ایران " است که در شهر تهران قرار دارد. لازم است موزه های شهر خود را شناسایی و برای آموزش دانش آموزان مورد بهره برداری قرار دهید. چنانچه این امر با دشواری هایی برای شما همراه است می توانید از پتانسیل بازدیدهای مجازی که موزه ها ترتیب می دهند استفاده کنید. به درس 10 مطالعات چهارم با عنوان " مورخان چگونه گذشته را مطالعه میکنند " توجه کنید . در این درس به موزه ها و اهمیت آنها در مطالعه تاریخ اشاره شده است همچنین در قسمت " به کار بیندیم " این درس از دانش آموزان خواسته شده تا در مورد موزه ای که در شهر محل زندگی شان وجود دارد از بزرگترها سوال بپرسند و در صورت امکان به آنجا مراجعه کنند.

یکی از فعالیتهای موثر :

از دانش آموزان بخواهید اشیا و وسایل قدیمی که در منزل در دسترسشان قرار دارد ، با اجازه پدر و مادرشان به صورت امانت به کلاس درس آورده و بصورت پروژه یک موزه ی کلاسی طراحی کنند و هر دانش آموز در مورد وسیله ای که به کلاس آورده توضیحاتی آماده کند و در کلاس برای آگاهی بیشتر دانش آموزان ارائه دهد

مزایای این روش:

7. آموزش تاریخ را برای دانش آموزان جذاب میکند و به روشهای تدریس تنوع می بخشد

8. باعث تقویت مهارتهای ارتباطی دانش آموزان می شود.

موجب تقویت توانایی توجه و مشاهده و دقت در شواهد و مدارک در دانش آموزان می شود.

آموزش تفکر کرونولوژیکی

در رویکردهای نوین در آموزش تاریخ یکی از مهارت‌هایی که در دانش آموزان ما باید پرورش پیدا بکند و تقویت شود، تفکر کرونولوژیکی است. دریافتن، فهمیدن و قراردادن زمان وقوع رویدادها در تاریخ تفکر کرونولوژیکی نام دارد. برای مثال وقتی می‌گوییم که هجرت پیامبر اکرم(ص) در سال 13 بعد از بعثت اتفاق افتاده است، در حقیقت به زمان وقوع دو رخداد نسبت به هم و تقدم و تأخر آن‌ها اشاره می‌کنیم. همین امر نماینگر تفکر کرونولوژیکی است. این تفکر را میتوان با استفاده از چند مهارت تقویت بکنیم، که عبارت اند از:

1. تمایزگذاری بین گذشته، حال و آینده

2. درک تغییر و تحول و تداوم

3. خط زمان

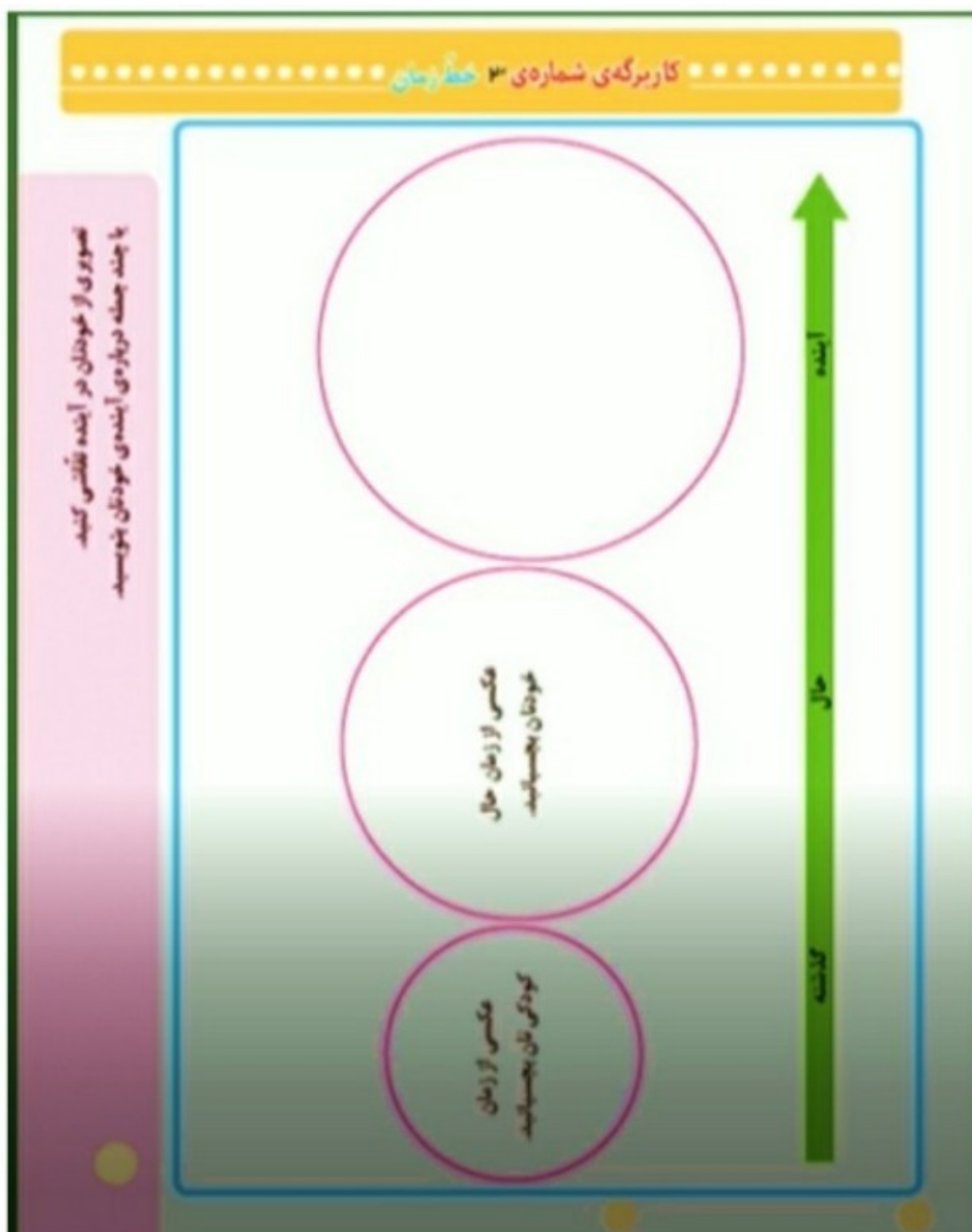
4. تمایزگذاری بین گذشته، حال و آینده

یکی از اساسی‌ترین کارهایی که در آموزش تاریخ و البته به تناسب سن و پایه تحصیلی دانش آموزان و به فراخور مهارت‌های شناختی آن‌ها باید صورت بگیرد، درک مفهوم گذشته، حال و آینده و تمایزگذاری زمانی بین آن‌هاست. در پایه‌های پایین‌تر دانش آموزان ما با مفاهیم مربوط به دیروز، امروز و فردا آشنا می‌شوند و سپس به صورت تدریجی و کم‌کم برش‌های زمانی بزرگتر مثل هفته گذشته، هفته جاری، هفته آینده، پارسال، امسال، سال آینده و همین مفاهیم را در مورد قرن و برش‌های زمانی بزرگتر یاد می‌گیرند.

برای آموزش تمایزگذاری بین گذشته، حال و آینده استفاده از *ساعت شنی* بسیار مؤثر است. با استفاده از آن می‌توان سه مفهوم را آموزش داد. شن‌هایی که از قسمت گلوگاه عبور کرده و در قسمت پایین ساعت قرار دارند در واقع مربوط به زمان گذشته هستند. شن‌هایی که در انتظار عبور کردن هستند، به مفهوم آینده اشاره می‌کنند. و لحظه‌ی پیوستن دو قسمت، حال را نشان می‌دهد.

5. درک تغییر و تحول و تداوم

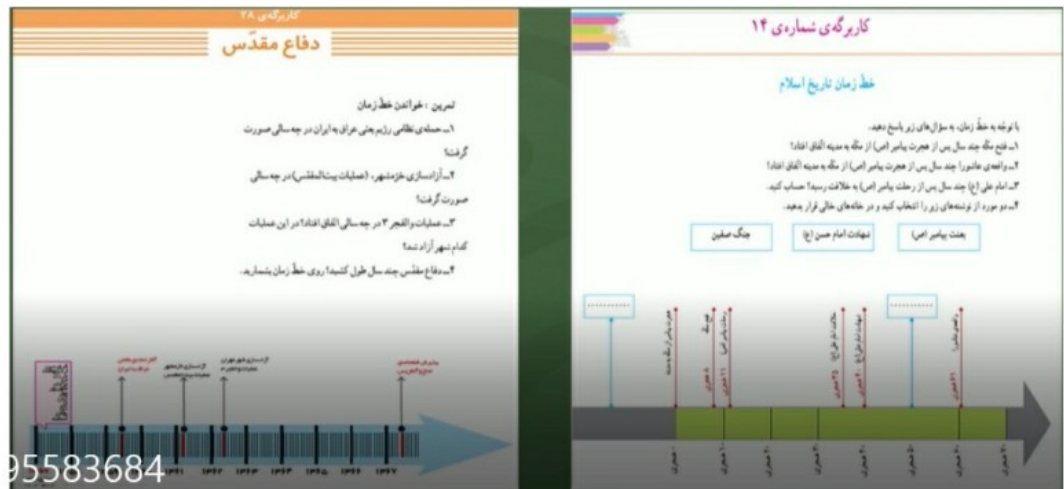
وقوع تغییر و تحول و چگونگی، علت‌ها و ماهیت تغییرات و تحولات است. این موضوع یکی از ویژگی‌های مورد مطالعه در تاریخ است. برای آموزش این مفهوم، میتوانیم از دانش آموزان بخواهیم که عکس‌های خود را از گذشته تا کنون انتخاب کنند. و چند مورد را به کلاس بیاورند. سپس از آن‌ها می‌خواهیم به عکس‌های خود دقت کنند. و به ما بگویند که در این عکس‌ها چه تغییراتی رخ داده است. و عکس‌ها چه تفاوتی باهم دارند؟ در این صورت در واقع دانش آموزان را نسبت به مفهوم تغییر و تحول حساس می‌کنیم. به کاربرگ شماره سه کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم توجه کنید:



در این کاربرگ از دانش آموزان خواسته می شود، عکسی را از کودکی و زمان حال در جاهای مشخص شده بچسباند و تصویری از آینده خود را نقاشی کنند. در این فعالیت و فعالیت های مشابه شان که در کتاب درسی مطالعات اجتماعی موجود است، از دانش آموزان خواسته می شود در خصوص تغییراتی که از کودکی به بزرگسالی کرده اند چه از نظر فیزیکی و چه از نظر توانایی هایشان فکر کنند و به این صورت به مفهوم تغییر پی ببرند.

اما یکی دیگر از مفاهیم اساسی که در آموزش تاریخ نقش اساسی دارد، مفهوم تداوم است. مفهوم تداوم به این موضوع اشاره می کند که علی رغم تمام تغییراتی که رخ می دهد، همیشه یک سری از مسائل تداوم دارند، یعنی همچنان این پدیده ها هستند. به درس 16 کتاب مطالعات اجتماعی سوم توجه کنید

دانش آموزان به تدریج در پایه های بالاتر با خواندن خط زمان های مربوط به دوره های تاریخی آشنا می شوند و می توانند این خطوط زمانی را تفسیر و تجزیه و تحلیل نمایند. و به سوالاتی که براساس آن ها پرسیده می شود، پاسخ بدهند. برای نمونه به کاربرد شماره 4 کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم با عنوان خط زمان تاریخ اسلام توجه بفرمایید.



در این کاربرد از دانش آموزان خواسته می شود با توجه به خط زمان به سوالات پاسخ دهند. کاربرد شماره 28 کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم با عنوان دفاع مقدس هم به همین نحوه ، دانش آموزان باید با خواندن خط زمان باید به پرسش های مطرح شده پاسخ دهند.

در تمام کتاب های مطالعات اجتماعی 4 گانه از پایه سوم تا پایه ششم این نوع تمرین ها وجود دارد، این نوع تمرین ها علاوه بر سایر فوایدی که دارند، باعث تقویت مهارت خلاقیت و پیش نگر در دانش آموزان هم می شوند.

مطالعات : ویدیو ۴۳

آموزش بررسی و تحلیل شواهد و مدارک و رویداد های تاریخی :

یکی از مهارت های اساسی در خصوص تاریخ که باید به دانش آموزان آموزش داد مهارت آموزش بررسی و تحلیل شواهد و مدارک است.

به طور کلی ما دو دسته از منابع اصلی را در آموزش ها و مطالعات تاریخی داریم :

۱- منابع دست اول (اولیه) ۲- منابع دست دوم (ثانویه)

منابع اولیه : چیزهایی که در همان زمان تاریخی ما مورد مطالع قرار می دهیم به وقوع پیوسته اند.

مثال : مورخی که از سنگ نوشته ی دوره ساسانی استفاده می کند و مورد مطالع قرار می دهد.

منابع ثانویه : اگر از یه کتاب در زمان قاجار در خصوص زندگی مردم در دوره ساسانی نوشته استفاده می کند و مورد مطالعه قرار می دهد.

در آموزش تاریخ با رویکرد کاوشگری مهارت بررسی و تحلیل شواهد و مدارک یک موضوع اساسی است البته در این رابطه با توجه به سن و توان شناختی و ذهنی دانش آموزان دوره ابتدایی باید یک سری نکات را مدنظر قرار دهیم :

*در دوره ابتدایی مهمترین هدف ایجاد علاقه مندی و دقت در مشاهده ی آثار تاریخی است.

*بررسی شواهد و مدارک باید از محیط زندگی دانش آموز آغاز گردد.

*گردآوری شواهد و مدارک تاریخی برای دانش آموزان دوره ابتدایی کاری دشوار است.

در زمینه ی ایجاد علاقه مندی ودقت در مشاهده ی آثار تاریخی در دانش آموزان باید دقت کنیم که در هنگام مواجه با منابع و اسنادوآثار تاریخی از راه های مختلف تلاش کنیم توجه آن ها را به موضوعات جلب کنیم و از کنار مشاهده آثار به صورت سطحی عبور کنند .

*منظور از شواهد و مدارک چیست ؟ مدرک هر آن چیزی هست که وقوع پدیده یا چیزی را اثبات می کند (شناسنامه - دفترچه بیمه)

در خصوص بررسی مدارک و شواهد تاریخی باید توجه داشت که به سه دسته تقسیم می شوند :

۱- مدارک غیر مکتوب

۲- مدارک مکتوب

۳- وسایل سمعی و بصری

*در مورد تجزیه و تحلیل رویدادها و شواهد تاریخی این است که ما به عنوان معلم باید بدونیم که در دوره ابتدایی به دلیل مهارت های ذهنی و ویژگی های شناختی دانش آموزان امکا تجزیه و تحلیل کامل شواهد و مدارک تاریخی وجود ندارد. بنابراین باید مهارت هایی را یاد بدهیم و تقویت کنیم از جمله :

۱- نحوه گرد آوری و جمع آوری اطلاعات و شواهد و مدارک است.

۲- مشاهده دقیق و دقت در مدارک و شواهد هست .

۳- درک مفهوم تغییر و تحول و تداوم زمانی و آشنایی اولیه با تاریخ محلی و ملی و تاریخ جهانی هست .

*دانش آموز باید بداند که رخداد پدیده ها چند بعدی است و بتواند روابط علت و معلولی پدیده ها را کشف بکند .

ویدیو ۴۴:

آموزش تاریخ محلی و کاربرد روش های خلاق فرهنگی – هنریدر آموزش تاریخ

یکی از موضوعات اساسی در آموزش تاریخ آموزش تاریخ محلی به دانش آموزان است . که باید حتما بهش پرداخته بشود.

یکی از رویکردهای غالب در آموزش مطالعات در سراسر دنیا رویکرد محیط های توسعه یابنده هست . طی این رویکرد ابتدا دانش آموزان با ارکان و عناصر محیط پیرامون زندگی خودشان آشنا می شوند و به تدریج از محیط های نزدیکتر عینی تر و ملموس تر به سمت محیط های دورتر حرکت می کنند.

*یکی از مولفه های مهم در محیط زندگی دانش آموزان تاریخ محلیمنطقه یا محله ی زندگی آنها هست .

آموزش تاریخ محلی رو ما می توانیم اول از فهم تغییر و تحولات ملموس و عینی در محل زندگی دانش آموزان شروع بکنیم .

تاریخ محله ،شهر ،شهرستان ، استان جز تاریخ محلی محسوب می شوند .

آموزش تاریخ محلی باعث ایجاد احساس تعلق ، هویت و پاسداری از میراث فرهنگی در دانش آموزان می شود که از اهداف اساسی برنامه درسی مطالعات اجتماعی هم هست .

اصولا در برنامه های درسی متمرکز مانند برنامه درسی ملی ما امکان گنجاندن تاریخ و جغرافیای محلی کشور پهناور ی مثل ایران که موازات یکی از اقوام قومیت های مختلف هم هست نیست. بنابراین بر معلم واجب است علاوه بر تاریخ محلی تاریخ ملی را نیز آموزش دهند اما لازمه ی این کار این است که خود ما نیز به محل خود آشنایی کافی داشته باشیم .

در آموزش تاریخ محلی به ویژه در یک برنامه ی تلفیقی جغرافیایی تاریخی اهمیت دارد .

*منظور از جغرافیای تاریخی چیست ؟

جغرافیای تاریخی در واقع یکی از شاخه های دانش جغرافیا هست که رابطه انسان و محیط در گذشته را مورد بررسی قرار می دهد.

در آموزش تاریخ بهدانش آموزان دوره ابتدایی به فراخر سن و پایه ی تحصیلی از روش های خلاق فرهنگی هنری استفاده بکنیم .

*از جمله روش ها :

اجرای نمایش عروسکی (باعث تنوع بخشی و جذابیت تدریس) - بازدید(باعث دستیابی به مطالب مفید و موثر)(روشی که جایگزین ندارد و باید انجام شود) - ایفای نقش (کاربرد بسیار زیاد د تاریخ)و(باعث ایجاد و افزایش اعتماد به نفس در دانش آموزان) و(تمرین مهارت سخنوری) - قصه خوانی و قصه گویی(علاوه بر تاریخ در سایر دروس نیز کاربرد دارد) - ساخت ماکت و مدل (علاوه بر جذابیت باعث مهارت های هنری و فرهنگی در دانش آموزان تقویت بشود).

مفاهیم کلیدی در آموزش جغرافیا

الف) مکان، موقعیت مکانی و پراکندگی

یکی از مفاهیم و موضوعات در آموزش جغرافیا در دوره ابتدایی مکان، موقعیت مکانی و پراکندگی است پدیده های جغرافیایی در مکان شکل می گیرند و در طول زمان دگرگون می شوند هر مکانی دارای یک موقعیت است. انسانها و مکانها با توجه به موقعیت مکانی بر روی زمین دارای تفاوت های مطلق و نسبی اند.

موقعیت ریاضی: موقعیت ریاضی در واقع طول و عرض جغرافیایی آن مکان است

موقعیت نسبی: هر مکان دارای یک موقعیت نسبی است. موقعیت نسبی نشان می دهد که یک مکان نسبت به سایر مکانها و پدیده ها چگونه قرار گرفته است.

ب) رابطه ی متقابل انسان و محیط

یکی دیگر از مفاهیمی که در آموزش جغرافیا به آن پ ر داخته می شود رابطه ی متقابل انسان و محیط می باشد.

محیط های طبیعی و ویژگیهای متفاوتی دارند بنابراین مردمی که در این محیط ها زندگی می کنند سبک های زندگی متفاوتی نسبت به سایر مردم دارند، دانش آموزان باید از طریق ی ادگیری جغرافیا باید درک کنند که محیط های جغرافیایی بر زندگی انسان ها و زندگی انسان ها بر محیط های جغرافیایی تاثیر دارد و این دو در حال کنش و واکنش متقابل نسبت به هم دیگر هستند. درک رابطه ی متقابل انسان و محیط همچنین مستلزم درک تغییرات محیطی است. چنان که زمان رخ می دهد. آموزش این بخش از مفاهیم جغرافیایی با رویکرد کاوشگری به خوبی این امر در طی امکانپذیر است.

پ) کنش متقابل فضایی

یکی دیگر از مفاهیمی که در آموزش جغرافیا به آن پ ر داخته می شود کنش متقابل فضایی می باشد. منظور از کنش متقابل فضایی، وابستگی مکانها به یکدیگر است هیچ کشوری در خلاء زندگی نمیکنند و همه کشورها باهم در ارتباط هستند. آموزش جغرافیا بستر مناسبی برای درک و تشریح الگوهای متفاوت در جابه جایی انسانها، عقاید، کالاها و وابستگی متقابل مکانها با یکدیگر فراهم می آورد و این کنش و واکنش بین محیط ها ی مختلف جغرافیایی رو به خوبی درک بکنند و الگو های آنها را شناسایی کنند. بطور مثال درس 9 مطالعات پایه پنجم با عنوان راه های حمل و نقل دقت شود در این درس به خوبی به وابستگی و کنش متقابل بین کشورها پرداخته می شود.

ت) ناحیه

یکی دیگر از مفاهیمی که در آموزش جغرافیا به آن پرداخته می شود ناحیه می باشد. در مطالعات جغرافیایی، ناحیه ی یک واحد اساس است. ناحیه در واقع مکانی ناحیه است که وحدت و همگونی نسبی یا ویژگیهای مشابه آن را از مکانهای مجاور متفاوت و مجزا ساخته است. با استفاده از معیار های مختلفی مثل عوامل طبیعی نظیر آب و هوا و پوشش گیاهی و یا معیارهایی مثل عوامل انسانی نظیر دین، زبان، جمعیت، درجهی توسعه یافتگی و ... می شود ناحیه بندی را انجام داد. مرز های نواحی مرز های تقریبی هستند. به عنوان مثال درس هفتم مطالعات پنجم (نواحی صنعتی مهم ایران) که رویکرد

ناحیه بندی بصورت صنعتی آورده شده است.

آموزش جغرافیا قالب سنتی خود، حافظه محور بوده یعنی به صورت به ذهن سپردن مجموعه ای از اطلاعات و اسامی در آموزش جغرافیای مدارس حاکم بوده است. مهمترین نتیجه ی قالب سنتی رایج را می توان اشاعه ی نگرش غلط مبنی بر فقدان کارایی درس جغرافیا و بی فایده بودن آن تلقی کرد. عدم توجه کافی به پرورش مهارتها و تفکر و خلاقیت و فشار بر حافظه ی دانش آموزان به عنوان مخزن اطلاعات، همواره خستگی و بی علافگی نسبت به این درس را به همراه داشته است. در حالی که این امر با روح و ماهیت جغرافیا به عنوان یک درس برانگیزاننده و سودمند، مغایر بوده است. ولی در رویکرد های جدید آموزش جغرافیا قضیه کاملاً متفاوت شده است در رویکرد های نوین برای آموزش جغرافیا از دو رویکرد ناحیه ای و موضوعی یا تلفیقی از هر دو رویکرد استفاده می شود.

۱- رویکرد ناحیه ای: در این رویکرد، مطالعه و بررسی یک یا چند ناحیه، محور اصلی کار قرار می گیرد. این ناحیه ممکن است ناحیه ی محل سکونت دانش آموز (شهر و روستا)، جامعه ی محلی، کشور محل اقامت، کشورهای همسایه، یک قاره، نواحی توسعه یافته و در حال توسعه یا نواحی جهان باشد. برا مثال درس دهم مطالعات پایه ششم با عنوان ایران و همسایگان با رویکرد ناحیه ای به آموزش کشور های همسایه پرداخته است.

۲- رویکرد موضوعی: مطالعات موضوعی خود ممکن است به سه صورت مطرح شوند. الف) نظام یافته ب) موضوع محور پ) نظامها.

در شکل نظام یافته، موضوعات براساس شاخه های موضوعی جغرافیا مطالعه و آموزش داده میشود؛ برای مثال، جغرافیای روستایی، جغرافیای شهری، جغرافیای جمعیت، جغرافیای اقلیمی جغرافیای زیستی و جغرافیای سیاسی.

در شکل موضوع محور، موضوعات و مسائل عمده ی جاری از دیدگاه جغرافیایی بررسی می شود؛ برای مثال، گرسنگی، آلودگی هوا، بحران کلانشهرها، مهاجرت، مخاطرات محیطی و ...

در شکل مربوط به نظامها، نظامهای طبیعی یا انسانی محور اصلی مطالعه قرار دارند؛ برای مثال، نظامهای آب و هوایی، نظامهای صنعت، نظامهای کشاورزی و نظامهای سکونتگاهی.

عمده ترین محورها و وجوه افتراق و گرایش به سمت رویکردهای نوین در آموزش جغرافیا را می توان به صورت موارد زیر بیان کرد:

- آموزش جمع آوری اطلاعات جغرافیایی، نمودارها، اشکال و اطلاعات حاصل از منابع اینترنتی و سایر منابع اطلاعاتی؛

- آموزش کاربرد مؤثر نقشه ها، نمودارها، کرهی جغرافیایی، اطلسها و فرهنگ نامه ها؛

- آموزش تجزیه و تحلیل اطلاعات جغرافیای حاصل از برداشت میدانی یا منابع کتابخانه ای؛

- پرورش قدرت پاسخ به سؤالات کاوشگری جغرافیایی، حل مسئله و پیش بینی الگوها و فرایندها؛

- آموزش کاربرد داده های الکترونیکی نظیر GIS؛

- پرورش قدرت بحث و گفت و گو پیرامون مشابتهت ها، تفاوتها و وابستگی های متقابل میان جوامع مختلف (برای مثال شهری و روستایی)؛

– محور قرارگرفتن دانش آموز و در نتیجه، توجه و تأکید زیاد بر کاوشگری های دانش آموزان، تفکر نقادانه، به کارگیری تکنولوژی های جدید و درگیرشدن فعال با تجارب دنیای واقعی

|

(سوالات کلیدی در جغرافیای و نقشه خوانی)

کاوشگری و سوالات کلیدی و آموزش جغرافیا

محققین حوزه جغرافیایی مثل سایر حوزه های علمی پرسش‌ها و سوالات کلیدی آن را پاسخ می دهند و در مطالعات جغرافیایی، جغرافیدانان به شش پرسش پاسخ می دهند،

که این پرسش‌ها عبارتند از:

چیز؟ کجا؟ چرا؟ چه موقع؟ چه کسانی؟ چگونه؟

چه چیز ← بر ماهیت پدیده یا مسئله سر و کار دارد .

کجا ← مکان رکن اساسی جغرافیا مکان است .

چه کسانی ← روابط متقابل انسان و محیط

چه موقع ← زمان

چرا و چگونه ← به روابط علت و معلولی اشاره دارند .

پاسخ هر کدام از این سوالات مستلزم این است که مرحله‌ای از فرایند کاوشگری به انجام برسد، لذا با کمک فرآیند پاسخ کاوشگری میتوان به سوالات اساسی پاسخ داد.

سوالات کلیدی	گام‌های کاوشگری جغرافیایی	مفاهیم راهنما
چه موضوعاتی با الگوهای و در کجا مورد مطالعه قرار می‌گیرند؟	مشاهده، ثبت و ضبط و توضیح یک فعالیت یا تشریح یک الگوی طبیعی، مصنوع یا اجتماعی	درک، تصور کردن، محیط‌های طبیعی، بوم‌ها، موقعیت مکانی، براکندگی، مقیاس، همراهی
چطور و چرا وقوع یافته‌اند؟ چه کسانی در این امر دخیل‌اند؟	تجزیه و تحلیل و بیان علل و فرایندهای دخیل در تولید یک الگو یا فعالیت	سیستم، فرایند، رفتار، سازمان فضایی و کنش متقابل فضایی، وابستگی متقابل جریان
آثار و پیامدهای این موضوع چیست؟	تشریح و ارزیابی همه‌ی آثار اجتماعی، طبیعی و محیطی	آثار محیطی، آثار اجتماعی، کیفیت محیطی، کیفیت زندگی، عواید
چه چیزی هست و چه چیزی می‌تواند باشد؟ چه چیزی می‌تواند جایگزین شود؟	تصمیم‌گیری درباره‌ی بهترین گزینه‌ها، بهبود الگو یا فعالیت، جایگزینی آن، بررسی گزینه‌های ممکن	تصمیم‌گیری - برنامه‌ریزی مدیریت، پایداری اکولوژیکی، شهروندی، اخلاق محیطی، برابری و نابرابری

مرحله جمع آوری و سازماندهی اطلاعات از دو روش استفاده می کنیم:

۱- مطالعات میدانی و استفاده از منابع مستقیم مثل: کار بر روی زمین، مصاحبه، مشاهده و ثبت اطلاعات

۲- مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع غیر مستقیم اطلس، کتاب، فرهنگنامه، لغت نامه، نشریات و روزنامه ها

نقشه

زمینه آموزش مهارت های جغرافیایی طیف وسیع و گسترده ای از مهارت ها را شامل می شود.

مهارت ها در زمینه آموزش جغرافیا، مهارت های مربوط به نقشه خوانی و نمودارها هستند، که جزو مهارت های پایه است و از دوران ابتدایی باید آموزش آن شروع شود.

نقشه در جغرافیا یک عامل اصلی یا کلیدی است و بهترین راه برای نشان دادن توزیع پدیده‌های جغرافیایی است.

تعریف نقشه: عبارت است از تصویر افقی تمام یا بخشی از سطح زمین بر روی یک سطح حساب به طور قراردادی.

(در مطالعات اجتماعی پایه سوم اجتماعی درس ۱۶ خانه شما چه شکلی است با مفاهیم ابتدایی نقشه آشنا می شود. درس ۷ پایه چهارم نقشه به عنوان مهمترین وسیله آموزش جغرافی به دانش آموز معرفی می شود)

برای اینکه دانش آموزان با مهارت‌های نقشه‌خوانی آشنا شوند باید با مفاهیمی مثل مقیاس و راهنمای نقشه آشنا شوند.

مقیاس: به دو صورت است:

۱- مقیاس کسری (عددی) و ۲- ترسیمی

مقیاس کسری: مخرج کسر نشان دهنده میزان کوچک شدن ابعاد پدیده ها بر روی نقش است.

مقیاس ترسیمی: یک نوار افقی مدرج در پایین نقشه کشیده می شود و درجات ترسیمی بر روی آن نشانگر فاصله معینی بر روی زمین است که در بالای هر درجه، مقیاس به صورت یک عدد نوشته می شود.

راهنمای نقشه

راهنمای نقشه: زبان نقشه ها، علائم و نشانه های قراردادی هستند که در نقشه مورد استفاده قرار می گیرند، این علائم قراردادی در گوشه‌ای از نقشه به صورت راهنما نمایش داده می شود.

ترسیم نقشه مکان های مختلف و وضع علائم اختصاری از طرف دانش آموزان، باعث توسعه مهارت های جغرافیایی و نقشه

کشورنگاره
راهنمای نقشه
شماره ۳

الف) با توجه به نقشه، مسافت‌های راهنما را با رنگ‌ها یا علامت‌های مناسب کامل کنید.

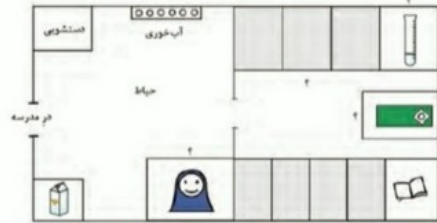


پست	مدرسه	پارک	بیمارستان
ایستگاه اتوبوس	بنگاه بنزین	مدرسه	پارک
محل امن	ایستگاه اتوبوس	بنگاه بنزین	پارک

ب) با استفاده از راهنمای نقشه، بگویید هر عدد چه چیزی را در روی نقشه نشان می‌دهد.

- (۱) (۲)
 (۳) (۴)
 (۵) (۶)

این نقشه یک مدرسه است. با دقت آن را نگاه کنید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.



راهنمای نقشه

- کتابخانه
- کلاس درس
- ایستگاه اتوبوس
- فروشنده
- سازمان
- کلاس

- ۱- کدام علامت، فروشنده مدرسه را نشان می‌دهد؟ دور آن خط بکشید.
 ۲- نام مکان‌هایی را که علامت ۲ دارد، روی نقشه بنویسید.
 ۳- کلاس‌های مدرسه را بشمارید. چند کلاس وجود دارد؟
 ۴- شما کدام مکان را در مدرسه، بیشتر دوست دارید؟ آنجا را آبی کنید.

یکی از مهارت‌های اساسی که در آموزش جغرافیا باید به دانش آموزان آموزش داده شود آموزش مهارت‌های مرتبط با نقشه خوانی است. گفتیم که نقشه یکی از پرکاربردترین و اصلی ترین ابزارها در آموزش و یادگیری جغرافیا است.

انواع مختلف نقشه ها را بر مبنای مقیاس، محتوا و کاربردهای آموزشی و یا ملاکهای دیگر تقسیم بندی بکنیم.

در آموزشهای مدرسه ای از نقشه های مضمونی استفاده میکنیم. مثال: نقشه آب و هوا، نقشه جمعیت.

یکی از نقشه هایی که در آموزش جغرافیا کاربرد دارد: نقشه های گنگ یا طرح نقشه هستند.

تعریف نقشه های گنگ و طرح نقشه: در این نقشه ها نکات غیرضروری حذف و فقط نکاتی که با محتوای درس ارتباط دارند نمایش داده میشود. این نقشه های گنگ در آموزش جغرافیا کاربرد وسیعی دارند و میتوانیم آنها را به عنوان تکلیف یا فعالیت به دانش آموزان ارائه بدهیم و در تثبیت یادگیری استفاده کنیم.

یکی دیگر از مهارتهایی که دانش آموزان باید با آن آشنا شوند (طول و عرض جغرافیایی) هستند. گفتیم که طول و عرض جغرافیایی نشان دهنده ی موقعیتهای ریاضی پدیده های طبیعی هستند. پیش نیاز آشنایی با طول و عرض جغرافیایی آشنایی با مدارها و نصف النهارهای جغرافیایی است. (در درس 13 مطالعات اجتماعی پایه ی پنجم با عنوان حرکت‌های زمین دانش آموزان با تعریف مدار نصف النهار و مدار استوا و نصف النهار مباد آشنا میشوند).

یکی دیگر از مهارتهایی که آموزش آنها در راستای فهم نقشه مهم است رسم کروکی ها است. آموزش کروکی به دانش آموزان در پرورش دید بصری و فضایی و افزایش دقت در مشاهدات و کشف چیزهای جدید کاربرد فراوان و موثر دارد. لازمه رسم کروکی ها این است که دانش آموزان مهارت تشخیص جهت‌های جغرافیایی را داشته باشند. آموزش جهت‌های جغرافیایی از پایه سوم شروع و در پایه های بعدی ادامه پیدا میکند.

یکی از روش‌های بسیار مناسب به دانش آموزان برای آموزش جهت یابی این است که آنها را به حیاط مدرسه ببریم و از آنها بخواهیم طوری بایستند که دست راست آنها جهت طلوع خورشید را نشان دهد. در این صورت دست چپ آنها سمت مغرب و امتداد روبه روی آنها شمال و امتداد پشت آنها جهت جنوب را نشان میدهد. و برای این کار میتوانیم دانش آموزانمان را گروه بندی کنیم و این روش به امکانات زیادی ندارد و از این رو بهترین روش موثر در آموزش جهت یابی است. یکی دیگر از روش‌های آموزش جهت یابی کار با قطب نما است. مثلاً تعیین جهت قبله با قطب نما در درس ششم مطالعات پایه ی چهارم.

به علاوه آموزش جهت یابی این ظرفیت را دارد که با استفاده از بازی آموزش داده شود و تمرین بشود و استفاده از بازی در این آموزش به دانش آموزان کمک میکند که در یک فضای جذاب موضوع جهت یابی را یاد بگیرد و آموزش این مهارت علاوه بر اینکه در آموزش جغرافیا و آموزش مدرسه ای دانش آموزان تاثیر دارد در زندگی واقعی هم کاربرد دارد (مثل رانندگی و فعالیت‌های نیروی انتظامی در بزرگسالی). بنابراین ما باید تلاش کنیم از روش‌های متنوع برای آموزش آن استفاده بکنیم حتی اگر زمانبر باشد. در واقع با این کار باعث میشویم که مهارت‌های چندگانه در دانش آموزان را تقویت کنیم.

یکی دیگر از مهارت‌های اساسی و پایه در آموزش جغرافیا مهارت کار با نمودارهاست، منظور از کار با نمودار این است که دانش آموزان در کار با نمودار با دقت بتوانند نمودارها را بخوانند، بفهمند و تفسیر کنند و همچنین نمودار را ترسیم کنند و اعداد را به نمودار تبدیل کنند. و در این راستا تکالیف و وظایفی به دانش آموزان ارائه می‌شود. تا آن‌ها مهارت‌های عددی و ریاضی و البته مهارت‌های ارتباطی خود را گسترش دهند.

یکی از انواع نمودارها نمودارهای تصویری است. زیرا برای دانش آموزان جذابیت بالایی دارند و کار با آن‌ها برای دانش آموزان آسان‌تر است. و کاربرد نمودارها باعث تقویت هوش ریاضی در دانش آموزان می‌شود.

درزم‌ی نه آموزش جغرافیا توجه به آموزش جغرافیای محلی بسیار اهمیت دارد. زیرا باعث احساس تعلق در دانش آموزان می‌شود.

بر اساس رویکرد توسعه‌یابنده که پیش‌تر به آن اشاره شده است دانش آموزان ابتدا باید جغرافیای محل زندگی خودشان را یاد بگیرند و کم‌کم این دانش افراد بسط و توسعه پیدا کند و فهم و دانش آن‌ها در اثر این بسط و توسعه گسترش پیدا کند. لازمه این موضوع این است که ما معلمین نسبت به جغرافیای محلی استانی که در آن زندگی می‌کنیم و شهر محل سکونتمان آگاه‌ی داشته باشیم.

یکی از بهترین مکان‌ها برای آموزش جغرافیا طبیعت و مکان‌های طبیعی هستند. پس چه بهتر است که برای آموزش جغرافیای محلی شرایطی را فراهم کنیم که دانش آموزانمون از نزدیک و کار در محلی طبیعی اطرافشان جغرافیای محلی را آموزش ببینند که این نیت ازمنند این است که ما همه‌ی امکانات و شرایط را در نظر بگیریم.

محورهای عمده در خصوص آموزش جغرافیای محلی موجود دارند که عبارت‌اند از:

نوع ناهمواری‌ها و آب‌وهوا محلی

منابع محل زندگی شامل (آب، خاک، پوشش گیاهی و زندگی جانوران)

نوع غذا، مسکن، اشتغال و تأثیر شرایط محیطی بر آن‌ها

تعداد جمعیت، گروه‌های قومی و نژادی و ترکیب سنی

ویژگی‌ها و نهادها، فرهنگی، جشن‌ها، آداب و رسوم، اوقات فراغت، صنایع دستی و فرهنگسراها

شبکه راه‌ها و حمل‌ونقل منطقه، انواع وسایل نقلیه عموم و خصوصی و هزینه‌های مربوط به آن‌ها

مراکز اقتصادی، تولیدی و تجاری مربوط در منطقه

جغرافیای تاریخی محله؛ زیرا بین جغرافیا و تاریخ محلی پیوند عمیقی وجود دارد. برای یادگیری پایدار و عمیق در دانش آموزان بهتر است که شرایط و فرصت‌هایی برای حضور دانش آموزان در خارج از محیط کلاس و مدرسه فراهم کنیم.

بهترین کلاس آموزشی برای درس جغرافیا طبیعت است و تا زمانی که کفش‌های دانش‌آموزانمان گلی نشوند نمی‌توانیم آن‌ها را جغرافیا دان کنیم.

ویدیو ۴۹ مطالعات اجتماعی

آموزش حقوق و قوانین

وقتی از حقوق صحبت می‌کنیم در واقع از امتیازات و قدرتی که افراد به واسطه ی قوانین و مقررات بدست می‌آورند، صحبت می‌کنیم. در آموزش حقوق، هم حقوق فردی و هم حقوق اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرند. مثل: حق حیات، حق داشتن والدین خوب، حق داشتن نام و نام خانوادگی و حق تحصیل از جمله حقوق فردی اند؛ حق مشارکت سیاسی نیز از جمله نمونه های حقوق اجتماعی می باشد.

در آموزش حقوق و قوانین، اول باید از محیط پیرامون دانش آموزان شروع کرد و کم کم به محیط های اجتماعی بزرگتر بسط داد. برای مثال اول باید قوانین و مقررات موجود در خانه و خانواده به دانش آموزان آموزش داده شود؛ مثل: سلام دادن به والدین، بلند نکردن صدای تلویزیون به هنگام خواب دیگر اعضای خانواده و ... در مدرسه هم قوانینی هستند که دانش آموز باید آنها را شناخته و رعایت کند؛ مثل غیبت نکردن، اجازه گرفتن برای صحبت کردن، عدم خروج از مدرسه و در مراحل بعدی، می توان مقررات مکانهای عمومی مثل قوانین استفاده از پارک ها، کتابخانه ها، مساجد و ... را آموزش داد؛ در این راستا می توان کودکان را وارد همچنین مکان هایی کنیم. مقررات رفت و آمد در کوچه و خیابان یکی از مهم ترین انواع مقررات هستند که دانش آموزان باید یاد بگیرند و زمان آموزش آنها دوره ی ابتدایی هست. در آموزش قوانین راهنمایی و رانندگی مطلوب هست که فضایی برای بحث و گفتگو در کلاس بوجود بیاوریم؛ این مسئله در مورد آموزش سایر قوانین هم اهمیت دارد؛ بچه ها می توانند این قوانین را تجزیه و تحلیل کنند و می توان از آنها خواست تا برای کلاس شان قانون بگذارند و اجرا کنند و بدین ترتیب تفکر استدلالی شان هم تقویت می شود.

در پایه های بالاتر، دانش آموزان با مقررات مکانهای اجتماعی و عمومی و لزوم رعایت آنها آشنا می شوند. مثلا در کاربرگه ی ۱۸ از پایه ی ۶، از دانش آموز خواسته شده تا قوانین و مقررات مکانهای عمومی مثل کتابخانه ها و موزه و ... را بنویسند.

آموزش مسئولیت ها و تکالیف

در مقابل هر حقی، مسئولیت ها و تکالیف قرار گرفته اند؛ بنابراین به موازات آموزش حقوق باید مسئولیت ها و تکالیف را هم به دانش آموزان مان آموزش دهیم. البته باید بدانیم که مرز بین حق و تکلیف دقیقا مشخص نیست؛ مثلا اینکه والدین باید از فرزندشان نگه داری کنند هم حق آنهاست و هم تکلیف شان؛ در توضیح این مطلب می توان گفت که فرد می تواند ار حق خود بگذرد اما از تکلیفش نه و این وجه تمایز حق از تکلیف می باشد.

آموزش مسئولیت‌ها و تکالیف به موازات آموزش قوانین، از محیط زندگی دانش‌آموزان مان شروع می‌شود. جلب مشارکت اولیای دانش‌آموزان در آموزش موثرتر این مسئولیت‌ها بسیار حیاتی و لازم هست و باید در طراحی آموزشی مدنظر قرار بگیرد؛ چرا که محل نشان دادن بسیاری از این یادگرفته‌ها و آموزش‌ها، جایی به غیر از مدرسه و در خانه و سایر محیط‌های اجتماعی هست و این والدین هستند که باید ارزیابی کنند بچه‌شان این یادگرفته‌ها را دارند یا نه.

در پایان این بخش باید ذکر کرد که یکی از اهداف اساسی ما در آموزش‌های مدرسه‌ای بویژه در برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی، پرورش حس مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان به عنوان شهروندان آینده‌ی این جامعه هست. این امر علاوه بر اینکه وظیفه‌ی مدرسه هست، یکی از نیازهای اساسی جامعه‌ی ما نیز هست و بنابراین باید از تمام ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت به نفع این موضوع بهره بگیریم و باید به عنوان معلم برنامه‌ریزی کرده و فرصت‌هایی را طراحی و خلق کنیم تا این حس در دانش‌آموزان مان تقویت و پرورش یابد.

یکی از مهارت‌ها ی اساسی که دانش آموزان ما در خلال آموزش‌ها ی مدرسه‌ای و در بستر برنامه درسی مطالعات اجتماعی باید یاد بگیرند زندگی مؤثر در گروه و ایفای نقش به‌عنوان عضو گروه است.

اعضای گروه با همکاری همدیگر نیازهاشون را رفع می‌کنند و

در تعریف گروه همان‌طور که ملاحظه میکنید می‌توانیم بگویم که گروه عبارت است از: مجموعه‌ای از انسان‌ها که دارای خصوصیات و فعالیت‌ها ی مشترکی هستند و برای هدفی مشترک تلاش می‌کنند و باهم روابط پایدار و منظمی دارند.

گروه‌ها را میتوانیم به انواعی تقسیم کنیم:

یکی از اساسی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها بر اساس تقسیم‌بندی آن‌ها بر اساس گروه‌ها ی نخستین و گروه‌ها ی دومین است.

گروه‌ها ی نخستین مثل خانواده و دوستان؛ که روابط در آن‌ها صمیمانه و عاطفی و توأم با وفاداری است.

و گروه‌ها ی دومین که تعداد اعضای آن‌ها بیشتر و روابطشان رسمی‌تر است مثل گروه‌ها ی سازمانی و اداری .

خانواده یکی از مهم‌ترین گروه‌ها ی اجتماعی و پایه و اساس هر جامعه است.

آموزش خانواده از آموزش‌ها ی مهم در آموزش مدنی و شهروندی است. پس می‌توان گفت اساس یک جامعه سالم وجود خانواده سالم است.

یکی از مباحث مرتبط با گروه بحث ایفای نقش است. در هر گروه افراد در جایگاه‌های مختلفی قرار دارند به هرکدام از این جایگاه‌ها که افراد با قرار گرفتن در آن‌ها عمل خاصی را انجام دهند و الگو خاصی را رعایت کنند نقش گفته می‌شود .

از مهم‌ترین آموزش‌ها ی مدنی آموزش نقش‌هاست . و با آموزش نقش‌ها دانش آموزانم ی یاد می‌گیرند تا روابط مطلوبی را با گروه‌ها ی مختلف برقرار کنند. در آموزش نقش‌ها باید به آموزش حقوق و تکالیف مرتبط با آن نقش بپردازیم.

یکی دیگر از مباحثی که در آموزش‌ها ی مدنی و شهروندی موردتوجه است شناخت مؤسسات و سازمان‌ها ی مختلف است. سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی گوناگون در پی توسعه شهرنشینی و گسترش جمعیت برای رفع نیازهای اجتماعی افراد به وجود آمده‌اند .

محور شناخت مؤسسات و سازمان‌ها بسیار اهمیت دارد زیرا بدون برقراری ارتباط مؤثر با مؤسسات و سازمان‌ها انسان در جامعه امروز امکان برطرف کردن نیازهایش را به‌تنهایی نخواهد داشت. لازمه برقراری ارتباط مؤثر با مؤسسات این است که دانش آموزان ما با کارکردها و وظایف مؤسسات و سازمان‌ها ی گوناگون آشنا شوند.

در برنامه درسی مطالعات آموزشی دانش آموزان ما با بعضی از مؤسسات و وظایف آن‌ها آشنا می‌شوند .

یکی دیگر از محورهای آموزش مدنی و آموزش شهروندی آموزش سیاسی است. یکی از حقوق افراد امکان مشارکت سیاسی در سرنوشت خودشان است. آشنایی با ساختارهای سیاسی حکومت با توجه به سن و پایه دانش آموزان در دوره ابتدایی آموزش داده می‌شود و در آموزش‌ها از مسائل عینی‌تر استفاده می‌شود . آموزش این مطالب باعث مقدمه کسب

سواد سیاسی در فراگیران ملی شود پس ما باید فرصت‌هایی را در آموزش فراهم کنیم تا دانش آموزان در تصمیمات مربوط به کلاس و مدرسه مشارکت داشته باشند. شوراهای دانش امروزی و نماینده کلاس این موضوع را تقویت کنیم.

آموزش اقتصادی - مالی

یکی از نیازهای اساسی که در ذیل آموزش های اساسی مدنی، اجتماعی و شهروندی باید به آن پرداخته بشود، آموزش اقتصادی و مالی به دانش آموزان دوره ابتدایی هست. در واقع ما در دوره ابتدایی از طریق آموزش مفاهیم ساده اقتصادی مثل پس انداز کردن، مثل خرید عاقلانه، دانش آموزان مان را برای زندگی موثر در آینده آماده می کنیم. وقتی دانش آموزان مان چنین آموزش هایی را می بینند در آینده میتوانند در تصمیم گیری ها و خط مشی های اجتماعی جامعه ای که در آن زندگی می کنند، تاثیر مطلوب و موثر بذارند. همچنین برای کارآفرینی کردن آماده میشوند. در واقع دانش آموزان در این مرحله قدرت تحلیل اقتصادی پیدا می کنند و مهارت های تصمیم گیری را در زندگی فردی و بعد ها در زندگی اجتماعی خود در خصوص مسایل اقتصادی پیدا می کنند.

از دیدگاه برنامه ریزی درسی، برنامه ریزی برای ارتقای سواد اقتصادی مالی دانش آموزان مانند سایر حوزه ها در سه حوزه شناخت، مهارت و ارزش و نگرش اتفاق می افتد. در حوزه دانش و شناخت درک روابط چرخه های تولید، توزیع، مصرف و هزینه ها و درآمدها را می توانیم سواد اقتصادی تعریف کنیم. آموزش مفاهیم مثل سرمایه گذاری، درآمد، خط تولید، اشتغال، بیکاری و انواع مشاغل رو همیشه با زبان ساده به دانش آموزان دوره ابتدایی آموزش داد.

بعد دیگری که از آموزش های اقتصادی و مالی جنبه مهارتی آنهاست. در همه جوامع مردم نقش های متفاوتی مثل تولید کننده، خدمت رسان، سرمایه گذار، توزیع کننده و ضرورتا مصرف کننده را عهده دار هستند. دانش آموزان ما با توجه به شرایط سنی شون نقش مصرف کننده را دارند البته همه این نقش ها مهارت های خاص خودشان را نیاز دارند. در نقش مصرف کننده دانش آموزان ما باید مهارت هایی مثل برقراری تعادل بین دخل و خرج، بودجه بندی صحیح برای مصرف، نحوه انتخاب و تصمیم گیری درباره خرید کالاها، تجزیه و تحلیل و نقد تبلیغات در خصوص کالاها و خدمات، مصرف بهینه و نحوه مراجعه به موسسات تولیدی و خدماتی را یاد می گیرند.

بعد بعدی، بعد ارزش ها و نگرش ها است. بعد ارزش ها و نگرش ها ناظر بر تربیت اجتماعی در دانش آموزان است. محتوای ارزشی و نگرشی آموزش های اقتصادی و مالی ممکن است طیف گسترده ای را شامل شود و دربر گیرد. این مطالب می توانند مبتنی بر سود و سرمایه و بهره وری باشند تا نگرش های اخلاقی و مذهبی. ترویج ارزش های اقتصادی مبتنی بر آموزه های اسلام م مثل پرهیز از اسراف، کم فروشی، احتکار، ربا و پرداخت خمس و زکات در این زمره قرار می گیرند.

برای نمونه توجه کنید به درس 10 مطالعات اجتماعی پایه سوم با عنوان نیازهای خانواده چگونه تامین می شود. در این درس دانش آموزان ما با مفهوم درآمد، مفهوم خدمت و تولید آشنا می شوند. همچنین در درس 11 مطالعات اجتماعی پایه سوم با عنوان منابع، دانش آموزان با انواع منابع طبیعی و غیر طبیعی آشنا می شوند.

در کاربرگ شماره 12 با عنوان از چه منابعی استفاده می کنیم از دانش آموزان خواسته میشه نام 5 چیز را که در خانه و مدرسه از آنها استفاده می کنند بنویسند و بگویند در آنها از چه منابعی استفاده می شود.

انجام چنین تکالیف و فعالیت هایی دانش آموزان ما را به این مسله حساس می کند که منابع محدودیت دارند و امکان استفاده بیش از حد از آنها وجود ندارد. در کاربرگ شماره 8 مطالعات اجتماعی پایه سوم با عنوان شغل ها، دانش آموزان باید مشخص کنند که هر کدام از مشاغل کدام نیازها را برآورده می کنند.

در کاربرگه شماره 9 همین پایه سوم ، دانش آموزان باید مشاغل تولیدی و خدماتی را تشخیص دهند و در جدول مربوطه مشخص کنند. همچنین در کاربرگه شماره 10 از دانش آموزان خواسته شده با افراد فامیل خودشان در خصوص مشاغلشون مصاحبه کنند و بپرسند که افراد در شغلشون چه کارهایی را انجام می دهند و یا برای تصدی این شغل ها چه نیازهایی لازم هست. در راستای آموزش مشاغل می توانیم از افراد در مشاغل گوناگون به تناسب شرایطی که در آن هستیم و امکاناتی که محله خدمت ما دارد دعوت کنیم که به کلاس درس یا مدرسه ما بیایند و برای دانش آموزان در مورد شغلشون توضیحاتی را ارائه دهند.

به علاوه می توانیم از فیلم ها و انیمیشن هایی که مرتبط با مشاغل و در سطح دانش آموزان دوره ابتدایی تولید شدند در این راستا استفاده کنیم. کاربرد این نوع ابزار باعث جذاب شدن آموزش می شود. دانش آموزان ما از طریق یاد گرفتن مهارت های مرتبط با شغل یابی می توانند برنامه ریزی بکنند و استعداد های خوشون را شناسی کنند و این نوع آموزش ها مقدمه ای باشد برای انتخاب صحیح مشاغل افراد در آینده.

به درس 12 مطالعات اجتماعی با عنوان درست مصرف کنیم توجه کنیم ، در این درس دانش آموزان ما با ارزش صرفه جویی و پرهیز از اصراف آشنا می شوند. آشنایی با عملکرد بانک ها و تشویق دانش آموزان با پس انداز کردن و نحوه تصمیم گیری در خصوص خرید عاقلانه از جمله مهارت های دیگه ای است که در چارچوب مطالعات اجتماعی به آن پرداخته می شود.

در آموزش های اقتصادی باید موارد و ملاحظاتی را در نظر بگیریم :

1 طراحی فعالیت ها و تجارب عملی و مهارتی قابل مشاهده و ارزیابی مانند بازدید علمی ، کارگاه های تولیدی و مراکز خدماتی و توزیعی، دعوت از صاحبان حرف و مشاغل.

2 ایجاد فضای لازم برای کسب شناخت و دانش کافی و بروز خلاقیت در زمینه های اقتصادی و مالی دانش آموزان.

3 درونی سازی ارزش ها و اخلاقیات مطلوب اقتصادی.

در نهایت باید در نظر بگیریم که در تمام آموزش ها به ارتباط بین آموزش های مدرسه ای و زندگی واقعی دانش آموزانمان توجه کنیم.

ویژگی های کلاسی درس مطالعات: 1_ویژگی های فضایی-کالبدی: که موثرترین ویژگی در این زمینه محسط واقعی است، چون باعث یادگیری پایدار و عمیق میشود. دومین چیز مهم در این زمینه نحوه ی آرایش چیدمان کلاسی است یعنی جوری باشد که دانش آموزان بتوانند به راحتی فعالیت گروهی داشته باشند. سومین چیز مهم در این زمینه جذابیت کلاسی است که باید شکل و تصویر در دیوار نصب کنیم و کلاس افسرده و بی روح نباشد. 2_ویژگی روانی عاطفی: 1. نقش الگویی معلم. 2. برقراری رابطه ی موثر معلم با دانش آموز. 3. به روز بودن و مطالعه مستمر. 4. برقراری رابطه ی موثر بین دانش آموزان

بسته ی آموزشی در دو مفهوم به کار میرود:

مفهوم اول: یک سیستم کامل فعالیت یادگیری و مواد درسی وابسته به آن در یک زم ی نه ی محتوایی وسیع یا مجموعه ای از اهداف عینی.

مفهوم دوم: بسته ی آموزشی مجموعه ی و ی ژها ی از مواد درسی برای یک بخش از یک سیستم کامل فعال ی تها ی یادگیری یا حتی یک موضوع درسی یا سایر اجزای برنامه درسی.

درواقع بسته های آموزشی مجموعه ای از سخت افزارها و نرم افزارها هستند.

بسته های آموزشی شامل

1. مجموعه ی نرم افزارها :

1- راهبردها. 2- الگوها. 3- وظایف. 4- چهارچوبها. 5- رهنمودها. 6- تکالیف. 7- آزمونها

2. مجموعه سخت افزارها :

3. ابزارها. 2- رسانه ها. 3- وسایل. 4- تجهیزات. 5- منابع. 6- مواد

این مجموعه با استفاده از فناوری ها و با توجه به اهداف آموزشی سازمان ده ی م ی شوند .

انواع نظام های آموزش و پرورش :

الف) متمرکز

ب) ن ی مه متمرکز

ج) غیرمتمرکز

نظام درسی متمرکز: در نظام دار ی متمرکز برنامه های درسی توسط یک مرکز یا یک سازمان طراحی و تدوین شده و برای اجرا به معلمین و دانش آموزان در سراسر کشور ابلاغ م ی شود . درواقع در این نوع سیستم آموزش ی معلمین مشارکتی در تولید بسته های آموزشی و مواد آموزشی ندارند.

نظام درسی ن ی مه متمرکز : در نظام های درسی ن ی مه متمرکز اگرچه یک سازمان بخصوص برای تهیه و تدوین بسته های آموزشی وجود دارد اما راهکارهایی هم در نظر گرفته شده است تا معلمین بتوانند با آن سازمان و برنامه ریزان سازمان ز ی ربط ارتباط داشته و نظرات اصلاحی خود را با آنها در میان گذاشته و آن سازمانها که سازوکار و مکان ی سمها یی دارند که این نظرات را در برنامه های درسی اعمال م ی کنند همچنین سایر افراد مثل دانش آموزان هم م ی توانند در این امر شرکت کنند.

نظام درسی غی رمتمرکز: در این نوع نظام هیچ مرکز یا سازمان مشخص و متمرکزی برای تهیه و تدوین بسته‌ها ی آموزشی وجود ندارد و معلمین متناسب با امکانات و نیازهای دانش آموزان و وی ژگی ها و فعال ی تها ی بومی و محلی که در آن به کار م ی کنند محتوا و بسته‌ها ی آموزشی را تولید م ی کنند . یا از بین بسته‌ها ی آموزشی موجود دست به انتخاب م ی کنند .

رویکرد تولید بسته‌ها ی آموزشی در کشور ما رویکرد ن ی مه‌متمرکز است.

پنج بخش اصلی بسته‌ها ی آموزشی (اجزای بسته‌ها ی آموزشی)

4. راهنمای معلم یا راهنمای تدریس

5. مواد یادگیری انفرادی برای فراگیران

6. آزمون‌ها یا ابزارهای اندازه‌گ ی ری

7. وسایل آموزشی مورد استفاده در کلاس

8. تجهیزات دیداری-شنیداری

اجزای برنامه‌ها ی آموزشی بر اساس نقش

9. راهنمای معلم

10. مواد یادگیری انفرادی

11. مواد و وسایل مربوط به ارزشیابی

12. مواد نمایشی مرجع

13. تجهیزات دیداری-شنیداری

14. فضا و مراکز و امکانات فرهنگی و اقتصادی

منابع یاددهی- یادگیری بخش دیگری از اجزای بسته‌ها ی آموزشی هستند که به دودسته ی کلی تقسیم م ی شوند:

الف) منابع اصلی

ب) منابع تکمیلی

الف) منابع اصلی: کتاب راهنمای معلم، کتاب دانش آموز، کتاب کار دانش آموز، کتاب ارزشیابی

ب) منابع تکمیلی: منابع چاپی، منابع ابزاری معلم، منابع و لوازم انجام فعال ی تها با فناوری جدید، منابع رای انه ی برای معلم و دانش آموز

منابع ابزاری معلم مثل: دیتا ، آلبومها و ...

منابع چاپی مثل: کتابها ی کمکآموزش ی کتاب داستان و سایر منابع چاپی که درزم ی نه ء آموزشی م ی تواند کمک کند.

منابع و لوازم انجام فعال ی تها با فناوری جد ی د مثل نمایش موضوع درسی در محیط موردعلاقه دانش آموزان، شب ی هسازی واقع ی تها ی مجازی و ...

منابع را ی انه ی برای دانشآموز و معلم مانند: وب س ایتها ، وبگاهها و نشریات الکترونیکی.

نتیجه آنکه، اجزای مختلف بستهها ی آموزشی را باید شناخت و متناسب با نیازها از آنها بهره گرفت.

وسعت و تنوع

وسعت و تنوع

(بسته آموزشی درس مطالعات اجتماعی. بخش دوم)

توجه به مقتضیات بومی

توجه به مقتضیات بومی

انعطاف پذیری

انعطاف پذیری

ویژگی های بسته آموزشی مطالعات اجتماعی

ویژگی های بسته آموزشی مطالعات اجتماعی

کاربرد رسانه

کاربرد رسانه

قابلیت بازنگری مداوم

قابلیت بازنگری مداوم

تعداد یادگیرندگان

تعداد یادگیرندگان

عوامل مؤثر در اجرا پذیری بسته آموزشی

عوامل مؤثر در اجرا پذیری بسته آموزشی

زمان

زمان

وضعیت فضای آموزشی

وضعیت فضای آموزشی

دردسترس بودن

دردسترس بودن

اقتصادی بودن

اقتصادی بودن

- کتاب راهنمای تدریس یا راهنمای معلم یکی از اجزای اصلی بسته های آموزشی هستند.

- این کتاب ها با هدف توجیه معلمان نسبت به اهداف و سرفصل های اصلی ، فرآیندهای یاددهی و یادگیری و ارزشیابی نوشته می شوند.

- در دوره ابتدایی به موازات کتاب های چهارگانه ای مطالعات اجتماعی کتاب های راهنمای تدریس هم وجود دارد. برای نمونه کتاب راهنمای تدریس یا کتاب راهنمای معلم پایه سوم دبستان شامل دو بخش می شود. بخش اول کلیات که شامل: 1- مبانی، 2- تعاریف، 3- ماهیت، 4- ضرورت ها، 5- اهداف، عناصر بخش دوم: راهنمای تدریس است که به تفکیک فصول مختلف تنظیم شده است.

چند نکته مهم: 1- کتاب های درسی اجزای اصلی بسته های آموزشی هستند. 2- کتاب های درسی اهمیت زیادی دارند. 3- کتاب مطالعات با رویکرد کاوشگری تنظیم شده اند. 4- کتاب مطالعات حاوی تصاویر جذابی است. 5- با توجه به ویژگی دانش آموزان ابتدایی مطالب نباید خیلی حجیم باشند.

- کتاب مطالعات اجتماعی پایه های مختلف شامل چه دروسی است؟

مطالعات اجتماعی پایه سوم (7 فصل):

فصل اول: من بزرگتر می شوم (3 درس). فصل دوم: خانواده (4 درس)

فصل سوم: همکاری در خانواده (2 درس) فصل چهارم: نیازهای خانواده (4 درس)

فصل پنجم: خانه ما (4 درس) فصل ششم: مدرسه ما (2 درس)

فصل هفتم: از خانه تا مدرسه (4 درس)

مطالعات اجتماعی پایه چهارم (6 فصل. 22 درس)

فصل اول: محله ما (4 درس) فصل دوم: روستای من شهر من (3 درس)

فصل سوم: پیدایش شهر و روستا (3 درس) فصل چهارم: سفری به شهرهای باستانی (4 درس)

فصل پنجم: کشور زیبای من (5 درس) فصل ششم: ما ایرانی هستیم (3 درس)

مطالعات اجتماعی پایه پنجم (5 فصل . 22 درس)

فصل اول: زندگی با دیگران (4 درس) فصل دوم: سرزمین ما (6 درس)

فصل سوم: زندگی در نواحی دیگر جهان (4 درس) فصل چهارم: زیارت مکان های مقدس (4 درس)

فصل پنجم: ایران بعد از اسلام (4 درس)

مطالعات اجتماعی پایه ششم (12 فصل . 24 درس)

فصل اول: دوستان ما (2 درس) فصل دوم: تصمیم گیری (2 درس)

فصل سوم: کشاورزی در ایران (2 درس) فصل چهارم: ایران و منابع انرژی (2 درس)

فصل پنجم: پیشرفت علوم و فنون در دوره اسلامی (2 درس) فصل ششم: سفری به اصفهان. 2 درس فصل هفتم: اوقات

فراغت (2 درس) فصل هشتم فصل نهم: دریا های ایران (2 درس) فصل دهم: ایران و همسایگان (2 درس) فصل یازدهم:

ایستادگی در برابر بیگانگان (2 درس) فصل دوازدهم: آزادی خرمشهر (2 درس)

برای تثبیت یادگیری و تمرین دانش آموزان است .

برای تثبیت یادگیری و تمرین دانش آموزان است .

فعالیت ها

فعالیت ها

- در تمام کتاب های درسی 4 گانه ای مطالعات اجتماعی در پایان و بعد از دروس کاربرگ هایی وجود دارد

و تکالیف خوبی

و تکالیف خوبی

که حاوی

1- وسایل آموزشی نمایشی

1- وسایل آموزشی نمایشی

2- وسایل آموزشی مرجع مثل: لغت نامه ها، دایره المعارف، فرهنگ نامه ها و اطلس ها

2- وسایل آموزشی مرجع مثل: لغت نامه ها، دایره المعارف، فرهنگ نامه ها و اطلس ها

3- وسایل آموزشی گروهی مثل: پازل ها و کارت های بازی (ابزارهایی که برای کارهای گروهی در اختیار گروه های دانش آموزی قرار می گیرند)

3- وسایل آموزشی گروهی مثل: پازل ها و کارت های بازی (ابزارهایی که برای کارهای گروهی در اختیار گروه های دانش آموزی قرار می گیرند)

- وسایل آموزشی مورد استفاده در کلاس درس

- وسایل آموزشی نمایشی شامل: 1- پوستر 2- نقشه 3- نمونه واقعی 4- مدل و ماکت 5- آلبوم عکس 6- چارت و نمودار

نکته: استفاده از ابزارها و کاربرد آنها در آموزش مطالعات اجتماعی ضروری است.

تجهیزات دیداری و شنیداری: شامل 1- فیلم و اسلاید 2- رایانه (در آموزش مؤثر مطالعات اجتماعی بهره ببریم)

نکته: در آموزش مطالعات و تمام آموزش درس های مختلف هر چه توجه دانش آموزان به مطالب بیشتر باشد، یادگیری عمیق تری اتفاق می افتد.

نکته: تجهیزات دیداری و شنیداری با توجه به ویژگی های 1- حواس های گوناگون (از جمله شنیداری و دیداری) را به خود جلب می کنند. 2- باعث یادگیری مؤثر و پایدار مطالب در دانش آموزان می شوند.

نکته: در دوره ابتدایی کاربرد انیمیشن ها می تواند خیلی سودمند باشد. در خصوص مفاهیم مرتبط با مطالعات اجتماعی انیمیشن های گوناگون و مفیدی تولید شده است که می توانیم از آنها بهره کافی را ببریم.

نکته: شناخت بسته آموزشی و امکاناتی که در اختیار معلم است به ما کمک می کند که 1- عاقلانه تر، منطقی تر بهتر و دقیق تر فرصت یاددهی و یادگیری را برای دانش آموزان آماده کنیم. 2- از مختلف و ظرفیت تعلیم و تربیت برای دانش آموزان استفاده کنیم.

" ارزشیابی درس مطالعات اجتماعی "

ارزشیابی: فرایندی است که طی آن میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزانمان اندازه گیری می شود. داده های حاصل از ارزشیابی علاوه بر آنکه به ما در خصوص نقاط ضعف و قوت دانش آموزانمان اطلاعات می دهد در خصوص عملکرد خودمان و درستی و صحت و روشهایمان هم به ما اطلاعات می دهد و درواقع از داده های حاصل از ارزشیابی برای بهبود فرآیندهای یاددهی-یادگیری و اصلاح کارمان میتوانیم بهره ببریم. در این دیدگاه ارزشیابی در خدمت ارتقاء کیفیت فعالیت های یاددهی-یادگیری قرار می گیرد. و یک امر جدا از آموزش نیست بلکه با آن توأم و همزمان است و به صورت مستمر و مداوم کاربرد دارد. در خصوص طراحی یادگیری میتوانیم بگوییم که ارزشیابی به عنوان یک حلقه از فرآیند طراحی آموزشی به حساب می آید که اطلاعات حاصل از آن دوباره به سیستم بازخورد داده می شود.

آزمون: وسیله یا شیوه ای است برای کسب اطلاعات درمورد یک نمونه از رفتار دانش آموز در ارتباط با اهداف آموزشی. آزمونها انواع مختلفی دارند و برای مقاصد مختلفی استفاده می شوند.

اندازه گیری: قواعدی است که برای نسبت دادن کمیت ها و اعداد به اشیاء و افراد استفاده می شود. به گونه ای که صفات اشیاء و افراد را به صورت کمیت نشان می دهد.

ارزشیابی: فرآیند تعیین ارزش که با قضاوت و داوری همراه است. درواقع در ارزشیابی ها ما درمورد افراد و صفات و کیفیات دست به قضاوت و داوری میزنیم. و نکات مثبت و منفی را مشخص می کنیم.

نظام ارزشیابی کیفی توصیفی: نظام ارزشیابی با الگوی کیفی است که تلاش می کند برخلاف الگوهای رایج ارزشیابی، به جای کمی نگری از طریق توجه به معیارهای برنامه درسی و آموزشی به عمق و کیفیت یادگیری دانش آموزان توجه کند و توصیفی از وضعیت آنها ارائه دهد و ارزشیابی را در خدمت آموزش و یادگیری قرار دهد.

سنجش: فرآیند جمع آوری اطلاعات از عملکرد دانش آموز و مقایسه ی آن با معیار و ملاک مشخص و معین است.

انواع دیدگاهها در خصوص سنجش:

9. سنجش به عنوان اندازه گیری: دانش امری مستقل و بیرونی از دانش آموز در نظر گرفته می شود در این دیدگاه دانش آموز به مثابه یک ظرف خالی در نظر گرفته می شود که از طریق معلم و دانش معلم باید پر بشود و تدریس یک فرآیند انتقال یک سوبه ی اطلاعات از معلم به سمت دانش آموز هست.

10. سنجش به عنوان یک شیوه: در این دیدگاه دانش مستقل از یادگیرنده وجود دارد و می توانیم آن را به دانش آموزان منتقل کنیم و به صورت عینی هم اندازه بگیریم. معلم همچنان به صورت عینی توانایی دانش آموزان را اندازه گیری می کند و درخصوص دانش آموزان اطلاعات کمی(عددی) فراهم میکند.

11. سنجش به عنوان کاوش: در این دیدگاه معلم و دانش آموز به صورت فعالانه و با مشارکت همدیگر در پدیدآوردن دانش درگیرند. معلم فقط مجری اجرای آزمونها یا آزمون کننده نیست بلکه از شیوه های متعدد سنجش کلاس محور و برای تسهیل یادگیری تصمیم گیری درمورد برنامه درسی و ارتباط موثر با دانش آموزان و با اولیای دانش آموزان بهره می گیرد. در این دیدگاه به تهیه ی پوشه ی کار تاکید شده. تهیه ی پوشه کار یک فعالیت مستمر است و وسیله ای است برای رشد، بازتاب و

خودارزیابی دانش آموز، بازتاب و خودارزیابی معلم و تدوین اهداف آموزشی. باتوجه به اینکه محور اصلی ارزشیابی در آموزش و پرورش تلفیق ارزشیابی دانش آموز با روش تدریس مناسب هست درواقع می توانیم بگوییم که سنجش فرآیند جستجو و تفسیر شواهد برای استفاده دانش آموزان و معلمان جهت تصمیم گیری درمورد مقصدی است که یادگیرندگان براساس نیاز خود در فرآیند یادگیری به سوی ان حرکت می کنند.

سنجش پیشرفت تحصیلی دانش آموز در درس مطالعات اجتماعی

سنجش فرآیند جستجو و تفسیر شواهد برای استفاده معلمان و دانش آموزان جهت تصمیم گیری در مورد مقصدی است که یادگیرندگان براساس نیاز خود در فرآیند یادگیری به سوی آن حرکت می کنند.

تصمیم گیری در چه مواردی؟

12. تصمیم گیری درباره هدف ارزشیابی

13. تصمیم گیری درباره ی چرایی ارزشیابی

14. تصمیم گیری درباره موارد ارزشیابی

15. تصمیم گیری درباره محتوای ارزشیابی (رفتار، حالت، وضعیت، سطوح تخصصی و مهارتهایی که میخواهیم ارزشیابی کنیم).

16. تصمیم گیری درباره ی راههای جمع آوری اطلاعات

17. تصمیم گیری درباره فرآیند ارزشیابی

18. تصمیم گیری درباره نتایج ارزشیابی

19. تصمیم گیره درباره نحوه استفاده از نتایج و گزارش دهی

در برنامه ی درسی مطالعات اجتماعی چگونه سنجش کنیم؟

سنجش باتوجه به ماهیت برنامه درسی صورت می گیرد. فرآیند آموزش و ارزشیابی دو فرآیند مستقل از هم نیستند بلکه درهم تنیده هستند و قطعاً فرآیند ارزشیابی در راستای تدریس و آموزش ما صورت می گیرد و با آن ارتباط تنگاتنگی دارد.

اهداف سنجش در برنامه درسی مطالعات اجتماعی چه چیزهایی هستند؟

قطعاً هدف ما از سنجش این هست که نقاط ضعف دانش آموز با هدف تقویت آنها و نقاط قوتش را شناسایی کنیم ، همچنین ما میخواهیم نقاط قوت و نقاط ضعف عملکرد خودمان را به عنوان برنامه ریز و طراح آموزشی درک بکنیم. در خصوص مسائل و اهداف آموزشی که آنها را مورد سنجش قرار می دهیم هم باید صحبت بکنیم. ما در سنجش درواقع میزان دستیابی دانش آموزان به اهداف و مقاصد از پیش تعیین شده را می سنجیم.

انواع حیطة های یادگیری در برنامه درسی مطالعات اجتماعی :

20. حیطة شناختی: که دارای سطوح مختلفی میباشد از جمله: به یادسپردن یا دانش- فهمیدن- کاربرد- تجزیه و تحلیل- نقد و ارزیابی- خلق و آفرینندگی

21. حیطه عاطفی: آمادگی- واکنش- ارزشگذاری- سازماندهی- درونی شدن

22. حیطه روانی-حرکتی: مشاهده و تقلید- اجرای عمل بدون کمک- دقت در عمل- هماهنگی حرکات- عدی شدن عمل.

– خودسنجی و سنجش همسالان

در خود سنجی هدف این است که دانش آموزان پیشرفت تحصیلی خود را در دانش، مهارت، فرآیندهای یادگیری و نگرش‌ها بسنجند

سنجش همسالان به معنای سنجش دانش آموزان به دست سایر دانش آموزان است

تفاوت اصلی میان خودسنجی و سنجش همسالان در این است که در خود سنجی دانش آموزان با تأمل درباره یادگیری خود یادگیری درباره یادگیری را می آموزند

در سنجش همسالان دانش آموزان با تأمل در مورد فعالیت های یادگیری سایر دانش آموزان یادگیری از طریق تعمیق یادگیری دیگران را می آموزند

دانش آموزان قبل از هر کس مشکل یادگیری خود را تشخیص می دهند و می توانند پیشرفت تحصیلی خود را بررسی کنند خودسنجی خوب باید منعکس کننده نقاط قوت و ضعف و پیشرفت تحصیلی دانش آموز باشد برای انجام این کار باید ملاک های سنجش با همفکری دانش آموزان تعیین شود

معلم باید در انجام خودسنجی دانش آموزان صبور باشد و به دانش آموزان کمک کند تا به استقلال در یادگیری دست پیدا کند

سنجش همسالان می تواند به صورت گروهی و فردی صورت بگیرد این شکل از سنجش کمک می کند تا دانش آموزان یاد بگیرند به دور از جانبداری ها در برخورد با دیگران دست به قضاوت منطقی بزنند

سنجش گروهی در مقایسه با سنجش رقابتی و فردی موجب یادگیری بهتر، انگیزه بیشتر، روابط میان فردی مثبت میان دانش آموزان و عزت نفس بیشتر می شود

برخی از راهکارهای سنجش در مطالعات اجتماعی

نمونه قرارداد یادگیری

نام دانش آموز:

نام معلم:

تاریخ:

عناوین کلی مطالعه:

سوال ها با مسائلی که سعی دارم آنها را حل کنم و به آنها پاسخ دهم

اطلاعاتی که هم اکنون در مورد موضوع دارم

اطلاعاتی که باید به دست بیاورم

زمانی که باید مطالعه را انجام دهم

منابعی که اطلاعات را از آن به دست خواهم آورد

در پایان کار انتظار دارم چه نتیجه ای حاصل شود

چگونه از دستیابی به این نتایج اطمینان پیدا خواهم کرد

امضای دانش آموز

امضای معلم

نمونه فرم سنجش فرایندهای گروهی

نام دانش آموز :

تاریخ یا مدت سنجش:

مدت مشاهده:

نظرها درباره اعضای گروه

۱- میان صحبت کردن و گوش دادن هماهنگی وجود دارد

۲- به دیگران احترام می گذارد

۳- در کارها مشارکت فعال دارد

۴- عقاید خود را بیان می کند

دانش آموز با دانش آموزانی که نقش ثبت کننده اطلاعات در گروه را بر عهده دارند

کارایی:

دانش آموز با دانش آموزانی که نقش گزارش دهنده در گروه را برعهده دارند

کارایی:

دانش آموز با دانش آموزانی که نقش مشارکت کننده/ یاری رساننده در گروه را برعهده دارند

کارایی:

دانش آموز با دانش آموزانی که نقش نگهدارنده زبان را بر عهده دارند

کارایی:

– گزارش های من یاد گرفتم

این یک راهبرد ساده و پایدار است که شما می توانید به کرات از آن استفاده کنید در پایان یک درس یا یک فعالیت از دانش

آموز بخواهید آن چه را یاد گرفته اند یادداشت کنند یا بگویند زمانی که شما دانش آموزان را به یادداشت کردن آنچه

فراگرفته اند تشویق می کنید هر یک از آنها فرصت می یابند تا تجربه یادگیری خود را به یاد آورد و در مورد آن بنویسند

علاوه بر آن شما از مجموعه یادداشت های آنها می توانید بفهمید که چه چیزهایی از نظر آنها مهم است

– مرور هفته

مرور هفته یک راهبرد سنجش در گروه های کوچک است. بهترین زمان استفاده از آن در پایان هفته است دانش آموزان را به

گروه های دو یا سه نفره تقسیم کنید و از آن ها بخواهید تا با بررسی هفته گذشته تعدادی از مهم ترین کارهایی که در کلاس انجام داده اند یا مهمترین چیزهایی را که یاد گرفته اند را مشخص کند هر گروهی باید یک گزارش کتبی یا شفاهی ارائه بدهد زمانی که دانش آموزان دریابند که در پایان هفته مطالب هفته گذشته را مرور و بازبینی خواهند کرد به تدریج یاد می گیرند که در مورد آنچه در طول هفته انجام می دهند فکر کند می توانید کار را با این جمله شروع کنید:

خوب هفته گذشته خبرهای خوبی داشتیم بیابید ببینیم این هفته چه خبر خوبی بوده است
_ بحث گروهی

از آنجا که اغلب در بحث های کلاسی معلم و تعدادی از دانش آموزان شرکت می کنند فرصتی برای دیگر شدن تمام دانش آموزان فراهم نمی شود اما اگر شما از تمام دانش آموزان بخواهید تا در بحث کلاسی شرکت کنند آن وقت می توانید از آن به عنوان یک راهکار سنجش استفاده کنید ابتدا یک یا دو سوال مهم از آنچه که دانش آموزان باید یاد بگیرند مطرح کنید دانش آموزان را به گروه های دو نفره تقسیم و آنها را به بحث کردن پیرامون موضوع وادار کنید سپس آنها را در گروه های چهار نفره قرار دهید و از آنها بخواهید تا دوباره در مورد همان سوالات با هم بحث کنند در نوبت بعدی آنها را در گروه های هشت نفره قرار دهید مجدداً از آنها بخواهید تا سوالات را مورد بحث قرار بدهند با این کار همه دانش آموزان فرصت صحبت کردن پیدا می کند و همگی در بحث شرکت می کند این راهکار به شما اجازه می دهد تا توانایی دانش آموزان را در مهارتهایی چون مذاکره، تحلیل آراء مختلف، گوش دادن به صحبت های دیگران، در ترکیب ایده ها، به کارگیری آموخته ها ارزیابی کنید.

پنجره های شفاف و مات

برای سنجش میزان یادگیری می توانید از دانش آموزان بخواهید تا چیزهایی که فهمیدند در پنجره های شفاف و چیزهایی که نفهمیده اند را در پنجره های مات قرار دهند در آن صورت آنها فرصت خواهند یافت در مورد یادگیری خود عمیق تر ببانندیشند و استفاده از پنجره های شفاف و مات می تواند در تعیین سطح توانایی های فردی نیز استفاده شود

پنجره مات: در خواندن کتاب مشکل دارم خیلی سخت است

پنجره شفاف: من بازی نقش ها را دوست دارم خیلی جالب بود

آموزش و طراحی واحد یادگیری مطالعات اجتماعی

سنجش پیش رفت تحصیلی دانش آموز در درس مطالعات اجتماعی

راه کارهای مختلف سنجش در درس مطالعات اجتماعی :

- ثبت سوابق: در این روش از دانش آموزان می خواهیم تا امتیاز و نمره ای را که برای خواندن هر تکلیف دریافت کرده اند را بلافاصله بعد از انجام تکلیف در فرم مربوطه ثبت کنند.

- جلسات ادواری : روش بسیار خوب و مناسبی برای پی بردن به احساسات و عقاید دانش آموزان است . که دانش آموزان و معلم دایره وار می نشینند و در مورد موضوع بحث می کنند. در این روش باید از دانش آموزان کم رو که اعتماد به نفس کافی ندارند حمایت کنیم.

- به تصویر کشیدن آموخته ها : یکی از راه های بازنمایی است که این روش زمینه پرورش هوش فضایی را در دانش آموزان تقویت می کند.

- نمایشگاه ها : این کار باعث می شود که فعالیت و تکالیفی که توسط دانش آموزان انجام می شود در معرض نمایش سایر دانش آموزان و اولیا قرار گیرد و این امر سبب ایجاد انگیزه در دانش آموزان می شود.

- فهرست سنجش اتفافی : به ما به عنوان معلم کمک می کند تا خلاصه ی از آنچه دانش آموز فکر می کند یاد گرفته است به دست آوریم. برای استفاده از این راهبرد هر فعالیت آموزشی را که در جریان اجراست برای مدتی متوقف می کنیم و از هر کدام از دانش آموزان می خواهیم تا آنچه را که آموخته اند فهرست کنند.

- ایستگاه های سنجش : به محلی گفته می شود که معلم شکل گیری مفاهیم نگرش ها و مهارت ها را به صورت انفرادی و گروهی و بر اساس اهداف خاصی مورد سنجش قرار می دهد.

این روش علاوه بر بعد تعاملی می توانند به تقویت مهارت های نوشتاری دانش آموزان هم کمک کنند.

مواردی که در خصوص کاربرد راهبرد ایستگاه های سنجش باید مد نظر قرار داد:

محل ایستگاه

دستورالعمل روشن در مورد تکالیف دانش آموز

حرکت از یک ایستگاه به ایستگاه دیگر

مدت در نظر گرفته برای هر ایستگاه

روش ثبت اطلاعات

چگونگی ارزیابی نتیجه

کارهای که باید دانش آموز پس از خروج از هر ایستگاه انجام دهد.

- پوشه کار : به معلم و دانش آموز ان امکان را می دهد که در خصوص آموخته های دانش آموز قضاوت و ارزیابی کند. موارد و داده های مربوط به پوشه کار با نظر معلم و دانش آموزان جمع آوری می شوند. در خصوص مواردی که در پوشه کار قرار داده می شوند و نحوه قرار دادن آن ها پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می گردد :

- نمونه کار روزانه ی دانش آموزان

- ثبت اطلاعات مخترع

- نمونه های نوشتاری دانش آموز

- پیش نویس یا طرح هی اوولیه ی در دست اقدام

- تولیدات تمام شده و کامل پیش نویس یا طرح های نهایی

- تلاش های مشترک و کار گروهی

- یاد ا دشت های ساده ی روزانه

- اندیشه ها از قبیل : گزارش های من یاد گرفتم

- اظهار نظرها و بازخورد های معلم

- نمونه مسئله ای که منعکس می کند انجام کار برای دانش آموز مشکل است

- نمونه ای که نشان میدهد دانش آموز به راه حل دست پیدا کرده است

- نمونه ای از یک کار نیمه تمام و چگونگی اتمام آن

- مشارکت والدین : اکثر اولیا به نحوه ی عملکرد مدرسه علاقمندند و تمایل دارند در جریان پیشرفت یادگیری فرزندان خود قرار داشته باشند ما میتوانیم از کمک اولیا در امر سنجش دانش آموزان استفاده کنیم در این صورت می توانی م از طریق ارسال نامه و یا گردهمایی یا از طریق تلفنی این امر را انجام دهیم

- سنجش کار آمدی معلم : معلمان علاوه بر سنجش دانش آموز باید بتوانند میزان توانمندی خود را در دستیابی به اهداف آموزشی ارزیابی کنند. برای اینکه معلمان بتوانند کارآمدی خود را در امر تدریس ارزیابی کنند باید چندین پرسش را مطرح کنند پاسخ به این پرسش ها کمک میکند که در خصوص کارها و فعالیت ها به صورت عمیق فکر کنند

عنوان درس:

آموزش و طراحی واحد یادگیری مطالعات اجتماعی

((طراحی واحد یادگیری بخش اول))

همانطور که قبلا اشاره شد:

طراحی: به منزله ی پیش نگر و ساختن اسکلت یک بنا و معماری آن است. در طراحی واحد یادگیری ما مضامین مرتب با یک درس، اهداف، زمانی را که می خواهیم اختصاص دهیم، فعالیت ها و تکالیف یادگیری و چگونگی ارزشیابی را مشخص می کنیم.

واحد یادگیری عبارت است از: پیشبرد زنجیره وار درس ها برای بسط یک موضوع یا مضمون که در آن محتوا، مفاهیم، مهارت ها و ارزش ها و نگرش ها با بیان روشن و دقیق ارائه می شود.

استفاده از واحد یادگیری در بیشتر موقعیت های تدریس و یادگیری کاربرد دارد و رویکرد مفیدی است، چون تلاش های معلم و دانش آموز را بر روی موضوع اصلی که مجموعه ای از مفاهیم نظام مند است، متمرکز می کند.

سوالات پیش از فرایند طراحی

1. چه چیز را قصد داریم بیاموزیم؟ (اهداف)

2. از کدام روش ها، مواد و وسایل استفاده کنیم؟ (روش ها)

3. چگونه نحقق اهداف را درخواهیم یافت؟ (ارزشیابی)

فرایند طراحی واحد یادگیری

1- انتخاب موضوع:

معلم موضوع را بر اساس سر فصل های برنامه درسی مطالعات اجتماعی و اهداف کلی تعیین می کند. همانطور که قبلا اشاره شد، در برنامه درسی مطالعات اجتماعی که به صورت تلفیقی تنظیم شده، در هر مضمون چندین راهبرد موضوعی پوشش داده می شود.

2- شرح اجمالی:

معلم به شرح مختصر و نوشتن چند بند و استدلال درباره ی هدف موضوع و بیان مختصری از محتوا می پردازد.

3-اهداف عینی:

اهداف واحد یادگیری باید کاملا واضح و شفاف و به صورت رفتاری نوشته شود. و در هر کدام از آنها تصریح شود که چه عملکردی از دانش آموزانمان انتظار داریم.

اهداف عینی از اهداف کلی، استخراج می شوند.

اهداف عینی باید به صورت یکسرس جمله خبری نوشته شوند و نشان دهند که دانش آموزان در پایان واحد یادگیری:

1-چه چیزهای را بدانند؟

2-چه چیزهایی را بتوانند انجام دهند؟

3-به چه چیزهایی ارزش بگذارند؟

4-تولید محتوای واحد یادگیری:

معلم ممکن است برای طراحی واحد یادگیری خود نیاز به جمع آوری اطلاعات گوناگون از منابع مختلف داشته باشد. محتوای فراهم شده از سوی معلم باید به روز و معتبر و در راستای اهداف تعیین شده باشد. در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، محتوای آموزشی همانطور که گفته شد در قالب کتاب های درسی ارائه شده است.

5-فراهم کردن منابع و مواد آموزشی مورد نیاز:

معلم براساس محتوا و پیش بینی تجارب یادگیری و فعالیت های یادگیری به گردآوری، تولید و فراهم کردن مواد آموزشی اقدام می کند. این مواد آموزشی می تواند شامل:

کتابهای مرجع، فیلم های کوتاه، انیمیشن ها، داستان ها، یا مستندها، اسلاید ها، عکس ها و مواردی از این دست باشند.

6-شیوه تدریس در سازماندهی تجارب:

معلم به انتخاب یک شیوه یا ترکیبی از شیوه های یاددهی-یادگیری دست می زنند. برای مثال ممکن است چندین روش آموزشی را تلفیق کند و در هر قسنت از ارائه درس از یکی از روش های آموزش و یاددهی-یادگیری استفاده کند.

7-ارزشیابی:

معلم هنگام طراحی واحد یادگیری با توجه به روش های ارائه درسش، روش های ارزشیابی و سنجش فعالیت های دانش آموزانش را مشخص می کند.

8-تخصیص زمان:

برای هر کدام از فعالیت ها و گام ها معلم بر اساس آنچه که تدارک دیده و پیش بینی کرده، زمان اختصاص می دهد.

نکته آخر:

همه این مسائل قابلیت تغییر دارند و ممکن است در کلاس درس شرایطی پیش بیاید که معلم مجبور باشد استراتژی های یاددهی-یادگیری و تدریس خود را تغییر دهد. ممکن است زمان ها باتوجه به فعالیت دانش آموزان و نحوه ی مشارکت آنها

یا آمادگی نداشتن آنها تغییر کنند. این امر هیچ خللی در امر آموزش ما ایجاد نمی کند. اما باید به یاد داشته باشیم که طراحی واحد یادگیری و پیش نگری در خصوص آموزش ها یک امر حیاتی و مهم است.

|

در این جلسه سعی داریم تا یکی از دروس کتب چهارگانه مطالعات اجتماعی یعنی اولین درس کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم رو مورد بررسی قرار دهیم. عنوان درس: من به دنیا آمدم.

قبل از اینکه رای این درس طراحی واحد یادگیری رو انجام بدیم، لازمه که راهبردهای موضوعی رو در آن مشخص کنیم.

راهبردهای موضوعی

- زمان، تداوم و تغییر: مدارک و شواهد (شناسنامه و دفترچه)

- نظام اجتماعی: حقوق و قوانین (کاربردهای شناسنامه و دفترچه بیمه)

- فرهنگ و هویت: تعلق و هویت (مشخصات شناسنامه ای و ایرانی بودن)

همانطور که قبلا گفته شد، برای طراحی واحد یادگیری، در فرم های مربوطه ابتدا عنوان درس رو مشخص میکنیم. برای اینکار عنوان درس رو مینویسیم.

عنوان درس: من بزرگتر می شوم.

در قسمت بعدی انتظارات یادگیری مطرح میشه. با توجه به اهداف درس و محتوای آموزشی به تعیین دقیق انتظارات یادگیری میپردازیم. باید دقیقا مشخص کنیم که دانش آموزان ما چه کاری رو باید انجام بدهن د.

انتظارات یادگیری (در این درس):

- دانش آموز بتواند کاربردهای شناسنامه را بیان کند.

- دانش آموز بتواند فرم مشخصات شناسنامه ای خود را به طور کامل و صحیح تکمیل کند.

همانطور که به خاطر دارید یکی از قسمت های اساسی در طراحی واحد یادگیری، مشخص کردن مواد آموزشی، وسایل و ابزار مورد نیاز هست. با توجه به امکاناتی که داریم و با توجه به نیازها و شرایطی که دانش آموزان دارد و البته با در نظر گرفتن اهداف و محتوای آموزشی، و وسایل مورد نیاز رو تعیین میکنیم.

در این مثال:

مواد و وسایل مورد نیاز:

- کتاب درسی

- شناسنامه معلم

- تصویر شناسنامه ای دانش آموزان

- اسلاید حاوی تصویر صفحه اول شناسنامه معلم

بعد از این قسمت قرار بود که شرح اجمالی را در خصوص آنچه که می‌خواهیم ارائه دهیم مشخص کنیم. برای ارائه درس در ابتدا مشخص می‌کنیم که از چه روش‌هایی استفاده می‌کنیم. همانطور که قبلاً هم گفته شد یکی از راه‌های استفاده از روش‌های تدریس رویکرد تلفیقی است. یعنی ما در ارائه یک درس تنها از یک روش یا دهی-یادگیری استفاده نمی‌کنیم و روش‌های متنوعی رو به فراخور نیاز به کار می‌بریم. در خصوص این درس برای آغاز تدریس داستان کتاب را در کلاس درس برای دانش‌آموزان قرائت می‌کنیم. سعی کنیم که در قرائت این داستان و داستان‌های دیگر زیر و بم و طنین صدامون رو تغییر بدیم و خواندن داستان رو برای دانش‌آموزان ج‌ذاب کنیم.

در قسمت بعدی باید یک سری سوال رو از دانش‌آموزانمون بپرسیم. علت اینکه سوالات را می‌پرسیم این هست که تمرکز و توجه دانش‌آموزانمان را به محتوای درس جلب کنیم. سوالاتی که در این قسمت می‌تونیم مطرح کنیم برای نمونه عبارتند از: (با توجه متن در انتخابی در مثال)

پرسیدن سوال از متن داستان:

- چرا پرستار کف پای حمید را جوهری کرد؟

- چرا خواهر حمید با دیدن او جیغ کشید؟

- چرا مادر گفت که باید برای حمید دفترچه بیمه بگیرند؟

بعد از اینکه داستان را برای دانش‌آموزان خونديم و این سوالات مطرح شد اگر دانش‌آموزان به دقت به داستان گوش نکرده باشند، با توجه به این سوالات که مطرح شد مجبور می‌شوند که دوباره به داستان مراجعه کنند و در خصوص آن فکر کنند. در ادامه برای ارائه درس از بچه‌ها سوال می‌کنیم و با روش پرسش و پاسخ کارمان را پیش می‌بریم. از دانش‌آموزان می‌پرسیم:

ارائه درس (پرسش و پاسخ):

- بچه‌ها کسی هست که در خانه (یا در خویشاوندان نزدیک) نوزاد کوچک داشته باشند؟

- نوزادان چگونه هستند؟ (ویژگی نوزادان)

با توجه به پاسخ پرسش‌هایی که دانش‌آموزان به سوالات ما می‌دهند به جریان یاددهی-یادگیری جهت می‌دهند. در قسمت بعدی که همچنان به ارائه درس مربوط می‌شو، از روش نمایشی استفاده می‌کنیم.

برای اینکار:

- نشان دادن اصل شناسنامه معلم به دانش‌آموزان و توضیح در مورد آن و اینکه همه ایرانیان شناسنامه دارند و به آرم جمهوری اسلامی روی جلد شناسنامه تاکید می‌کنیم.

- سپس معلم از طریق اسلاید صفحه اول شناسنامه خود را روی تخته نمایش می‌دهد و هر قسمت را توضیح می‌دهد.

در مرحله بعد، که همچنان به ارائه درس مربوط میشه، به دفتر مدرسه مراجعه می‌کنیم. برای اینکار لازم هست که از قبل با

معاون مربوطه یا مدیر مدرسه هماهنگی های لازم رو انجام داده باشیم. از معاون مدرسه و یا مدیر محترم آموزشگاه می‌خواهیم تا تصویر شناسنامه دانش آموزان رو که در پرونده اون‌ها وجود دارد را در اختیارشون قرار بده. با اینکار دانش آموزان ما نسبت به یکی از کاربردهای مدرک شناسای شون یعنی شناسنامه آگاهی پیدا میکنند. در قسمت بعدی که مربوط میشه به جمع بندی درس بعد از اینکه به کلاس برگشتیم از دانش آموزانمون می‌خواهیم با توجه به توضیحات ارائه شده پاسخ سوالاتی که مطرح میکنیم را بدهند. از آنها می‌خواهیم که روی تصویر شناسنامشون تاریخ تولدشون رو مشخص کنند و همچنین می‌خواهیم محل صدور و تاریخ صدور شناسنامه و تاریخ تولدشون رو هم مشخص کنند. بعد از آن مرحله ارائه تکلیف و ارائه پروژه میرسه. این مرحله همانطور که قبلا هم گفتیم مرحله مهمی در طراحی واحد یادگیری هست. مثلا در این قسمت، از دانش آموزان می‌خواهیم که برای جلسه آینده برگه شماره ۱ صفحه ۳ کتاب رو پاسخ بدهند و از طریق گفت و گو و مصاحبه با پدر و مادرشان پنج مورد از مواردی که در آن نیاز به کاربرد شناسنامه بوده را بنویسند.

و در نهایت به عنوان مرحله پایانی، محورهای ارزشیابی را مشخص میکنیم.

مثال:

- دانش آموزان باید کاربردهای شناسنامه را بی ان کنند و فرم مشخصات شناسنامه ای خود را بدون کمک دیگران تکمیل کنند.

برای هرکدام از این فعالیت ها، زمانی را اختصاص می دهیم. باید یادمان باشد که در تمام اینکارها ما دست به پیش بینی و پیش نگری زدیم.